

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره عرفان اسلامی و نقل برخی از نظراتی که در مورد آن بیان شده است (صص ۲۹۴-۲۹۳).  
۱-۲. بررسی جلوه‌های عرفان در آثار سعدی: " شیخ اجل سعدی به تصوف مایل و در جستجوی حقیقت بود و در اثنای سیر و سیاحت در بلاد مختلف از خدمت مردان خدا و همت مشایخ، صفای باطن می‌طلبید و در مکان‌های مقدس به اعتکاف و عبادت و خلوت می‌پرداخت و معتقد بود که در سیر به سوی ساحت قدس الهی، طیران آدمیت تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد (ص ۲۹۵).  
در بوستان از احوال و اقوال بزرگانی چون: جنید، شبلی، بایزید بسطامی، ذوالنون مصری، داوود طایفی، سرب سقظی، معروف کرخی، شهاب‌الدین سهروردی و حاتم اصم سخن رانده است. یکی از مشایخ بزرگ صوفیه که سعدی محضر وی را درک کرده و از تعلیمات و وصایای او سود برده شیخ شهاب‌الدین ابوحفص عمر بن محمد است. (ص ۲۹۵) ولی نه چنان است که مویه‌مو پیروی آیین تصوف را فرض بشمارد، بلکه در بسیاری از مسائل به حکما و اهل سیاست نزدیک شده و در پاره‌ای مطالب وجهه دینی را مقدم داشته است ... اما نه سهرودی می‌شود تا یکسره خود را تسلیم رویاهای صوفیانه کند و نه ابن‌جوزی می‌شود تا صوفیه را بکلی فریب‌خورده دیو و شیطان بیندارد (ص ۲۹۶) در عقیده تصوف و مشرب عرفانی شیخ جای هیچ گونه تأمل و شبهه نیست " (ص ۲۹۷).

۱-۳. تقسیم جلوه‌های عرفان در آثار سعدی به چهار بخش:  
۱-۳-۱. اصطلاحات تصوف و نقل قول برخی از مشایخ صوفیه در آن باره، از قبیل پیر، حالت، خرابات، دل، ذکر و ... (ص ۲۹۸).  
۱-۳-۲. نام عرفا و مشایخ بزرگ صوفیه و نقل حکایات و اقوال آنان، از قبیل شبلی، بایزید، حاتم‌اصم، معروف کرخی و ... (ص ۲۹۹).  
۱-۳-۳. طرح مسائل تربیتی و اخلاقی از دیدگاه عرفان، مانند ذکر، وجد، سماع، رضا، تسلیم و ... (ص ۲۹۹).  
۱-۳-۴. تلمیحاتی از بوستان که برخی از آنها در سایر کتب ادبی قبل از زمان شیخ نیز آمده است. از قبیل سجاده بر آب افکندن که در کتاب کلیله و دمنه در ضمن حکایتی بدان اشاره رفته است (ص ۳۰۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۵ بار، قصاید ۶ بار، گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله اگر چه برخی از جلوه‌های عرفان در آثار سعدی با ذکر مثال کاویده شده، اما هیچ سخن تازه‌ای (اضافه بر آنچه پیش از این درباره عرفان سعدی منتشر شده) ارائه نگردیده است. در این مورد علاوه بر کتاب " مکتب عرفان سعدی " از صدرالدین محلاتی (۱۳۶۶ ش.) مقاله‌های متعددی نیز فراهم آمده است، از جمله: ۱. مکتب عرفان سعدی (در سه شماره)، صدرالدین محلاتی، (سال ۱۳۴۴).

۲. سعدی و تصوف، عبدالعلی دستغیب، (سال ۱۳۴۵).  
۳. اشارات توحیدی و عرفانی و سخنان صوفیانه سعدی، خلیل رحایی (سال ۱۳۵۰).  
۴. تجلی عرفان در غزل‌های سعدی، صدرالدین محلاتی (سال ۱۳۵۰).  
۵. تصوف در سعدی، بدیع‌الله دبیری‌نژاد (سال ۱۳۵۰).  
۶. عرفان سعدی، دکتر علی‌محمد مزده (سال ۱۳۵۰) و ...  
۴-۲. نشانی نقل‌قول‌ها و مثال‌های شاهد مشخص نشده است.  
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. شاعری اندیشه‌ور، کلک، شماره چهار، تیر ۱۳۶۹، صص ۶-۷.

## جمعیت در آثار شیخ سعدی، علیه‌الرحمه (۱)، ارژنگ امیرخسروی، فصلنامه علمی پژوهشی جمعیت، دوره اول، شماره ۲ و ۳، بهار ۱۳۷۲، صص ۵۵-۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مقام رفیع سعدی و انگیزه تحقیق: " عاملی که توجه به آثار سعدی از دید جمعیتی را ایجاد کرد (بجز تشویق دوستان) وجود کتبی از قبیل گلستان، بوستان و نصیحة‌الملوک در آثار سعدی است " (ص ۳۱).  
۱-۲. تأکید بر اجتماعی بودن سعدی و آثارش (صص ۳۲-۳۱).

۱-۳. بررسی زن از دیدگاه سعدی با توضیح درباره مسائل اجتماعی آن عصر: " ... فرمانبری، پارسایی، خوشخویی، آراستگی، مستوری، هم‌سن و سال بودن، زیبایی صوری، توافق اخلاقی، خیرخواهی و علم‌جویی از جمله صفاتی است که سعدی برای انتخاب همسر توصیه کرده است. " (ص ۳۳).

سعدی به شدت طرفدار مستوری زن و مخالف حضور زن در جامعه است ... در مورد خوبی‌های زن نوشته‌های سعدی متناقض است، در جایی مطلبی گفته و در جای دیگر عکس آن را آورده است. سعدی به شدت مخالف وجود اختلاف سن زوجین است ... (ص ۳۶).  
گفتار او در مورد زنان نه تنها منصفانه نیست بلکه موهن هم هست ... شیخ شیراز رغبتی به مهریه نشان نمی‌دهد ... راه حل پیشنهادی شیخ برای رهایی از قید مهریه یا رویه معمول او که دعوت به اعتدال در کارهاست سازگاری ندارد " (ص ۳۷).

۱-۴. بیان تأکید سعدی بر آموزش و نتایج آن (ص ۴۲): " سعدی استعداد فرد را عامل مهمی در آموزش دانسته و بر آن تأکید کرده است و حتی صرف وقت و امکانات برای افراد بی‌استعداد را بی‌هوده دانسته است " (ص ۴۳). از دیدگاه [ سعدی ] بین دو انسان تعلیم یافته و تعلیم نیافته شکافی پرنشدنی است (ص ۴۵). سعدی بر آموزش پیشه و هنر تأکید دارد ... مثلاً برای یک فرد مهاجر بازرگانی، تخصص علمی، موسیقی‌دانی و دانستن پیشه خاص را ضروری می‌داند (ص ۴۹). در جای جای آثار سعدی از جور آموزگار صحبت شده است و سعدی در کلیه این موارد رفتار خشن با دانش‌آموز را توجیه‌پذیر دانسته است " (ص ۵۰).

۱-۵. ذکر نظر سعدی درباره تعداد عائله: " شرایط خاص زمانی سعدی که یک استثنای در تاریخ کشور محسوب می‌شود اقتضا می‌کند که شیخ در مورد تعداد عائله یا مطلبی ننویسد یا اگر می‌نویسد در جهت تشویق افزایش تعداد باشد تا بدین وسیله جبران مافات شده باشد ... شواهدی هم در آثارش می‌توان پیدا کرد که او را تا حد مصداق یک متشرع قشری پایین آورده است. مثلاً در جایی که برای خدا، دوست و دشمن تصور می‌کند و آن هم دشمنانی از جنس آدمیزاد ... (ص ۵۱) سعدی به درستی دریافته است که فراغت بافاقه نبیوند و جمعیت در تنگدستی صورت نیند ... شیخ در عین وقوف به عسر ناشی از کثرت اولاد و عیال و توصیه به مهار شهوت و دعوت به اعتدال در کلیه امور به دلیل توجه خاص به عامه مردم و فقر ایشان در اکثر آثارش رعایت حال آنان را توصیه کرده است " (ص ۵۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۶۱ بار، بوستان ۲۷ بار، قطعات ۲ بار، قصاید ۱ بار، هزلیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. با توجه به تأکید سعدی بر مسائل اجتماعی در آثارش، بررسی این موضوع در آثار او بی‌گمان برای شناخت کامل‌تر او مفید خواهد بود و تا زمان نشر این مقاله، نیز نوشته‌های متعددی به این موضوع در آثار سعدی پرداخته‌اند و این نوشته مفصل نیز

(که بخش دوم آن نیز در شماره ۳ و ۴ همین نشریه، صص ۹-۱۹، به چاپ رسیده است) - بدون آنکه سخن چندان تازه‌ای عنوان کرده باشد - به شرح همین موضوع پرداخته است.

۴-۲. نویسنده در صفحه ۳۳ درباره معنی واژه "خوب" برای زن، دچار اشکال است و بعد از توضیحات مفصل و کمک گرفتن از منابع دیگر، می‌نویسد "... در فرهنگ امروز خوب و بد مطلق جایی ندارد و وجود خارجی هم نمی‌توان برای آن پیدا کرد و خود سعدی هم شواهدی ارائه نداده که بر اساس آن مفهوم خوب و بد دریافت شود..." در صفحه ۳۴ نیز مثال‌هایی را از سعدی بیان کرده است و در همه این توضیحات و مثال‌ها آشکار است که نویسنده مقاله به معنی مسلم "خوب" یعنی "زیباروی" توجه نداشته‌اند. خوب در این معنی (خوش‌چهره) پیش از سعدی نیز بسیار کاربرد داشته است، از جمله:

ناز اگر خوب را سزاست به شرط نسزد جز تو را کرشمه و ناز رودکی، به نقل از لغت‌نامه دهخدا

که زشت از خوب و نیک از بد بدانی به دل کاری سگالی کش توانی ویس و رامین، به نقل از لغت‌نامه دهخدا

در این موضع از بوستان سعدی نیز، بی‌گمان، خوب در معنی زیباروی به کار رفته است و سعدی بر آن است که:

زن خوب و فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا

کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، چاپ سوم ۱۳۶۸، ص ۲۵۵

اما اخلاق نیک از چهره زیبا هم بهتر است:

زن خوش‌منش دلستان‌تر که خوب که آمیزگاری ببوشد عیوب

همان کلیات، ص ۲۵۵

نویسنده در صفحه ۳۴ می‌نویسد: "در مورد خوب‌رویی زن نوشته‌های سعدی متناقض است. در جایی مطلبی گفته و در جای دیگری عکس آن را آورده است" و سپس باز هم برای شاهد گفتار خود ابیات پراکنده‌ای را از باب هفتم بوستان برگزیده‌اند که اولاً یکی از آن ابیات (مبین دلفریبش چو...) از حکایتی دیگر است و مربوط به "شاهد خانه کن است که خود را به هر مجلسی شمع می‌کند و هر روز با کسی است، نه همسر زیباروی، ثانیاً بقیه بیت‌ها هیچ‌گونه تناقضی ندارند. معنای آشکار ابیات برگزیده چنین است: "اگر زن محجوب و زیبا باشد، شوی او به واقع در بهشت است و اگر او پارسا و خوش سخن باشد [به دلیل اهمیت این ویژگی] زشتی و زیبایی او دیگر اهمیت چندانی ندارد. زیرا زن زشت‌چهره خوش‌اخلاق همواره بهتر است از زن خوش‌چهره زشت‌خوی. و اگر مردی گرفتار زن زشت‌خوی باشد سفر از آن خانه، مثل عید برایش خجسته و خوشایند است."

می‌بینیم هیچ تناقضی در این گفتار نیست، بلکه سخن بسیار معقول و مناسب در هم تنیده شده است.

۴-۳. در صفحه ۳۷ نیز می‌نویسد "شیخ شیراز رغبتی به مهریه نشان نمی‌دهد و..." مثال‌هایی که عنوان شده، هیچ کدام نشان دهنده بی‌رغبتی سعدی به مهریه نیست و مثال‌های زیباروی نیز می‌تواند بیانگر اندیشه اصیل سعدی در این موضوع باشد.

۴-۴. در صفحه ۴۲ موضوع بحث آموزش است اما مثال‌ها در مورد هنر است و بی‌گمان مفهوم "هنر" با مفهوم آموزش تفاوت دارد...

۴-۵. نشانی مثال‌ها و نقل‌قول‌ها مشخص نشده است.

## جمعیت در آثار شیخ سعدی، علیه‌الرحمه (قسمت دوم)، ارزنگ امیرخسروی، فصلنامه علمی پژوهشی، جمعیت، دوره اول، شماره ۵ و ۶، بهار ۱۳۷۲، صص ۹-۱۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تأثیر رویدادهای نادر در زندگی افراد و بررسی این نمونه‌ها در آثار سعدی (صص ۹-۱۱) با طرح سؤال در این موارد: "سعدی چرا این مسئله را مطرح می‌کند؟ آیا قصد وی متنبه ساختن مخاطب است یا خودش... سازگاری بین این قبیل موارد و تفکر متعادل سعدی در کجاست؟... اگر چه موارد قبلی از نقاط ضعف آثار سعدی است، ولی در زمان شیخ وقوع این قبیل امور و تکرار آنها به حدی بوده که از رده احتمالات نادر خارج شده است... (ص ۱۱) پس نوشته‌های سعدی در مورد اتفاقات نادره اولاً جهت عبرت جهانیان بوده است، ثانیاً معمول شر ایط زمانی و مکانی است." (ص ۱۴).

۱-۲. تشریح نظر سعدی درباره کودکي (صص ۱۶-۱۴) و نتیجه اینکه: "این اشعار و اشعار مشابه که با سبک و سلیقه سعدی در بیان صریح و ساده رویدادهای زندگی سازگاری کامل دارد بیانگر شناخت سعدی از واقعیت‌های زندگی و رابطه و رفتار با فرزندان است" (ص ۱۶).

۱-۳. توضیح درباره عمر سعدی و کهولت او و مقایسه سخنان سعدی درباره پیری با سخنوران دیگر (صص ۱۹-۱۶) و نتیجه اینکه: او به آستانه پیری رسیده است ولی به اعتقاد این جانب سخن از عمر صدویست ساله برای وی بسیار جای تأمل دارد." (ص ۱۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. ترجمه تاریخ یمینی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۷ بار، گلستان ۳ بار، غزلیات ۲ بار، قطعات ۲ بار، مثنویات ۱ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که در همین نشریه (دوره اول، شماره ۲ و ۴، بهار ۱۳۷۲، صص ۵۵-۳۱) چاپ شده است. نویسنده نزدیک به نیمی از مقاله خود را به موضوع رویدادهای نادر و سعدی اختصاص داده (صص ۹-۱۴) و حکایت "پیاده‌ای سر و پا برهنه با کاروان..." را به عنوان نمونه‌ای از حکایت‌هایی که در آنها امور نادر اتفاق افتاده بیان کرده است و پرسیده: "چرا این قبیل اتفاقات در آثار شیخ ظاهر می‌شود و هدف از درج آنها چیست؟ این از سؤالاتی است که پاسخ‌گویی به آنها آسان به نظر نمی‌رسد (ص ۱۰)... معلوم نیست که شترسوار به چه دلیل به پیاده‌ای که نظر او را نخواست، پند و اندرز می‌دهد... سازگاری بین این قبیل موارد و تفکر متعادل در کجاست؟... به نظر این جانب اگر چه موارد قبلی از نقاط ضعف آثار سعدی است... (ص ۱۱). برای روشن شدن مطلب حکایت سعدی را مرور می‌کنیم: در یک مسافرت (از کوفه به حجاز) سواره‌ای به پیاده‌ای سر و پا برهنه و فقیر هشدار می‌دهد که این سفر خطرناک است برگرد که در این سفر سخت ممکن است تلف شوی، فقیر به هشدار شترسوار توجهی نمی‌کند. اتفاقاً در یکی از منازل راه سواره را اجل فرا می‌رسد و می‌میرد. درویش بر سر بالین او می‌آید و می‌گوید "ما به سختی نمریدیم و تو بر بختی [نوعی شتر] مردی

"شخصی همه شب بر سر بیمار گریست چون روز شد او بمرد و بیمار بزیست"

در این حکایت طبیعی چه نقطه ضعفی وجود دارد؟!

اتفاقاً این حکایت این‌قدر طبیعی است که بیت نتیجه آن "شخصی همه شب بر سر بیمار... به عنوان یک ضرب‌المثل اقبال عام یافته است. و روزانه بر زبان بسیاری روان است. نویسنده پس از آن گویا برای کاهش ضعف سعدی قرآینی را از ترجمه تاریخ یمینی مثال می‌آورد (صص ۱۳-۱۱) که تنها موجب افزایش حجم مقاله شده است.

۴-۲. نویسنده با استناد به نمونه‌هایی از سخن سعدی که در آنها از پیری سخن رفته نتیجه گرفته‌اند که: این اشعار به نوبت خود... این احتمال را تقویت می‌بخشد که شاید سعدی از عمر تخمینی [بیش از صد سال] که برای وی ذکر کرده‌اند، برخوردار نبوده است، وگرنه علائم پیری می‌باید بیش از این در گفتارش بازتاب پیدا می‌کرد." (ص ۱۷).

اولاً؛ زندگی طولانی سعدی قولی است همگانی و همه کسانی که تا کنون درباره طول عمر سعدی سخن گفته‌اند به این امر مسلم اشاره داشته‌اند (از ۸۵ سال تا ۱۲۰ سال). اختلاف نظرها برسر عمر بیش از صد سال و کمتر از صد سال است، نه درک ایام پیری!

ثانیاً؛ برای دریافت تفاوت مثلاً پیری ۹۰ ساله و پیری ۱۱۰ ساله چه معیاری در سخن می‌توان جست که در اشعار سعدی نیست به عبارت دیگر کدام یک از سخنان سعدی بیانگر پیری زیر صد سال است که نمی‌تواند بیانگر پیری بالای صد سال باشد؟!

ثالثاً؛ نویسنده نمونه‌هایی از سخنان رودکی و عنصرالمعالی را (که در وصف پیری است) در مقابل گفته‌های سعدی، شاهد گرفته و به این نتیجه رسیده است که " ... جز پیران کسی از این عارضه تعجب نمی‌کند و حال وی را در نمی‌یابد." آیا بیت " مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود ... " لزوماً نشان دهنده عمر بالای صد سال است - که رودکی آن را درک کرده و سعدی درک نکرده است؟! آیا با این دلایل می‌توان به این نتیجه غریب رسید که عنصرالمعالی و رودکی به جهت داشتن چنین سخنانی، بیش از سعدی زیسته‌اند؟

۴-۳. نشانی نقل قول‌ها و مثال‌های شاهد مشخص نشده است.  
۴-۴. غلط‌های چاپی مقاله نیز کم نیست؛ از جمله: ص ۱۰، س ۱۶: سختی (بریختی) و ص ۱۱، س ۵: برو پا (سر و پا) و س ۱۷: فقر (فقیر) و ص ۱۵، س ۱۲: شبانگرد (شبانگه) و ص ۱۷، س ۲: جست (جست) و ... .

## جنبه اجتماعی و اخلاقی در آثار سعدی ، دکتر شریف‌النساء انصاری، ایندو ایرانیکا، ۳۶، ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ ش.)، صص ۸-۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار سعدی از نظر امور اجتماعی، با استناد به برخی از سخنان او (صص ۸-۱)، از جمله: " از خواندن آثار سعدی، عهد استبداد و خودسری امرای ترک و مغول در ذهن قاری مصور و به طور وضوح دشواری وظایف او مجسم می‌شود (ص ۲). گلستان کتابی است که در پیرایه حکایت، تأملات و تفکرات سعدی را در بر دارد و نمودار اوضاع و احوال اجتماع و نماینده طرز فکر و طرز تعقل ایرانی است (ص ۴). بوستان مملو از مطالب جذاب و فتان است و موضوعات انصاف و گذشت و جوانمردی را با تمثیل‌های ارزنده‌ای احاطه می‌کند و محسوس‌ترین نقطه ضعف مردم در ذهن خواننده مرتسم می‌شود (ص ۵).

سعدی قصاید می‌سرود ولی هیچ‌گاه برای جلب نفع و به دست آوردن پول مدح نکرده بود. شعر وی هدف اخلاقی و اجتماعی یا سیاسی را در بردارد و شعرش که از قلب برمی‌خیزد، به قلب دیگران نفوذ می‌کند " (ص ۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۲ بار، بوستان ۸ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته بر ارزش‌های اجتماعی آثار سعدی با استناد به سخنان او تأکید شده اما سخن تازه‌ای مطرح نشده است.

۴-۲. بجز ضعف تألیف برخی از جمله‌ها (مانند این جمله: " بخل و امساک تا وقتی که زیانش به دیگری نرسد و نتیجه آن عاید خود شخص شود با همه اکراه بیشتر قابل نکوهش نیست ... "، صص ۲-۳) این نوشته از اشتباهات متعدد چاپی نیز در امان نمانده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۱، س ۷: ابوالفرج (ابوالفرج) و س ۱۰: مفعول (مغول) و س ۱۹: یلنگی (یلنگی) و ص ۲، س ۱۲: وضوع (وضوح) و س ۲۱: تنکر (تفکر) و ص ۳، س ۱۷: قرار می‌گردد (قرار می‌گیرد) و ص ۴، س ۸: مسلمیست (مسلم است) و ... .

## جنبه‌های معنوی سخن سعدی ، دکتر علی‌محمد مزده، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۲۷-۲۱۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره اهمیت سخن سعدی: " همان‌گونه که سخن سعدی به صفت سهل ممتنع موصوف است سخن گفتن از وی، هم آسان می‌نماید و هم مشکل. آسان از آن رو می‌نماید که شیخ افکار عالی‌ه خود را در صورتی و شکلی بسیار ساده و زیبا بیان کرده به‌گونه‌ای که کودک دبستانی هم آن را می‌فهمد و مشکل می‌نماید از آن جهت که بالاترین و حتی مرموزترین افکار و آرای انسانی را در کلماتی بسیار نرم و لطیف و ساده و خوش‌آهنگ آن‌گونه گنجانده که اهمیت موضوع در نظر خواننده و شنونده آشکار نمی‌گردد " (ص ۲۱۵).

" شیوه نگارش شیخ اجل مبتنی بر ایجاز بوده و کار وی بر اساس خلاقیت و ابداع صورت گرفته است " (ص ۲۱۸).  
۱-۲. نقل داستان قائنی و سوزاندن اشعارش به جهت تأثیری که از شنیدن بی‌تی از غزل‌های سعدی به او دست داده (ص ۲۱۸) و نقل سخن معتمدالدوله نشاط درباره بی‌تی از سعدی (ص ۲۱۹).

۱-۳. مقایسه سعدی با انوری و سنایی و ظهیر و ... در قصیده‌سرایی (صص ۲۲۰-۲۱۹).  
۱-۴. اشاره به بی‌همتایی گلستان در نثر (ص ۲۲۰).

۱-۵. تأکید بر معنویت سخن سعدی و افکار عرفانی او (صص ۲۲۶-۲۲۱): " سعدی را در شعر و ادب به صفت افصح‌المتکلمین موصوف ساخته‌اند در تصوف و عرفان وی را شیخ نامیده و حتی سالک مجذوب گفته‌اند که در اصطلاح اهل سیر و سلوک به کسی گفته می‌شود که شایسته مقام ارشاد و رهبری سالکان طریق باشد (ص ۲۲۱) ... از آن رو که سعدی دلی پر از عشق به بشریت داشته و وجود عزیزش آکنده از مهر و محبت بنی‌نوع انسانی بوده، همواره بدین نکته اشاره کرده که هر فردی باید خود را در برابر جامعه مسؤول داند (ص ۲۲۴) افصح‌المتکلمین سعدی، با آنکه شاعری عارف است و سخنش باید صرفاً چکیده احساس و عاطفه باشد نه منطق و استدلال - آن‌گونه که شیوه فلاسفه است - وی با هنرمندی و مهارتی شگرف این هر دو را در هم آمیخته. " (ص ۲۲۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۶ بار، گلستان ۵ بار، غزلیات ۵ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این گفتار بر جنبه‌های معنوی کلام سعدی تأکید شده ولی سخن تازه‌ای بیان نشده است.

۴-۲. نشانی نقل قول‌ها و مثال‌ها کامل نیست. به عنوان مثال در این مقاله ۱۷ بار به آثار سعدی استناد جسته شده اما در بخش یادداشت‌ها (ص ۲۲۷) تنها به نشانی دو مورد - آن هم به گونه‌ای ناقص - اشاره شده است.

جنگ بیاض، استاد حافظ ، ایرج افشار، یغما، سال بیستم، شماره هفتم، مهر ۱۳۴۶، صص ۲۷۳-۲۶۵.  
\* این مقاله یک بار دیگر با عنوان " جنگ بیاضی از عصر حافظ - حاوی نسخه مضبوط و مشکوٰت از مثلثات سعدی " در مجموعه کمینه چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده در همین مجموعه.

جنگ بیاضی از عصر حافظ - حاوی نسخه مضبوط و مشکول از مثلثات سعدی، ایرج افشار، مجموعه کمینه، تهران ۱۳۵۴، صص ۷۰-۵۸.

چاپ‌های دیگر: ۱. یغما، سال بیستم، شماره هفتم، مهر ۱۳۴۶، صص ۲۷۳-۲۶۵ (این مقاله با نام "جنگ بیاض، استاد حافظ" به چاپ رسیده و تصویر چند صفحه از مثلثات سعدی را نیز در پی دارد).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی نسخه‌ای خطی از يك جنگ: " این جنگ ۱۴۴ ورقی، بیاضی شکل و به قطع رفعی است. کاغذش بغدادی و نخودی رنگ و مجدول به شنگرف است ... از ظاهر جنگ برمی‌آید که بیش از چهار ورق افتادگی ندارد. حتی احتمال داد که فقط يك ورق از قصیده مشهور سعدی به مطلع " شکر و سپاس و منت و عزت خدای را " که قسمتی از آن یعنی از اواسط قصیده باقی است، از نسخه ساقط گردیده ...

جنگ به خط نسخ خوش ... " شمس حاجی شیرازی " و مورخ به روز جمعه ۱۷ جمادی‌الاولی سال ۷۵۱ ... است (صص ۵۹-۵۸). کاتب خود شاعر و در شعر سخت تحت تأثیر سعدی است. در شعر " شمس حاجی " تخلص می‌نماید ... " (ص ۶۰).

۱-۲. شناسایی جامع جنگ یاد شده در برخی از منابع، با این نتیجه‌گیری: " چون جامع جنگ مورد معرفی تا سال ۷۵۱ که سال کتابت جنگ است، قطعاً در حیات بوده و " شمس حاجی " تخلص می‌کرده و شیرازی بوده، می‌تواند همین شمس‌الدین عبدالله متوفی در ۷۷۲ یا ۷۸۲ باشد ... " (ص ۶۱).

۱-۳. نقل برخی از مطالب جنگ یاد شده (صص ۶۲-۶۳).

۱-۴. اشاره به اشعار سعدی در جنگ مورد نظر: " شمس حاجی در جنگ خود از اشعار سعدی بیش از شعرای دیگر اختیار کرده است. اشعار مختار او اغلب فرد اول و ممتاز است ... در يك جای از این جنگ سعدی را با عنوان " تاج‌العارفین " نام می‌برد.

مسلم است که این کاتب و جامع، اشعار سعدی را از روی نسخ یا نسخه معتبری نقل کرده و چون خود شاعر و صاحب ذوق اصیل بوده، اشعار را به صورت صحیح و نزدیک به روایت اصلی سراینده نقل کرده است. از همین لحاظ ضبطش تا حدود زیادی می‌تواند مورد اعتماد ما باشد. مخصوصاً ضبطی که از " مثلثات " (ملمع) سعدی با مشکول بودن عده‌ای از کلمات مشکله به دست داده است. به سبب آنکه ناقل خود شیرازی و نزدیک به عصر شاعر است، می‌تواند اصح نسخ موجود به حساب آید ...

غیر از مثلثات، از اشعار دیگر سعدی که نقل شده است، نیز ابیاتی را نقل می‌کنم تا ضبط این جنگ و تفاوت استعملات آن با نسخه مصحح مرحوم فروغی با همکاری حبیب یغمایی از کلیات سعدی معلوم شود " (صص ۶۸-۶۷).

۱-۵. نقل ابیاتی از قصاید و غزلیات سعدی از جنگ یاد شده (صص ۷۰-۶۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه خطی معرفی شده در مضامین اصلی (۱-۱).  
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۷ بار، قصاید ۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته نسخه‌ای خطی از يك جنگ (نگاشته شده در سال ۷۵۱) معرفی شده، که در آن جنگ برخی از سروده‌های سعدی نیز گردآوری شده است. این نوشته از دیدگاه نسخه‌شناسی ارزشمند است، و چنانچه ادعای زمان کتابت نسخه درست باشد، با توجه به شیرازی بودن کاتب و نزدیکی او به زمان سعدی، ضبط صورت سروده‌های سعدی در این جنگ، بویژه " مثلثات "، اعتباری ویژه می‌یابد.

۵. **تأییرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. نظری درباره مثلثات سعدی، دکتر کریم سنجابی، یغما، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۴۶، صص ۴۱۸-۴۱۴.

**جهان‌بینی تحلیلی سعدی و جهان‌بینی ترکیبی حافظ (۱)، عبدالعظیم یمینی، ارمغان، سال پنجاه‌وسوم، دوره چهلیم، شماره ۹، آذر ۱۳۵۰، صص ۶۲۲-۶۱۶.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره جهان‌بینی تحلیلی و جهان‌بینی ترکیبی (ص ۶۱۶).

۱-۲. تأکید بر تفاوت دید سعدی و حافظ به جهان هستی: " دلایل بسیار زیادی برای اثبات این نظر وجود دارد که سعدی و حافظ از دو دریچه مختلف به پدیده‌های طبیعت و عناصر سازنده حیات عقلی و اجتماعی بشر و به مسائل عصر و زمان خود می‌نگریستند و بینش فلسفی و اجتماعی آن دو کاملاً مغایر هم بوده است ... " (ص ۶۱۷).

۱-۳. بیان دو طریق برای رسیدن به شناخت حقیقی شخصیت‌های ادبی؛ یکی از طریق بررسی اوضاع اجتماعی، اخلاقی، مذهبی و محیط تربیتی و شرایط زندگی و دیگری از طریق مراجعه مستقیم به گفتارشان و انتخاب طریق دوم در این مقاله با ارائه دلیل (صص ۶۳۰-۶۱۹).

۱-۴. یادکرد تفاوت‌های سعدی و حافظ، از جمله: " به نظر می‌رسد سعدی دنیا را آن طور می‌دید که همه ما می‌بینیم بجز حافظ و حافظ دنیا را طوری می‌دید که هیچ يك از ما نمی‌بینیم، حتی سعدی. از نظر سعدی همه اصول و مقررات موضوعه زندگی ما حقیقی و واقعی و مورد اعتماد و قابل اتکاست و این نظامات و ضوابط باید رعایت شود ... این‌ها مسائل کوچک و مبتلا به ما در زندگی است. ما این امور را هم درک می‌کنیم و هم به آنها احاطه داریم، زیرا عموماً کوچک و جزئی می‌باشند، ولی مسائل را که حافظ مطرح می‌کند، ما فقط درک می‌کنیم، بدون آنکه به آنها تسلط و احاطه داشته باشیم (ص ۶۲۱). سعدی عناصر متشکله حیات را از پایین‌ترین سطح آن به صورت مجزی از یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهد، در حالی که خلاقیت اندیشه حافظ کاملاً در جهت عکس آن است. جهان‌بینی حافظ علاوه بر اینکه ناظر بر بالاترین سطح اندیشه‌ای است که تاکنون بشر به آن دست یافته از شمول و کلیتی فوق‌العاده برخوردار است.

توجه به کلیات در حافظ و تکیه بر جزئیات در سعدی، جالب‌ترین وجه تمایز فکری این دو نابغه سخن فارسی است و تحت تأثیر همین بینش مستقل فلسفی هر يك به راهی رفته‌اند که بکلی با راه دیگری مغایر است " (ص ۶۲۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی و دیوان حافظ (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش اول مقاله است، ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله که در شماره ۱۰، سال پنجاه‌وسوم، دی ماه ۱۳۵۰، مجله ارمغان چاپ شده است.

**جهان‌بینی تحلیلی سعدی و جهان‌بینی ترکیبی حافظ (۲)، عبدالعظیم یمینی، ارمغان، سال پنجاه‌وسوم، دوره چهلیم، شماره ۱۰، دی ماه ۱۳۵۰، صص ۶۷۹-۶۷۳.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش اول مقاله و بیان تفاوت سعدی و حافظ در نوع نگاه با استناد به برخی از سروده‌های آنها (صص ۶۷۹-۶۷۲).

" سعدی گل را می‌بیند و سؤال می‌کند غیر از خدا که می‌تواند این کار را انجام دهد؟ ولی حافظ می‌پرسد چرا خدا چنین می‌کند. اگر ضرورت داشت بماند، چرا رفت و اگر می‌بایست نماند چرا دوباره آمد؟ سؤال سعدی جزئی و سطحی است و سؤال حافظ کلی و عمقی. سؤال سعدی، سؤال یک کودک دبستانی از آموزگار است. سؤال حافظ سؤال یک فیلسوف از دستگاه خلقت (ص ۶۷۴).

با مشعلی که سعدی می‌افروزد ما پیش پای خود را بخوبی می‌بینیم و در پیچ و خم کوچه‌های جهل و ظلمت درمانده نمی‌شویم، ولی در مسیر زندگی فقط کوچه‌های باریک و تاریک نیست. گاهی بیابانی بیکران و هول‌انگیز در دیدگاه خود می‌بینیم که در هیچ سوی آن مسیری به چشم نمی‌خورد و چنان در آن وادی دچار حیرت و سرگردانی می‌شویم که نمی‌دانیم هدف چیست و مسیر واقعی آن کدام است. این جاست که نورافکن حافظ از بالای سرما به طور گسترده و همه‌جانبه بر محیط می‌تابد (ص ۶۷۸) حافظ طراح است و سعدی مجری طرح. عده‌ای از صاحب‌نظران می‌گویند، نبوغ در طرح است و اجرا کار مغزهای کوچک‌تر است و عده دیگر در جواب می‌گویند در هیچ شرایطی نمی‌توان قوه را از فعل برتر دانست ... " (ص ۶۷۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی و دیوان حافظ (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۳ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله ارمغان (شماره ۹، آذر ۱۳۵۰، صص ۶۱۶-۶۲۲) به چاپ رسیده است. نگارنده در این مقاله با رعایت ایجاز در سخن، تفاوت دیدگاه سعدی و حافظ را از جهان پیرامون بررسی کرده و باز نموده است. و اساس تفاوت را در نوع نگرش آنها دانسته است: در جهان‌بینی تحلیلی سعدی و جهان‌بینی ترکیبی حافظ. البته تأکید نگارنده بر تفاوت نگرش سعدی و حافظ گاهی به اغراق کشیده شده و جمله‌هایی مانند جمله زیر را باعث گردیده: " هر يك به راهی رفته‌اند که بکلی با دیگری مغایر است " (بخش اول ص ۶۲۲).

۴-۲. چنانچه نشانی نمونه‌های شاهد مشخص می‌شد و به پیشینه این نوع نگرش نیز اشاره می‌شد ارزش علمی این نوشته افزایش می‌یافت.

جهان‌بینی در نظر سعدی (۱)، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، صص ۲۵۶-۱۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره تمدن جدید و لزوم استفاده از آثار ارزشمند پیشینیان (صص ۱۴۷-۱۴۵).

۱-۲. تأکید بر جایگاه بلند سعدی در ادب پارسی و اشاره به موضوع رساله حاضر: " موضوع بحث در این رساله پژوهش نظرات سعدی درباره ابواب هشت‌گانه‌ای است که در دیباچه گلستان مندرج است ولی تقسیم‌بندی آن از لحاظ هم‌آهنگی مطالب و مباحث که الزاماً از لحاظ نظم و نسق باید رعایت شود به صورت دیگری در می‌آید ... اگر بخواهیم تقسیم‌بندی گلستان را از نظر هم‌آهنگی موضوع و مطلب تدوین نماییم به شرح زیر به هدف نزدیک می‌شویم:

بخش نخست: روش پرورش، بخش دوم: دانش و کوشش، بخش سوم: اخلاق و منش، بخش چهارم: تصوف در نظر سعدی، بخش پنجم: مسافرت و اقتصاد، بخش ششم: عشق و خانواده، بخش هفتم: پرورش افکار بدیع، بخش هشتم: اندرزهای حکیمانه " (صص ۱۵۰-۱۴۹).

۱-۳. بخش نخست: روش پرورش (صص ۱۶۶-۱۵۰). توضیح درباره روش پرورش از نظر سعدی، از جمله: " روش پرورش در نظر سعدی وقتی نتیجه بخش است و تعلیم برای تربیت هنگامی مفید که اصالت و استعداد را شرایط محیط بپذیرد و اجتماع موزون و علم با عمل توأم باشد ... پیروان فرهنگ دینی در آغاز سخن، دفتر توحید و خدانشناسی و سپس نعمات ایزدی را می‌گشایند، سعدی نیز این شیوه مرضیه و سنت سنیه را رعایت کرده است " (ص ۱۵۰). " موضوع‌های دیگری که از نظر جهان‌بینی در امر تعلیم و تربیت مورد عنایت و توجه سعدی قرار گرفته، نخست قانون وراثت است " (ص ۱۵۲).

- توضیح درباره تأثیر وراثت در تربیت، از نظر دانشمندان (صص ۱۵۷-۱۵۵).  
" دومین عامل که تأثیر تعلیم و تربیت را خنثی یا بارور می‌کند، مسئله عادت است. عادت بتدریج جایگزین طبیعت و سرشت و وراثت می‌شود " (ص ۱۵۸).

- توضیح درباره مسئله حسادت از نظر سعدی (صص ۱۶۴-۱۵۹).

- توضیح درباره خلق و شخصیت و تأثیرپذیری آن از اجتماع (صص ۱۶۶-۱۶۴).

۱-۴. بخش دوم: دانش و کوشش (صص ۱۸۱-۱۶۶).

- بررسی موضوع دانش و آگاهی از نظر سعدی (صص ۱۷۲-۱۶۶).

- توضیح درباره ارزش سخن و شرایط سخن گفتن و محاسن و معایب هر کدام از نظر سعدی (صص ۱۸۱-۱۷۳).

۱-۵. بخش سوم: اخلاق و منش (صص ۱۸۹-۱۸۱).

" تاریخ در عصر سعدی آمیخته است به تمام خصایل خوب و بد بشری و سجایای زشت و زیبای آدمی. هر گونه مشاهده یا ملاحظه‌ای در روح جهان‌بینی سعدی نقشی به وجود آورده و صفحه‌ای از بند و اندرز را به یادگار گذارده است.

«سعدی نوع بشر را در مراتب نفسانی و مدارج عقلیه با همان تفاوتی که در خلقت وجود دارد با دیده بینا نگریسته و به همین جهت سعی بلیغ نموده که حد عالی فضیلت انسانی را در کمال اخلاقی مستقر سازد (ص ۱۸۱).

تعالیم سعدی مبنی بر تربیت و هدایت افراد بشر در شاهره علم و فضیلت و اخلاق است، از یک طرف به سعی و کوشش ارزش واقعی گذارده و بر ضد کسانی که تبلی و اوهام و خرافات را بهانه سیر در ملکوت قرار داده‌اند برخاسته و از جانب دیگر کسب اخلاق حسنه و درک حکمت را در سیر و سلوک و معارج روحانی لازم دانسته است " (ص ۱۸۳).

- تأکید بر مفهوم نیکوکاری، عاطفه و نوع‌دوستی در آثار سعدی (صص ۱۸۹-۱۸۴).

۱-۶. بخش چهارم: تصوف در نظر سعدی (صص ۲۱۲-۱۸۹).

سعدی در مطالعات اساسی به اینجا رسیده که دو روش اصلی برای تحصیل سعادت در نظر مردم مطلوب بوده است و غرض از مردم در اینجا خواصند و عوام: یکی فراهم ساختن وسایل مادی: مال و جاه و توانایی جسمانی و داشتن دوستان و محبان و خوشی‌های گوناگون عالم محسوس و دیگری یعنی روش دوم: درک لذایذ باطنی و معنوی مانند خویشترداری و خوش‌بینی و مقاومت روحی با قوه ایمان در برابر متاع و حرمان و رضا و تسلیم و پاسداری از تقوا و فضیلت و ورع " (ص ۱۹۰).

- توضیح درباره نظر سعدی در مورد تصوف: " از مطالعه بوستان و بعضی حکایات گلستان می‌توان استدلال نمود که سعدی معتقد به روش تصوف بوده و مشرب عرفان را برگزیده است ... اما با مطالعه مجموع آرا و نظرات او در کلیات، سعدی را نمی‌توان صوفی مخلص دانست. تعالیم عرفانی صوفی تا آنجایی مورد پسند سعدی است که در تعدیل اخلاق اجتماع نافع واقع شود، ولیکن به طور کلی تابع عقاید عرفانی نشده " (ص ۱۹۱).

- توضیح درباره سیر عرفان در یونان، حقیقت عرفان زردشت، تصوف در هند و ایران (صص ۱۹۵-۱۹۲).

- بررسی سیر تصوف در ایران (صص ۲۰۳-۱۹۸).

- توضیح درباره نظر سعدی نسبت به روش عوام‌فریبان، سیرت صوفیان صاحب‌دل و اوصاف عارفان با ایمان (صص ۲۱۲-۲۰۵).  
" سعدی در بیان تصوف طالب پدیده محفل و وجود جمعیتی است که فیض‌بخش سعادت برای جامعه انسانی و مصدر نفع و خیر و غایات مطلوب باشد. از ظواهر و خودنمایی‌ها می‌گذرد بلکه می‌گریزد و طرفدار اصلی است معنوی و ارادی و قلبی بین حیوانیت و اولوهیت و فضیلت در فرهنگ او که رکن اخلاق است، عبارت از فعالیت نفس است برای موافقت عقل سلیم، که باید کسب شود و با تمرین به درجه عادت و طبیعت ثانویه برسد " (ص ۲۰۸).  
۱-۷. بخش پنجم: در مسافرت و اقتصاد (صص ۲۳۳-۲۱۳).

- تأکید بر تأثیر سفر در تربیت آدمی و بررسی نظر سعدی درباره مسافرت و فواید آن (صص ۲۱۹-۲۱۲).  
- بررسی نظرات سعدی درباره اقتصاد، میانه‌روی و اعتدال (صص ۲۳۳-۲۲۰).  
۱-۸. بخش ششم: عشق و خانواده (صص ۲۴۶-۲۳۳).

- توضیح درباره عشق و نقش آن در حیات آدمی، و نظر سعدی درباره عشق و روابط زن و مرد (صص ۲۴۶-۲۳۳).  
۱-۹. گفتاری زیر عنوان " پایان دفتر نخست " و اشاره به ادامه مطلب در دفتر دوم: " در دفتر رساله نخست به درج مطالب گرد آمده در شش بخش اکتفا شده و باید از گنجور سخن پوزش خواست تا ان‌شاءالله تعالی به یاری خداوند مهربان بقیه لاکه فروزان از گنج‌های شایگان سعدی در دفتر دوم در معرض دید بینایان و دل‌بستگان گوهرشناس گذارده شود " (ص ۲۴۶).  
۱-۱۰. نقل عبارت‌هایی از صاحب‌نظران زیر درباره سعدی: محمدعلی فروغی، حسن اسفندیاری، عباس اقبال، احمد بهمن‌یار، علی‌اصغر حکمت، علی‌دشتی، محمد قزوینی، محمد محیط طباطبایی، الطاف حسین حالی، هرمان اته، سید مصطفی طباطبایی و جلال‌الدین همایمی (صص ۲۵۶-۲۴۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. سعدی‌نامه، به کوشش حبیب یغمایی، ۱۳۱۶.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۵۰ بار، بوستان ۷۱ بار، قصاید ۲۸ بار، غزلیات ۲۰ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این دفتر که در بیست و هشتمین سالنامه کشور ایران، (۱۳۵۲) به چاپ رسیده، به عنوان جلد نخست از کتاب " جهان‌بینی در نظر سعدی " به شمار آمده است. نویسنده در ابتدای کتاب مطالب آن را به هشت بخش تقسیم نموده اما در پایان کتاب (ص ۲۴۶) دو بخش پایانی را به جلد دوم موکول کرده است.

جلد دوم کتاب نیز در چهارده فصل تنظیم شده و در بیست و نهمین سالنامه کشور ایران (۱۳۵۲) منتشر شده است، ولی عناوین دو بخش باقی مانده جلد اول (پرورش افکار بدیع - اندرزهای حکیمانه) در آنجا دیده نمی‌شود. هر چند موضوع برخی از فصل‌ها با دو عنوان یاد شده بی‌ارتباط نیست.

مطالب این دفتر، هر چند تازگی ندارد، اما توضیحات آن برای مخاطبان عمومی خالی از فایده نیست و استنادهای مکرر به سخنان سعدی (بیش از ۲۷۰ بار) بر ارزش آن افزوده است.

۴-۲. مطالب برخی از بخش‌ها پیوند بایسته با عنوان آن بخش ندارد، برای نمونه: عنوان بخش دوم " دانش و کوشش " است، در حالی که بیشتر مطالب این بخش (صص ۱۸۱-۱۷۳) درباره شرایط سخن‌گفتن است. برخی از توضیحات، نیز غیرضروری و گاهی سبک است به عنوان مثال در ص ۲۳۹ که موضوع سخن مفهوم " عشق " است، نوشته‌اند: " ... مردان کوتاه، طالب زنان بلنداندام و مردان بلند، زنان کوتاه‌اندام. سفید دوستدار سیه‌چرده است و می‌گوید: " آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست " و سیاه‌پوست خواهان زنان سفیدپوست و حکمت این امر در مشیت ربوبیت است ... ". همچنین است عبارت‌های پایانی ص ۲۴۰ و عبارت‌های آغازین ص ۲۴۱ و ...

۴-۳. در سراسر کتاب معنی اندکی از واژه‌ها داخل پرانتز جلو آن واژه‌ها نوشته شده، اما این واژه‌ها یا معمولاً نیازی به معنی کردن نداشته یا معنی نوشته شده، غیرفارسی و نامناسب است. برای نمونه در ص ۲۱۴ " مشتزن "، " بوکس‌باز " و در ص ۲۱۸ " شیاد " " شارلاتان " معنی شده است.

۴-۴. اشتباهات چاپی این نوشته نیز کم نیست، از جمله: در ص ۱۹۸ چند بیت از غزلیات و در ص ۲۲۸ چند بیت از قصاید مثال آورده شده، و به غلط از بوستان دانسته شده است ... و موارد زیر نمونه‌های دیگری از اشتباهات چاپی هستند: ص ۱۶۴، س ۲: بلاغات در (بلاغت در) و ص ۱۸۰، س ۱۰: فزونی دهد (فزونی نهد) و ص ۱۸۴، س ۳: نفعی (نفعی) و ص ۱۹۷، س ۲۹: گردی (کردی) و ص ۱۹۸، س ۱: گرد (کرد) و ص ۲۰۶، س ۲۵: کندش (کنندش) و ص ۲۰۹، س ۱۱: کسانی که را که (کسانی را که) و ص ۲۳۴، س ۲۸: بزکرش (به ذکرش) و ص ۲۳۵، س ۲۰: شیرینی (شیرینی) و ص ۲۲۸، س ۱: از روی برآمد (از وی برآید) و ص ۲۴۳، س ۷: فضاقل (فضایل) و ص ۲۴۹، س ۱: بیرون (برون) و ص ۵۲، س ۲۰: تصدین (تصدیق).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: \* ۵-۱. جهان‌بینی در نظر سعدی، ارمغان، سال پنجاه‌وینجم، دوره چهل‌ودوم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، ص ۲۸۶.

## جهان‌بینی در نظر سعدی (۲)، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، ۱۳۵۲، صص ۲۴۸-۱۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فصل اول - در باب عقل و عشق و علم (صص ۱۳۹-۱۲۹).

- توضیح درباره جایگاه و ارزش عقل و عشق با نقل بخشی از " رساله عقل و عشق " سعدی (صص ۱۳۱-۱۲۹).

- توضیح درباره مفهوم علم و تقسیمات آن با استناد به آیات قرآنی و سخنان سعدی (صص ۱۳۹-۱۲۱).

۱-۲. فصل دوم - در باب خدانشناسی (صص ۱۴۵-۱۳۹).

- توضیح درباره راه‌های خدانشناسی و شیوه سعدی در این باره، با استناد به سروده‌های او: " ... سعدی با توجه به آیات کریمه راه خدانشناسی و معارف الهی را بیان می‌کند ... در توحید حس و شهود و عقل و دانش را برای بینش و پذیرش ایمان گواه و شاهد می‌آورد ... برای درک معنی الوهیت از راه مشاهده پدیده‌های طبیعت و تجلیات باشکوه در تکمیل اعتقاد و اثبات وجود باری تعالی با نشان دادن زیبایی‌ها و بیان جمال صوری و معنوی هر آن چیز که به چشم در می‌آید و ... همه را با بیان شیرین، از طریق منطق به عرصه حقایق مسلمه در می‌آورد ... " (صص ۱۴۱-۱۳۹).

۱-۳. فصل سوم - توضیح درباره عشق و تجلیات آن از نظرگاه‌های مختلف، از جمله از نظر سعدی: " بحث مهمی که در کلیات سعدی زیادتر چشم‌گیر است، موضوع عشق می‌باشد ... سعدی به قدری بزرگ و در حکمت و ادب و شعر توانا بوده که کلید روح و اختیار امواج آن را در دست داشته و مانند دستگاه الکتریکی با گردش عقربک به مناطق احساسات و زیبایی‌ها و دلدادگی‌ها راه پیدا می‌کرده ... بوستان و آثار وی لبریز است از احلام و رؤیاهای شیرین و سوز و گداز، وصل و فراق و حقیقت عواطف و ندای جمال‌پرستی انسانی با ملکات آسمانی ... " (صص ۱۵۲-۱۴۶).

۱-۴. فصل چهارم - نقل غزل‌هایی از سعدی با موضوع عشق با مقدمه‌ای کوتاه (صص ۱۶۰-۱۵۳): " غزلیات سعدی همه دلنواز، تسلی‌بخش، شورانگیز و هیجان‌آور است. در هر غزلی شما را از خاکدان زمین به ملکوت آسمان‌ها پرواز می‌دهد، شاهد عشق و

محبت لذت حقيقي را به شما مي‌چشانند ... غزلهاي سعدي پرده‌هاي مجسم اسرار و رموز عشق و دردها و خوشي‌هاي بشري است، خود به خود آهنگ طبيعي و نوای موسيقي با آن همراه است ... " (ص ۱۵۳).

۱-۵. فصل پنجم - سخني کوتاه زیر عنوان " ابعاد زندگي و عوامل گوشه‌نشيني " با اشاره به حالات مختلف سعدي (صص ۱۶۳-۱۶۰).  
۱-۶. فصل ششم - گفتاري کوتاه زیر عنوان " مراحل سير و سلوک روش سالکان طريقت " با توضيح درباره خلوت‌گزيني و شب بیداري، و نقل گفتاري از دکتر الکسيس کارل درباره فعاليت‌هاي مذهبي و روحاني و نمونه‌هايي از غزل سعدي (صص ۱۷۰-۱۶۳).  
۱-۷. فصل هفتم - توضيح درباره پيکار عشق و عفت، با نقل داستان يوسف و زليخا و اين نتيجه‌گيري: " هر کس بايد بداند که با دشمن خود که همان نفس‌اماره است، همخوابه است و اگر توانست او را از وسوسه باز دارد و آزاد بماند خدا ياور اوست ... زيبايي براي هر انسان هشياري مایه دلربايي است، اما همه اين مناظر چون ابرهاي خوش نقش و نگار در حاشيه افق، هنگام غروب، زودگذر است ... " (صص ۱۷۵-۱۷۰).

۱-۸. فصل هشتم - توضيح درباره عشق‌هاي مجازي و عشق حقيقي و روابط زن و مرد (صص ۱۸۳-۱۷۵) با اين نتيجه‌گيري که: " حاصل آنکه زندگاني با هوس‌بازي مایه ويراني و خانه‌خرابي است و بايد زناشويي بر پایه يکرنگي و علايق روحاني استوار باشد و تغييرات جسماني را بايد زن و مرد عاقل در حالات مختلف با بردباري و عفت و طهارت به پاس سعادت ابدي محترم بشمارند " (ص ۱۸۳).

۱-۹. فصل نهم - نظرات بزرگان مغرب زمين درباره عشق و انطباق آن با گفتار سعدي. بررسي مسئله غريزه، شهوت و زناشويي با نقل نظر برخي از اندیشمندان غربي و اشاره‌هايي به سخنان سعدي (صص ۱۹۶-۱۸۳).

۱-۱۰. فصل دهم - توضيح درباره پيري و جواني و خصوصيات هر دوره با نقل نظر برخي از اندیشمندان غربي و سروده‌هايي از نظامي و سعدي (صص ۲۰۹-۱۹۷).

۱-۱۱. فصل يازدهم - نظرات سعدي درباره دادگري و بيدادگري و آيين مسلك‌داري، بررسي مضمون عدل در قرآن کریم و آثار مفهوم عدل در سخنان سعدي، بويژه در حکايت‌هاي بوستان (صص ۲۲۱-۲۰۹).

۱-۱۲. فصل دوازدهم - گفتاري در روش پرورش و آثار آن و بررسي شيوه‌هاي مختلف آموزش و نتيجه هر کدام با بهره‌گيري از سخنان و سروده‌هاي سعدي (صص ۲۳۰-۲۲۱).

۱-۱۳. فصل سيزدهم - توضيح درباره ارزش جهان‌گري و جهان‌بيني (صص ۲۳۹-۲۳۰).

۱-۱۴. فصل چهاردهم - نقل صدوچهل‌وهشت عبارت يا بيت از گلستان که گونه ضرب‌المثل دارند (صص ۲۴۸-۲۳۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. قرآن کریم، ۲-۲. کليات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

۲. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۸۵ بار، بوستان ۶۸ بار، غزليات ۵۴ بار، قصايد ۲۲ بار، قطعات ۱ بار، رسائل نثر ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته بخش دوم مقاله بلند " جهان‌بيني در نظر سعدي " است. بخش نخست آن در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسيده است.

مؤلف در اين نوشته با استناد مکرر به آثار سعدي برخي از مضامين موجود در اين آثار را در چهارده فصل بازنموده است و براي خوانندگان عمومي حاوي اطلاعات مفيدي است. اما گذشته از چاپ و جلد نامناسب آن و خالي بودن از سخن تازه درباره سعدي، برخي از فصل‌هاي آن نيز دچار اطناب است، به عنوان نمونه در فصل دهم با عنوان " پرده‌هايي از روزگار جواني و پيري " (صص ۲۰۹-۱۹۷). نه صفحه مقدمه‌چيني و توضيح درباره پيري و جواني است و تنها در سه صفحه آخر به سعدي روي آورده شده است و از همه مطالب فصل سيزدهم (ارزش جهان‌گري و جهان‌بيني) تنها در چند سطر (ص ۲۳۶) به سعدي توجه شده است. و در فصل‌هاي هفتم، هشتم و نهم، با تطويل کلام درباره غريزه و شهوت و زناشويي و ... سخن گفته شده است.

۴-۲. در ص ۱۳۰، بخشي از رساله " عقل و عشق " از کليات سعدي نقل شده و سؤال منظوم مطرح شده، از شمس‌الدين صاحب‌ديوان دانسته شده است، در حالي که در پاسخ سعدي به سؤال مورد نظر، به صراحت نام پرسش‌کننده " سعدالدين " ذکر شده است (رک. کليات سعدي، محمدعلي فروغي، ويراسته بهاء‌الدين خرمشاهي، اميرکبير، ۱۳۶۳، ص ۸۸۸).

۴-۳. مأخذ نقل‌قول‌ها و نظرات اندیشمندان ايراني و غيرايراني روشن نشده است.

۴-۴. اين نوشته نيز از اشتباهات چاپي در امان نمانده است، موارد زیر برخي از آن اشتباهات است: ص ۱۴۸، س ۲۲: داستادن (داستان) و ص ۱۷۴، س ۱۲: باز داد (باز دارد) و ص ۱۷۵، س ۲۰: الانسالان (الانسان) و ص ۱۷۶، س ۷: مجالس بيگانه (مجالس پنجگانه) و ص ۱۹۷، س ۱۳: درنگري آنچه آنکه (درنگري آنکه) و ص ۲۰۶، س ۱۵: درآيد ز پاي (برآيد تياه) و ...

۵. تأثيرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. جهان‌بيني در نظر سعدي، ارمغان، سال پنجاه‌وپنجم، دوره چهل‌ودوم، شماره ۴، تير ۱۳۵۲، ص ۲۸۶.

جهان‌بيني در نظر سعدي ، ارمغان، سال پنجاه‌وپنجم، دوره چهل‌ودوم، شماره ۴، تير ۱۳۵۲، ص ۲۸۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. تأکيد بر مقام والاي سعدي نسبت به سخن‌سرايان ديگر و اشاره به کتاب "جهان‌بيني سعدي" نوشته محمد جناب‌زاده و توصيه به خوانندگان مجله براي مطالعه کتاب ياد شده.

۲. منابع اصلي: ۲-۱. جهان‌بيني سعدي، محمد جناب‌زاده.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته کوتاه تنها اشاره‌اي است به کتاب " جهان‌بيني سعدي " از محمد جناب‌زاده، بدون معرفي کامل کتاب ياد شده و سخن تازه‌اي ندارد.

جهان‌بيني سعدي ، مجيد بکتايي، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۴۰۵-۳۹۶.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. گوهر، سال دوم، شماره ۴، تير ۱۳۵۲، صص ۳۲۳-۳۲۰.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. بيان جهان‌بيني سعدي با اشاره به شعرهاي او: " گفتار سعدي به ديده اومانيسم HUMANISME و جهان‌بيني در ميان شاعران بزرگ مشخص و ممتاز است. (ص ۳۹۶). مقدمات را در شيراز فرا گرفت و براي تکميل تحصيل به نظاميه بغداد رفت در خدمت جمال‌الدين ابن جوزي و شهاب‌الدين سهروردي تلمذ نمود. در سفر حج همراه شيخ شهاب‌الدين با ابن‌فارض مصري روبرو شد. او در خرق عادات و کشف حجاب نفساني ساعي و سالک بوده (ص ۳۹۷). سعدي سالکي است عاشق و مجذوب که از گنجينه معارف اسلامي برخوردار بوده است ... در اواخر سده ششم هجري براي تکميل تحصيلات خويش از شيراز به بغداد رفت و در جواني در نظاميه با عقايد سهروردي آشنا گشت. " (صص ۳۹۹-۳۹۸).

" سعدي سعي دارد با تهذيب نفس و غلبه بر شهوات حيواني مقام والاي انساني را نشان دهد فلسفه آدميت سعدي همان طريق اومانيزم است که پانصد سال پس از وي در فلسفه غرب تتبع شد. " (ص ۴۰۱).

۱-۲. بیان عوامل سعه صدر سعدي: " پنج عامل بر سعه نظر و جهان‌بینی سعدي كمك کرده است:

۱. مسافرت و جهانگردی.
  ۲. زندگانی طولانی که تا يك صدویست سال نوشته‌اند.
  ۳. نکته‌سنجی و موقع‌شناسی او.
  ۴. تخیل قوی سعدي.
  ۵. زبان گویا و ساده و شیرین (ص ۴۰۲).
- سعدي در سیر و سفر دچار مشکلات راه و خطرات بسیار شد. در جنگ‌های صلیبی او را به اسارت گرفته و در خندق طرابلس به کار گل گماشته‌اند ... در نتیجه این جهان‌دیدگی است که جهان‌بینی بزرگ در عقاید و گفتار سعدي راه یافته (ص ۴۰۳). سعدي در پند و اندرز و عشق و شیباب و اخلاق درویشان و سیرت پادشاهان و آداب مردم‌داری برای صلاح و سعادت جهانیان سخن گفته و به همین دلیل آثار او زودتر و بیشتر از شاعران دیگر در جهان ترجمه و انتشار یافته. " (ص ۴۰۵).
- ۱-۳. اشاره به نظر ام‌رسون درباره سعدي: " ام‌رسون بزرگ‌ترین ادیب و شاعر آمریکا که به سعدي ارادت بسیار ورزیده، عقیده دارد گلستان سعدي مانند یکی از اناجیل مشحون از دستورهایی اخلاقی است و این دستورها بیشتر به صورت قوانین جهانی و همگانی است. " (ص ۴۰۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۴ بار، بوستان ۱۱ بار، غزلیات ۱۲ بار، قصاید ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. مقاله از يك نظم منطقی برخوردار نیست، نویسنده پس از آنکه درباره سفرها و کسب معارف سعدي سخن‌ها گفته‌است (صص ۳۹۹-۳۹۶) دوباره به اول زندگی او برمی‌گردد و می‌نویسد: " پس از این مقاله باید گفت سعدي در يك خانواده اهل علم شیراز به دنیا آمد و در اواخر سده ششم هجری برای تکمیل تحصیلات خویش از شیراز به بغداد رفت و ... " (ص ۳۹۹).

۴-۲. دریافت‌های ناقص از برخی ابیات گاهی با ذکر نشانی نادرست آن بیت همراه است، مثلاً درباره موعظه‌ها و نصیحت‌های سعدي می‌نویسد: " ... سعدي در گلستان در سیرت پادشاهان از این گونه مواظب بسیار دارد: لاابالی چه کند دفتر دانایی را طاق و عظم نباشد سر سودایی را (ص ۳۹۹)

اولاً این بیت از گلستان نیست و بیتی از غزل‌های شیخ است، ثانیاً این بیت مطلع یکی از عاشقانه‌ترین غزل‌های سعدي است و مربوط به شوریدگی‌های عاشق است نه موعظه پادشاه "

۴-۳. مطالب اساسی این مقاله تکراری است و سخن تازه‌ای مطرح نشده است.

۴-۴. نشانی ابیات شاهد ذکر نشده است.

۴-۵. به مأخذ مورد استفاده، اشاره‌ای نشده است، بویژه موضوع ملاقات سعدي با ابن‌فارض نیاز قطعی به ذکر مأخذ دارد. نویسنده در این باره بدون ذکر مأخذ مقاله نوشته‌اند: " سعدي در سفر حج همراه شیخ شهاب‌الدین بود و در خانه خدا با ابن‌فارض مصري روبرو شدند. "

۵. تأییرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده غزلیات سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۲-۶۱.

۵-۲. گزیده قصاید سعدي، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۱-۵۳.

گزیده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۵۸.

جهان‌بینی سعدي از نظر دیگران ، ل. کرانمر- بینگ، ترجمه دکتر رضی معظمی، مجله جهان نو، سال شانزدهم، شماره دوم، دي ۱۳۴۰، صص ۲۶-۲۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره مترجم به ترجمه‌ای از گلستان به زبان انگلیسی که از سوی کتابفروشی معرفت در شیراز چاپ شده و اعتراض به آن: " من نفهمیدم چطور ناشری کتاب گلستان سعدي را که جیمس راس (۱۸۳۱-۱۷۵۹). متجاوز از يك صد و پنجاه سال قبل در لندن به انگلیسی ترجمه کرده است، بدون اجازه کسانی که امروز امتیاز تجدید طبع آن را دارند، دوباره بدین صورت چاپ ... می‌نمایند " (ص ۲۴).

۱-۲. اشاره مترجم به انگیزه نگارش مقاله و مقایسه ترجمه " جیمس راس " و " ل. کرانمر- بینگ " از گلستان سعدي (ص ۳۴).

۱-۳. ترجمه بخشی از نوشته " ل. کرانمر بینگ " که در موضوعات زیر است:

۱-۳-۱. درباره تولد، سفرها، تحصیلات، ازدواج و مرگ سعدي (صص ۳۵-۳۴).

۱-۳-۲. درباره گلستان سعدي: تأکید بر زیبایی صورت و معنا در نثر گلستان، استفاده فراگیر از آن در اجتماع و آمیختگی ظرافت، طنز و پند و اندرز در آن (ص ۳۵).

۱-۳-۳. تأکید بر تصوف و عرفان سعدي و توضیح درباره مفهوم عشق در نزد عرفا. (ص ۳۵).

۱-۳-۴. اشاره‌ای به شخصیت سعدي از خلال آثارش، از جمله: " سعدي زیر و بم زندگی را خوب می‌شناخت و در همه کس خیر و نیکی می‌دید. فقط در مقابل تعصب‌بینی گذشت نداشت ... چنان فراسخت و بصیرتی داشت که تا جوهر و عمق هر چیزی فرو می‌رفت ... حکمت و زیبایی در هم آمیخته و سعدي را به وجود آورده‌اند ... در گلستان سعدي يك دنیا معنی خلاصه شده ... " (ص ۳۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ترجمه " ل. کرانمر- بینگ " از گلستان به زبان انگلیسی. ۲-۲. ترجمه " جیمس راس " از گلستان به زبان انگلیسی.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۶ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. معرفی دو ترجمه از متن گلستان و مقایسه آنها که در مقدمه مقاله آمده حاوی نکات جالب و تازه‌ای است.

۴-۲. ترجمه نوشته " ل. کرانمر بینگ " انگلیسی درباره سعدي برای نشان دادن تأثیر و نفوذ سعدي در افکار جهانی سودمند است، هر چند همه آنچه در نوشته " ل. کرانمر- بینگ " آمده است مستند و واقعی نیست، از جمله: " وقتی درویشی که جامه آبی رنگ به تن داشت و بر آن وصله‌هایی چند دوخته شده بود، در حالی که عصای سفر به کف داشت. از ایران بیرون رفت، مردی کوتاه قد و باریک اندامی بود که از چشمانش برق شادی و مهربانی ساطع بود ... این مرد سعدي بود " (ص ۳۴).

جهان مطلوب سعدي در بوستان ، دکتر غلامحسین یوسفی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۴۲۹-۴۰۶.



چاپ‌های دیگر: ۱. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۵۰، صص ۲۰۹-۲۸۴. ۲. کتاب فارسی، سال اول دبیرستان، ۱۳۶۳، صص ۴۷-۴۲. ۳. آثار سعدی در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۲، صص ۲۵-۲۱.

\* آقای دکتر یوسف بکار ترجمه عربی این مقاله را با عنوان "العالم المنشود في بستان سعدی الشیرازی" در مجله البیان، شماره ۹۴، صص ۳۶-۴۲ و شماره ۹۶، صص ۱۴-۱۰، ژانویه و مارس سال ۱۹۷۴ منتشر کرده‌اند. (رک. برگ‌هایی در آغوش باد، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات توس، ۱۳۵۶، صص ۵۱-۱۰)

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش‌های بوستان: "پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان بیش از دیگر آثار او جلوه‌گر است. سعدی مدینه فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده‌است. جهان بوستان همه نیکی است و پاک‌ی و دادگری و انسانیت ... شگفت این که در بوستان در عین تعالی و پرکشایی انسان به سوی "فردوس برین" آدم از این "دیر خراب‌آباد غافل نیست." (صص ۴۰۷-۴۰۶).

۱-۲. توضیح درباره باورهای سعدی در بوستان: "خدای سعدی دوستی مهربان است، صمیمی و غمخوار، تکیه‌گاه بندگان و بسیار دوست‌داشتنی." (ص ۴۰۹).

"در جهان سعدی تأمل در مظاهر صنع و نعمت‌های خداوند انسان را به سپاسگزاری برمی‌انگیزد. عنایت خداوند همیشه شامل احوال بندگان است، در توبه همیشه به روی ایشان باز است." (ص ۴۱۰). "اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری، یا به تعبیر او "نگهبانی از خلق و ترس از خدای (ص ۴۱۱) او قدرت فرمانرویان را ناشی از تأیید افراد ملت می‌داند. کشورداری موافق شریعت مطلوب اوست. حتی کشتن به فتوای شرع رواست (ص ۴۱۲). "در عالمی که سعدی می‌پسندد اگر ضعیفی از قوی در رنج باشد خواب خوش بر حکمران حرام است. خردمندان و اهل بصیرت وظیفه‌های دشوار دارند. انصاف و حق‌پذیری فضیلتی است گرانقدر و ستودنی.

آیین کشورداری در بوستان مبتنی بر اصول و دقایقی باریک است. در لحن سعدی گزافه‌گویی‌های ستایشگران راه ندارد. اتابک ابوبکر در نظر او از آن رو ارحمند است که دین‌پرور است و دادگر و درویش دوست." (صص ۴۱۷-۴۱۲).

"سراسر جهان سعدی از فروغ انسانیت و ایثار و جوانمردی نورانی است. در این جا با اشخاصی رویو می‌شویم که توانسته‌اند بر خودخواهی خویش فایق آیند و به مسائلی برتر از "خود" و "سود" "خود" بیندیشند." (ص ۴۱۷) "در عالم بوستان همه انسان‌ها با یکدیگر همدلی می‌ورزند و همدردی. بوستان سعدی انسان را تصفیه می‌کند." (ص ۴۱۹) "خودبینان و خودپرستان در جهان سعدی قدر و اعتباری ندارند." (ص ۴۲۱) در نظر سعدی، احسان و نیوکاری از هر عبادتی شریف‌تر است و والاتر. در بوستان قناعت و استغنا اصلی است معتبر و موجب سعادت. (ص ۴۲۳) "و مقصود از قناعت ایستادن است و استغنا در برابر دنیا، به او تسلیم نشدن و مستقل و آزاد زیستن." (ص ۴۲۵).

"در سراسر بوستان عشق پرتوافکن است و موجب تلطیف روح و زندگی" (ص ۴۲۶).

"در جهان بوستان شرط است که فرزندان را به خردمندی و پرهیزگاری بیورند و در تعلیمشان به تشویق بیش از توبیخ و تهدید بگروند." (ص ۴۲۷).

"جهانی که سعدی در بوستان می‌جوید عالم نیکی است و زیبایی، این مدینه فاضله شاعری را نشان می‌دهد که بسیار پیشروتر از عصر خود بوده و چنان می‌اندیشیده که خیلی از افکار او مورد قبول بشریت در روزگار ماست. بی‌سبب نیست که در قرن هیجدهم در مغرب زمین برخی از اشعار او را در شمار آیات آسمانی پنداشته‌اند." (صص ۴۲۹-۴۲۸).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. بوستان، تصحیح رستم علی‌یف، تهران ۱۳۳۷. ۲-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی، تهران ۱۳۳۸.

۲-۳. سعدی‌الشیرازی شاعرالانسانیه، دکتر محمد موسی هنداوی، قاهره، ۱۹۵۱. ۲-۴. سعدی در اروپا، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، مجله سخن ۵۳۷/۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۳۶.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. بوستان ۱۴۹ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این مقاله در واقع يك مقاله توصیفی است. آنچه که باعث ارزش این مقاله شده، تألیف شایسته و موجز حکایات بوستان و نتیجه‌گیری منطقی از این حکایات است. با توجه به اینکه در این نوشتار صدوچهل‌ونه بار به بوستان سعدی توسل جسته شده است می‌توان گفت این مقاله گزینشی از حکایات‌های بوستان است که نویسنده تنها برای ایجاد ارتباط سخن در حد لزوم و به مقدار اندکی از روابط کلامی استفاده کرده است. ۲-۴. ذکر دقیق نشانی ابیات و منابعی که استفاده شده، از دیگر امتیازات این مقاله است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. روان‌های روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۲۱۰-۲۰۵. ۲-۵. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی-آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۳۰-۵۳. ۳-۵. مواظ و حکم سعدی در بوستان و گلستان (با ترجمه و معادل‌های فرانسوی)، دکتر ابراهیم شکورزاده، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، صص ۱۰-۴. ۴-۵. دریا در کوزه، دکتر علی‌فاضل، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۰۶-۷۵. ۵-۵. شاعری اندیشه‌ور، کلک، شماره ۴، تیر ۱۳۶۹، صص ۹-۶. ۶-۵. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۳۵-۷. ۷-۵. گزینه بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۲، (پیش‌گفتار کتاب، بدون شماره صفحه). ۸-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۳۸-۳۷.

چ

چرا سعدی را خوانده‌اند، محمد محیط طباطبایی، وحید، دوره نهم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۸۱-۱۷۱ و ۳۲۱-۳۲۰.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر شهرت مسلم " سعدی شیرازی " (با همین عنوان) از زمان خود او تا کنون و نقل عباراتی از ابن فوطی، حمدالله مستوفی و جنید شیرازی درباره وجه تخلص سعدی (صص ۱۷۳-۱۷۱) با این نتیجه‌گیری: " از آنچه گفتیم مستفاد می‌شود که مورخین قرن هشتم وجه تخلص سعدی را در انتساب او به اتابک سعدبن ابی‌بکر نوشته‌اند، اتابکی که بیش از دوازده روزی پس از وفات پدر و پیش از بازگشت از سفر به شیراز، هرگز در دوران عمر کوتاهش دارای چنین عنوانی نبوده است " (ص ۱۷۳).

۱-۲. بررسی تاریخی درباره وجه تخلص سعدی (صص ۱۷۴-۱۷۳) با این نتیجه‌گیری: " انتساب مردی سالخورده که مدت سی سال دور از فارس سرگرم سفر و سیر و سلوک و تربیت نفس و اندیشه بود به کودکی یا نوجوانی در سرزمین فارس با مقتضیات احوال و اوضاع زندگانی سعدی نمی‌تواند سازگار باشد و به همین نظر ضعف این انتساب در همان روزگار دیرین گویا معلوم خاطر کسانی شده بود که برای اصلاح آن این نسبت را از پسر ابوبکر سعدزنگی گرفته و به پدرش داده بود " (ص ۱۷۴).

۱-۳. نقد نظر دولت‌شاه سمرقندی قاضی غفاری و ... درباره وجه تخلص سعدی (صص ۱۷۶-۱۷۴) با این نتیجه‌گیری: " این اختلاف روایت در میان مورخان سده هشتم با مورخان سده نهم و دهم با مقایسه تقدم و تأخر زمانی نشان می‌دهد که روایت دوم [ انتساب سعدی به سعدبن زنگی ] سند و مأخذ قدیمی نداشته و برای رفع اشکال از روایت اول گرفته شده و بدین صورت در آمده است و مادامی که مستند به سند قدیم‌تری نباشد، به هیچ وجه قابل قبول بلکه اعتنا نمی‌تواند قرار بگیرد " (ص ۱۷۶).

۱-۴. نقد نظر علامه قزوینی و اقبال آشتیانی درباره وجه تخلص سعدی (صص ۱۷۸-۱۷۷).

۱-۵. رد انتساب سعدی به اتابکان زنگی: " چرا باید سعدی آزاده را وابسته به امیری یا امیرزاده‌ای کنیم و تخلص او را مأخوذ از نام کسانی پنداریم که بنا به اتفاقات زمانه از دوران زندگانی دراز خود جز مدت کوتاهی را در حوزه قدرت و سلطه ایشان نگذراند " (ص ۱۷۸).

۱-۶. اشاره‌ای به خاندان سعدی و واژه " سعدی " و " سعد غیور " در آثار سعدی و معرفی خاندانی شیرازی‌الاصل از نوادگان ابوالفرج عبدالواحد شیرازی سعدی عبادی انصاری، در شام (صص ۱۸۱ و ۳۲۰) با این نتیجه‌گیری: " شریک ساختن سعدی شیرازی در نسبت با طایفه حنبلی انصاری سعدی شیرازی مهاجر و مقیم شام در یک نسبت به مراتب به قبول ذوق و عقل نزدیک‌تر از این است که بگوییم شاعر تخلص و شهرت خویشتن را از نام فلان امیر یا امیرزاده زنگی یا ترک گرفته است " (ص ۳۲۰).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. منابع مختلف تاریخی و ادبی از جمله: مزارات شیراز از جنید شیرازی، تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی، تلخیص معجم‌اللقاب از ابن فوطی، تذکره‌الشعرا از دولت‌شاه سمرقندی، جهان‌آرا از قاضی غفاری و ...

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۴ بار، غزلیات ۴ بار، قطعات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته با بررسی مسائل زمان سعدی و متون مختلف تاریخی، گزینش تخلص " سعدی " را به دلیل انتساب او به اتابکان زنگی نادرست دانسته و تخلص او را " به طایفه حنبلی انصاری سعدی شیرازی مهاجر و مقیم شام " پیوند داده است. تازگی موضوع، استنادات مختلف تاریخی، پرهیز از انشاپردازی و کلی‌گویی و کوشش برای رفع یک ابهام از ویژگی‌های این مقاله است، اما پذیرش این نظر تازه یعنی انتساب سعدی به طایفه‌ای در شام، به دلیل مشابهت اسمی، بدون استناد محکم تاریخی و غیرتاریخی، دشوار است.

۴-۲. نشانی مأخذ مورد استفاده و نمونه‌های شاهد از سخن سعدی مشخص نشده است.

## چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۱)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۲، ۱۸ دی ۱۳۶۸، صص ۱ و ۴.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته عبارت‌های آغازین مقاله‌ای است که با مقدمه‌ای درباره علت جاودانگی شاعران، سعدی را به عنوان شاعری ماندگار معرفی کرده است.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

## چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۲)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۴، ۲۵ دی ۱۳۶۸، صص ۴.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و اشاره به علت‌های ماندگاری آوازه برخی از شاعران.

۱-۲. تأکید بر ارزش‌های آثار سعدی و ماندگاری نام و یاد او: " سعدی یک شاعری است که پس از گذشت ۸ قرن نامش در یادها مانده، زیرا او یک شاعری است متعهد. وقتی که آدمی آثار او را مطالعه می‌کند با نویسنده و شاعری روبه‌رو می‌شود که بیش از هر کس به انسان و انسانیت و انسان‌دوستی، علاقه نشان داده و در بیشتر آثارش از آن، سخن گفته و شاید در آثار هیچ یک از شاعران و دیگر نویسندگان زبان فارسی بیشتر از سعدی، از انسان و انسانیت سخن به میان نیامده است ... ".

۱-۳. نقل عبارت‌هایی از کتاب " سعدی‌الشیرازی شاعرالانسانیه " نوشته محمودموسی هندوای.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. سعدی‌الشیرازی، شاعرالانسانیه، محمودموسی هندوای، چاپ قاهره، ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، علمی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

## چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۳)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۵، اول بهمن ۱۳۶۸، صص ۱.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی آثار سعدی.

" سعدی شاعری است متعهد و پای‌بند به اصول انسانیت، داشتن اخلاق حمیده و مهربان بودن نسبت به تمام موجودات عالم هستی، یکی از بارزترین مشخصات این بزرگ‌مرد است.

سعدی در سرودن اشعار و نوشتن آثار منثورش، هدفی جز پیشرفت بشریت ندارد ... او می‌خواهد در بوستانش سیمای یک انسان آرمانی را ترسیم کند و انسان‌ها را به شایسته‌ها فرا خواند و از ناشایسته‌ها دور سازد ".

۱-۲. بررسی ویژگی‌های مباحث سعدی، از جمله اعتدال، اندرزگویی، دنیا‌گریزی و ...

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، علمی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش سوم مقاله است. رك. بخش پایانی مقاله.

چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۴)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۶، دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۶۸، ص ۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش سوم مقاله با اشاره به ویژگی‌های دیگر مدایح سعدی.  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بسیار کوتاه بخش چهارم مقاله است. رك. بخش پایانی مقاله.

چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۵)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۷، ۱۶ بهمن ۱۳۶۸، صص ۲ و ۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش چهارم مقاله و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مدایح سعدی (ص ۱).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، علمی.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قاصد ۲ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش پنجم مقاله است. رك. بخش پایانی مقاله.

چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است (۶)، دکتر علوی مقدم، ندای یزد، شماره ۲۱۸، ۲۳ بهمن ۱۳۶۸، صص ۱ و ۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش پنجم مقاله و تأکید بر این موضوع که " سعدی برای احکام دنیای شعر نمی‌سراید و مداحی را پیشه خود نمی‌داند و شخصیت والای خود را به دربارها نمی‌فروشد ... " (ص ۱).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، علمی.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله که در شش بخش و شش شماره از نشریه ندای یزد چاپ شده، بر ارزش اجتماعی و اخلاقی سروده‌های سعدی به عنوان راز ماندگاری او تأکید و ویژگی‌های مدایح او نیز برشمرده شده است.  
با آنکه سخن تازه‌ای در این مقاله نوشته نشده اما برای خوانندگان عمومی نشریه خالی از فایده نیست.  
این مقاله از مجله " پاکستان " نقل شده و مطالب آن قابلیت تقسیم شدن به ۶ بخش را نداشته است. به همین دلیل این تقسیم‌بندی شش‌گانه از کیفیت نوشته کاسته است.

چشم‌پوشی، دکتر احمدعلی رحایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۴۴، صص ۳۹۶-۴۰۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به حکایتی از بوستان سعدی و نقل ابیاتی از آن حکایت که در آن واژه " چشم‌پوشی " به کار رفته است (ص ۳۹۶).  
۱-۲. بررسی معنی واژه " چشم‌پوشی " در کتاب‌های لغت و فرهنگ‌ها (صص ۳۹۶-۳۹۷).  
۱-۳. بررسی و نقد معانی محتمل برای بیت مورد نظر سعدی (صص ۳۹۸-۳۹۹).  
۱-۴. توضیح درباره رسم چشم‌پوشی و ساختن و شکستن آن برای دفع چشم زخم یا نقل ابیاتی از اسرارنامه عطار و عباراتی از کتاب نوادالامثال میر محمد نقشبندی (صص ۴۰۱-۴۰۰).  
۱-۵. نتیجه‌گیری و شرح معنی بیت سعدی: " اکنون معنی شعر دوم را [ چو چشم‌پوشی آنکه خورد از تو سیر که از بام پنجه گز افندی به زیر ] به روشنی می‌توان دریافت که خطاب به ممسک می‌گوید: عیال و کسان تو وقتی می‌توانند از نعمت سیر بخورند و بهره‌مند شوند که چون چشم‌پوشی از بام پنجه گزی به زیر افندی و بمیری، تا مالی را که هنگام حیات از آنان دریغ داشته‌ای، پس از مرگت به ارث ببرند " (ص ۴۰۲).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶. ۲-۲. اسرارنامه عطار، نسخه خطی کتابخانه پاریس.  
۲-۳. نوادالامثال، از میر محمد نقشبندی تاشکندی، نسخه خطی کتابخانه پاریس. ۲-۴. لغت‌نامه دهخدا.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۲ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. ابیاتی که در این نوشته بررسی شده، از ابیاتی است که درباره معنی آن نظرات مختلفی بیان شده است. نگارنده این مقاله با استفاده از منابع موجود و با دقت نظر، معنی بیت را به خوبی باز نموده و نظر خود را با ذکر شواهدی از آثار دیگر ثابت کرده است.  
با توضیح شایسته بیت مذکور در این مقاله و یادکرد نشانی منابع و مآخذ مورد استفاده، در دریافت مقصود بیت، شك و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. دکتر غلامحسین یوسفی نیز در توضیح این بیت در بوستان مصحح خود به طور کامل از همین مقاله بهره برده است.  
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. در آرزوی خوبی و زیبایی - گزیده بوستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۲، ص ۵۶۹. ۵-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۲۹۵، ۵۵۱.

چشمه روشن، دیداری با شاعران ...، دکتر منوچهر امیری، ره‌آورد، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۷۰، صص ۲۵۹-۲۵۰.

۱. **مضامین اصلی:** \* این مقاله معرفی و بررسی کتاب چشمه روشن، نوشته دکتر غلامحسین یوسفی است. آنچه در ارتباط با سعدی است، مربوط است به دو مقاله "بزرگواری" و "که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی".
- ۱-۱. اشاره به ارزش آثار دکتر غلامحسین یوسفی در تحقیقات ادبی، از جمله: "تا هنگامی که" ذکر جمیل سعدی ... در افواه عوام افتاده" باشد، نام سه تن سعدی‌شناس باقی خواهد بود: محمدعلی فروغی، حبیب یغمایی و غلامحسین یوسفی. از خدمات مهم یوسفی به زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و توضیح گلستان و بوستان سعدی است و ترجمه‌ای که وی با شرکت یکی از همکارانش از کتاب تحقیق درباره سعدی نوشته هانری ماسه، ایران‌شناس فرانسوی، فراهم آورده است (صص ۲۵۵-۲۵۴).
- ۱-۲. معرفی مقاله "بزرگواری" با نقل عباراتی از آن مقاله (ص ۲۵۵).
- ۱-۳. توضیح درباره مقاله "که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی" و نقد نظر دکتر یوسفی درباره عرفانی بودن آن غزل: "یوسفی این غزل را عرفانی دانسته و نوشته که محمدعلی فروغی آن را عرفانی شمرده است. گمان دارم که حق با فروغی باشد. تنها بیت اول و دوم غزل را شاید بتوان عرفانی تفسیر کرد. اما از بیت سوم تا آخر این غزل مانند دیگر غزل‌های سعدی سخن از عشق زمینی و جسمانی در میان است ... (ص ۲۵۵).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. چشمه روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی، ۱۳۶۹ (چاپ دوم).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار، گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله با هدف معرفی و بررسی کوتاه مقاله‌های کتاب چشمه روشن فراهم آمده است. دو مقاله از این کتاب درباره سعدی است و در این نوشته نیز در دو صفحه، این مقاله‌ها به خوبی معرفی شده است.

### چند اثر کهن سعدی و حافظ در افغانستان، صالح پرونتا، مقالاتی درباره زندگی و شعر حافظ، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۱۵۰-۱۴۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی يك نسخه خطی از گلستان سعدی، از جمله درباره مشخصات آن نسخه نوشته‌اند: "قطع کوچک، ۱۰۲ ورق، يك سر لوح کوچک ظریف ... خط نستعلیق نسبتاً خفی و بسیار استادانه و خوش ... هر چند در دستینه (کولوفون) نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ولی نظر به فراین و شباهت‌های خط می‌توان به ظن قوی آن را خط حکیم جعفر بایسنقری معروف دانست ... از لحاظ اصالت متن، یکی از متن‌های بسیار ثقه و معتتم گلستان شمرده می‌شود" (صص ۱-۲).
- ۱-۲. معرفی يك نسخه خطی "اربعین امام نوای" و ذکر دلایلی برای اثبات این ادعا که نسخه مذکور به خط خواجه شمس‌الدین حافظ کتابت یافته است (صص ۶-۲).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دو نسخه مذکور در بخش مضامین اصلی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد. (معرفی نسخه‌ای از گلستان است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته يك نسخه خطی از گلستان سعدی و يك نسخه خطی از "اربعین امام نوای" معرفی شده است که علی‌رغم تأکید نگارنده مقاله درباره اعتبار نسخه گلستان، به دلیل نداشتن تاریخ کتابت و نبود دلایل کافی نمی‌توان اصالت و اعتبار این نسخه را تأیید کرد. همچنین است نسخه خطی "اربعین امام نوای" که دلایل مطرح شده برای اثبات این مطلب که خط این نسخه از خواجه حافظ است، دلایل مستند و محکمی نیستند.
- ۴-۲. عنوان مقاله (چند اثر کهن سعدی و حافظ) نیز با متن مقاله سازگاری ندارد. زیرا جز دو نسخه مذکور در بخش "مضامین اصلی" اثری معرفی نشده است.

### چند نسخه خطی کلیات سعدی در کتابخانه‌های معروف جهان، علی سامی برگرفته شده از کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، انتشارات نوید، ۱۳۶۲ (چاپ سوم)، صص ۲۲۳-۲۲۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی تعدادی از نسخه‌های خطی قدیمی گلستان، بوستان و کلیات سعدی که در کتابخانه‌های جهان وجود دارد، از جمله در کتابخانه مدرسه یحیی پاشا (موصل)، کتابخانه بزرگ مصر، کتابخانه خصوصی خدابخش در شهر "پتنه" (شمال هند)، کتابخانه عمومی لنینگراد، کتابخانه چیستریت، کتابخانه ملی اسپانیا، کتابخانه ملی پاریس و ... (صص ۲۲۳-۲۲۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. فهرست کتب خطی برخی از کتابخانه‌ها (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. چند نکته درباره آثار سعدی و حافظ، محمدتقی دانش‌پژوه، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. با آنکه نسخه‌های گوناگونی از آثار سعدی، در این مقاله معرفی شده است و از نظر نسخه‌شناسی، نوشته سودمندی است. اما نشانی مأخذ مقاله و شماره نسخه‌های معرفی شده، مشخص نیست. به همین دلیل آنچه را آغاز مقاله درباره قدمت و صحت برخی از نسخه‌ها بیان شده، به راحتی نمی‌توان پذیرفت.

### چند نظر تربیتی و اخلاقی و مذهبی سعدی، بدیع‌الله دبیرنژاد، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۵۱-۴۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. "یکی از بزرگ‌ترین ادبا و دانشمندان ایرانی که در دوره اسلامی، در باب آموزش و پرورش و مسائل اخلاقی و مذهبی، سخن گفته، سعدی شیرازی است (ص ۴۳).
- ۱-۲. اشاره به گفتار برخی از مترجمین آثار سعدی، از جمله دفرمری، ارنست رنان، ابه گودن، دوریه و سه موله و تأکید بر ارزش‌های تربیتی و تعلیمی آثار سعدی (ص ۴۶).
- ۱-۳. سعدی اعتقاد دارد که باید به تربیت طفل از اوآن تولد ضمن رشد و پرورش او توجه شود ... بیشترین توجه وی به پرورش اخلاقی طفل است و اینکه طفل را پس از رسیدن به سن مدرسه، باید به معلمی آگاه و مطلع سپرد ... او را از قرین بد به دور داشت تا خوی ناصواب وی در او اثر نکند ... باید طفل را به آموختن و فراگرفتن هنر تشویق و ترغیب نمود ... او را با دیانت و با تقوی، خردمند و سخندان و شایسته روزگار بار آورد ... سعدی خدانشناسی را، منشاء پیدایش و سرچشمه علوم و انواع حکمت و اخلاق می‌داند. همدردی و همراهی و اظهار رأفت و مروت به ابنای بشر را لازم و واجب می‌شمارد ... و مهم‌ترین مسأله در دین و تقوی را توجه دادن به امر عفت و پاکدامنی و دوری از هوی و هوس و عدم اطاعت از نفس اماره می‌داند ... (صص ۵۱-۴۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲۰ بار، بوستان ۱۰ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ضعف در یاد کردن نشانی مآخذ چه در آثار سعدی و چه غیر آن اشکال عمده این مقاله است: برخی از این شواهد با ذکر کامل نشانی و برخی بدون ذکر هیچ گونه نشانی، نوشته شده‌اند. ۴-۲. سخن تازه‌ای در این مقاله عنوان نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۲۵-۵۰. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاانسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۲.

**چند نکته درباره آثار سعدی و حافظ، نسخه‌های مورخ سده هشتم و نهم، محمد تقی دانش‌پژوه، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۰۴-۱۹۲.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی بیست و یک نسخه خطی از " کلیات سعدی " به ترتیب تاریخ کتابت آنها زیر عنوان " کلیات سعدی " که نخستین آنها نسخه‌ای است در افغانستان به تاریخ ۷۱۰ هجری و آخرین آنها نسخه‌ای است از موزه بریتانیا به تاریخ ۱۸۹۷ جری (صص ۱۹۴-۱۹۳).

۱-۲. معرفی چهار نسخه آراسته از کلیات سعدی زیر عنوان "نسخه‌های آراسته از کلیات سعدی" و پس از آن بیست و پنج نسخه از نسخه‌های مصور آثار سعدی (گلستان، بوستان و کلیات) با ذکر تاریخ آنها که قدیمی‌ترین آنها متعلق به انستیتوی شرقی آکادمی علوم شوروی مورخ ۸۲۹ و تازه‌ترین آنها " کلیات دارای گلستان و بوستان مورخ ۱۰۲۵ " است (صص ۱۹۵-۱۹۴).

۱-۳. معرفی دو نسخه ترجمه، یک نسخه خلاصه، یک نسخه نظم، چهار نسخه فرهنگ و سی و دو نسخه شرح مربوط به گلستان زیر عنوان گزیده و نظم و ترجمه و فرهنگ و شروح و تقلید گلستان " (صص ۲۰۲-۱۹۶).

۱-۴. معرفی کوتاه دوازده کتاب که به تقلید از گلستان نوشته شده‌اند (صص ۲۰۲-۲۰۳).

۱-۵. معرفی کوتاه تعدادی از " آثار مربوط به سعدی و حافظ به زبان‌های اروپایی " (زبان‌های آلمانی و انگلیسی، روسی و فرانسه) که بجز اشاره کوتاهی که به نوشته هانری ماسه دارد مآخذ مورد استفاده خود را معرفی نکرده است.

۱-۶. مقاله با معرفی فرهنگ‌ها و شروح دیوان حافظ به پایان می‌رسد.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. فهرست‌های منزوی، احمد آتش، اونس، ریو، برلین، پاریس، قاهره، وین، لنینگراد، بریتانیا، مشار و ...

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد (نسخه‌شناسی).

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از نظر نسخه‌شناسی بسیار ارزشمند است زیرا نسخه‌های مختلف را که عمدتاً از فهرست نسخ مشهور برگرفته، در یک جا معرفی کرده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مختصری از شرح حال و پایگاه علمی و اجتماعی سعدی، علی سامی، کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، ص ۲۰۶-۵۰۲. چند نسخه خطی کلیات سعدی در کتابخانه‌های معروف جهان، علی سامی، کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، ص ۲۲۳.

**چنین گوید جوش، دکتر شهریار نقوی، هلال، جلد چهاردهم، اردیبهشت ۱۳۴۵، صص ۲۰-۱۸.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی شبیر حسن‌خان هندی متخلص به " جوش " (متولد ۱۸۹۹) به عنوان شاعری که شیفته ادبیات فارسی و سخنوران ایرانی است (صص ۱۸-۱۹).

۱-۲. یادکرد نوشته‌ای از " جوش " که در آن به انگیزه و چگونگی شاعری خود اشاره کرده و با اظهار ارادت نسبت به حافظ و سعدی و خیام، خود را مدیون آنها دانسته است (صص ۲۰-۱۹) از جمله داورهای او درباره سعدی در عبارات زیر خواندنی است: " سعدی نه فقط شاعر بزرگ ایران، بلکه بزرگ‌ترین سخنور آسیاست. بدون شک او از جایگاه ذروه‌ای سخن می‌راند که از آنجا تمام گوشه‌های این کاینات در مقابل دیدگان زرف بخشش قرار داشت و شخصیت بلند مقامش یک نقطه اتصال شگفت‌انگیزی از ظرافت مشحون از بلاغت و تخیل شاعرانه و فکر حکیمانه بود که نظیرش جز در وجود گوته جای دیگر سراغ نداریم ... " (ص ۲۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. آثار شبیر حسن‌خان متخلص به جوش (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته معرفی یک شاعر هندی است که متأثر از شاعران ایرانی و ارادتمند به آنهاست و برای شناخت گوشه‌ای از تأثیرات سخنوران ایرانی بر شاعران غیرایرانی سودمند است. ولی در آن نکته تحقیقی و تازه‌ای درباره سعدی بیان نشده است.

**چهره روشن عشق، ثابت محمود (سپیل)، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۳۷۲، ص ۶.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به گفتگوی نویسنده مقاله با برخی از دوستانش درباره تأثیرگذارترین شعری که با مضمون عشق سروده شده است. با این نتیجه‌گیری که: " به خلوت خودم اندیشیدم، به تنهایی‌هایم، به ... چه شعری را در این لحظات با خودم زمزمه می‌کردم؟ میزان حس عاطفه کدام شعر، مرا در خود عمیق‌تر کرده است؟ از این راه، جواب را یافتم. آن شعر، این غزل سعدی بود:

هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم ...

۱-۲. اشاره به تأثیرگذاری برخی از غزل‌های سعدی بر حافظ با عنوان "حافظانه‌های سعدی" و تأکید بر عمق این غزل‌ها.

۱-۳. انتقاد از کسانی که سعدی را " ناظم " دانسته‌اند و تأکید بر عناصر " صمیمیت در زبان "، " عاطفه " و " حس " در سروده‌های سعدی: " ناظم نامیدن سعدی، به هزار و یک دلیل، به خاطر محدود بودن ذهنمان در تعریف " شعر " است. و اولین دلیل هم، همین است که " عاطفه "، " حس " و " صمیمیت در زبان " را در این دیدگاه بسته، نادیده گرفته‌ایم ".

۱-۴. توضیح درباره ویژگی‌های شاعرانه غزل " هزار جهد بکردم ... "؛ از جمله: حسن مطلع، سادگی و صمیمیت، وزن مناسب و ...

۱-۵. بررسی کوتاه مفهوم عشق در غزل سعدی: " عشق در نزد سعدی و در این غزل، راه دوری در پیش ندارد. به خوبی قابل دسترسی است. به خوبی قابل لمس و قابل درک است، لازم نیست عمری را در جستجوی آن به راه‌های مشکل بیفتی ... این عشق می‌تواند زمینی باشد و قابل لمس. می‌تواند عینی باشد و دیدنی. می‌تواند خاکی باشد و از خود تو باشد. ولی در عین حال پیش پا افتاده هم نیست. بی‌ارزش و مبتذل هم نیست ... با وجود عینی بودنش و بی‌تکلفی‌اش و سادگی‌اش، به عظمت یک " راز " است. رازی که می‌تواند تا مرحله " منصوری " شدن پیش برود ...

و من این غزل سعدی را با آن مطلع بلندش، بی هر دلیل و بهانه‌ای، از بهترین سخن‌هایی می‌دانم که می‌شود همواره به آسانی زمزمه کرد و آن را سخت دوست داشت ...".

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۴ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته ضمن اشاره به برخی عناصر شاعرانه در غزل سعدی، بعضی از ویژگی‌های هنری یکی از این غزل‌های او نیز کاویده و بازنموده شده است.

بررسی زیبایی‌شناسانه سروده‌های سعدی، از پژوهش‌های بایسته‌ای است که متأسفانه تاکنون، به گونه‌ای در خور، مورد توجه نبوده است. به همین دلیل نوشته‌هایی مانند این مقاله، اگر کامل هم نباشند، ارزشمند و راهگشا هستند.

۴-۲. چنانچه نشانی مأخذ مقاله، از جمله عبارت و سروده‌ای که در ستون دوم آمده، مشخص شده بود، بر ارزش علمی مقاله می‌افزود.

**چهره سعدی و سخنان حکیمانه او در گلستان، دکتر امین عبدالمجید بدوی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۴۸-۲۱۱.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره مقام شامخ سعدی با اشاره کوتاه به زندگی او: (صص ۲۱۵-۲۱۳) "حیات سعدی سه جنبه براننده دارد، یکی اطلاعات عمیق وی در علوم و معارف دین اسلام و زبان و ادبیات عرب، دیگر شیرینی سخنان و بلاغت بی‌همتای وی ... و سوم جنبه عرفانی و آشنایی او با مشهورترین عرفای زمان خود و اخلاق صوفیان و مدعیان تصوف" (ص ۲۱۵).

۱-۲. معرفی گلستان سعدی و ذکر برخی از عبارات و حکایاتی که متأثر از قرآن بوده است، با ذکر ۲۶ مورد از آیات کریمه قرآن مجید برای شاهد مقصود. (صص ۲۳۹-۲۱۸).

۱-۳. ذکر عبارات و حکایتهایی از گلستان با توضیح بسیار مختصری درباره برخی از آنها و بیان چهار ضرب‌المثل عربی (صص ۲۲۳ و ۲۴۲) یک بیت عربی (ص ۲۴۴) و یک حدیث نبوی (ص ۲۲۶) که با سخن سعدی اشتراک مضمون دارند. در این مقاله مجموعاً صدوسی نمونه از عبارات و حکایتهای سعدی که در موضوعات مختلف بیان شده، برای نشان دادن "چهره سعدی در گلستان" استفاده شده است.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۳۰ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این مقاله طولانی بسیاری از عبارات و حکایتهای گلستان بدون یک نظم منطقی فهرست شده‌اند، اگر چه این نمونه‌ها، بی‌گمان برای شناخت سعدی بسیار مؤثرند اما هنگامی که بدون تحلیل و تنظیم ارائه شوند، در واقع به همان گونه اصلی خود که در گلستان آمده باز گویی شده‌اند. و به جای این گونه نوشته‌ها می‌توان مستقیماً به خود گلستان مراجعه کرد و از آنها بهره برد. مقایسه برخی از سخنان سعدی با ۲۶ مورد از آیات قرآن کریم - اگر چه پژوهش تازه‌ای نیست - برای نشان دادن تأثیرپذیری سعدی از کلام الهی خالی از فایده نیست.

۴-۲. نشانی نقل‌قول‌ها و مثال‌ها مشخص نشده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۶۸، ۵-۲. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاآتسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۲.

## ح

**حاشیه‌ای بر بیتی از بوستان و گلستان، دکتر سید جعفر شهیدی، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۷۴-۷۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار دکتر غلامحسین یوسفی بویژه تصحیح و توضیح گلستان و بوستان (ص ۷۲).

۱-۲. توضیح درباره مفهوم لگدکوبی دماغ در بیت "خیالش چنان بر سر آشوب کرد - که بام دماغش لگدکوب کرد" (صص ۷۳-۷۲).

۱-۳. توضیح درباره وجه مرجح "همسر لوط" بر "پسر نوح" به استناد آیات قرآنی در بیت زیر از گلستان: "پسر نوح با بدان بنشست (با بدان یار گشت همسر لوط) خاندان نبوتش گم شد" (صص ۷۴-۷۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۳. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه در بردارنده دو توضیح ارزشمند و تازه است درباره دو بیت از سعدی. نگارنده مقاله در شماره ویژه کلک (آبان ۶۹) که به بزرگداشت دکتر غلامحسین یوسفی اختصاص داده شده، به جای تعریف و تمجیدهای تکراری و انشاپردازی‌های معمول توضیحات سودمندی برای دو بیت مذکور (رک. مضامین اصلی) بر توضیحات دکتر یوسفی افزوده است، که توضیحات مورد اول کاملاً تازه و توضیحات مورد دوم مستند به آیاتی از قرآن کریم است.

۴-۲. این نوشته کوتاه نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۷۳، س ۳۰: فنجیناه (فنجیناه) و ص ۷۳، س ۳۰: فنجیناه (فنجیناه) و ص ۷۴، س ۳: عنها (عنهما) و ص ۷۴، س ۱۷: دهد (زهد). - نشانی چند بیت مثنوی هم نادرست است. این ابیات از دفتر اول مثنوی ابیات ۲۳۹۹ تا ۳۴۰۲ از تصحیح نیکلسون است.

**حد همین است ... ، محمد حقوقی، کلک، شماره ۷۰-۶۸، آبان - دی ۱۳۷۴، صص ۲۸۶-۲۶۱.**

## ۱. مضامین اصلی: \* این مقاله بررسی کوتاه کتاب " سعدی"، نوشته ضیاء موحد است.

۱-۱. توضیح درباره ذوق و سلیقه همیشگی دکتر ضیاء موحد، در پسند سروده‌های ساده، با اشاره به خاطراتی از او (صص ۲۶۲-۲۶۱).

۱-۲. تأکید بر ویژگی " سهل و ممتنع " سخن سعدی و اظهار شگفتی از پرداخت استادانه همراه با شگردهای شاعرانه او، از جمله درباره قصیده " بس بگردید و بگردد ... " نوشته‌اند: " سادگی کلام در حدی است که چه بسا خواننده، ضمن پذیرش اصل " سهل " زبان، از قبول " ممتنع " آن امتناع می‌کند. لیکن همین طور که بیت به بیت پیش می‌رود و در آخرین بیت [ جاودان از دور گیتی کام دل - در کنار باد و دشمن برکنار ] به همنشینی " در کنار " و " بر کنار " می‌رسد، از پیش‌داوری خود شرمگین می‌شود و با توقف و تأمل در این کاربرد ظریف که نظایر آن را در جای‌جای سخن سعدی بسیار می‌توان دید، به یکباره فراموش می‌کند که به خواننده قصیده‌ای مدحیه اشتغال داشته است ... " (ص ۲۶۵).

۱-۳. اشاره به برخی از نقص‌های کتاب " سعدی " از ضیاء موحد: " از آنجا که تألیف این گروه کتاب‌ها بر اساس ایجاز و اختصار بیشتر به قصد آشنایی اهل کتاب در سطوح مختلف با چهره‌های فرهنگ مداران و دانشوران و هنرمندان ایرانی و ایرانی است، گاه موجب می‌شود که مؤلف از توضیح و توجیه کامل فلان موضوع، و از طرح عناوین لازم دیگر، باز ماند. مثلاً مؤلف در مورد سخن منثور شیخ موارد سبکی گلستان را برشمرده است، ولی در مورد کلام منظوم او، ضمن تعریف از ابیات بسیار و حتی توضیح آرایش‌ها و زیبایی‌های آنها در اشاره به شگردهای خاص شاعر تقصیر کرده است. کاری که می‌توانست در بخش " تأملاتی در سبک سعدی " (از آنجا که به واژگان و اصل محاوره و تناظر ترتیب نحو و معنی اختصاص دارد) خاصه با توجه به دو شگرد اساسی سعدی، یعنی اصل " حذف " و اصل " فصل " صورت پذیرد " (صص ۲۶۷-۲۶۸).

۱-۴. توضیح درباره " حذف " های مختلف در آثار سعدی و ویژگی هنری آنها (صص ۲۶۹-۲۶۸).

۱-۵. توضیح درباره " وصل " و گونه‌های مختلف و کم نظیر (و گاهی بی‌نظیر) آن در آثار سعدی (صص ۲۷۱-۲۶۹).

۱-۶. نقل عباراتی از گفتار ضیاء موحد درباره " شعر گفتاری و شعر تصویری " و تأکید بر درستی داوری او (صص ۲۷۵-۲۷۲)، از جمله: " بر ماست که به دنبال جستجوی ضیاء موحد که آغازی خوش برای این‌گونه تحقیق‌هاست و البته واجد ارج و قابل اجر، به قصد کشف ملاک‌ها و معیارهای تازه‌تر دیگر همچنان از تتبع و تفحص باز نایستیم و اگر دیدیم که مؤلف در بخش " شعر گفتاری و شعر تصویری " ضمن بحث در شناخت شعریت کلام سعدی از ارائه دلایل و شواهد بیشتر خود را بی‌نیاز دانسته است، خود را بی‌نیاز ندانیم " (ص ۲۷۵).

۱-۷. اشاره به وجود بیت‌های سست در غزل‌های سعدی: " هر چند تنها یکی از سه اثر مهم و ارجمند شیخ یعنی بوستان و گلستان و غزلیات، کافی است که صاحب آن را بر تارک ادبیات پارسی بنشانند، اما نمی‌توان به این حقیقت اشاره نکرد که: کمتر غزل سعدی است که یکی دو بیت سست، هم از فرط ساده بودن و سهولت لفظ و هم از شدت عادی بودن و بداهت معنی در آن دیده نشود. و آیا نمی‌توان حدس زد که ... چه بسا همین دو عیب گاهگاهی بوده است که " حافظ " جوان را در عین پذیرش شکست در تقلید جادوی کلام والای " شیخ " به حد " خواجهگی " بزرگ ره نموده و به شعری رسانده است که نه این سادگی کلام را در آن می‌توان دید و نه آن حرف عادی را و نه حتی دو اصل سبکی سعدی یعنی " حذف " و " فصل " را ... " (صص ۲۷۷-۲۷۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. سعدی، ضیاء موحد، ۱۳۷۳. ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳۱ بار، قصاید ۱۶ بار، بوستان ۹ بار، ترجیعات ۹ بار، گلستان ۲ بار، قطعات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که به بهانه نگاهی به کتاب " سعدی " از ضیاء موحد، نوشته شده، به خاطر بررسی برخی از شگردهای شاعرانه آثار سعدی از نوشته‌های ارزشمند است. و با توجه به اینکه بررسی سخن سعدی از دیدگاه زیبایی‌شناسی تاکنون کمتر مورد توجه سعدی‌پژوهان بوده است، ارزش این نوشته آشکارتر می‌شود.

یادداشت‌های پی‌نوشت مقاله نیز بر ارزش کاربردی و علمی آن افزوده است. اما داوری زیر درباره غزل‌های سعدی، داوری عادلانه‌ای نیست: " کمتر غزل سعدی است که یکی دو بیت سست، هم از فرط ساده بودن و سهولت و هم از شدت عادی بودن و بداهت معنی، در آن دیده نشود " (ص ۲۷۶).

البته این که برخی از بیت‌های غزل سعدی نسبت به بیت‌های دیگر آن، ارزش ادبی کمتری دارد شکی نیست، اما اینکه نگارنده مقاله کمتر غزلی را در سعدی دیده‌اند که یکی دو بیت سست در آن دیده نشود، ملاک و دلایل او در این حکم معلوم نیست.

" حد همین است سخندانی و زیبایی را "، جلال‌الدین همایی، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۲۰۷-۱۹۷.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۸۲۳-۷۱۲. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۱۱۲-۱۰۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به نفوذ سعدی در روح و حافظه و احساس فارسی‌زبانان: " برای گزارش احوال و یافتن آثار پیشین، بیشتر به کتب تذکره و رجال و جنگ‌ها و سفینه‌ها رجوع می‌کنند ... اما برای آثار و ترجمه حال سعدی ... کتابی گویاتر و صحیح‌تر از روح و حافظه و احساسات فارسی‌زبانان دنیا در طی هفت قرن نیست " (ص ۱۹۷).

۱-۲. تأکید بر نفوذ ادبی سعدی در میان طبقات مختلف: " برای تشخیص مقام و مرتبه شعرا و نویسندگان دو راه بیشتر نیست، یکی نفوذ کلمه و قبول عامه و دیگر پسند خواص و دانشمندان و این هر دو جهت به تمام معنی در سعدی جمع است. (ص ۲۰۱).

۱-۳. بیان " مختصات ادبی و فکری سعدی: در سعدی چند خصیصه شگفت‌آور است که وی را از همه گویندگان و نویسندگان ممتاز می‌سازد: "

۱-۳-۱. " سعدی جامع همه مراتب و مقامات علمی و عملی است ... در هیچ حال از دیگر حال‌ها غافل نیست عشق و اندرزگویی، آشفتنگی و مصلحت‌بینی و همه جهات متضاد در سعدی یافته می‌شود ... سعدی نه تنها شاعر و نویسنده، بلکه از بزرگان فلاسفه اجتماعی و متفکرین جهان است که نظیرش کمتر به دست ملتی افتاده است. " (صص ۲۰۲-۲۰۱).

۱-۳-۲. " گفتار سعدی هر قدر ساده و بی‌آرایش بدیعی باشد، به حدی جذاب است که بالاتر از آن تصور نتوان کرد. " (ص ۲۰۲).

۱-۳-۳. " سعدی در ضرب امثال و کلمات قصار حکیمانه که در باب هشتم گلستان مخصوصاً بسیار یافته می‌شود به حدی استاد است که يك جهان معنی پخته و رسیده را در چند کلمه می‌پروراند. " (ص ۲۰۳).

۱-۴. اشاره به زندگی سعدی با عنوان " گفتار ترجمه‌نگاران درباره سعدی: " افصح‌المتکلمین مشرف‌بن مصلح سعدی شیرازی، به قول بعضی در ۵۷۱ و به نوشته برخی در ۵۸۰ و به عقیده پاره‌ای در ۵۸۱ و به قولی در ۵۸۵ و علی‌الظاهر در حدود ۶۰۰ یا میان سنوات ۶۰۰ تا ۶۰۶ هجری متولد شد و بنا به معروف در ۶۹۱ و به نوشته ابن‌الغوطی در کت اب الحوادث‌الجامعه در سنه ۶۹۴ وفات یافت. " (ص ۲۰۳).

" سعدي در كودكي يتيم شد، در حدود سال ۶۲۰ از شيراز به بغداد سفر كرد و بعد غالب كشورهاي اسلامي آن عصر را گردش كرد و در حدود ۶۵۴ و ۶۵۵ به شيراز بازگشت. بوستان و گلستان را نوشت و در موقع تسلط مغولان بر شيراز (حدود ۶۶۲). دوباره از شيراز به بغداد و از آنجا به مکه رفت و دوباره به شيراز بازگشت و تا پايان عمر در آنجا ماند ... " (صص ۲۰۴-۲۰۳).

۱-۵. بررسي سه مسئله در كليات سعدي با عنوان " چند مشكل تاريخي و ادبي درباره سعدي":  
۱-۵-۱. اشاره به حكايات باب دوم گلستان (چندانکه مرا شيخ اجل عالم ابوالفرج بن جوزي ترك سماع فرمودي ... ) و توضيح درباره ابن جوزي: " در خانواده ابن جوزي اتفاقاً دو تن در نام و لقب و كنيه و مقام و منصب يكسان بوده‌اند. نخستين جمال‌الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن ابوالحسن علي بن محمد بن جوزي حنبلي مذهب صاحب " تاريخ منتظم " كه ولادتش در ميان ۵۰۸ تا ۵۱۰ و وفاتش شب جمعه ۱۲ رمضان ۵۹۷ در بغداد واقع شده و ديگر " جمال‌الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن يوسف عبدالرحمن بن جوزي " حنبلي مذهب كه از واعظان و عالمان بزرگ قرن هفتم بود كه در سال ۶۳۱ به نيابت پدرش مدرس مستنصر به بغداد شد.

بر فرض اينكه تولد سعدي را در حدود ۶۰۰ بدانيم مقصودش ابن جوزي دوم است كه نواده ابن جوزي اول بوده ... و در صورتي كه تولد او را ۵۷۰ تا ۵۸۰ بدانيم، مقصود ابن جوزي اول است " (صص ۲۰۶-۲۰۵).

۱-۵-۲. اشاره به باب پنجم گلستان (سالي محمد خوارزمشاه با ختا براي مصلحتي صلح اختيار كرد به جامع كاشغر در آمدم) و يك توضيح تاريخي: " در اين تاريخ كه حتماً پيش از ۶۱۷ مي‌شود، اشعار سعدي به زبان پارسي در آن ديار مشهور بوده است. با آنكه اگر تولد او را ۶۰۰ بدانيم، در سال ۶۱۷ هفده سال و اگر ۶۰۶ بدانيم (به قرينه " اي كه پنجاه رفت و در خوابي " كه در ۶۵۶ ساخته). يازده سال داشته است و اين حكايات به هيچ وجه راست نمي‌آيد. احتمال جعل و وضع آن هم بدین گونه كه تاريخ واقعه صريح ذكر شود بي‌اندازه دور و غيرقابل قبول مي‌نماید. پس بايد بگويم كه ولادت شيخ در سنوات پيش از ۵۷۰ تا ۵۸۰ واقع شده است كه مورخان نوشته‌اند.

يك نکته در حكايات هست كه خواننده دقيق را به فكر مي‌اندازد، چه در تمام نسخ كهنه صحيح آغاز حكايات اين‌طور است " سالي محمد خوارزمشاه " بدون لفظ " كه " كه در نسخه‌هاي چاپي ديده مي‌شود. آيا به نظر شما وجود و عدم اين لفظ در اين جمله اثري در معني و مقصود مي‌بخشد يا خير؟ (ص ۲۰۶)

۱-۵-۳. طرح يك پرسش درباره اشعار حماسي سعدي، كه آيا به خوبي از عهده اين شيوه برآمده است يا نه؟ " (ص ۲۰۶).

۱-۵-۴. توضيح درباره بيت:

" به دعوي چنان ناوك انداختي كه عذرا به هر يك يك انداختي "

(ص ۲۰۷).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. كليات سعدي. ۲-۲. الحوادث الجامعه ابن الفوطي.

۳. رويگرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۳ بار، غزليات ۱۲ بار، بوستان ۷ بار، قصايد ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. چنانچه جمله‌هاي توصيفي و انشايي اين مقاله را حذف كنيم، مقاله حاوي نكات نسبتاً تازه و تحقيقي است كه بخش‌هاي " نفوذ ادبي سعدي"، " مختصات ادبي و فكري سعدي" و " چند مشكل تاريخي و ادبي درباره سعدي" اگر چه به كوتاهي بيان شده‌اند در سير سعدي‌شناسي ارزشمند و تأثيرگذار بوده‌اند.

۴-۲. با توجه به اختصار مقاله، بخش " گفتار ترجمه‌نگاران درباره سعدي" آن هم در وسط مقاله، حشو است به ويژه اينكه حاوي مطلب تازه‌اي هم نيست.

۴-۳. ميث سوم در (چند مشكل تاريخي) به گونه‌اي مبهم آغاز شده و بي‌پاسخ رها گرديده است و به جاي تحليل پاسخ اين پرسش، بيتي از بوستان بدون ارتباط با مطالب مقاله معني شده است.

۴-۴. نشاني ابیات شاهد مشخص نشده است.

۵. تأثيرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مكتب سعدي، كشاورز صدر، چاپخانه كاوياني، ۱۳۳۸، صص ۱۱۲-۱۰۰، ۵-۲. سعدي شيرازي، محمدحسين ركن‌زاده، آدميت، كتاب " دانشمندان و سخن‌سرايان فارس"، ج ۲، انتشارات كتابخانه خيام، ۱۳۳۹، صص ۱۰۴، ۵-۳. متن كامل ديوان شيخ سعدي شيرازي، به كوشش مظاهر مصفا، كانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۲۵-۲۴، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۵-۴. گلستان سعدي، به اهتمام دكتور محمدجواد مشكور، انتشارات اقبال، ۱۳۴۲، صص ۲۲۸، ۲۲۸، ۵-۵. مقام سعدي در شعر تازي و راهي امن براي آثار عربي سعدي، دكتور جعفر مؤيد شيرازي، گوهر، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۳، صص ۶-۵، ۹۸۱. حكمت سعدي، كيخسرو هخامنشي، اميركبير، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۸، ۵-۷. نظري به شخصيت سعدي و بعضي عوامل مؤثر در آن، محمود صناعي، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي - آمريكا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۸۶، ۵-۸. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۶۸، ۳۴۰، ۴۴۷.

۵-۹. گزيده غزليات سعدي، مقدمه و شرح دكتور حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، صص ۵۴-۵۳، ۵-۱۰. سعدي، ضياء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۱۹۷، ۵-۱۱. گزيده بوستان سعدي، انتخاب و شرح دكتور حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۹۹.

**حذف در سخن سعدي، دكتور جعفر شعاع، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، به كوشش دكتور منصور رستگار، دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۵۰-۲۳۹.**

**چاپ‌هاي ديگر: ۱. نشر به مدرسه علوم اراك، شماره ۱، ۱۳۵۲، با عنوان " نکته‌اي در زيبايي سخن سعدي" (عباراتي از ابتدا و چهار صفحه از پايان آن مقاله در اين مأخذ حذف شده و در پايان مقاله هم به جاي "دكتور جعفر شعاع"، "دكتور جعفر شعاريان" نوشته شده است).**

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره فرق بين حذف و اختصار و بيان تاريخچه كوتاهي از اختصارنويسي (صص ۲۴۰-۲۳۹).

۱-۲. بررسي حذف در سخن سعدي و مقايسه با ديگران: " شاهكارهاي ادب پارسي پر است از حذف‌هاي متناسب و استادانه، اما به گمان من، اين امر در كلام سعدي فراوان است و چنان است كه در برخي موارد سخن او را به حد اعجاز مي‌رساند، بي‌آنكه كوچكترين تكلفي در شعر او ايجاد كند و مخل باشد، مي‌توان گفت كه شيوه حذف در سخن سعدي يكي از مميزات اصلي كلام اوست." (ص ۲۴۱).

۱-۳. طرح نمونه‌هايي از حذف در سخن سعدي و اشاره به قدرت بيان او؛ از جمله: درباره بيت  
" نه راه شدن نه روي بودن معشوق ملول و ما گرفتار "

مي‌نويسد: " شاعر در ضمن كلماتي معهود، بازنگشتن خود از كوي معشوق و نيز ماندن خود در آنجا و عدم توجه معشوق و دلدادگي سخت خود را با ذكر كلمه " گرفتار" بيان کرده‌است و در اين بيان چنانکه ملاحظه مي‌شود ايجازي در حد اعجاز هست." (صص ۲۴۱-۲۴۲).

در جايي ديگر مي‌نويسد:

" شهري متحدثان حسنت الامتحيران خاموش "



مردم از نظر سعدي به دو گروه تقسيم مي‌شوند: گروهی سخن مي‌گویند و سخن ایشان درباره زیبایی معشوق است و گروه دیگر خاموشند و سبب خاموشی آنان تحیر در برابر زیبایی دلدار است. ملاحظه فرمایید که در این بیت شش هفت کلمه‌ای، چگونه ایجاز و حذف دست به دست هم داده و لطافت و زیبایی و درخشندگی و پرمایگی آفریده‌اند. " (ص ۲۴۲).

۱-۴. توضیح مفصل درباره نوعی از حذف که آن را "تنازع" می‌گویند. و بیان چگونگی تنازع در زبان عربی و انگلیسی (صص ۲۴۶-۲۴۸).  
۱-۵. بررسی و نمود هفت‌گونه تنازع در زبان فارسی با استناد به آثار سعدي (صص ۲۴۸-۲۵۰)، از جمله:  
گر به غریبی رود از شهر خویش محنت و سختی نبرد پاره‌دوز  
ور به خرابی فتد از مملکت گرسنه خفتد ملک نیمروز  
که "پاره‌دوز" مسندالیه است برای فعل‌های "به غریبی رود" و "سختی نبرد" و "ملکی‌نیمروز" مسندالیه است برای فعل‌های "فتد" و "خفتد" (ص ۲۴۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کتاب النقص عبدالجلیل رازی. ۲-۳. فقه‌اللغه ثعالبی. ۲-۴. صناعتین ابو هلال عسکری. ۲-۵. مجله فرهنگستان سابق (شماره ۱ و ۲ و ۳). ۲-۶. مغنی‌اللبيب ابن‌هشام.  
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۱۲ بار، غزلیات ۱۰ بار، گلستان ۸ بار، قصاید ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. در بخش نخست مقاله اگرچه بر ارزش سخن سعدي با تکیه بر عنصر "حذف" تأکید شده، بحث تازه‌ای مطرح نشده است. اما حسن ختام مقاله مبحث "تنازع" است که گونه‌هایی از آن با یادکرد مثال‌هایی از سخن سعدي، باز نموده شده و در نوع خود تازگی دارد.  
۴-۲. روش ذکر مآخذ و عبارات یا ابیات شاهد معیوب و ناهماهنگ است. گاهی هیچ‌گونه اشاره‌ای به مآخذ نشده است (ص ۲۴۲ - شهر همه...)، گاهی تنها به ذکر واژه "گلستان" یا "بوستان" یا ... بسنده شده است (ص ۲۴۹ - مگذار که ره ...)، گاهی تنها نوشته شده "سعدي" (ص ۲۴۹ - بساط سبزه لگدکوب ...)، گاهی صفحه مورد نظر، بدون اینکه نسخه مورد استفاده معلوم باشد، نیز ذکر شده (ص ۲۴۳ - نینداری این ...) و در پاره‌ای از موارد نسخه مورد استفاده، به علاوه صفحه آن نوشته شده است (ص ۲۴۹ - کسی را که ...).  
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدي، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶.

**حریره - هریره ، گذرگاه سعدي، دکتر سیدجعفر حمیدی، مجله مناطق آزاد، سال اول، شماره ششم، مرداد ۱۳۷۰، صص ۵۴-۵۲.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی "حریره" یا "هریره" به عنوان بندری متروک در ساحل شمالی جزیره کیش و اشاره به سفر سعدي به آن جزیره (ص ۵۲).  
۱-۲. توضیح درباره زندگی و مسافرت‌های سعدي و اوضاع و احوال زمان او (ص ۵۲).  
۱-۳. اشاره به برخی از منابع تاریخی و جغرافیایی که درباره جزیره کیش مطلبی در آنها آمده است (ص ۵۳).  
۱-۴. توضیح درباره واژه "حریره" و ذکر چهار احتمال برای ریشه و معنی آن (صص ۵۴-۵۲).  
۱-۵. توضیح مجدد درباره اوضاع اجتماعی زمان سعدي و سفر او به جزیره کیش (ص ۵۴).  
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدي، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۹.  
۲-۲. برخی منابع تاریخی و جغرافیایی برای معرفی "حریره" و "کیش".  
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۲ بار، گلستان ۲ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته جزیره کیش و بندر متروکه "حریره" یا "هریره" به نقل از برخی منابع تاریخی و جغرافیایی معرفی شده است و ضمن آن، به سفر سعدي به جزیره کیش نیز اشاره شده اما در پیوند با سعدي، سخن تازه‌ای مطرح نشده است.

**حسن روز افزون بوستان ، سعید حمیدیان، نشر دانش، سال دوم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۶۱، صص ۴۹-۳۲. چاپ‌های دیگر: ۱. مجله کلك، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۳۹-۱۱۱ (منتخبی از این مقاله است).**

۱. **مضامین اصلی:** این نوشته نقد و بررسی چاپ اول بوستان سعدي (سعدي‌نامه) به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی است. و مقایسه آن با بوستان چاپ رستم علی‌یف.  
۱-۱. معرفی مشخصات ظاهری کتاب مذکور (ص ۳۲).  
۱-۲. توضیح درباره چگونگی تحقیقات ایرانیان و غیرایرانیان درباره متون فارسی. (صص ۳۲-۳۳).  
۱-۳. اشاره به شخصیت علمی دکتر غلامحسین یوسفی و انگیزه سنجش بوستان تصحیح ایشان با بوستان تصحیح رستم علی‌یف (ص ۳۳).  
۱-۴. معرفی تصحیحاتی که از بوستان انجام گرفته و منتشر شده است (ص ۳۴).  
۱-۵. معرفی بوستان دکتر یوسفی زیر عنوان ویژگی‌های کلی طبع دکتر یوسفی (ص ۳۴).  
۱-۶. بررسی تفاوت‌های چاپ یوسفی و چاپ علی‌یف از بوستان، از جمله: "یکی از ترجیحات طبع یوسفی، توضیحاتی است که برای روشن کردن بسیاری از نکات داده است، حتی در برخی موارد علت ترجیح متن با توجه به توضیحات مصحح روشن می‌شود ... نسخه اساس یوسفی از آنجا که دارای تاریخ صریح است، بر نسخه علی‌یف که تاریخ حدسی و مشکوک دارد، رجحان دارد ... حسن بزرگ کار یوسفی و علت توفیق او در شکستگی و پیراستگی متن او و در روش تصحیح اوست. وی بر خلاف علی‌یف علاوه بر اتکای معتدل و معقول بر نسخه اساس، به نسخه‌های دیگر اعم از خطی و چاپی نیز توجه کافی کرده ... و با توجهی که به نسخه‌های غیر اساس داشته، تا حدی دو روش تصحیح یعنی روش اقدم نسخ و روش التقاطی را با هم درآمیخته و نتایج خوبی هم گرفته است. در مقابل، علی‌یف روی اقدم نسخه بیش از حد تکیه کرده و در واقع انقیاد و تعبد مفرطی به آن نشان داده و این امر چنان که خواهیم دید اثرات ناخوبی بر کار او گذارده است" (صص ۳۶-۳۵).  
- یادکرد نمونه‌های دیگری از ترجیحات بوستان یوسفی، از جمله در رسم‌الخط، اعراب‌گذاری و نشانه‌گذاری (صص ۳۷-۳۸).  
۱-۷. بررسی نمونه‌هایی از ابیات افزوده شده در متن دکتر یوسفی که از نسخه‌های غیر اساس در متن راه یافته است و مقایسه آنها با چاپ علی‌یف (صص ۴۲-۳۸).  
۱-۸. بررسی نمونه‌هایی از ابیات متن علی‌یف که در متن دکتر یوسفی نیست (صص ۴۳-۴۲).  
۱-۹. یادکرد موارد رجحان متن دکتر یوسفی بر متن علی‌یف (صص ۴۸-۴۳).  
۱-۱۰. بررسی مواردی از متن دکتر یوسفی که مورد انتقاد نگارنده مقاله بوده است (صص ۴۹-۴۸).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. بوستان سعدي ( سعدي نامه)، به تصحيح و توضيح دكتر غلامحسين يوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۲. سعدي نامه يا بوستان، تهیه متن انتقادي، تحقيق و توضيح از رستم علي ياف، ۱۳۴۷.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۹۷ بار (البته تمام متن مقاله درباره بوستان است)، گلستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته از مفصل‌ترین نوشته‌هایی است که تا پایان سال ۱۳۷۵ درباره بوستان به تصحيح دكتر غلامحسين يوسفی نگاشته شده است. در این نوشته افزون بر معرفي كتاب ياد شده، ویژگی‌هاي آن نیز نقد و بررسی شده است. نویسنده مقاله بدون انشاپردازی و دراز کردن سخن، به شیوه‌ای معتدل و با يك داورى منصفانه، دو متن تصحيح شده بوستان (چاپ يوسفی و چاپ رستم علي ياف) را با هم سنجیده و با ذکر دليل و يادکرد نمونه‌هايي، موارد برتري هر يك را بر ديگري بر شمرده است (داوري‌هاي سليقه‌اي که محل تأمل باشند در این نوشته اندک است).
- مقاله به گونه‌اي پرداخته شده که در ضمن، متن بوستان مصحح رستم علي ياف هم، به نوعي، نقد و بررسی شده است. این گونه از نقدهاي عالمانه، راه شناخت درست‌تر آثار ارزشمندی چون دو اثر مورد نظر در این مقاله را هموارتر مي‌سازد.
۵. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بوستان سعدي، به تصحيح و توضيح دكتر غلامحسين يوسفی، سعيد حميدیان، نشر دانش، سال پنجم، شماره ۶، مهر و آبان ۱۳۶۴، ص ۵۶. ۵-۲. این گلستان همیشه خوش باشد، دكتر محمدجعفر ياحقي، نشر دانش، آذر و دي ۱۳۶۸، ص ۳۸.

## حق سعدي به گردن حافظ ، بهاء‌الدين خرمشاهي، ذکر جميل سعدي، ج ۱، کمیسیون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۳۴-۲۰۳.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. توضيح درباره موازنه هنر سعدي و حافظ و مقايسه آنها: "... آنچه تا کنون در این زمينه انجام گرفته عمق و اهميت چنداني ندارد ... هنر سعدي و حافظ هيچ يك فراتر يا فروتر از ديگري نيست. این دو، حريف و هم‌اورد و هم‌قدر يکديگرند. این دو بزرگ‌ترین غزل‌سرایان زبان فارسي هستند. هر دو در اوج اعتلا و تلالو. ولي سبك و سليقه هنريشان تفاوت‌هايي دارد، همچنان که همانندي‌هايي دارد. سعدي استاد مسلم غزل عاشقانه فارسي است ولي عناصر غير عاشقانه هنري غزلش به اندازه غزل حافظ نيست. هوشمندی و هنرشناسي حافظ در این بوده است که بخوبي و بزودي دريافته بوده است که در غزل عاشقانه و حديث مهر و وفا فراتر از سعدي نمي‌توان رفت (ص ۳۰۵). این از خوشترين بخت‌ياري‌هاي تاريخ شعر فارسي است که حافظ با آنکه از شعر و هنر سعدي بسي تأثیر برده ولي از سبك و سياق و سليقه وي تقليد نکرده است وگرنه سعدي‌واره کم‌رنگي از خود به جاي مي‌گذاشت (ص ۳۰۶).

غزل حافظ انسجام و تداوم فکري و حالي غزل سعدي را ندارد اما بيشتري از غزل سعدي فکرانگيز است ... غزل او " خودآگاه‌تر" و غزل سعدي " بي‌خودانه‌تر" است. غزل سعدي طبيعي‌تر و غزل حافظ صناعي‌تر است (ص ۳۰۶). از نظر لفظ و سخنوري نیز این دو شاعر بزرگ به يكسان فصحي ح يا بلکه خود معيار فصاحتند ... نگارنده این سطور، هم غزل سعدي و هم غزل حافظ را در اوج و این دو را بزرگ‌ترین غزل‌سرایان تاريخ شعر و غزل فارسي مي‌داند ... شك نيست که فضل تقدم از آن سعدي است و سعدي بر گردن حافظ حقوق هنري دارد. در میان پيشينيان سه شاعر بر شعر حافظ بيشتري تأثیر را گذاشته‌اند: کمال‌الدين اسماعيل اصفهاني، خواجوي کرمانی و شيخ اجل سعدي." (ص ۳۰۷). ۲-۱. بيان مستند و تفصيلي تأثيرات شعر و هنر سعدي بر شعر حافظ:

۱-۲-۱. تضمين‌هاي حافظ از شعر سعدي. در این بخش هفت نمونه از سروده‌هاي سعدي که حافظ آنها را تضمين کرده، نموده شده است (صص ۳۰۸-۳۰۷).

۱-۲-۲. اقتباس‌ها و شباهت‌ها:

الف: تضمين‌هاي جزئي و اخذ و اقتباس‌هاي لفظي. در این بخش ۶۲ نمونه از سخنان و سروده‌هاي سعدي که حافظ از آنها به گونه‌اي جزئي تضمين يا اقتباس کرده، نموده شده است (صص ۳۱۶-۳۰۹).

ب: شباهت يا اخذ و اقتباس در مضمون و معني. در این بخش ۴۹ نمونه از سخنان و سروده‌هاي سعدي که حافظ در معنا از آنها بهره برده نموده شده است. (صص ۳۲۳-۳۱۶).

پ: شباهت يا اخذ و اقتباس در صنايع شعري. با این توضيح که " غالب صنايع شعري که در این بخش مطرح مي‌شود، پيش از سعدي و در آثار سخنوران پيشين سابقه دارد. يعني حکم قاطع نمي‌توان کرد که حافظ با آن همه تتبع که در آثار قدما داشته، اينها را مستقيماً از سعدي گرفته است." (ص ۳۲۳).

در این بخش ۲۶ نمونه از سخنان و سروده‌هاي سعدي که در استفاده از صنايع شعري با اشعار حافظ شباهت داشته‌اند و يا حافظ آنها را اقتباس کرده نشان داده شده است (صص ۳۲۸-۳۲۳).

۱-۳. استقبال‌ها، در این بخش ۷۴ مطلع از غزل‌هاي سعدي که مورد استقبال حافظ واقع شده‌اند، بيان شده است (صص ۳۳۳-۳۲۸).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي، محمدعلي فروغي، چاپ سوم، اميرکبير، ۱۳۶۳. ۲-۲. غزليات حافظ، قزويني - غني.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۱۸۸ بار، گلستان ۱۵ بار، بوستان ۱۱ بار، قصايد ۲ بار، قطعات ۱ بار، رسائل نثر ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله به تفصيل شباهت‌ها و تأثير و تأثيرات حافظ و سعدي را طبقه‌بندي کرده و با ذکر بيش از ۴۰۰ نمونه شاهد باز نموده و توضيحات مفيدي در مقدمه مقاله در جهت روشن شدن موضوع بيان کرده است و براي سنجش و مقايسه این دو شاعر بزرگ بسيار سودمند است. رعایت ايجاز و پرهيز از کلي‌گويي‌هاي دراز دامن (که در بسياري از مقاله‌ها ديده مي‌شود). به ارزش مقاله افزوده است.

۵. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست، دكتر غلامحسين يوسفی، چشمه روشن، ۱۳۵۸ (چاپ سوم)، ص ۲۵۵. ۵-۲. شاعري انديشه‌ور، کلک، شماره چهار، تير ۱۳۶۹، ص ۷۰. ۵-۳. چشمه روشن، ديداري با شاعران ... ، دكتر منصور اميري، ره‌آورد، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۷۰، ص ۲۵۶. ۵-۴. چهره روشن عشق، ثابت محمودي (سهييل)، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۱ تير ۱۳۷۲، ص ۶. ۵-۵. سعدي، ضياء موجد، طرح نو، ۱۳۷۲، صص ۴۳، ۱۹۶. ۵-۶. کليات سعدي، محمدعلي فروغي، به کوشش بهاء‌الدين خرمشاهي، انتشارات ناهيد، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

## حكايت درويش خردمند ، ج. حسني، مجله شاهد، شماره ۱۵۵، ارديبهشت ۱۳۶۷، صص ۲۵-۲۴.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. تأکيد بر وجود مفاهيم اخلاقي و عرفاني در ادبيات فارسي (ص ۳۴).  
 ۱-۲. بازنويسی حكايت " ز دريای عمان برآمد کسی ... " با توضيحات مختصري درباره این حكايت (صص ۳۵-۳۴)، از جمله: " سعدي را در این داستان نظر این است که براي شناخت انساني، حوصله و صبر لازم است ... اشعار سعدي پر از پندهاي گوناگون است و هر مصري و بيتي حكايت از يك برخورد فردي و اجتماعي با امور مختلف را نشان مي‌دهد. مفاهيم پرجوهره‌اي که در جمله‌هاي کوتاه گنجانده شده است ... .

اگر بخواهیم يك بازبینی كلي در این حکایت شیرین بنماییم، مشاهده خواهیم کرد، که چند مورد اخلاقی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و اخلاق حسنه در زبان داستان و سمبل‌های داستانی، مورد تشویق و تأیید قرار گرفته و اخلاق رذیله و مکروه و ناپسند انکار و نفي شده است ... " (ص ۲۵).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. بوستان سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۱۰ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته در واقع بازنویسی حکایت " ز دریای عمان برآمد کسی ... " از بوستان سعدي است. نویسنده در پایان حکایت نتایج اخلاقی آن را برشمرده است، که برای خوانندگان عمومی مجله خالی از فایده نیست.

**حکمت عملي از نظر سعدي ، دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۲۸-۲۲۸.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. بحثي درباره تعريف حکمت و تقسیمات آن (عملي و علمي). با استفاده از گفتار خواجه نصیرالدین درباره حکمت عملي؛ "محور اصلي حکمت عملي، دانستن مصالح اعمال و اخلاق است، نه عمل و کردار. به عبارت دیگر حکمت عملي علم به مصالح افعال و اعمال بشري است، نه خود اعمال" (ص ۲۲۹).

۱-۲. تأکید بر حکمت عملي سعدي؛ "علمای اخلاقی اجناس فضایل اخلاقی را چهار اصل می‌دانند که به منزله اجناسند: حکمت، شجاعت، عفت، عدالت ... (ص ۲۳۱) سعدي در بوستان و همچنین در گلستان در ضمن عباراتی شیوا از این چهار جنس و فضیلت‌های تابع آن، سخن گفته ... (ص ۲۳۱) به طوری که از ابواب هشتگانه بر می‌آید در گلستان بیشتر نظر سعدي متوجه به مسائل اجتماعی است ... وي در ضرب امثال و کلمات قصار حکیمانه، به حدی استاد است که يك جهان معنی را در چند کلمه پرورانده است ... (ص ۲۳۲) علت توجه سعدي به این ذقایق اخلاقی را باید در وجود او جستجو کرد. می‌دانیم سعدي بوستان را در زمانی سرود که هنوز فکری بکلی از تعلیمات نظامیه و مستنصریه و خانقاه سهروردی آزاد نشده بود. به همین جهت ابواب دهگانه‌ای را که برشمردیم از نوع حکمت عملي است که در خانقاه درویش متشروع و پیروان طریقه زاهدانه از آن تبعیت می‌شد و این بدان علت است که قرن هفتم که سعدي در آن می‌زیسته قرنی است که بیش از هر عصر و زمانی، مردم نیازمند به تهذیب اخلاق بوده‌اند ... سعدي چون می‌خواست واعظی نامبردار گردد، جهانگردی اختیار نمود." (ص ۲۳۳).

۱-۳. توضیحی درباره زندگي سعدي و بیان فهرستی از کتاب‌هایی که سعدي احتمالاً بدانها دسترسی داشته، خوانده و از آنها تأثیر پذیرفته است (صص ۲۳۵-۲۳۳) و نتیجه اینکه: " اصولاً در تکوین اصول اخلاقی اسلامی سه عنصر مؤثر موجود بوده است: در درجه اول اصول اخلاقی قرآن کریم، در مرتبه دوم يك رشته مدارک اخلاقی متنوع و مبهم است مانند امثله، کلمات حکیمانه، حکایات و افسانه‌ها و در مرتبه سوم سنت اخلاقی یونان ... سعدي تنها فردی است که این اصول را از راه تعقل و استدلال و قواعد عملي آن را به طریق مشاهده و استقرا دریافته است" (صص ۲۳۶-۲۳۵).

۱-۴. طرح احتمال ملاقات سعدي با ابن عربی و بهره‌مندی او از سهروردی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی او در این سفرها؛ " وي در اثناء سیاحت به منظور ارشاد و هدایت دیگران که پیوسته در نظر داشت، دو نوع دانش و تجربه اندوخته بود، نخست آنکه از عادت و اخلاق و عواطف و تمایلات و دیگر حالات روحی مردمان و علل و اسباب صلاح و فساد آن حالات به خوبی آگاه شده و در حقیقت حکیمی روان‌شناس و واقف به رموز و اسرار اجتماع گشته بود و دیگر آنکه از قواعد اخلاقی آنچه را با اوضاع زمان مناسب‌تر می‌نمود و به حال مردم نافع‌تر بود برای موقع افاده و تعلیم در نظر گرفته و به خاطر سپرده بود. در سال اول ورود به شیراز (۶۵۵) خلاصه علوم و تجارب خود را به نام بوستان، که منظومه اخلاقی کامل‌عیاری است و در سال بعد (۶۵۶) نمونه نوع اول را به نام گلستان پرداخت. اساساً باید متوجه بود که سعدي مسائل اخلاقی و حکمت عملي را به تمامی از دید عرفان مورد دقت قرار نداده ... اگر بایستی چند راجع به تواضع و قناعت و رضا و احسان و فوائد خاموشی یا توبه پرداخته، مقصود وي شرح آنها به همان نظر که در میان صوفیه متداول است، نیست." (صص ۲۳۷-۲۳۶).

" کوتاه سخن آنکه همان‌طور که سعدي بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای فارسی است، بزرگ‌ترین حکیم اجتماعی است و کتاب گلستان و سعدي‌نامه یا بوستان دو نمونه برجسته از کتب اخلاقی است " (ص ۲۳۷).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نیست). ۲-۲. اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی.

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار، غزلیات ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این مقاله از این نظر که پیش‌زمینه‌های ذهنی و دلایل تأثیرپذیری و شکل‌گیری ذهن سعدي را در طرح مسائل اجتماعی و حکمت عملي کاویده و بررسی نموده، مقاله‌ای سودمند است، اما مانند بسیاری دیگر از مقالات، از عیب درازگویی و حاشیه‌روی در امان نمانده است.

۴-۲. ذکر نشانی مأخذ و مراجع ناقص است و نشانی مثال‌های شاهد ذکر نشده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدي، محمدکریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۳، صص ۲۰، ۵۰، ۵-۲. گزیده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۲۵.

**حماسه‌سرایی شیخ اجل سعدي شیرازی ، ن. مغانی، تماشای زندگي، سال دوم، شماره ۱ و ۲ (شماره پیاپی ۱۲-۱۲) فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳، صص ۲۱-۲۰.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. تأکید بر بلند مرتبگی سعدي در سخن و اشاره به حکایتی در بوستان که در آن حکایت " شوخ چشمتی بر او ایراد گرفته است که با آنکه در زهد و طامات و پند بلاغتش بی‌مثال است ولی در حماسه‌سرایی شیوه بر دیگران ختم است " و پاسخ سعدي به او ... (ص ۳۰) استاد غزل وصفی از جنگ ارائه می‌دهد که به جای اینکه شورانگیز باشد عبرت‌آموز است که " ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست " ... و در پایان قول می‌دهد که حدیث بوالعجب‌تری نقل کند و به حکایت دوم می‌پردازد ...

بعد از سرودن این حکایت ظاهراً دست از "چالش" بر می‌دارد و از صرافت حماسه‌سرایی می‌افتد ... حکایت چهارم [ در همان باب ] ماجرای کردی است که دچار پهلوی درد می‌شود و ... نکته جالب در این داستان برای مردم اردبیل این است که ظاهراً در عصر سعدي (قرن هفتم) اردبیلی‌ها به پهلوانی و رزمجویی مشهور بوده‌اند که استاد غزل برای چالش در شیوه حماسه‌سرایی، پهلوانی از این مرز و بوم برگزیده است. همان‌گونه که فردوسی پاکزاد پهلوانی از سیستان را برگزیده بود ... (صص ۳۱-۳۰).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. بوستان سعدي. (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۵ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته جز اشاره‌ای کوتاه به باب پنجم گلستان (باب رضا) و حکایت حماسه‌سرایی سعدي نیست و سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است. در این نوشته بر ضعف سعدي در حماسه‌سرایی (در مقایسه با فردوسی) تأکید شده و نویسنده از

حکایت دوم این باب به دلیل اینکه شخصیت داستان اردبیلی بوده به کشف غریبی نائل آمده‌اند و آن اینکه: "ظاهراً در عصر سعدي اردبیلی‌ها به پهلوانی و رزمجویی مشهور بوده‌اند ... اما یل اردبیلی از بد روزگار گرفتار استاد شیراز می‌شود و نمد پوششش به اسارت می‌رود [!] ... " (ص ۳۱). در حالی که به قول دکتر تقی وحیدیان کامیار: "اردبیلی بودنش به ضرورت قافیه‌سازی است با بیل و آوردن بیل هم به خاطر بیلک، که نوعی پیکان است" (حماسه‌سرایی فردوسی و پهلوانان حماسه‌های سعدي، دکتر تقی وحیدیان کامیار، آشنا، شماره نهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۴۳). بررسی و مقایسه دقیق سعدي و فردوسی در حماسه‌سرایی در مقاله مذکور (از دکتر وحیدیان کامیار) آمده است ولی "ن. مغانی" به آن مقاله توجهی نداشته یا آن را ندیده‌اند.

**حماسه‌سرایی فردوسی و پهلوان حماسه‌های سعدي، دکتر تقی وحیدیان کامیار، آشنا، شماره نهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، صص ۴۵-۴۱.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه اطلاعات، ۱۵ فروردین ۱۳۷۰، ص ۶ و ۲۲ فروردین ۱۳۷۰، ص ۶. ۲. کتاب باز، شماره ۱، دی ۱۳۶۹، صص ۵۶-۴۴ (با عنوان "فردوسی و سعدي در حماسه‌سرایی").**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** تأکید به عظمت فردوسی و سعدي: "فردوسی و سعدي دو تن از بزرگ‌ترین شاعران ایران و بلکه جهان هستند، فردوسی در سرودن حماسه و شعر پهلوانی و سعدي در غزل و شیوه زهد و طامات و پند (ص ۴۱).  
۱-۲. اشاره به حکایت آغاز باب پنجم بوستان با بیان ابیاتی از این بخش در حماسه‌سرایی سعدي و نتیجه اینکه: "این دید دیدحماسی نیست، بلکه ضد حماسی است و نمایانگر این حقیقت که سعدي نمی‌تواند حماسه‌سرا باشد" (ص ۴۱).  
۱-۳. تحلیل دو حکایت سعدي که به قصه حماسه‌سرایی پرداخته است: "سعدي پس از این مقدمه، دو حکایت کوتاه می‌آورد تا هم استادی و برتری‌اش را در شعر پهلوانی به اثبات برساند و هم بگوید که پهلوانی و مردانگی فایده و سرانجامی ندارد ... اما نه تنها استادی و برتری خود را به اثبات نمی‌رساند، بلکه از همان بیت اول ضعف و ناتوانی خود را در سرودن شعر حماسی آشکار می‌سازد ... قهرمان حکایت اول فردی است عادی و به گفته سعدي دوست پهلوانش است، برخلاف پهلوانان شاهنامه که همه حماسی هستند ... دوست جنگاور سعدي با دشمنان می‌جنگد، اما علت دشمنی و انگیزه جنگ معلوم نیست، برخلاف فردوسی که حماسه بشر پوینده را می‌سراید ... پهلوان سعدي مدام دست و خنجرش حنا (خضاب) بسته به خون است و دل دشمنانش مثل کباب بر آتش که تصویر اولی بزمی است نه حماسی و تصویر دوم عامیانه و مبتذل و غیر حماسی ... پیکان پهلوان سعدي در سپرها همانند "خار در گل" فرو می‌رود که تصویری است تغزلی نه حماسی ... ولی پیکان پهلوانان شاهنامه آهن‌گداز است و موشکاف ... سعدي پهلوانش را به گنجشکی تشبیه می‌کند در برابر ملخ ولی روح حماسی فردوسی پهلوانش را در برابر حریف چون پلنگی می‌بیند در برابر آهو ... یا شیري در برابر گورنر ... ناگفته نماند که بعضی از ابیات سعدي از نظر تصویر صلابت و رنگ حماسی دارد و نشان دهنده این است که سعدي از نظر سخندانی و شاعری توانایی سرودن را دارد، اما چون در او روحیه و دید حماسی نیست، از این نظر ضعف‌هایی در کلامش مشاهده می‌شود (ص ۴۲). حکایت حماسی اول سعدي نه از نظر محتوا انسانی و پهلوانی است و نه از نظر موسیقی و آهنگ تصویرسازی و توصیف ... در حکایت دوم نیز پهلوان سعدي اگر چه پنجه‌ای آهنین دارد، اما آدمی ضعیف، سست‌عنصر و بخت‌برگشته است و به دور از روحیه مردانگی و حماسی ... عدم موفقیت سعدي در حماسه‌سرایی وقتی بیشتر آشکار می‌شود که در نظر بگیریم سعدي در سرودن این دو حکایت اشعار حماسی فردوسی را پیش‌رو داشته ... عدم موفقیت سعدي در حماسه‌سرایی گناه سعدي نیست، گناه روحیه زمان سعدي است که تسلیم و رضا بوده، درست نقطه مقابل روحیه ایرانیان معاصر فردوسی ... شگفت این است که سعدي با همه سخندانی‌اش نمی‌پذیرد که حماسه‌سرایی ختم است بر فردوسی (ص ۴۳).

**۱-۴.** بررسی سروده‌های حماسی فردوسی از نظر موسیقی کلام در مقایسه با سروده‌های سعدي (صص ۴۵-۴۴).  
**۲. منابع اصلی: ۱-۲.** بوستان سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شاهنامه فردوسی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي: ۱-۳.** بوستان ۱۶ بار، غزلیات ۲ بار.

**۴. اشاره: ۱-۴.** پیش از نگارش این مقاله نیز بارها درباره حکایت‌های آغاز باب پنجم بوستان و حماسه‌سرایی سعدي در مقابل فردوسی سخن گفته شده است اما در این نوشته با بررسی دقیق واژه‌ها و مفاهیم حماسی در سروده‌های فردوسی و مقایسه آنها با سروده‌های سعدي و نیز با مقایسه دقیق شخصیت‌های حماسه فردوسی و پهلوانان حکایت‌های حماسی سعدي این اختلاف به شایستگی نموده شده است. - اگر چه نویسنده به پژوهش‌های پیش از نگارش مقاله خود هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند!  
۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

**حیات سعدي، نخستین کتاب در شرح حال و وصف و نقد آثار شیخ سعدي شیرازی، منظورالحق، مجله هلال، ج ۲، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۳۲، صص ۳۶-۲۲.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** اشاره به نفوذ افکار و آثار سعدي در شبه قاره پاکستان و هند، از جمله: "در پاکستان تا امروز کتابی به قدر گلستان و بوستان سعدي مطلوب عامه نیست ... چاپ آنها تنها در شبه قاره پاکستان و هند از میزان شماره خارج است ... مسلمانان شبه قاره بدون استثنا این دو کتاب را محترم می‌شمرند و هنوز از آنها استفاده می‌کنند. صدها قول از گلستان و بوستان به طور ضرب‌المثل در زبان ملی پاکستان یعنی اردو جاری است ... " (ص ۳۲).  
۱-۲. معرفی "الطاف حسین حالی" نویسنده کتاب حیات سعدي و توضیح درباره ارزش این کتاب (صص ۳۶-۳۳)، از جمله: "کتاب حیات سعدي نتیجه زحمات چندین ساله اوست و یکی از آثار مهمه ادبی شبه قاره محسوب می‌شود. این کتاب مفید در همه دانشگاه‌های شبه قاره تدریس می‌شود. پیش از این، هیچ کتاب مستقلاً درباره شرح حال و وصف و نقد آثار این شاعر بزرگ اجتماعی و اخلاقی یعنی شیخ سعدي شیرازی نوشته نشده بود و حتماً کتاب حیات سعدي در دنیا نخستین تألیفی است که در شرح حال و وصف آثار شیخ انتشار یافته است ... این کتاب نفیس در اردو سلیس و روشن نوشته شده و ده‌ها بار در شبه قاره به چاپ رسیده است ...

مرحوم الطاف حسین حالی برای نوشتن این کتاب به تمام مأخذها و منابع شرقی و غربی که بدان دسترسی داشته مراجعه کرده و از همه بالاتر آثار خود شیخ را به دقت مطالعه نموده است و تواریخی را هم که مربوط به عصر و زمان شیخ بود، خوانده و به استنباط نکات و دقایقی که دیگران کمتر بدان پی برده‌اند، موفق شده است ... " (ص ۳۳).

"خوشبختانه کتاب حیات سعدي به توسط آقای سید نصرالله سروش، در زبان شیرین فارسی نیز ترجمه شده و از طرف بنگاه دانش تهران در سال ۱۳۱۶ شمسی طبع و نشر شده است" (ص ۳۶).

**۲. منابع اصلی: ۱-۲.** حیات سعدي، الطاف حسین حالی.

### ۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته کتاب " حیات سعدي " از الطاف حسين حالي را معرفي کرده و، بر ارزش مطالب - بویژه قدمت آن نسبت به سایر کتاب‌هایی که درباره سعدي نوشته شده - تأکید ورزیده است. گفتني است کتاب یاد شده ضعیفها و نقص‌هایی هم دارد که در این مقاله به آنها اشاره نشده است. برای آگاهی بیشتر رك. کتاب یاد شده در بخش کتاب‌ها، در همین مجموعه.

## خ

### خانه سعدي ، محیط طباطبایي، یغما، سال بیست‌وششم، شماره ششم، شهریور ۱۳۵۲، صص ۲۲۲-۲۲۹.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. اشاره به مقاله‌هایی که درباره خانه منسوب به سعدي نوشته شده و پاسخ به اشکالاتي که آقای علي‌نقي بهروزي به مقاله " خانه سعدي در شیراز " از نگارنده (محیط طباطبایي) وارد کرده‌اند (رك. خانه سعدي در شیراز، علي‌نقي بهروزي، یغما، سال بیست و ششم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۲۱). نتیجه اینکه: " [ درباره خانه منسوب به سعدي ] نظر جدیدی ندارم و سخن را از پیش گفته‌ام و نوشته‌ام و تکرار نخواهم کرد. اکنون با جناب آقای حکمت و همچنین جناب بهروزي و جناب یغمایی در يك واقعیت مخالف نیستم که چه ضرري دارد و به کجا برمي‌خورد که شیرازیان خانه‌اي را در شیراز به نام سعدي منسوب دارند و آن را تعمیر و حفظ کنند... مسلم است این ناتوان هم در عین شکستگی و خستگی، حاضر... جلو در خانه علامه بر زمین این کوچه قدیمی شهر بایستم و این شعر را به روان پاک سعدي نیاز کنم:  
بر زمینی که نشان کف پای تو بود سال‌ها سجده صاحب‌نظران خواهد بود " (ص ۲۲۳)

۲. منابع اصلي: ۲-۱. مقاله خانه سعدي در شیراز، علي‌نقي بهروزي، یغما، سال بیست‌وششم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۲۱.

### ۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته که در واقع پاسخ‌نامه‌اي به اعتراضات آقای علي‌نقي بهروزي نسبت به مقاله پیشین نگارنده درباره خانه سعدي است، نویسنده بر نظرات پیشین خود تأکید ورزیده و تنها يك مورد از نظرات آقای علي‌نقي بهروزي را پذیرفته است (رك. ۱-۱ از مقاله حاضر) و سخن چندان تازه‌اي در آن به چشم نمی‌خورد.

### خانه سعدي در شیراز ، علي‌نقي بهروزي، یغما، سال بیست‌وششم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۲۱. چاپ‌های دیگر: ۱. مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، دکتر منصور رستگار فسايي، امیر کبیر، ۱۳۷۵، صص ۴۵۹-۴۴۵.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. پاسخ به مقاله محیط طباطبایي در مورد خانه سعدي (مندرج در مجله یغما، سال بیست‌وششم، شماره دوم) و رد نظر ایشان در چند موضوع از جمله: تخریب آرامگاه سعدي، انتساب سعدي به طایفه بني‌سعد، ارتباط پدر سعدي با اتابك، تعمیر خدای خانه مسجد جامع عتیق به فرمان فرهاد میرزا (صص ۲۲۲-۲۲۱).

۱-۲. تأکید بر اقامت سعدي در شیراز پیش از مسافرت‌هایش و بعد از آن و اشاره به كمك‌هایی که صاحب‌دیوان (خواجه شمس‌الدین). برای او می‌فرستاده و سفارشی که برای ساخت بقعه به او شده است (صص ۲۲۳-۲۲۲).

۱-۳. ذکر دلایلي مبنی بر اینکه خانه منسوب به سعدي، ممکن است خانه پدری او باشد. از جمله: قدمت هفت صد ساله برخی دیگر از بناهای شیراز، تأیید کارشناسان باستان شناسي و بیت " تا نشنوي ز مسجد آدینه ... " از یکی از غزل‌های شیخ، حکایت برادر سعدي که " بر در سراي اتابك " دکان داشته، ادعای مالک منزل مذکور و مسئله شیاع (صص ۲۲۵-۲۲۲).

نتیجه اینکه: " قطعاً این خانه به خانواده سعدي تعلق داشته است (ولو اینکه متعلق به پدر و برادر شیخ باشد)، با این تفصیل، چه عیبی دارد و به کجا بر مي‌خورد که ما این خانه را چنانکه قرن‌ها معروف بوده، به " سعدي " منسوب بدانیم و آن را محترم بشماریم و آن را به یاد نابغه شیرازي تعمیر و حفظ کنیم " (ص ۲۵).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. یغما، سال ۲۶، شماره دوم، ۲-۲. فارسنامه ناصري. ۲-۲. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

### ۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. رسائل ۲ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بخش نخست مقاله که نقد نوشته مرحوم طباطبایي است نشان دهنده دقت و توجه نگارنده مقاله است و همه دلایل مطرح شده نیز دلایلي بی‌وجه نیست اما پاسخ مجدد این اشکالات را آقای محیط طباطبایي در مقاله‌اي باز گفته‌اند (رك. یغما، سال بیست‌وششم، شماره ششم، شهریور ۱۳۵۲، صص ۳۲۳-۳۲۹، مقاله خانه سعدي در شیراز). دلایل مطرح شده در بخش دوم مقاله نیز به امکان واقعی بودن خانه منسوب به سعدي كمك می‌کند. هر چند این دلایل را پیش از این آقای محمدعلي معیری بازگفته‌اند و بهتر بود نگارنده به آن مقاله اشاره می‌کردند (رك. خانه سعدي و قبر سیبویه در شیراز، محمدعلي معیری، ایران آباد، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۳۲-۳۰).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدي را بشناسید، علي‌نقي بهروزي، کتاب‌فروشي معرفت شیراز، ۱۳۵۵، ص ۲۱.

### خانه سعدي در شیراز ، محمد محیط طباطبایي، یغما، سال بیست‌وششم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۹۱-۸۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، دکتر منصور رستگار فسايي، امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۴۵۳-۴۴۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به خبری چاپ شده در یکی از روزنامه‌های تهران درباره خانه منسوب به سعدی (ص ۸۳).  
۱-۲. رد ادعای کسانی که خانه مذکور را به سعدی نسبت می‌دهند. تأکید بر تخریب همه بناهایی که در زمان سعدی موجود بوده و بازسازی آنها در زمان‌های بعد: "... خانه‌ای که معلوم نیست در چه محلی از شیراز، سعدی در آن به دنیا آمده و به جوانی رسیده، بدون شک اثری از آثار آن بر جا نمانده است ... و نیازی بدان نیست که با طناب سست تازه تاب چهل چهل سال پیش، خویش را درون چاهی خشکاب بیابوزیم و از تار عنکبوت خیال خانه‌ای برای سعدی بیافیم ... " (ص ۸۸).  
۱-۳. توضیح درباره قبیله "بنی‌سعد" و انتساب سعدی به آن قبیله (صص ۸۹-۹۰).  
۱-۴. اعتراض به مردم شیراز: "عجب است در شهری که مردم آن هنگام ویران کردن خانقاه هفت صد ساله سعدی ... سخنی نگفتند، اینک نسبت به چنین ادعا و انتساب بی‌سابقه‌ای و بدون دلیل مقنع، ستون‌های روزنامه را به تعریف و تأیید آن اختصاص می‌دهند" (ص ۹۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته اعتراض شدیدی است علیه کسانی که خانه‌ای را در شیراز منسوب به سعدی می‌دانند. با احترام به روشنگری‌های تاریخی و ادبی نویسنده مقاله در نوشته‌های متعدد و ارزشمند او، باید گفت: چنانچه انتساب خانه مذکور به سعدی استناد محکمی ندارد، ادعای انتساب سعدی به قبیله "بنی‌سعد" - که در این مقاله آمده - نیز فقط بر پایه احتمالات و تصورات نویسنده بنا شده است.

۴-۲. در ص ۹۰ مقاله آمده است: "پس از زمان سعدی به بعد تا امروز هر روز خانه‌ای که در شیراز مسکن افراد قبیله بنی‌سعد بوده است، خانه سعدی شمرده می‌شود، در صورتی که هیچ یک از آنها خانه شیخ سعدی، شاعر و عارف خانه‌به‌دوش و بی‌خانمان و رباط‌نشین شیراز نبوده است".

اولاً سعدی با همه علاقه‌مندی که به سفر و گردش داشته، بی‌گمان هم پیش از مسافرت‌های مشهورش، و هم بعد از آن در جایی ساکن بوده و به گونه‌ای که نویسنده فرموده، "خانه به دوش، بی‌خانمان" نبوده است.

ثانیاً این طور هم نیست که "تا امروز هر خانه‌ای که در شیراز مسکن افراد قبیله بنی‌سعد بوده است، خانه سعدی شمرده شود". اگر ادعایی برای خانه منسوب به سعدی مطرح شده جدای از درستی یا نادرستی آن، تنها در یک محل و یک خانه است و نه خانه‌های متعدد.

۴-۳. گفتنی است که آقای علی‌نقی بهروزی پاسخ‌نامه‌ای برای این مقاله فراهم آورده و در مجله یغما به چاپ رسانده است (رک. یغما، سال بیست‌وششم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۲۱).

۵. **تأییدات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. خانه سعدی در شیراز، علی‌نقی بهروزی، یغما، سال بیست‌وششم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۱-۲۲۵.

## خانه سعدی و قبر سیویه در شیراز، محمدعلی معیری، ایران‌آباد، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۲۲-۳۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. یادکرد برخی بناهای شهر شیراز و شرح دیدار قبر سیویه در محله "سنگ سیاه" در شیراز و اظهار تأسف از اینکه این محله متروک و مهجور مانده است. (صص ۳۱-۳۰).

۱-۲. اشاره به خانه‌ای قدیمی که به نام خانه سعدی معروف است: "در کوچه پشت مسجد نو خانه کوچک قدیمی واقع است که به "خانه سعدی" مشهور می‌باشد ... چون درباره اینکه خانه مزبور مسکن سعدی بوده یا نه مدرکی روشن در دست نیست، آن را در خور توجه نمی‌شمارند و حال آنکه همان قدر که احتمال می‌رود خانه سعدی نباشد به همان اندازه امکان دارد بوده باشد، زیرا: ۱. با قرب و منزلتی که سعدی را نزد اتابک بود، بسیار طبیعی می‌نماید که در جوار مقر حکمفرمایی مسکن گزیده باشد و خانه منظور در کوچه پشت سرای اتابک واقع است. ۲. در مسجد نو حجره‌ای است که آن را مدرس سعدی می‌خوانند و باز بسیار طبیعی است که شیخ اجل در نزدیک مسجد و محل تدریس خود، خانه‌ای اختیار کرده باشد. ۳. در این شعر

"تا نشنوی ز مسجد آدینه بانگ صبح یا از در سرای اتابک غریو کوس"  
شاعر شیرین‌سخن شیراز به طور غیر مستقیم به محل سکونت خود اشاره کرده و چنین برمی‌آید که در فاصله بین مسجد آدینه و سرای اتابک می‌زیسته ... ۴. تا کنون کسی برای بازدید خانه مورد بحث دیناری نپرداخته تا تصور رود که نسبت دادن آن به سعدی به منظور استفاده مادی بوده است ...

با آنچه گفته شد گمان نمی‌رود که سزا باشد به جرم اینکه سنگ نوشته یا لوحی دایر بر تأیید موضوع بر دیوار خانه دیده نمی‌شود، آنجا را در زمره آثار در خور توجه بشمارند و در مردود و محکوم شناختن آن اصرار ورزند." (ص ۳۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. دلایل ارائه شده برای احتمال صحت انتساب خانه سعدی به او دلایل بی‌وجهی نیست و تازگی موضوع نیز قابل توجه است. آقای علی‌نقی بهروزی سال‌ها بعد از انتشار این مقاله همین دلایل را برای امکان واقعی بودن انتساب خانه مذکور به سعدی، بازگو کرده‌اند (یغما، سال ۲۶، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۱۱).

## خانه و خانواده در آثار سعدی، احمد احمدی (بیرجندی)، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۹۳-۱۱۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ذکر نمونه‌هایی از سخنان سعدی که در آنها به روابط خانوادگی توجه شده و توضیح درباره آنها، از جمله: "سعدی از راز و رمز خانواده‌ها با خبر است ... از شیوه عشق‌بازی سخت آگاه است و بارها در گلستان از دوران جوانی "آن چنانکه افتد و دانی" سخن می‌گوید و چنان صحنه‌هایی را ترسیم می‌کند که جز از خامه توانای سعدی، بر نمی‌آید (ص ۹۶) ... سعدی پیر جهان‌دیده و سرد و گرم چشیده، به همه راز و رمز زندگی واقف است، و آنچه می‌گوید از روی تجربیت و دانایی است. (ص ۹۷).

۱-۲. توضیح درباره خانه و خانواده از دیدگاه‌های مختلف فکری و نظر اسلام در این باره (صص ۱۰۰-۹۷) و پی‌گیری نظرات سعدی: "سعدی که در دامن اسلام تربیت شده است، به چگونگی "همسر گزینی" و به شرایطی که برای "زن" لازم است اشارت‌ها کرده است. شگفت آن که در "گلستان" و "بوستان" از صفات و شرایط و وظایف مرد کمتر سخن رفته است و این خود نشانه رسم "پدرسالاری" در دوران سعدی است که "مرد" را با مردی و مردانگی بی‌نیاز از بیان شرایط خاص شمرده و تنها به اشارتی در

ضمن حکایات بسنده کرده. اما در مورد زن و همسر تصریح به شرایط خاص نموده است (ص ۱۰۰). در بوستان شاهدبازی را که نشانه هوسبازی است مایه خانه خرابی می‌داند و تشویق به زن گرفتن می‌نماید ... داشتن عیالات [ ؟ ] ، عابد تنگدست را وا می‌دارد که " همه روز در بند اخراجات " باشد و " شب چون عقد نماز " می‌بندد در اندیشه رزق و روزی فرزندان به پراکنده دلی و پریشانی وقت بگذرانند ... (ص ۱۰۱). در آثار سعدی کمتر زنی را می‌بینیم که خود دستیار مرد و مددکار زندگی اقتصادی وی باشد ... (ص ۱۰۲) از آنجایی که سعدی به همه زوایای زندگی زن در خانه نپرداخته و فقط به تصویرهایی خاص از زندگی زناشویی اکتفا کرده و زن را بیشتر به عنوان مظهر عشق و دلدادگی و مایه گرمی و شور و نشاط خانواده در غزلیات و گلستان و بوستانش معرفی کرده، به این مسائل [ زن در تأمین مخارج زندگی ] کمتر اشارتی دارد. اما این واقعیت را در تعادل زندگی زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت ... (ص ۱۰۳).

سعدی بر سازگاری و دوستی و محبت بین زن و مرد تأکید بسیار دارد ... بدخو بودن زن را مصیبتی تحمل ناپذیر می‌داند (ص ۱۰۳) ... سعدی پارسایی را مقدم بر زیبایی ظاهری می‌داند ... مستوری را برای زن، بویژه " زن خوروی " بسیار بایسته می‌داند (ص ۱۰۷) چنین زنی است که مایه نشاط و سرور شوهر است و شوهر با چنین زنی از سلامت و طول عمر برخوردار می‌شود، بویژه که سازگاری و توافق کامل بین چنین زن و شوهری برقرار باشد " (ص ۱۰۸).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. گلستان سعدی، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور. ۲-۳. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۴ بار، گلستان ۱۰ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. سعدی در دو اثر خود (بوستان و گلستان) بسیاری از روابط اجتماعی و خانوادگی را بررسی کرده و از دیدگاه خود راه‌های رستگاری را نیز نمایانده است. تحلیل و نقد نظرات سعدی در این موضوعات برای شناخت درست و کامل او بسیار سودمند است، نویسنده این مقاله با چنین رویکردی، نظرات سعدی را با دستورات اسلامی (در قرآن و احادیث) و نظرات اندیشمندان دیگر از جمله غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، راوندی و ... با ذکر دقیق نشانی نقل قول‌ها و نمونه‌های شاهد مقایسه و بررسی کرده و تنها در یک مورد با رعایت جانب احتیاط بر سعدی خرده گرفته: " از آنجا که سعدی به همه زوایای زندگی زن در خانه نپرداخته ... به این مسائل [ همکاری زن با مرد تأمین مخارج زندگی ] کمتر اشارتی دارد. اما این واقعیت را در تعادل زندگی زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت معاش از اهم مسائل زندگی است و کمبود آن اختلافی اجتناب‌ناپذیر در زندگی زناشویی به وجود می‌آورد " (ص ۱۰۳). ۴-۲. توضیح و تطویل برخی از مطالب بدیهی و غیرضروری تنها حجم مقاله را افزوده است، مانند مطالبی که درباره خانه و خانواده (از صفحه ۹۷ تا ۱۰۰) نوشته‌اند: " خانه آن جایی است که در آن آدمی سکنی می‌کند که مترادف با منزل و مستقر و گاه مستعمل است. خانواده یگانه سازمانی است که از دیرباز در زندگی بشرهای حتی ماقبل تاریخ نیز وجود داشته است و ... " .

**خط منسوب به شیخ سعدی ، [ عباس اقبال ] ، مجله یادگار ، سال اول ، شماره دهم ، خرداد ۱۳۲۴ ، صص ۵۱-۵۶ .**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل بخشی از نامه‌ای که وزارت امور خارجه ایران در تاریخ هفتم فروردین ۱۳۲۴ به وزارت فرهنگ نوشته است. در این نامه تقاضای سفارت و وزارت فرهنگ ترکیه برای اعلام نظر در خصوص خطی منسوب به سعدی که در یک نسخه خطی از مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه " دیده شده، مطرح شده است (ص ۵۱).

۱-۲. رد صحت انتساب خط یاد شده به شیخ سعدی: " به مجرد همین یک عبارت [ عبارت بالای یکی از صفحه‌های نسخه خطی یاد شده که به زبان ترکی است ] که با هیچ دلیل و سندی همراه نیست، اولاً نمی‌توان یقین قطعی حاصل کرد که غرض نویسنده همان شیخ سعدی مشهور خاص عام است، ثانیاً ادعا و شهادت یک تن مجهول‌الهویه به هیچ وجه در این باب نمی‌تواند معتبر و مسلم شمرده شود. بخصوص که تا کنون در هیچ جا نشانه‌ای از خط سعدی ندیده‌ایم ... " (ص ۵۳).

۱-۳. توضیح درباره " مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه " و عزالدین محمودبن علی‌کاشی برای طرح دلیلی تاریخی در رد انتساب خط یاد شده به سعدی (صص ۵۶-۵۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کشف‌الظنون، چاپ جدید، استانبول.

۲-۲. یک صفحه از نسخه خطی کتاب مصباح‌الهدایه.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. همچنانکه در این مقاله تأکید شده است، انتساب خط یاد شده، به سعدی ضعیف و غیر معتبر است، زیرا تنها دلیل این انتساب جمله کوتاهی است که شخص ناشناسی به زبان ترکی بر بالای آن صفحه نوشته است: " شیخ سعدی خطیله در بومجلدک ". البته نگارنده با دقت در منابع ، با شرح میسوطی این انتساب را مردود دانسته است.

**خلق جدید در شعر ، محمدتقی شهیدی، رشد معلم، دوره چهارده، شماره ۷، فروردین ۱۳۷۵، صص ۵۵-۵۷.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره وجه انشایی و خبری جملات در شعر و مقایسه سروده‌هایی از انوری و سعدی برای ترجیح وجه انشایی جمله‌ها در اشعار سعدی با بررسی نمونه‌ها: " یک نکته مهم در خبر و انشا این است که در خبر گزارش‌گونه، برای همیشه پرونده شعر بسته می‌شود، ولی در صورت انشایی، باب تفحص همیشه باز است و شیخ اجل از این ویژگی‌ها آگاهانه سود برده است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود: خبر با صیغه غایب ... - خبر با صیغه غایب مخاطب و متکلم ... - خبر با صیغه متکلم - انشا... "

نکته مهم در غزل سعدی این است که حتی عباراتی که ظاهر خبری دارند، به نوعی از عاطفه و هیجان انشا بهره‌مندند و شیخ اجل آنها را از صورت گزارش خشک و بی‌روح درآورده است ... با این همه، شروع مطلع به صورت خبری آن هم با صیغه غایب در دیوان غزل شیخ بسیار کم است و بیشتر، شکل خبری با صیغه متکلم و مخاطب است که احساس خواننده را برای همدردی بیدار می‌کند ... شیخ سعدی چه از نظر کمیت و چه کیفیت، از حیث انشا حقیقتاً خلق جدیدی کرده است که شاید گزافه نباشد اگر بگوییم پیش از او چنین صورت‌هایی از انشا، هستی نیافته است " (صص ۵۷-۵۵).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان غزلیات انوری، تصحیح مدرس رضوی. ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. موضوع مقاله، به جهت تازگی آن ارزشمند است. اما روش پژوهش و تحلیل آن عمیق نیست. نویسنده برای مقایسه سعدی و دیگران تنها از مطلع غزل‌های انوری دو نمونه بیان کرده‌اند که بی‌گمان از همین نمونه در اشعار سعدی نیز فراوان است. همچنین اظهار نظرهایی که برای وجوه فعل در جمله‌ها شده قطعی نیست. از جمله اینکه: " خبر با صیغه غایب - بیشتر در مواردی است که زمینه عرفانی دارد " یا " با صیغه متکلم - این قسم را شیخ برای بیان نوعی کشف و مکاشفه و هیجان درونی، که خبر از حالتی عرفانی می‌دهد، به کار می‌برد ... " (ص ۵۶).

۴-۲. بی‌گمان نمی‌توان این گونه از بیان را به عنوان "خلق جدید در شعر" نامید و ادعا کرد که: "پیش از او [سعدی] چنین صورتهایی را از انشا هستی نیافته است." (ص ۵۷). هر چند سعدی به ارزش تأثیری این وجه از سخن آگاه بوده و از آن بهره جسته است.

**خواجه همام‌الدین تبریزی و تأثیر سعدی بر او، دکتر ماریه بلقیس، ایندو ایرانیکا، شماره ۴-۱، جلد ۲۹، ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) صص ۱-۲۳.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی همام تبریزی و شرح ملاقات او با سعدی به نقل از تذکره دولتشاه سمرقندی (صص ۱-۲).  
۱-۲. نقل ۲۸ غزل از غزل‌های همام تبریزی که هموزن و هم‌قافیه غزل‌های سعدی است برای نشان‌دادن تأثیرپذیری همام از سعدی. (صص ۲۳-۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. لطایف و سفینه ظرایف، سیف جام هروی. ۲-۲. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات سعدی ۲۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته ۲۸ غزل از غزل‌های همام تبریزی که با غزل‌های سعدی هموزن و هم‌قافیه است نقل شده است، اما بجز اشاره‌های کوتاه آغاز مقاله نمونه‌های شاهد هیچ تحلیل و بررسی نشده‌اند. با آنکه همام آشکارا به سعدی ارادت ورزیده است، اما همانندی وزن و قافیه در سروده‌های همام و سعدی دلیلی قاطع برای پیروی و تأثیرپذیری همام از سعدی در تمام موارد مطرح شده، نمی‌تواند باشد. آقای دکتر رشید عیوضی در مقاله‌ای با نام "تأثیرات همام تبریزی از سعدی شیرازی"، با طرح دلایلی، تأثیرپذیری همام را از سعدی کاویده است (رک. مقاله یاد شده در "مفالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۵۹-۲۵۱ و نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۳، ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۹۷-۱۰۰، صص ۱۹۷-۱۸۸).

۴-۲. این نوشته از اشتباهات متعدد چاپی در امان نمانده است، تنها در ۲۷ بیت از غزل‌های سعدی، اشتباهات زیر به چشم می‌خورد: ص ۴، پ ۱۰: دري (درم) و ص ۵، پ ۱۲: خاك باز نیزم (خاك بازار نیزم) و ص ۹، پ ۱۷: بر منصب (بر منصبی) و ص ۱۳، پ ۲۱: فراقی دوستالش و باران (فراق دوستانش باد و یاران) و ص ۱۵، پ ۲۴: به سرو می‌ماند (به سروی ماند) و ص ۱۶، پ ۲۶: ذوقی جنان (ذوقی چنان) و ص ۲۰، پ ۳۱: از (از) و ص ۲۱، پ ۳۲: سرو چو تو (سروی چو تو) و پ ۳۳: من اران رو ز که در بند تو مر (من از آن روز که در بند توام) و ...

**خوب‌تر زین نتوان گفت که سعدی گوید، کامیار عابدی، ادبستان، سال سوم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۴۸-۵۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی "عباس قلی‌خان مظهرخویی" از شاعران دوره قاجار (ص ۴۸).  
۱-۲. بررسی سبک شعر مظهرخویی و تأکید بر تأثیرپذیری او از سعدی: "در غزل عموماً شیوه و سبک شعرگویی مظهر به یادآورنده شعر سعدی است، یعنی همان شیوه‌ای که با نام "سهل و ممتنع" معروف است ... بسیار مشهود است که با همین شاعر شیرین سخن، یعنی شیخ سعدی، که خداوندگار سخن پارسی در نظم و نثر است، به مقابله و معارضه برخاسته ... در هر حال به همین سبب پیروی از استاد سخن، سعدی است که از کلمات و واژگان درشتناک و دشوار و نابهنجار در شعر او خبری نیست ..." (صص ۴۸-۴۹).

۱-۳. معرفی نسخه‌های دیوان مظهر و نمونه‌هایی از سروده‌های او (صص ۵۱-۴۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. منابع مربوط به مظهرخویی است و ارتباطی با سعدی ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، زندگی و شعر مظهرخویی (شاعر دوره ناصرالدین شاه قاجار) را بررسی کرده و در ضمن آن اشاره‌ای هم به تأثیرپذیری مظهر از سعدی شده است. عنوان مقاله نیز مصرع‌ای است از شاعر نامبرده. به دلیل آنکه اصل مقاله در ارتباط با سعدی نیست از حوزه اشاره ما بیرون است.

د

**داروخانه سعدی، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۳۳، پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۴۷، صص ۱۸ و ۲۷-۲۶.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به انتقاداتی که از سعدی شده و پاسخ‌هایی که به آنها داده شده است، و نتیجه اینکه: "نمی‌توان مدعیان سعدی را به کلی به بی‌حقی محکوم کرد، زیرا لااقل قسمتی از لجاجت ایشان در حقیقت دفاعیاتی است که از حیثیت و شرافت خود نموده‌اند. از نویسندگان بی‌مایه و جوانان جویای نام و "لوطی‌های ادبی" که بگذریم، اکثر مدعیان سعدی، مردمانی شرافتمند و صریح‌اللهجه و شجاع بوده‌اند، زیرا به هر حال اظهار مطلبی علی‌رغم افکار عمومی، روحیات خاصی را ایجاب می‌کند که نزد همه کس یافته نمی‌شود. حتی با کمال تعجب، می‌توان گفت که بیشتر مدعیان سعدی در حقیقت از شیفتگان و ارادتمندان حقیقی وی بوده‌اند" (ص ۱۸).

۱-۲. توضیح درباره آثار سعدی: "با اینکه اصول عقاید سعدی، یعنی اصالت ذات و اصل علت و معلول در تمام آثار او نمایان است، ولی افکار او در غزلیات با لطف و ملاحظت بیشتری عرضه شده است ... مدایح سعدی که به علت استبداد و خشونت امرای آن زمان



نشانه شجاعت و قدرت روحی وی شناخته شده، از لحاظ پختگی معنی و زیبایی کلام شاهکار آثار اوست ... آثار سعدی طرح خاصی دارد و از هر دری سخن نرانده تا " اهل فضل " در تشخیص مسلک او متحیر بمانند. اگر چه کتاب هزلیات نیز از جمله آثار است که به سعدی نسبت داده می‌شود، معذالک این قسمت از آثار سعدی را در همه دیوان‌ها نمی‌توان یافت ... در حقیقت ارادتمندان سعدی که دفاع از هزلیات را خالی از اشکال ندیدند، مانند مدعیان سعدی عملاً به بطلان آن رای دادند، یعنی با انکار انتساب آن به سعدی به حذف آن اقدام نمودند ... اساسی‌ترین عاملی که افکار سعدی را نافذ ساخته و آثار او را به دست ما رسانده، همین شهد ظرافتی است که وی به کار برده و مدعیان و ارادتمندان سعدی که عملاً در تقبیح هزلیات همداستان بوده‌اند، از این جنبه کار سعدی غفلت ورزیده‌اند " (ص ۲۷).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. آیا تعصب خوب است یا بد، دکتر رضازاده شفق، مجله مهر، هشتم دی‌ماه ۱۳۱۲ شمسی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته درباره انتقاداتی است که از سخنان سعدی صورت گرفته و پاسخ‌هایی که به آنها داده شده است و از دیدگاه پژوهشی سخن تازه‌ای ندارد.

۴-۲. نشانی مأخذ مشخص نشده است. بویژه نشانی اشعاری که در ص ۱۸ نقل شده و نیز نمونه‌های شاهد از آثار سعدی.

## دبستان گویندگان ، جلال الدین همای، مجله تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۱۴، صص ۱۱-۷.

**۱. مضامین اصلی** ۱-۱. توضیح درباره شیوه درست آموزش متون ادبی و معرفی بزرگان ادب فارسی به کودکان و نوجوانان (صص ۸-۷).

۱-۲. تقسیم شاعران ایرانی به چهار گروه:

" گویندگان فارسی زبان به یک نظر منقسم به چهار دسته می‌شوند که در حکم دبستان‌های ادبی است. از هر دسته نموداری انتخاب کرده، دبستان‌ها را به نام آنان می‌خوانیم؛ بدین طریق: دبستان رودکی، دبستان سعدی، دبستان وطواط، دبستان لادری " (ص ۸).

۱-۳. توضیح درباره دبستان سعدی (صص ۹-۱۱) از جمله:

" گویندگان این دبستان دسته‌ای از شعرا هستند که هم طبع سرشار و ذوق فطری خداداد دارند، و هم از فضایل علمی بهره‌مندند... نمونه کامل این دسته مولانا افضح المتکلمین سعدی شیرازی است... آثار گویندگان دبستان سعدی دارای چند خاصیت است: اول این که در نهایت شیرینی و بلاغت و گواری و لطافت است... دوم: کمتر به صنایع بدیعی و تحسینات لفظی آراسته شده است. سوم: آثار این دسته از شعرا مملو از نکات و دقایق علمی و فلسفی است، بدون این که اصطلاح‌یافی و اظهار فضایل کرده باشند. چهارم: ... تعقید لفظی و معنوی ندارد... استادان معروف " دبستان سعدی " عبارتند از: شهید بلخی، فردوسی، خیام، سنایی، مسعود سعد سلمان، ظهیر فاریابی، مولوی، سعدی، حافظ، و همانندهای آنها... (صص ۹-۱۱).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، گلستان ۱ بار

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته که بخشی از یک مقاله بلند است در پیوند با سعدی سخن مهمی گفته نشده است. تنها برخی از ویژگی‌های اشعار سعدی برشمرده شده و این ویژگی که مشترک بین آثار برخی از شاعران نام‌آور ایرانی است به عنوان بهترین ویژگی شعر فارسی - خواننده شده و زیر عنوان «دبستان سعدی» بررسی شده است.

## دختر سعدی ، صافیناز کاظم، ترجمه ابوالقاسم امامی، سخن، دوره شانزدهم، شماره ۸، شهریور ۱۳۴۵، صص ۸۵۴-۸۵۲.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح کوتاه مترجم درباره نویسنده متن، از جمله: " دست تصادف ترجمه عربی گلستان سعدی را در نیویورک به دست یک دختر عرب می‌دهد و بدین‌گونه پای او را به گلزار جانبخش ادب پارسی باز می‌کند ... و دخترک را تا آنجا به خالق گلستان نزدیک می‌کند که خود را دختر سعدی می‌خواند ... شور و اخلاصی که در نوشته این بانوی ب‌اذوق عرب به چشم می‌خورد مرا بر آن داشته که آن را از عربی به فارسی برگردانم " (ص ۸۵۲).

۱-۲. برگردان متن.

۱-۳-۱. اظهار تأسف نویسنده از فاصله گرفتن با آثار ارزشمند کهن شرق، از جمله: " چه کسی را باید سرزنش کنم؟ نادانی خودم و یا نادرستی برنامه‌های آموزشی و تعلیم و تربیت خودمان را ؟ یا نه، باید نویسندگان " موج نو " را مقصر بدانم که ... پیوند مرا بکلی از شرق گسسته و عقل و احساس مرا یک‌جا به غرب پیوسته‌اند ؟ " (ص ۸۵۲).

۱-۳-۲. توضیح درباره چگونگی آشنایی نویسنده با سعدی و مقام ادبی او. " من کتاب گلستان را که با استادی " محمد فراتی " از پارسی به تازی شیوا و استواری در آمده و در سال ۱۹۶۲ در دمشق به چاپ رسیده با شوق و علاقه فراوانی خوانده‌ام. باید بگویم من این کتاب را نخوانده‌ام، بلکه کلمات آن را مکیده و ورق‌های آن را جویده‌ام ... مقام ارجمند سعدی در فرهنگ و ادبیات تازی با منش و فرهنگ و ادب پارسی او آن‌چنان در هم آمیخته که انسان در پارسی و یا تازی دانستن نبوغ او دچار حیرت می‌شود ... مقام او در معرفت و ادب اسلامی تا بدان پایه است که همه مسلمانان جهان می‌توانند با وجود او بر خود ببالند ... ویژگی‌ها و پایه کلیه انقلاب‌ها و تحولات فکری عصر حاضر که از باختر زمین برای ما به ارمغان می‌رسد، همه را یک‌جا در این اثر گران‌بها [ گلستان ] می‌توان یافت. گراف نیست اگر بگویم سرشناسانی مانند الیوت، جویس، بکت، برشت، یونسکو، سارتر، کامو و حتی کارل‌مارکس را در لایه‌لای گل‌های رنگارنگ گلزار سعدی با چشم دل دیده‌ام. اینها ... را مانند کودکان دبستانی دیده‌ام که با شلوارهای کوتاه و کودکانه خود در حال بازی و جست‌وخیز بوده‌اند. در عالم تعمق همین که چشمم به آنها افتاد بر آنها بانگ زدم که:

- هی! ... آنها پرسیدند:

- تو کی هستی ؟ ... گفتم:

- من دختر صاحب گلستانم ... من دختر سعدی هستم ... و آنها خوشحال شدند و خندیدند و به بازی ادامه دادند ...

شاید تراکم معانی، انبوهی مسائل، ازدحام مفاهیم اخلاقی و اجتماعی و طوفانی که از برخورد آنها در سینه سعدی پدید آمده و بر قلب او سنگینی می‌کرده، باعث شده است که سخن‌ساز شیراز محصول بی‌همثالی خود را در این قالب، یعنی در " گلستان " ریخته باشد ... " (صص ۸۵۴-۸۵۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. ترجمه گلستان سعدی به عربی از محمد فراتی، دمشق، ۱۹۶۲.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۳۰ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. این نوشته در واقع ابراز احساسات يك خواننده عربزبان شرقي ساكن در غرب (نيويورك) است كه بر اثر مطالعه ترجمه عربي گلستان شيفته سعدي و اثر او شده است. و اگر چه جنبه پژوهشي ندارد اما نشانگر ميزان تأثير سخن سعدي است كه حتي بعد از ترجمه نيز اينگونه در روح يك شخص غيرايراني نفوذ کرده است. متأسفانه مترجم نشاني اصل نوشته را بيان نکرده است.

در آسیای صغیر نیز سعدي هرگز نمرده است ، تحسین یازيچي، روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۳، ص ۸.  
\* این مقاله يك بار ديگر با عنوان " اهميت آثار سعدي در امپراطوري عثماني و دوران جمهوريت تركيه " در جلد سوم " ذكر جمیل سعدي " (صص ۲۲۸-۳۱۷) چاپ شده است. براي آگاهی بیشتر رك. مقاله ياد شده، در همین مجموعه.

در این صورت جواب حافظ و سعدي را چه بدھيم، حسين فرھودي، ايران نامه، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۶۷، صص ۲۶۰-۲۵۸.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به دخالت برخي از سلیقه‌ها در ديوان حافظ و تأکید بر خطرات این امر با یادکرد خاطره‌اي از دیدار رضاشاه و کمال آتاتورك از قول سرتیپ کویال و تأکید رضا شاه بر حفظ خط فارسي براي درك سخنان سعدي و حافظ در این دیدار (صص ۲۶۰-۲۵۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته ارزش پژوهشي ندارد و پیوند حکایت یاد شده نیز با تأکیدات عبارتهای نخستین مقاله سست است. زیرا در حکایت یاد شده تأکید بر حفظ خط فارسي است نه نقش پژوهش‌های متن‌شناسي.

در بارگاه خاطر سعدي ، محمود شاهرخي (جذبه)، ذكر جمیل سعدي، ج ۲، کمیسیون ملي یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۰۸-۳۶۸.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضیح درباره انگیزه نگارش مقاله که بنا به درخواست سازمان فرهنگي یونسکو در آستانه تشکیل کنگره بزرگداشت سعدي نوشته شده است (صص ۲۷۱-۲۶۹).

۱-۲. تأکید بر اینکه پس از انقلاب صنعتي اروپا، شيفتگان فرهنگ غرب " بر سيمای بزرگان فرهنگ و ادب این دیار صیغه‌ورنگي از الحاد و عدم تقید به دین زند و اینان را مردمانی بیرون از مذهب قلمداد کردند." (ص ۲۷۲).

۱-۳. اشاره به هدف مقاله: برای اینکه " سيمای تابناک سعدي، این فرزند خلف اسلام و پرورده دامن شریعت از پس پرده اوھام و اغراض، هر چه درخشان‌تر آشکار گردد ... به نقل نمونه‌هایی مختصر از اقوال شیخ در بیان سه رکن اساسي اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد بسنده می‌کنم و در پایان شمه‌اي از خویذيري و تأثر شدید او را از روح شریعت و اخلاق دینی عرضه می‌دارم." (ص ۲۷۳)  
۱-۴. گفتاری مشروح درباره اسلام وعظمت آن و نقل ابیاتی (بدون ذکر نشانی) از عطار، عراقی، نجم رازی، شیخ محمود شبستري و ... با این نتیجه که: " تنها شیخ اجل سعدي است که به علت تقید شدیدی که به دین و مبنای شریعت دارد، هرگز شيفته این عقاید و نظایر آن نشده و از این دست مضامین و مفاهیم در آثار وي یافت نمی‌شود. او توحید را چنانکه قرآن و شریعت تبیین کرده، با اعتقاد تام و دور از هر شائبه و زیادت و نقصان پذیرفته است و هرگز از این سنخ سخنان که ظاهراً با شریعت تعارض دارد در سخنان شیخ دیده نمی‌شود." (ص ۲۷۷).

۱-۵. نقد بخشی از گفته‌های " علي دشتي " در قلمرو سعدي و اشاره به نظر سعدي درباره حلاج و بایزید: " آري او [ سعدي ] از حسين بن منصور با همه علو مرتبت و مقامی که دارد نام نمی‌برد، چه شیوه او را معارض با موازین شرع و مصالح مردم می‌داند " (ص ۲۷۹) و ... " مراد ما از آوردن اقوال این نویسنده، همه آن است که نشان دهیم شیخ به علت ثبات عقیده حتی مورد طعن و خرده‌گیری سست‌باوران نیز قرار گرفته است (ص ۲۷۹) " شیخ وصول به معرفت را در طاعت می‌داند نه چون برخی از مدعیان که عبادت را وسیله‌اي برای مبتدیان می‌شمارند " (ص ۲۸۱).

۱-۶. ذکر مثال‌هایی از مجالس و قصاید سعدي در بیان مراتب توحید و تأثر شیخ از قرآن (صص ۲۹۰-۲۸۱).

۱-۷. یادکرد نمونه‌هایی از گفتار سعدي در نعت حضرت رسول درباره قیامت و احوال روز رستاخیز. برای این منظور مثال‌های روشنی از مجالس پنج‌گانه بیان شده که از آیات مربوط به روز رستاخیز اقتباس شده است (ص ۲۹۱).

۱-۸. بیان مطالبی درباره نقش‌پذيري سعدي از اخلاق اسلامي، از جمله نکوهش عجب و خودپسندی، احترام به پدر و مادر، تشریح منافع فریضه حج، ترغیب نوع دوستي و مهربانی، نکوهش عیب جویی از خلق، نکوهش غیبت و ... (صص ۲۹۸-۳۰۰).

۱-۹. توضیح درباره مداخل سعدي: " در اینکه شیخ فرمانروایان و صدور عصر خود را ستوده و آنان را مدح گفته تردیدی نیست، اما چیزی که از خلال این مداخل آشکار است، یکی همان پای بندی شیخ به موازین عقیدتی است و دیگری حرمت و عزتی [ است ] که وي در اثر تقوي و استغنا و عدم طمع نزد امرا و پادشاهان احراز کرده است." (ص ۳۰۲).

۱-۱۰. تذکر نهایی: " ممکن است در آثار شیخ به مواردی نادر و استثنایی برخوردیم که منافي با عظمت روح و مقام معنوي وي باشد، ما را در این مختصر سر آن نبود که بدان موارد شاذ و نادر اشاره کنیم چون آن نقطه‌ضعف‌های اندک در برابر آن همه فضیلت و کمال به منزله قطره‌اي است مقابل اقیانوس بیکران ... " (ص ۳۰۶).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۳. قلمرو سعدي، علي دشتي.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۱۴ بار، گلستان ۸ بار، رسائل نثر ۹ بار، قصاید ۶ بار، غزلیات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. از نقاط قوت این مقاله، یکی داشتن زبان ساده و دیگری ذکر آیات و احادیث فراوانی است که سخن سعدي از نظر مضمون با آنها اشتراك دارد و شیخ از آنها بهره برده است، در این مقاله بیش از ۸۰ مورد از آیات و احادیث در سخن سعدي نموده شده است، اما ذکر نکردن یا ذکر ناقص نشانی شاهد‌های مثال، توضیح واضح‌تر، تکرار مکررات و انشاپردازی‌های طولانی که موجب درازي سخن شده از نقاط ضعف این مقاله است، مواردی مثل عبارات زیر: " سعدي، این انسان آزاده و مردم دوست و این مسلمان راستین که جانفش از شفقت و محبت و نوع‌دوستي لبریز است، دل مهربانش طاقت نمی‌آورد که رنج و محرومیت امثال خود را تحمل کند و اگر خود قرین نعمت و آسایش است از حال دیگران غافل ماند و این تأثر و تألم خود را در قالب داستانی به زیباترین صورت تصویر می‌کند ... چیزی که در آثار شیخ بیش از هر سخنور متفکر اسلامي مشهود و موجب شگفتی است، تأثیرپذيري اوست از حقیقت دین و روح شریعت و ایمان و اعتقاد وي بدان مبانی، گویی اخلاق و آداب و حقایق و معارف این آیین الهی با فطرت پاک و نهاد صافی او درآمیخته و با خون و ذرات وجودش عجین شده ... (صص ۲۹۸، ۳۰۵) در پاسخ به مطلب مندرج در ۴-۱ باید از نویسنده پرسید: آیا

سعدی، ابیات عرفانی که نشان‌دهنده "وحدت وجود" باشد ندارد؟ و آیا سخنانی همانند آنچه که نویسنده مقاله از عرفای دیگر برای نمونه بیان کرده‌اند، در آثار سعدی وجود ندارد؟

نویسنده خود اگر چه گفته‌اند نوشته‌اشان برای اهل تحقیق "عملی عبث و تلاشی بی‌ثمر و توضیح واضح است" (ص ۲۸۸) اما اگر برای رعایت ایجاز مطالب حاشیه‌ای را حذف می‌کردند، از ارزش تحقیقی مقاله کاسته نمی‌شد.

## درباره اشعار سعدی، جعفرزاده و واحد شیرازی، یغما، سال دهم، شماره سوم، خرداد ۱۳۳۶، صص ۱۴۰-۱۳۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. در خواست شخصی به نام جعفرزاده (از شهرکرد) برای شرح و توضیح درباره چهار بیت از غزلیات سعدی و رفع ابهام از آنها و پاسخ واحد شیرازی به هر چهار درخواست. بیت‌های مورد بحث عبارتند از: " سعدی فغان از دست ما ... و " هزار بادیه سهل است ... و " چنان به یاد تو مشغولم ... و " چنان دوست می‌دارم که گر... "

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. از توضیحات مرحوم واحد، توضیح دوم در خور توجه و تأمل است، نوشته‌اند: " هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن [ اگر خلاف کنم سعدیا به سوئی تو باشم ] " این بیت از ابیات مشکله و روی آن بحث‌ها شده، خلاصه پاسخ هم این است که به سوئی تو باشم، درست نیست و در اصل " نه سوئی تو باشم بوده، یعنی اگر این دعوی از روی حقیقت نباشد، من متوجه به تو که غایت سلوک و کعبه مقصود هستی نباشم ... تنها يك التفات بدیع از متکلم به خطاب در کلمه سعدیا به کار رفته که اگر ذوق سلیم بتواند آن را بپذیرد، دیگر اشکالی باقی نخواهد ماند " (ص ۱۳۹).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴.

## درباره اصلاحات فروغی در گلستان سعدی، رفیع نیک‌جو، روزنامه اطلاعات، شنبه ۲۳ دی ۱۳۷۴، شماره ۲۰۶۷۶، ص ۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی محمدعلی فروغی و طرح ده اشکال انتقادآمیز بر تصحیحات گلستان فروغی. در آغاز نوشته، آمده است: " اخیراً در بخش بازیگران عصر پهلوی رادیو تهران، شمه‌ای از خیانت‌های مرحوم فروغی بر کشور و ملت ایران بیان شد و از خدمات مهم و بارزیشی که در زمان جنگ دوم جهانی و حتی قبل از آن به استعمار انگلستان نموده، مفصلاً سخن به میان آمد. به نظر می‌آید آن مرحوم علاوه بر خیانت‌های سیاسی حتی با ادبیات فارسی مخصوصاً کتاب گلستان سعدی خصومت داشته است. شاهد آن موارد زیر است که فهرست‌وار بیان می‌شود ... "

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان، تصحیح محمدعلی فروغی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۰ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. مرحوم محمدعلی فروغی، نخستین کسی است که کلیات سعدی را بر اساس نسخه‌های مختلف و با مقابله آنها سامان داد و به شکل حروف‌چینی امروزی به چاپ رسانید، و این فضل تقدم همواره برای او باقی است. تا همین امروز، هنوز هم کاربردی‌ترین کلیات سعدی همان است که بی‌ش از نیم قرن پیش فروغی به بازار ادب عرضه داشت. با آنکه بر کلیات سعدی به تصحیح فروغی اشکالات فراوانی وارد است و بسیاری از سعدی‌پژوهان نیز بر این موضوع تأکید ورزیده‌اند، و مایه شرمساری است که با همه پژوهش‌های ارزشمند ادبی هنوز يك تصحیح انتقادی و علمی شایسته سعدی در مورد کلیات او انجام نگرفته است، اما این نیز پسندیده به نظر نمی‌آید که اقدام او را در تصحیح گلستان سعدی به عنوان " خیانت و خصومت " بدانیم و آن را به فعالیت‌های سیاسی او پیوند دهیم و حکم صادر کنیم: " آن مرحوم علاوه بر خیانت‌های سیاسی حتی با ادبیات فارسی مخصوصاً کتاب گلستان سعدی هم خصومت داشته است."

بی‌تردید، نوشته‌هایی که آثار ادبی به وجود آمده را نقد و بررسی می‌کنند، از نوشته‌های ارزشمندی هستند که دست‌کم موجب رشد ادبی می‌شوند و نوشته کوتاه مورد نظر نیز ممکن است از همان گونه نوشته‌ها به شمار آید و بیشتر مواردی که به عنوان ترجیح ضبط نسخه چاپ هند (یاد شده در مقاله)، بر نسخه فروغی بیان شده، مطابق ذوق سلیم است. اما برای نقد يك نسخه تصحیح شده مقدمات دیگری نیز لازم است، از جمله: شناخت نسخه‌های خطی مورد استفاده مصحح، شناخت نسخه‌های معتبر از نسخه‌های غیر معتبر، روش تصحیح و ... و از همه مهم‌تر رعایت جانب انصاف در داوری.

با طرح يك پرسش به اشاره این نوشته پایان می‌دهیم: آیا در مطلب زیر که یکی از اشکالات مطرح شده منتقد است، بویی از " خیانت و خصومت " فروغی به گلستان دریافت می‌شود؟ " ۷- باب دوم، حکایت " شبی در کاروان " چاپ قدیم: گفتم این شرط آدمیت نیست - مرغ تسبیح خوان و من خاموش. تصحیح شده: ... مرغ تسبیح‌گویی و من خاموش. البته برای مرغ خواندن مناسب‌تر است. چنانکه می‌گویند خروس و بلبل می‌خوانند، مثل اینکه خواسته است با کلمه تسبیح جور باشد."

## درباره چند بیت از سعدی، حبیب یغمایی، آینده، سال دهم، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد ۱۳۶۳، صص ۲۰۲-۲۹۹. چاپ‌های دیگر: خاطرات حبیب یغمایی، به کوشش ایرج افشار، انتشارات طلایه، ۱۳۷۲، صص ۱۲۷-۱۲۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مقاله‌هایی که از حبیب‌الله آموزگار در روزنامه پارس با نام " غلط‌های مشهور " چاپ شده و پاسخ به یکی از این مقالات که در شماره ۲۵۲۴ روزنامه پارس درج شده است.

۱-۱-۱. معرفی برخی از نسخه‌های خطی مأخذ مرحوم فروغی در تصحیح کلیات سعدی و تأکید بر امانت‌داری مصحح در تصحیح متن: " چند نکته‌ای که جناب آموزگار غلط مشهور دانسته، درست بر خلاف است، یعنی همه نسخه‌های قدیم به اتفاق آن غلط‌های مشهور را صحیح دانسته‌اند و بنده و مرحوم فروغی به خود این حق را ندادیم که از امانت ادبی عدول کنیم " (ص ۳۰۱).

۱-۱-۲. طرح ۵ بیت از ابیاتی که حبیب‌الله آموزگار در مورد ضبط آن بیت‌ها بر مرحوم فروغی ایراد گرفته‌اند و پاسخ به آن ایرادها. برای نمونه یکی از این موارد را باز می‌نگریم:

" باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره‌بوم خس

به اتفاق تمام نسخ قدیم چنین است، نه " شوره‌زار ". و ترکیب " شوره‌بوم " لطیف‌تر و کهنه‌تر از ترکیب شوره‌زار که به زمان ما نزدیک است، می‌باشد. ملاک و مأخذ ما همان نسخه‌های کهنه است و حتی نسخه بدل هم در حاشیه نیآورده‌ایم که در هیچ يك از نسخه‌ها " شوره‌زار " نبوده. حالا، " شوره بوم "، یا " شوره‌زار "، این چه دستبردی است و این چه غلط مشهوری؟ " (ص ۳۰۱).

۱-۱-۳. نتیجه‌گیری: " تجدید و تأکید می‌کند که مأخذ و منبع مرحوم فروغی و بنده در تصحیح کلیات سعدی، نسخه‌های قدیم و صحیح است. همان روشی که علما و مصححان جهان دارند و استنباط جناب آموزگار در این دو سه مورد که یاد کرده‌اند هم بر خلاف همه نسخه‌های معتبر و هم بر خلاف ذوق سلیم است " (ص ۳۰۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مقاله " غلط‌های مشهور "، حبیب‌الله آموزگار، روزنامه پارس، شماره ۲۵۲۴، ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله کوتاه در واقع یک نوشته انتقادی است که علاوه بر اینکه درباره معنی پنج بیت از گلستان روشن‌نگری می‌کند، به دلیل ارتباط نزدیک و همکاری نویسنده مقاله (حبیب یغمایی) با مرحوم فروغی در تصحیح آثار سعدی، می‌توان آن را دفاعیه مستندی از آن تصحیح به شمار آورد.

درباره سال درگذشت سعدی، دکتر محمد دبیر سیاقی، وحید، دوره نهم، شماره مسلسل ۸۹، اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۹۴-۱۹۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به روایت‌هایی که درباره سال درگذشت سعدی نوشته شده است، از جمله روایت‌های منابع زیر: تاریخ شیخ اویس تألیف ابوبکر القطبی‌الاهری، تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی، هفت اقلیم از امین احمد رازی، شدالازار از جنید شیرازی، کشف‌الطنون حاجی خلیفه، فارسنامه ناصری از فسایبی، آثار العجم از فرصت‌الدوله، الحوادث‌الجامعه از عبدالرزاق ابن‌الفوطی بغدادی، مونس‌الاحرار فی ذقایق‌الاشعار از محمدبن بدر جارمی ... \_ (صص ۱۹۳-۱۹۱). سال درگذشت سعدی در این منابع به پنج روایت آمده است: ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۲ هجری.

۱-۲. تأکید بر روایتی که سال درگذشت سعدی را ۶۹۲ هجری دانسته است: " اما روایت دیگری که برای درگذشت نغمه‌سرای شیرین‌سخن ایران هست، و غرض از نگارش این مقاله نیز همان است سال ۶۹۲ هجری است و به عبارت دقیق‌تر، تحریر روایتی است مأخوذ از ماده تاریخی منظوم که وفات سعدی را سحرگاه روز یکشنبه دوم محرم‌الحرام سال ۶۹۲ هجری نشان می‌دهد ... .

رفته از تاریخ سال "خ" و "صاد" و "ب" تمام ثانی ماه محرم روز یکشنبه سحر بحر معنی شیخ سعدی رحمه الله علیه کرد از دنیا به سوی روضه رضوان سفر سال "خ" و "ص" و "ب" برابر می‌شود با ۶۹۲ هجری، بنابراین برحسب این روایت (که البته اگر اصلتی داشته باشد، از همه روایات دقیق‌تر خواهد بود) شیخ اجل، سحرگاه روز یکشنبه دوم محرم‌الحرام سال ۶۹۲ هجری از سر این مشتبی خاک برخاسته‌ورخت به سرای باقی برده " (صص ۱۹۴-۱۹۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. منابع تاریخی نوشته شده در بخش ۱-۱ از مضامین اصلی ۲-۲. مجله یغما، سال بیست و سوم، شماره ۱۰.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته روایت‌های مختلف مربوط به سال درگذشت سعدی بازنموده شده است و نویسنده یکی از روایت‌ها (سال ۶۹۲ هجری) را " دقیق‌تر " از بقیه دانسته، اما برای نظر خود هیچ دلیل تاریخی و غیرتاریخی بیان نکرده است. علاوه بر این، مأخذی که روایت اخیر از آن برگرفته شده، مأخذ شناخته شده و معتبری نیست.

گفتنی است که محقق گرانقدر مرحوم سعید نفیسی خیلی پیش از انتشار این مقاله، در مقاله‌ای مفصل نزدیک به ۷۰ مأخذ کهنه و نو را که در آنها سال درگذشت سعدی ذکر شده معرفی کرده و منابع معرفی شده در نوشته دکتر دبیر سیاقی همان منابعی است که قبلاً سعید نفیسی معرفی کرده است (رک. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاپیانی، ۱۳۳۸، صص ۲۲۵-۲۰۲ و مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ششم، شماره ۱، مهر ۱۳۳۷، صص ۸۲-۶۴).

درباره قصب‌الجیب حدیث سعدی، (نظر نجف دریابندری، اورنگ خضراپی، عبدالکریم مکارمی)، سخن، دوره چهاردهم، شماره ۱۰، تیر ۱۳۴۳، صص ۹۳۷-۹۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. این نوشته حاوی نظر آقایان نجف دریابندری، اورنگ خضراپی و عبدالکریم مکارمی درباره نوشته دکتر پرویز ناتل خانلری (چاپ شده در مجله سخن دوره چهاردهم، خرداد ۱۳۴۳، صص ۷۲۸-۷۲۶) است.

هر سه نفر یاد شده نظر دکتر خانلری را درباره واژه قصب به معنی خرماي خشك و پست پذیرفته‌اند و تداول این واژه را به همین معنا در فارس یادآور شده‌اند.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مقاله قصب‌الجیب حدیث سعدی، پرویز ناتل خانلری، سخن، دوره چهاردهم، خرداد ۱۳۴۳، صص ۷۲۸-۷۲۶.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته کوتاه، حاوی بخشی از نوشته‌های سه نفر مذکور در بخش مضامین اصلی است که با پذیرش نظر دکتر خانلری تداول واژه قصب را به معنی خرماي خشك و پست در فارس تأیید کرده‌اند و سخن دیگری در آن مطرح نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷.

درباره قلمرو سعدی، علی اصغر معززی، راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره اول، فروردین ۱۳۴۰، صص ۸۷-۸۹.

۱. مضامین اصلی: \* مقاله پاسخی است به مقاله قلمرو سعدی، مهدی محقق، راهنمای کتاب، سال سوم، شماره دوم، تیر ۱۳۳۹، صص ۲۲۵-۲۱۲.

۱-۱. اشاره به مقاله مأخذ: " مجله راهنمای کتاب در شماره دوم از سال سوم، مقاله‌ای انتقادی به عنوان "قلمرو سعدی" چاپ کرده است. اما در این مقاله از روش مصنف در تصنیف کتاب و نوع تأثیری که از آثار شاعر در او پیدا شده صحبتی به میان نیامده است. " (ص ۸۷).

۱-۲. بیان جمله‌ای از مقاله مأخذ که نقل قولی از علی دشتی است و پاسخ به آن: " در آقای دشتی دو حالت متناقض هست، از یک سو ایشان به آثار نویسندگان رئالیست زیاد علاقه ندارند و داستان‌ها و سرگذشت‌هایی را دوست دارند که غبار افسانه بر آنها ننشسته و قدرت خیال را در ایجاد آنها سهم بزرگی است و از سوی دیگر او خود نویسنده‌ای رئالیست است ... مختصر آنکه ادراک آقای دشتی ادراک یک نویسنده رئالیست است، او سعدی را هم به روش زیباشناسان افراطی مطالعه می‌کند و هم به روش زیباشناسان معتدل ... اگر سعدی را با نظر زیبادوستان افراطی که می‌گویند هنر را فقط و فقط به خاطر هنر دوست داریم مطالعه

بکن ند در کمال هنرمندی است ... اما اگر با نظر زیادوستان معتدل که به هنرهای زیبا اما مفید دل‌بسته‌اند و به هنرهای زیبا اما بی‌فصلیت لگد می‌کوبند مطالعه بکنند مختصری تنزل می‌کند؛ این کار را آقای دشتی کرده است.

دو سعدی در دست مردم است؛ یکی سعدی خیالی که واجد معارف حکما و فلاسفه و جنبه‌های آموزنده پیامبران و بزرگان تعلیم و تربیت و بزرگ‌ترین شاعر جهان است و دیگری سعدی واقعی که شاعری است مافوق تصور هنرمند و چیره دست و زیباگو با آموزش‌های نیکوی فراوان و بدآموزی‌های بسیار کم و ضعیف، اما از نظر سجایای شخصی به حد بسیار زیاد هم‌رنگ جماعت و بی‌اعتنا به دردهای مردم زمان خود ... " (صص ۷۷-۷۸).

"خیال‌دوستان وقتی سعدی را در "قلمرو سعدی" مطالعه می‌کنند خشمگین می‌شوند، در صورتی که هندوستان افراطی شعرا و نویسندگان و هنرمندان را دور از خصوصیات شخصی و ناجوری آثارشان مطالعه می‌کنند" (ص ۸۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله "قلمرو سعدی"، مهدی محقق، راهنمای کتاب، سال سوم، شماره دوم، ۲-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. اگرچه اصل موضوع مطرح شده در مقاله، اصلی درست و مسلم است اما اولاً ارتباط آن با عبارتی که از مقاله مأخذ (قلمرو سعدی از مهدی محقق) آورده و برای پاسخ‌گویی به آن، مقاله را پرداخته، ضعیف است و ثانیاً برخی از عبارات (از جمله عبارات پایانی مقاله) ضمن داش تن ابهام، برای‌جاء مقاله نیز لطمه زده‌اند.

۴-۲. جمله‌بندی پاراگراف نخست (ص ۸۹) معیوب است.

**درباره مستور و مست "یک پیکر" است نه "یکدیگر"، ابوالفضل مصفی، گلچرخ، شماره ۸ و ۹، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، صص ۲۲-۲۳.**

**۱. مضامین اصلی:** \* اساس این نوشته مربوط به توضیحی است درباره "غزلی از حافظ، و در ضمن آن اشاره‌ای هم به بیت "بني آدم اعضاي ... " از گلستان سعدی شده است: "مشهور بودن پیام سعدی محل حرف نیست، ولی مغلوب بودن آن در گرو واژه "یکدیگر" است. در مصراع اول آن، که در اصل "یک پیکر" می‌بوده، با سهوالقلم ناسخان یا بی‌توجهی ایشان "یکدیگر" شده و جا افتاده است ... " (ص ۳۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی و دیوان حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. تنها چند سطر از این مقاله درباره بیتی از گلستان است. پیش از انتشار این مقاله، صاحب‌نظران بارها درباره مصراع "بني آدم اعضاي یکدیگرند / یک پیکرند" مطلب نوشته و توضیح داده‌اند. همچنین آقای دکتر غلامحسین یوسفی برخی از این نظرات را در گلستان مصحح خود نقل کرده است (رک. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۶۵-۲۶۶).

شایسته بود نویسنده این مقاله نیز اشاره‌ای به این نظرات می‌کردند.

**در بوستان ادب فارسی، ذکر جمیل سعدی (۱)، امیر اسماعیل آذر، مجله پلیس انقلاب، سال ششم، شماره شصت و پنجم، تیر ۱۳۶۶، ص ۵۰.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره زندگی، مسافرت، تحصیلات، مذهب و آثار سعدی.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۶ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته جز توضیحات کلی درباره زندگی و آثار سعدی سخن تازه‌ای را در بر ندارد. تنها مورد شایان تأمل، تأکیدی است که نویسنده بر شیعه بودن سعدی دارد. و برای این منظور بیت دگرگون شده سعدی را از قول صاحب مجالس‌المؤمنین نقل کرده و آن را دلیل مسلم شیعه بودن سعدی دانسته است، بیت سعدی در مجالس‌المؤمنین به گونه زیر ضبط شده است: غیر از علی که لایق پیغمبری بدی گر خاتم رسل نبی ختم انبیاء

**در بوستان ادب فارسی، ذکر جمیل سعدی (۲)، امیر اسماعیل آذر، مجله پلیس انقلاب، سال ششم، شماره شصت و هشتم، مرداد ۱۳۶۶، ص ۵۰.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر جنبه اخلاقی گلستان: "در حقیقت گلستان مدینه فاضله‌ای است که انسان در آن با اخلاق پسندیده، پیوند می‌خورد. غبار مظالم را از چهره آدمی می‌شوید و او را از اندوه روزگار سبکبار می‌کند. او کوشیده است تا زلال معنویت را به زبانی ساده در شریان‌های بشریت جاری کند. تمثیلات و حکایات، داستان‌ها و روایات، یا حاصل سیاحت اوست، یا زاپیده کیاست ..."

۱-۲. نقل حکایت‌ها و عبارت‌هایی از گلستان سعدی که در آنها خصلت‌هایی چون غیبت، ظلم، دنیاپرستی و ... نکوهیده شده است.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۶ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته با یادکرد برخی از حکایت‌های گلستان، مضامین اخلاقی موجود در آنها، بازنموده شده است. هر چند در این نوشته سخن تازه‌ای مطرح نشده اما برای مخاطبان عمومی مجله خالی از فایده نیست. ضمناً صفت "مدینه فاضله" بوستان سعدی را سزاوار است نه گلستان را و این البته قولی است که جملگی برآیند.

**در بوستان ادب فارسی، ذکر جمیل سعدی (۳)، امیر اسماعیل آذر، مجله پلیس انقلاب، سال ششم، شماره‌های شصت و نهم و هفتادم، آبان و آذر ۱۳۶۶، ص ۶۶.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره ارزش اخلاقی، اجتماعی و دینی بوستان با نگاهی کلی به مضامین آن و نقل بیت‌هایی از باب‌های مختلف.

" بوستان را می‌توان بحق شاهکار اندیشه سعدی دانست. زیرا او توانسته این اثر را در خلال بیش از چهارهزار بیت در نظم استوار و قوام یافته، منسجم و یکدست، در اوج فصاحت و بلاغت عرضه نماید. یافته‌ای که ترکیبش از فضیلت، نیکي، نیک‌اندیشی، تقوی، توبه، انسان‌دوستی، تواضع، احسان، زبردست‌نوازی و عدالت آرایش یافته است ... ".

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. بوستان ۱۸ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته مضامین باب‌های مختلف بوستان به کوتاهی و به گونه‌ای کلی با یادکرد نمونه‌هایی معرفی شده است. با آنکه سخن تازه‌ای در آن بیان نشده، اما برای خوانندگان عمومی مجله خالی از فایده نیست.

**در بوستان ادب فارسی - وقت و فرصت ، امیر اسماعیل آذر، مجله پلیس انقلاب، سال هفتم، شماره هفتادوهفتم، تیر ۱۳۶۷، ص ۶۲.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره ارزش وقت و تأکید بر غنیمت شمردن آن با یادکرد سخنانی از سعدی و اندیشمندان و شاعران دیگر.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۳ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. موضوع این نوشته رعایت ارزش وقت است و نگارنده برای تأیید گفته‌های خود از سعدی و شاعران دیگر نمونه‌هایی را شاهد آورده است.

**در تصحیح قصیده شیخ سعدی ، محمد قزوینی، یغما، سال دوم، شماره ۴، تیر ۱۳۲۸، صص ۱۵۲-۱۵۳.**

۱. مضامین اصلی: \* این نوشته کوتاه بخشی از متن نامه‌ای است که علامه قزوینی در پاسخ به نامه حبیب یغمایی، برای او نوشته است.

۱-۱. توضیح درباره نامه یغمایی و بیان نکاتی درباره این دو بیت از قصاید عربی سعدی:

" كما قال بعض الطاعنين لقرنه بسمر القنا نيلت معانقه السمر  
لحي الله من يسدي اليه بنعمه و عند هجوم الناس يألف بالعدر "

از جمله درباره بیت اول نوشته‌اند: " ممکن است ضرب‌المثلی بوده یا اشاره به شعر مشهوری بوده، ولی بنده عاجلاً نتوانستم قائل آن را پیدا کنم ... " (ص ۱۵۲).

و درباره بیت دوم نوشته‌اند: " ممکن است اشاره به ابن‌علقمی باشد، ولی چون یقین نیست، گمان می‌کنم بهتر عدم تعرض به ذکر این مسئله است ... " (ص ۱۵۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. قصاید عربی ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در متن این نوشته نشانه‌های امانت‌داری، تواضع و صداقت علامه قزوینی به وضوح دیده می‌شود.

**در تکاپوی سعدی (۱) ، حسین شاه‌زیدی، مجله روشندل، دی ماه ۱۳۴۷، شماره دو، صص ۲۷، ۲۹.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اظهار تأسف از فاصله گرفتن جوانان ایرانی با متون ارزشمند گذشته و آشفتگی در اشعار معاصر و بیان دلایلی برای آشفتگی شعر امروز (صص ۲۸-۲۷).

۱-۲. توضیح درباره شیوه عملکرد نگارنده در سلسله مقالاتی که با عنوان " در تکاپوی سعدی " به رشته تحریر در آورده‌اند: " راهی را که این بنده یافته‌ام آن است که عاجلاً زبده غزل‌های سعدی را می‌گیرم و پیش از آنکه يك بیت را بیاورم، با نثری روان و شاعرانه و مورد پسند امروز، مفاد آن بیت را بازگو می‌کنم، تا خواننده وقتی به بیت سعدی می‌رسد، با حضور ذهن و آمادگی قبلی آن را در یافت کند و دیگر آن شعر برایش بیگانه نباشد ... " (ص ۲۸).

۱-۳. توضیح درباره پانزده بیت غزل نخست سعدی " ای نفس خرم باد صبا ... " (صص ۲۸-۲۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۱۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست از سلسله مقالاتی است که نگارنده در توضیح برخی از غزلیات سعدی نوشته است. این بخش خود از دو قسمت تشکیل شده، در قسمت اول که در واقع مقدمه‌ای برای این نوشته‌هاست درباره آشفتگی شعر امروز دلایلی مطرح شده است. و در قسمت دوم درباره معنی ابیات غزل " ای نفس خرم ... " توضیحاتی نوشته شده است. اگر چه این گونه از نوشته‌ها بویژه در زمان نگارش (سال ۱۳۴۷) برای جلب توجهات عمومی به سعدی و آثار او خالی از فایده نبوده است، اما شرح ابیات سعدی دقت بیشتری می‌طلبد. نگارنده خواسته است به قول خود: " با نثری روان و شاعرانه و مورد پسند امروز، مفاد ابیات را باز گوید، تا خواننده وقتی به بیت سعدی می‌رسد، با حضور ذهن و آمادگی قبلی آن را دریافت کند". اما بیشتر توضیحات نوشته شده، یا گرهی از بیت مورد نظر نمی‌گشاید یا خود بیشتر از آن بیت نیاز به توضیح دارد، برای مثال در توضیح بیت " سر نتوانم که بر آرم چو چنگ - و ر چو دفر پوست بدرد قفا " نوشته‌اند: " گیرم مرا بخواهی با ادوات موسیقی در مقام قیاس‌آوری، اگر آن دف و دایره باشم که بر اثر ضربات، پوستم از پشت دریده شود، چگونه می‌توانم همچون چنگ سرافراز برپا بایستم؟ آری، مرا یاری پایداری همه گونه آسیبی است که توام واردسازی! "

و در بیت " قصه دردم، همه عالم گرفت - در که نگیرد سخن آشنا " بجز اینکه علامت سؤال به اشتباه جلو فعل " نگیرد " نهاده شده، در توضیح آن نوشته‌اند: " به گمان من، با سخن پردرد و عشق‌آمیز من، جهانی آشنایی دارد، زیرا من جز ابراز " درد " لب به گفتار نمی‌گشایم ولی می‌بینم، فسانه عشقم جهانگیر شده است " (ص ۲۹).

**در تکاپوی سعدی (۲) ، حسین شاه‌زیدی، مجله روشندل، بهمن ۱۳۴۷، شماره سوم، صص ۲۸-۲۹.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. شرح و توضیح درباره ابیات غزل " روی تو خوش می‌نماید آینه ما ... " .

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۱۰ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته ده بیت از یک غزل، بدون اشاره به شگردهای شاعرانه آن با زبان ساده گزارش شده است. توضیحات این غزل نسبت به توضیحات غزل پیشین که در شماره دی ماه ۱۳۴۷ مجله روشندل به چاپ رسیده بود، بسامانتر و منطقیتر است.

#### در تکاپوی سعدی (۲) ، حسین شاهزیدی، مجله روشندل، اسفند ۱۳۴۷، شماره چهار، صص ۲۷-۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. شرح و توضیح درباره ابیات غزل " اگر تو فارغی، از حال دوستان ... " .

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۱۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته یازده بیت از یک غزل سعدی بدون اشاره به شگردهای شاعرانه، با زبانی ساده گزارش شده است. اما برخی از توضیحات، ساده‌تر از خود بیت نیست، مثلاً درباره بیت " به دوستی که اگر زهر باشد از دستت - چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را " نوشته‌اند: " اصل آن است که تو را با من چنان رابطه‌ای باشد که گاه بذل عنایتی کنی و انگار در بزمی به جای باده می‌نایم زهر ریزی. به دوستی سوگند که چون از دستت، با شوق و ذوق ارادتمندی بدان گونه که شهد شیرین گوارا را می‌گیرند، می‌گیرم و می‌خورم و سرمست می‌شوم " ( ص ۲۷).

و درباره بیت " کسی ملامت وامق کند به نادانی - حبیب من که ندیده‌ست روی عذرا را " نوشته‌اند: " عذرا ندیدگان، شگفت است که دهان به ملامت وامق می‌گشایند " (ص ۲۷). در حالی که به نظر سعدی عذرا ندیدگان، وامق را ملامت می‌کنند، نه عذرا دیدگان. پس شگفت نیست که عذرا ندیدگان، وامق را ملامت کنند و ... سعدی در جای دیگر گفته: گرش بینی و دست از ترنج بشناسی - روا بود که ملامت کنی زلیخا را.

۴-۲. این نوشته کوتاه از اشتباهات چاپی در امان نبوده است: ص ۲۶، ستون اول، س ۲۰: چه بودت (چه بوده‌ست) و ستون دوم، س ۲۶، جوتیم (جویم) و ص ۲۷، ستون اول، س ۲۳: دامق (وامق) و ... .

#### در تکاپوی سعدی (۴) ، حسین شاهزیدی، مجله روشندل، اردیبهشت ۱۳۴۸، صص ۶۸-۶۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. شرح و توضیح درباره ابیات غزل " پیش ما رسم شکستن نبود ... " .

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۱۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه درباره دوازده بیت از یک غزل سعدی توضیحاتی داده شده است و مطلب قابل ذکر ندارد. اما گفتنی است که در شماره تیر ماه ۱۳۴۸ مجله روشندل مجدداً همین غزل (البته با یک بیت اضافه) توضیح داده شده است. بیتی که در این شماره حذف شده، بیت زیر است:

چشم کوتاه‌نظران بر ورق صورت خوبان خط همی‌بیند و عارف قلم صنع خدا را

#### در تکاپوی سعدی (۵) ، حسین شاهزیدی، مجله روشندل، تیر ۱۳۴۸، شماره هشت، صص ۷۹-۷۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. شرح و توضیح درباره سیزده بیت از غزل " پیش ما رسم شکستن نبود ... " .

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۱۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته درباره معنای سیزده بیت از غزل " پیش ما رسم ... " بدون اشاره به شگردهای شاعرانه توضیحاتی داده شده است. گفتنی است که نگارنده در شماره " اردیبهشت ۱۳۴۸ " مجله روشندل، ابیات این غزل را به گونه‌ای دیگر گزارش کرده است.

#### در تکاپوی سعدی (۶) ، حسین شاهزیدی، مجله روشندل، فروردین ۱۳۵۰، ص ۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. شرح و توضیح درباره نه بیت از غزل " شب فراق نخواهم دواج ... " (ص ۳۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۹ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته درباره نه بیت از غزل " شب فراق نخواهم ... " بدون اشاره به شگردهای شاعرانه، توضیحاتی داده شده است. اما سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است.

#### در جستجوی خودانگاره سعدی ، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، چیستا، دوره ۱۲، شماره ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، صص ۲۲۹-۲۱۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر شخصیت قدرتمند و استادی و مهارت غیرقابل انکار سعدی در طنزپردازی و طرح این سؤال که " چرا شخصیت کنجکاو و گیرای سعدی موضوع مطالعات جداگانه نبوده است " و اینکه: " مقاله کنونی گام نخستین به سوی چنین بررسی است که در آن کوشش شده است به این سؤال پاسخ داده شود " (ص ۲۱۸).

۱-۲. بررسی اشاره‌های سعدی به خود " سعدی از این که اشاره‌هایی مشخص به خود کند، شرمند نبود ... اشاره‌های سعدی به خودش در تمام آثارش، واضح، مشخص و به طور قابل ملاحظه‌ای یکسان است ... اشاره‌های سعدی به خودش، می‌تواند به شیوه‌ای خلاق و قابل اتکا و اعتماد به کار رود، تا تصاویر اجمالی از شخصیت درخشان او به دست آید " (ص ۲۱۹).

۱-۳. نقد سخن فوشه‌کورد در مقاله " شیخ سعدی از دیدگاه خود او"، (چاپ شده در جلد سوم ذکر جمیل سعدی: مجموعه مقالات و اشعار بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی، ۱۳۶۴) و تأکید بر اینکه "گفته‌های خودستایانه درباره خصایل و فضایل شاعر، یک سنت معمول و مجاز بوده است" ولی نمی‌تواند شناساننده شخصیت شاعر باشد (ص ۳۱۹).

۱-۴. گزینش مسئله سفرهای سعدی به عنوان "موضوع اصلی" برای شناخت او: "سعدی به جای دور و بسیاری سفر کرد و اجازه داد وقایع این سفرها چه واقعی و چه تخیلی، یکسان، در جای جای آثار ادبی او پراکنده شود" (ص ۳۲۱).

۱-۵. بررسی احتمال سفرهای سعدی از قول نویسندگانی چون ادوارد براون، عباس اقبال، محمد محیط طباطبایی، انصاری، جلال متینی و ... (صص ۳۲۴-۳۲۲)؛ نتیجه اینکه: "سعدی چه به سویمان سفر کرده باشد و چه نکرده باشد و این که تا چه حد در ابداعات ادبی تعمد داشته و خود را آزاد گذارده باشد، هر چیز که در بوستان و گلستان رخ می‌دهد، برای منظور ما، واقعی است، زیرا در این جا ما تاریخی بودن وقایع را در نظر نداریم، بلکه این وقایع از این که تا چه حد ما را به نحوه تصویر کردن مسافران - و در بسیاری موارد خود سعدی آگاه می‌سازد، مورد علاقه و توجه هستند (ص ۳۲۴) ... سعدی چه به طور واقعی و چه تخیلی از ظاهر شدن در هیأت میدل، به نهایت، لذت می‌برد تا بدان ترتیب تأثیر شعرش را بر مخاطبان خود مشاهده کند ... بسیاری، تمام شهرت سعدی را از تصنیف بوستان و گلستان دانسته‌اند. بنابراین سعدی نمی‌توانسته در سفرهایش شاعری نامی بوده باشد. این نظر کاملاً متقاعد کننده به نظر نمی‌رسد. پذیرش اینکه سعدی هیچ غزلی پیش از نوشتن این دو اثر نسروده و کاملاً ناگهانی تبدیل به استاد سخن شده است، نکته‌ای غریب است ... چه شهرت او طی سفرهایش واقعی باشد و چه ستایشگر جوانی که در کاشغر ملاقات کرده باشد و چه در مباحثه‌ای با فقیهانی که ابتدا او را نشناخته‌اند درگیر شده باشد و چه همه اینها افسانه و حاصل تصورات او باشد، کاملاً آشکار است که برای او، یکی از لذت‌هایی که سفر به ارمغان می‌آورد، گمنامی و امکان دیدن، بدون دیده شدن، بوده است (ص ۳۲۵).

برای سعدی یکی دیگر از جذابیت‌های سفر، بی‌شک چالش‌های آن بوده است که نهایتاً هم ذهنی، هم فیزیکی و هم روحی بوده است (ص ۳۲۶).

با وجود تأکیدات سعدی بر فضایل تربیتی سفر، به نظر نمی‌رسد او به تشویق معلم خاصی سفر کرده باشد. بیشتر به نظر می‌رسد که او سفرهای خود را تعلیم و تربیتی عملی و مکمل آموزش مدرسی خود می‌دیده است. بویژه او از این که اوقات خود را با مردمی با سوابق و عقاید دینی گوناگون می‌گذراند، احساس غرور می‌کرد (ص ۳۲۷).

در بوستان و گلستان خیر یا شر مطلق بر جهان حاکم نیست. هیچ چیز کاملاً سفید یا سیاه نیست. لذت و نیز سود در کشف سایه روشن‌هایی میان این دو قرار دارد (ص ۳۲۸).

گرچه سعدی نظرهای اخلاقی خود را در تصنیف بوستان و گلستان آورده، اما اگر این آثار را تنها به عنوان درس‌های خشک اخلاقی در نظر آوریم، کاملاً روح آنها را از میان برده‌ایم، کلید دنیای سعدی درک احساس همیشه حاضر او از شوخ طبعی است ... سعدی همیشه به خواننده درس می‌دهد که برای لبخند آماده باشد. این لحن شوخ طبعانه نهفته، در آثار دیگر شاعر، نیز به چشم می‌خورد ... سعدی بیشترین توجه خود را به موضوعات ساده روزمره زندگی معطوف می‌کند ... جای تعجب نیست که در زندگی سعدی، سیر آفاق بر سیر انفس پیشی گرفت. زیرا برای مردمی با چنین ذهن عملی، تنها، عملاً سفر کردن در جستجوی ایده‌آل‌هایش مناسب است تا جستجوی آنها را در عزلت و انزوا" (ص ۳۲۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. "شیخ سعدی از دیدگاه خود او"، فوشه‌کورد، ذکر جمیل سعدی، ج ۳-۲. "زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی"، عباس اقبال، سعدی‌نامه، ۱۳۱۶. ۲-۴. تاریخ ادبیات فارسی، یان رییکا. ۲-۵. ذکر جمیل سعدی، مجتبی مینوی، یغما، سال پنجم، شماره سوم، خرداد ۱۳۳۱.

**۲. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۸ بار، بوستان ۸ بار، غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوشیده است تا با تکیه بر آثار سعدی و برخی از آنچه او درباره خود گفته است، شخصیت اجتماعی سعدی را باز نماید و بویژه برای مخاطبان غیرایرانی خود دارای اطلاعات مفیدی است اما نثر ترجمه مقاله تحت تأثیر زبان اصلی، نثری متکلف و غیرمعمول است، به نظر می‌رسد مترجم با توجه به طبیعت زبان فارسی در جهت روان کردن نثر باید تلاش بیشتری می‌کرد. ۴-۲. نویسنده مقاله مدعی هستند که برای نخستین بار از روشی تازه برای شناخت سعدی بهره برده‌اند: "مقاله کنونی گام نخستین به سوی چنین بررسی است که در آن کوشش شده است به این سؤال پاسخ داده شود ...". در حالی که در متن مقاله هیچ سخن تازه‌ای درباره سعدی گفته نشده است و نویسندگان دیگر هم برای شناخت سعدی از همین حکایت‌ها و سخنان استفاده کرده‌اند.

۴-۳. ذکر نشانی نقل قول‌ها و نمونه‌های شاهد از سخن سعدی، از ویژگی‌های دیگر این نوشته است.

## در حاشیه بوستان سعدی، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دفتر ایام، تهران، ۱۳۶۵، صص ۹۱-۸۲.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد سعدی که انگیزه تألیف مقاله حاضر شده است و توضیح درباره مقاله: " ... برای آنکه دعوت یاران را در حد توان خویش لیبک اجابت گفته باشم، پاره‌ای از تعلیقات خود را که طی سالیان در حواشی چاپ‌های مختلف بوستان و کلیات شیخ جای جای یادداشت کرده‌ام، به همان صورت که هست در اینجا نقل می‌کنم.

این تعلیقات در اصل پاره‌ای مباحث انتقادی را هم شامل هست اما آن گونه مباحث را تا وقتی به هم نپیوندم، نمی‌توانم نشر کنم. ناچار از آن میان به نقل برخی یادداشت‌ها که شامل نظایر مضمون‌های پاره‌ای ابیات شیخ یا احیاناً مأخذ آنهاست، در اینجا بسنده می‌کنم ... " (ص ۱۴).

۱-۲. نقل بیست و چهار مورد از سروده‌های بوستان و نمونه‌های همگون آنها در آثار دیگر که عمدتاً عبارتند از: اخلاق ارسطو، یتیمه‌الدهر ثعالی، رساله قشیریه، تذکرة الاولیای عطار، مصیبت‌نامه عطار، کشف‌المحجوب هجویری، الهی‌نامه عطار، جوامع‌الحکایات عوفی، رونق‌المجالس عمر بن الحسن نیشابوری سمرقندی، صحیح بخاری، سنن ابن داوود، شرح تعرف و عوارف‌المعارف، عمده‌الطالب، مجانی‌الادب، مقالات شمس، انجیل لوقا، اشعار ابوالعلا معری و تاریخ طبری (صص ۹۱-۸۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. مراجع مختلف یاد شده در مضامین اصلی (۱-۲).

**۲. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۲۴ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. باز یافت پیشینه حکایت‌ها و مضامین آثار سعدی برای شناخت درست مأخذ اندیشه‌های او از بایسته‌ترین پژوهش‌هایی است که باید انجام گیرد. نویسنده دانشمند معاصر آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در این نوشته - که در واقع یادداشت‌های پراکنده ایشان در حاشیه بوستان بوده است - تعدادی از مضامین همگون آثار سعدی را در منابع پیش از او بخوبی یافته و بازنموده است.



با همه ارزش‌هایی که این نوشته دارد چنانچه این نمونه‌ها با تحلیل و بررسی انجام می‌شد و با ذکر دلایل تاریخی احتمال آشنایی سعدی با آن آثار کاویده می‌شد و تألیف مقاله نیز سامان مناسب‌تری می‌یافت بر ارزش علمی مقاله افزوده می‌شد. دقت در منابع مختلف، یادکرد نشانی نمونه‌های مورد استشهاد و ایجاز لازم، از ویژگی‌های دیگر این نوشته است.

**در راه حق ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته شده از کتاب " روان‌های روشن "، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۲۴-۲۹.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱- آشنا، شماره سوم، بهمن و اسفند ۱۳۷۰، صص ۵۴-۵۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای به داستان دیدار " کرزوس"، پادشاه لیدیا و "سولون"، قانون‌گذار و حکیم آتنی (به نقل از تاریخ هرودوت) و پیوند آن با افکار سعدی: " اگر حکیم آتنی حقیقت‌پژوهی و نصیحت را در حضور سلاطین بر خردمندان فرض می‌شمرد، سعدی شاعر اندیشه‌ور فارسی‌زبان نی ز در باب اول بوستان، چهره مردی حق‌گزار را در شعر فارسی تصویر کرده است که نمونه بارزی از مردان با ایمان و استوار تواند بود ... " (ص ۳۰).

۱-۲. اشاره به روابط ارباب قدرت و سلاطین با افراد آگاه و نیز با توده‌های مردم در دوران‌های مختلف، بررسی حکایتی در بوستان (شنیدم که از نیکمردی فقیر ... ) و مقایسه برخی از بیت‌های آن با آرای بزرگانی چون نیچه، بتهوون، افلاطون و مهاتما گاندی. و تأکید بر روحیه حقیقت‌جویی و حق‌طلبی سعدی (صص ۲۴-۳۲)، از جمله: " سعدی و اندیشه‌ورانی مانند او، در ظلمت روزگار، چراغ هدایت و بینش فراراه بشر می‌داشتند، تا مگر انسان به خود آید و راه عدالت و رستگاری را بجوید (ص ۳۲). چند قرن پیش از آن که متفکران اروپا، در مطالعات خود به این نتیجه برسند که نیروی حکومت ناشی از ملت است، سعدی حکومت را به درختی تشبیه می‌کرد و مردم را به ریشه درخت، و پایداری درخت را در استواری ریشه می‌دید و ریش‌کردن دل خلق را به منزله از بیخ درآوردن درخت می‌دانست. این همه تأکید درباره عدالت و دادگستری و رعایت حقوق مردم و انسان‌دوستی وقتی در مشرق‌زمین صورت می‌گرفت که اروپا در ظلمات قرون وسطی گرفتار و مشعل فرهنگ و تمدن ملل مسلمان در جهان پرتوافکن بود ... سعدی در دامن فرهنگ و تمدن ایران در دوره اسلامی پرورش یافته و از سرچشمه گوارای آن کسب فیض کرده بود. حکایت او در بوستان، جلوه‌ای است از سیمای یکی از مردان حق، که به شعر و ادبیات فارسی معنی و شکوهی خاص بخشیده ... " (ص ۳۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. تاریخ هرودت، ترجمه غ، وحید مازندرانی.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۵ بار، قصاید ۲ بار، گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه با نگاه به یکی از حکایت‌های بوستان، بر حق‌طلبی سعدی و یکی از آرای حکومتی او تأکید شده و نظرات عدالت‌جویانه و آرای حق‌طلبانه او با گفته‌های برخی از اندیشمندان جهان مقایسه شده است. این گونه از مقایسه‌ها که می‌توان آنها را در حوزه ادبیات تطبیقی نیز بررسی کرد، برای شناخت بیشتر سعدی، بسیار سودمند است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۵۵۶.

**در کنگره سعدی و حافظ شاعران معروف و موجه امروز را راه نبود، حسین شاه‌زیدی، مجله روش‌انداز، خرداد ۱۳۵۰، شماره ۳۰، صص ۱۱-۱۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تشکیل کنگره بزرگداشت سعدی و حافظ و انتقاد طنزآمیز از برگزارکنندگان آن به دلیل حضور نداشتن برخی از شاعران صاحب‌نظر در آن کنگره.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته، نگارنده با زبانی نزدیک به طنز و با عنوان " گفتگویی در عالم رویا " از برگزارکنندگان کنگره سعدی و حافظ به دلیل حضور نداشتن برخی از شاعران نامی در آن کنگره انتقاد کرده است. و مطلب قابل نقد و بررسی در آن نیست.

**در گلستان سعدی ، جواد حدیدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۵۰، صص ۹۱۴-۹۰۴.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب " برخورد اندیشه‌ها "، انتشارات توس، خرداد ۱۳۵۶، صص ۶۵-۵۵.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح وجه تسمیه مقاله: " در گلستان سعدی، نامی است که گوی یودو سه Guillot de sain ، شاعر و نماینده نویسنده و داستان‌پرداز معاصر فرانسوی، برای مجموعه‌ای از داستان‌های خود برگزیده است. وی سعدی را خوب می‌شناخته و از او الهام بسیار گرفته است. آشنایی او با سعدی از دو راه بوده، یکی از راه ترجمه‌های متعدد گلستان و بوستان و شرح‌هایی که فرانسویان بر آنها نوشته‌اند، و دیگری به یاری برخی از ایرانیان مقیم فرانسه. سهم او نیز در شناساندن سعدی به فرانسویان معاصر بسیار زیاد بوده است (ص ۹۰۴).

آنچه در آثار سعدی، بخصوص شاعر فرانسوی را مجذوب می‌کرده، نخست ارزش اخلاقی حکایات اوست و سپس رقت احساسات و نکته‌سنجی و ظرافت طبع او ... " (ص ۹۰۵).

۱-۲. یادکرد برخی از تأثیرپذیری‌های گوی یودو سه از شاعران ایرانی، بویژه سعدی، از جمله در مضامین مربوط به " گل و بلبل " (صص ۹۰۸-۹۰۶).

۱-۳. یادکرد برخی از تأثیرپذیری‌های گوی یودو سه از داستانی‌های گذشته ایرانی و مضامین رباعیات خیام (صص ۹۱۴-۹۰۹).  
**۲. منابع اصلی:**

Guillot de sain ( leon ): Au Jardin de Saadi, Paris, ۱۹۵۹

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته معرفی مجموعه داستانی است به نام " در گلستان سعدی " از گوی یودو سه و بررسی تأثیرپذیری‌های او از شاعران ایرانی، بویژه سعدی و خیام. برخی از مطالب این نوشته در کتاب " از سعدی تا آراگون " (از نگارنده مقاله). نیز به چاپ رسیده است. تازگی مطلب، یادکرد نمونه‌ها با ذکر نشانی آنها، ایجاز شایسته و پرهیز از انشاپردازی، از ویژگی‌های این نوشته است، و مطالب آن برای نشان دادن میزان تأثیر سخن‌وران ایرانی بر شاعران غیرایرانی از دیدگاه ادبیات تطبیقی ارزشمند است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مواظ و حکم سعدي در بوستان و گلستان (با ترجمه و معادل‌هاي فرانسوي)، دکتر ابراهيم شکورزاده، انتشارات آستان قدس رضوي، ۱۳۶۵، ص ۱۴.

## دروغ از لحاظ علمي ، ۱. اعتصام زاده، آینده، سال نخستين، شماره ۵، آذر ۱۳۰۴، صص ۲۹۲-۲۸۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به اقتراح مجله آینده درباره " دروغ و دروغ مصلحت‌آمیز " و توضیح درباره دروغ از لحاظ علمي، میل کودکان به دروغ‌گويي و انگیزه‌ها و زبان‌هاي دروغ‌گويي با این نتیجه‌گيري: " هیچ يك از امراض روحي به اندازه مرض دروغ‌گويي براي يك جامعه مضر نیست ... " (ص ۲۹۱).

۱-۲. بیان مواردی که " دروغ گفتن " جایز است، با اشاره به حکایت گلستان سعدي که در آنجا دروغ مصلحت‌آمیز بهتر از راست فتنه‌انگیز دانسته شده است: " به استثنای موقعی که انسان می‌خواهد خود را فدای پدر و مادر یا يك دوست گرامی بنماید، یا وطن و هموطنان خود را از يك خطر بزرگی نجات بدهد، دروغ گفتن، به هیچ وجه جایز نیست.

گویا سعدي هم غیر از این مقصودی نداشته است، زیرا که وزیر می‌خواست يك نفر بدبخت را از چنگ میرغضب يك شاه مستبد و خونخوار برهاند - و برای حکیم بزرگوار ایران که می‌فرماید: " بني‌آدم اعضاي يکديگرند"، افراد بشر، در بسط زمین، با یکدیگر هموطن و برادرخوانده بودند و هستند و خواهند بود ... " (ص ۲۹۲).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. مشخص نیست.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته پس از بررسی کوتاه انگیزه‌هاي دروغ‌گويي و نکوهش آن، دروغ مصلحت‌آمیز در دو مورد جایز دانسته شده و حکایت یاد شده از گلستان سعدي و عبارت " دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز " یکی از همین دو مورد شناخته شده است. و سخن تازه‌ای در آن نیست. گفتنی است کسانی چون علي دشتي بر این حکایت سعدي به شدت خرده گرفته و آن را به غلط با بلاي مغول و تیمور برابر دانسته‌اند. رگ. دروغ مصلحت‌آمیز، علي دشتي، در همین مجموعه.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدي، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، ص ۲۳۵.

## دروغ مصلحت‌آمیز ، علي دشتي، آینده، سال نخستين، شماره ۲، مهر ۱۳۰۴، صص ۱۵۹-۱۵۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به عبارت " دروغ مصلحت‌آمیز، به از راست فتنه‌انگیز " در گلستان و انتقاد از این عبارت و تأکید بر نتایج و اثرات سوء این گونه عبارات: " باور کنید، همین جمله " دروغ مصلحت‌آمیز ... " برای مسموم کردن اخلاق جامعه ایرانی به قدر حکومت‌هاي استبدادی چنگیز و تیمور و سایر دربارهاي فجایع‌آلود سلاطین خودخواه و بداخلاق، ایران مؤثر بوده است ... " (ص ۱۵۶) طرفداران دروغ مصلحت‌آمیز می‌توانند بگویند این قضیه " دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز " فی‌حد ذاته يك قضیه عقلي و منطقي است، یعنی قطع نظر از همه چیز، عقل بشر حکم می‌کند که اگر با دروغی توانستیم نفسی را از هلاکت برهانیم، جهت ندارد راست بگوئیم. صحیح است، اما قوانین، خواه اخلاقی، خواه مدنی و غیره، باید استثنای پذیر باشد، یعنی شارع و مصلح باید آن را با يك شمول و عمومیت رخنه‌ناپذیری ذکر کند ... " (ص ۱۵۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان سعدي.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه بر اثرات سوء عبارت " دروغ مصلحت‌آمیز ... " تأکید شده است. اگر چه سخنان نگارنده درباره آثار سوء برخی از عبارات، بویژه در فرهنگ ما، پذیرفتنی است، اما همواره باید در نظر داشت که این عبارت در چه موضعی از گلستان مطرح شده و در چه حکایتی و از زبان چه کسی بیان شده است. اگر گروهی با استفاده سوء از این عبارت، کردار یا گفتار خلاف خود را توجیه کرده‌اند، گناه سعدي نیست، گناه جامعه‌ای است که هر سخنی را به نفع خود تفسیر می‌کند و گرنه سعدي آنجا که باور مسلم خود را روشن و شفاف درباره دروغ بی ان می‌کند بیت زیر آفریده می‌شود:

گر راست سخن‌گويي و در بند بمانی به زان که دروغت دهد از بند رهايي

" گلستان سعدي، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمي، شهریور ۱۳۶۸، ص ۱۸۶. " بی‌تردید عبارت زیر به اغراق فوق‌العاده‌ای آمیخته است: " همین جمله " دروغ مصلحت‌آمیز " برای مسموم کردن اخلاق جامعه ایرانی به قدر حکومت‌هاي استبدادی چنگیز و تیمور و سایر دربارهاي فجایع‌آمیز سلاطین خودخواه و بداخلاق ایران مؤثر بوده است ... " (ص ۱۵۶).

هرگز چنین نیست. زیرا اولاً جامعه ایرانی در انتظار صدور چنین حکمی از زبان سعدي نبوده است که با صدور آن حکم، مجوز رفتارهاي خلاف اخلاق دریافت کند و ثانیاً به استناد چه آماري می‌توان به این نتیجه غریب رسید؟ انگار همه دروغ‌ها پس از این حکایت سعدي گفته شده است!

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. دروغ مصلحت‌آمیز، غلامرضا کیان‌پور، یغما، آبان ۱۳۴۹، صص ۴۷۰-۴۶۶. ۵-۲. دروغ مصلحت‌آمیز، [ موسی ] نثري، آینده، سال نخستين، شماره ۶، دي ۱۳۰۴، صص ۳۷۶-۳۷۴. ۵-۳. گلستان سعدي، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، ص ۲۳۵. ۵-۴. دفاع از سعدي، دکتر مهدي درخشان، یغماي سي و دوم، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴. ۵-۵. بزرگوار، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمي، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، صص ۲۳۱-۲۳۰. ۵-۶. در هر اثر هنري است (۱)، محمد جناب‌زاده، ارمغان، سال پنجاه‌وسوم، دوره چهارم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۰، صص ۲۳۸-۲۳۳.

## دروغ مصلحت‌آمیز ، غلامرضا کیان‌پور، یغما، آبان ۱۳۴۹، صص ۴۷۰-۴۶۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. نقل عباراتی از مقاله " هفت صدمین سال وفات سعدي " نگاشته محمد محیط طباطبایي و اظهار تأسف از اینکه برخی از افراد با درک نادرست برخی از عبارات سعدي آنها را " مضر و مفسد " می‌شمارند (صص ۴۶۷-۴۶۶).

۱-۲. توضیح درباره جمله " دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز " با نقل بخش‌هایی از حکایتی که جمله یاد شده در آن است. و بررسی موضوع راست و دروغ در شریعت مقدس " با بیان چهار موضع از مواضعی که بیان دروغ خلاف شرع و عقل نیست (صص ۴۷۰-۴۶۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. مقاله هفت صدمین سال وفات سعدي، محمد محیط طباطبایي. ۲-۲. روایتی از امام صادق (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۳ بار، قطعات ۱ بار، قصاید ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. درباره جمله " دروغی مصلحت‌آمیز ... " نظرات مختلف و متناقضی تا کنون اظهار شده است. این نوشته نیز با استناد به روایتی از امام صادق (بدون ذکر مأخذ آن روایت) جمله سعدی را منطبق بر شرع و بدون اشکال دانسته است. ۲-۴. نشانی مأخذ مقاله مشخص نشده است.

**دروغ مصلحت‌آمیز ، (موسی) نثري، مجله آینده، سال نخستین، شماره ۶، دي ۱۳۰۴، صص ۲۷۶-۲۷۴.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. رد نظر علي دشتي در مورد جمله " دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز "، از جمله: " سعدی می‌خواهد يك قانون اخلاقی بیان کند و به اشخاصی که حاشیه‌نشین مجلس امرا هستند بگوید که نباید در نزد امرا و سلاطین از دیگران سعایت کرده، مردم را دچار زحمت نماید ... " (ص ۳۷۵).

" این جمله جزء حکایتی است که هر کس آن حکایت سعدی را بخواند در اولین نظر می‌فهمد که غرض سعدی در اینجا فقط مذمت از تفتین بوده و کاری با دروغ و راست نداشتن است. اگر می‌خواهید عقیده این شاعر بزرگ را درباره راست‌گویی و دروغ بدانید، این کلمات را بخوانید:

راستی موجب رضای خداست کس ندیدم که گم شد از ره راست

دروغ‌گفتن به ضربت شمشیر ماند، اگر جراحت درست شود نشان همچنان بماند" (ص ۳۷۶).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. دروغ مصلحت‌آمیز ، علي دشتي، آینده، سال نخستین، شماره ۲، مهر ۱۳۰۴، صص ۱۵۹-۱۵۶.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۴ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. این نوشته اعتراضی است به مقاله آقای علي دشتي (رك. منابع اصلی) که از سعدی به خاطر جمله " دروغ مصلحت‌آمیز ... " ایراد گرفته و زبان آن جمله را با زبان حکومت‌های استبدادی چنگیز و تیمور برابر دانسته است. همان‌گونه که آقای نثري نوشته‌اند، مقصود سعدی از این جمله، هرگز تشویق و ترویج دروغ‌گویی نیست. برای آگاهی بیشتر رك. مقاله دروغ مصلحت‌آمیز، علي دشتي، آینده، سال نخستین، شماره ۲، مهر ۱۳۰۴، صص ۱۵۶-۱۵۹.

**دفاع از سعدی ، دکتر مهدي درخشان، یغمای سي و دوم، (یادنامه حبیب یغمایی)، گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی، انتشارات ایران، ۱۳۷۰، صص ۱۴۰-۱۳۱.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. مقایسه حافظ و سعدی و توضیح درباره جنبه‌های گوناگون آسمانی و زمینی سخنان سعدی: " ... هر دو شاعران بزرگی هستند که از حیث قدر و منزلت گویی به آسمان رفته و سر به علیین سوده‌اند. مگر آنکه حافظ چو به آسمان رسیده دیگر باز نگریده ولی سعدی دوباره به زمین بازگشته و به ارشاد و راهنمایی خلق پرداخته است. به همین جهت سعدی را با آنکه شاعری بزرگ و وارسته می‌بینیم که سخن‌های عارفانه و نکته‌هایی بلند و خردمندانه سروده، گاهی نیز او را در میان اجتماع و عامه مردم می‌یابیم که هم‌رنگ جماعت شده و برای سازش با مردم و ادامه زندگی با آنان، دستورهای داده است " (ص ۱۳۱).

۱-۲. اشاره به برخی از سخنان سعدی که به ظاهر متناقض می‌نماید و گروهی آن گونه از سخنان سعدی را نپسندیده و آنها را به حال جامعه مضر دانسته‌اند، و گروهی نیز به نفع خود آن را تفسیر کرده‌اند. مانند جمله "دروغ مصلحت‌آمیز به ز راست فتنه‌انگیز" و توضیح درباره این گونه از سخنان سعدی (صص ۱۳۵-۱۳۲)، از جمله: "حقیقت آن است که این سخنور نامدار، سخنانش سراسر پند و حکمت و مقرون به حقیقت است و به اقتضای حال و مقام و به اعتبار ناروایی و زشتی دروغ سخنی حکمت‌آمیز گفته و با روش پندآموزانه خود مردم را از فتنه‌انگیزی و شرآفرینی بر حذر داشته (ص ۱۳۳). شاعر به اعتبار آنکه زشتی و ناروایی دروغ بر همه پیداست، فتنه‌انگیزی را با آن سنجیده است، تا همگان بدانند که این عمل حتی زشت‌تر و ناروای‌تر از دروغ است و باید از آن برحذر باشند. به عبارت دیگر سعدی می‌گوید: سخن راست فتنه‌انگیز آن چنان زشت و ناروایست که دروغ مصلحت‌آمیز با همه زشتی و ناروایی بر آن مزیت دارد (ص ۱۳۶). اگر سعدی در نخستین باب گلستان سخنی گفته است که گروهی از مردم در تفسیر آن به خطا رفته و استنباطی نادرست از آن کرده‌اند، خوشبختانه در آخرین باب گلستان رفع هر گونه شبهه و تردید را کرده و عقیده خویش را به روشنی و بی‌هیچ گونه ابهام بیان نموده و مردم را از دروغ و زیان‌های ناشی از آن بر حذر داشته است (ص ۱۴۰).

- نقل نمونه‌هایی از سخنان سعدی که ساختار آن شبیه ساختار جمله "دروغ مصلحت‌آمیز ... " است (صص ۱۳۹-۱۳۷).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، با مقدمه عباس اقبال، انتشارات کتاب‌فروشی اقبال. ۲-۲. گلستان سعدی، دکتر خلیل خطیب‌رهبر. ۲-۳. " دروغ مصلحت‌آمیز "، علي دشتي، آینده، مهر ۱۳۰۴.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۳۳ بار، بوستان ۱۵ بار، غزلیات ۷ بار، مفردات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. درباره جمله " دروغ مصلحت‌آمیز به ز راست فتنه‌انگیز " تا کنون نوشته‌های مختلفی پدید آمده است، و مرحوم علي دشتي در مقاله " دروغ مصلحت‌آمیز " بیش از دیگران از جمله بالا انتقاد کرده و آن را حتی " به قدر حکومت‌های استبدادی چنگیز و تیمور و سایر دربارهای فیجایع‌آلود سلاطین خودخواه و بداخلاق ایران، برای مسموم کردن اخلاق جامعه ایرانی مؤثر " دانسته است. پاسخ‌های فراوانی نیز به او داده شده است. مقاله دفاع از سعدی نیز، در واقع پاسخ دیگری است که آقای دکتر درخشان به دشتي و کسانی که با او هم‌عقیده بوده‌اند، داده است.

بجز مثال‌هایی که در صص ۱۳۷، ۱۳۹ به عنوان نمونه‌هایی همانند با جمله " دروغ مصلحت‌آمیز ... " از آثار سعدی بازیابی و فهرست شده، سخن تازه‌ای در این نوشته مطرح نشده است.

۲-۴. این نوشته نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۱۳۵، س ۲۳: سختی‌ها (سخن‌ها) و ص ۱۳۹: نمونه شماره ۷ به اشتباه از بوستان دانسته شده، در حالی که از گلستان است. و ص ۱۴۰، س ۱۴: در آیه مبارکه، تشدید روی " ل " سولت اشتباه است و " فصر " به جای " فصر " درست است.

**در هر اثر هنری است (۱) ، محمد جناب‌زاده، ارمغان، سال پنجاه‌وسوم، دوره چهلم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۰، صص ۲۳۲-۲۳۸.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره روش علمی بررسی آثار ادبی و شرایط لازم برای تحقیق (صص ۳۳۵-۳۳۳).

۱-۲. اشاره به ارزش والای سخن سعدی و خرده‌گیری از کسانی که جمله " دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز " را از گلستان خارج از حکایت مربوط مورد نقد قرار می‌دهند و اشاره به مجموعه مقالات نگارنده که در روزنامه کوشش به چاپ رسیده و سپس به صورت کتابی به نام " تعلیم و تربیت در نظر سعدی " منتشر شده است (صص ۲۳۸-۳۳۶).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. گلستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۲. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم و پایانی آن در مجله ارمغان (سال پنجاه و سوم، دوره چهارم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۰، صص ۲۸۲-۲۷۴). چاپ شده است. رگ. اشاره بخش دوم مقاله.

در هر اثر هنری است (۲)، محمد جناب‌زاده، ارمغان، سال پنجاه و سوم، دوره چهارم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۰، صص ۲۸۲-۲۷۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. دنباله بخش نخست مقاله و بررسی نظرات تعلیمی و تربیتی سعدی، از جمله: "روش پرورش در نظر سعدی وقتی نتیجه بخش می‌باشد و تعلیم برای تربیت سودمند است که استعداد و اصالت و اجتماع و علم و عمل با آن موافق باشد. نظر سعدی با دانشمندان عصر حاضر که تعلیم و تربیت را با موازین روان‌شناسی و شناسایی استعداد قرار داده‌اند یکسان است" (ص ۲۷۶).

۱-۲. اشاره به نظرات دانشمندان زیست‌شناس و روان‌شناس (دکتر خیبری، لامارک، چارلز، هربرت اسپنسر و الکسیس کارل) درباره وراثت و محیط و اثر هر کدام در تربیت افراد و سنجش این نظرات با انگاره‌های سعدی در حکایت سوم از باب اول گلستان (طایفه دزدان بر سر کوهی ... ) برای تأکید بر درستی نظرات سعدی (صص ۲۸۰-۲۷۷).

۱-۳. یادکرد برخی نظرات سعدی درباره تربیت‌پذیری افراد (صص ۲۸۲-۲۸۰) و نتیجه‌گیری اینکه: "سعدی بی‌نظر در تأثیر محیط در آثار وراثت نبوده است. به طور کلی نظر پیشینیان که ادبا و شاعران سخندان زبان گویای آنان بودند تعلیم و تربیت نتوانسته صفات و مشخصات و فضائل و عیوب اخلاقی یا نژادی را تغییر دهد و اگر در ظاهر تحولی به نظر آید صوری است و ذاتی نمی‌باشد" (ص ۲۸۱).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نظر تربیتی کسانی چون لامارک، چارلز، هربرت اسپنسر، الکسیس کارل، دکتر خیبری و ... (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۸ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۲. این نوشته که در دو بخش و دو شماره مجله ارمغان به چاپ رسیده، نظرات تربیتی سعدی را با آرای تربیتی برخی از صاحب‌نظران غربی سنجیده و بر درستی نظرات سعدی تأکید ورزیده است. بررسی و تحلیل حکایت سوم از باب اول گلستان که عباراتی از آن حکایت مورد انتقاد برخی قرار گرفته، از ویژگی‌های ارزشمند این مقاله است و مقایسه آرای سعدی با دانشمندان غربی نیز بر ارزش آن افزوده است. البته نگارنده همین نظرات خود را سال‌ها پیش از انتشار این مقاله در سلسله مقالاتی در روزنامه کوشش که بعداً به صورت کتابی با نام "تعلیم تربیت در نظر سعدی" منتشر شد، مطرح کرده است.

۲-۲. پیوند برخی از مطالب این نوشته بویژه صفحه‌های نخست از بخش اول با اصل مقاله چندان محکم نیست و موجب درازی سخن شده است. از موارد دیگری که موجب کاهش ارزش علمی مقاله شده، مشخص نبودن مأخذ و نشانی نمونه‌های شاهد از سخن سعدی است.

دريا در کوزه ، دکتر علي فاضل، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۰۶-۷۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب "گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی" و تأکید بر "وقوف وافی" دکتر یوسفی بر آثار سعدی با اشاره به نوشته‌های او در این باره و توضیح درباره بخش‌های مختلف کتاب یاد شده (صص ۷۸-۷۵).

۱-۲. یادکرد نمونه‌هایی از کتاب مورد نظر برای آشنایی بیشتر با آن و تقسیم این نمونه‌ها در شش بخش به شرح زیر:  
۱-۲-۱. توضیحات مفید و کم سابقه درباره لغات، ترکیبات و اصطلاحات در گلستان (صص ۸۶-۷۸) در این بخش سی‌ونه مورد از توضیحات دکتر یوسفی بازنگری و بررسی شده است.

۱-۲-۲. نمونه‌ای از ضبط و تلفظ صحیح لغات و معانی ساده و سنجیده - احياناً متفاوت با تلفظ و معنی مرسوم و رایج (صص ۹۰-۸۶). در این بخش هفتاد و دو مورد از واژه‌ها و اصطلاحاتی که دکتر یوسفی آنها را حرکت‌گذاری کرده و توضیح داده، باز نموده شده است.

۱-۲-۳. چند یادآوری مصحح به شارحان و مترجمان و ناقدان گلستان (صص ۹۳-۹۰). در این بخش سیزده مورد از توضیحات دکتر یوسفی، باز نموده شده است.

۱-۲-۴. نمونه‌ای از الفاظ و مصطلحات عرفانی که مصحح درباره آنها - با استشهاد به مقالات و مقامات مشایخ قوم - توضیحی کوتاه و مفید آورده است (صص ۹۴-۹۳). در این بخش به سی‌ودو اصطلاح اشاره شده است.

۱-۲-۵. اشاره مصحح به بعضی از نکات دستوری در متن گلستان (صص ۹۸-۹۴). در این بخش بیست‌وهفت مورد از توضیحات دکتر یوسفی باز نموده شده است.

۱-۲-۶. نمونه‌ای از چگونگی تفحص و پژوهش مصحح درباره تأثیر سخن و اندیشه سعدی در افکار و آثار شاعران، نویسندگان و فلاسفه مغرب‌زمین (صص ۱۰۶-۹۸). در این بخش چهل مورد از توضیحات دکتر یوسفی باز نموده شده است.

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۲۴۸ بار، بوستان ۶ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** در این مقاله مفصل (۳۱ صفحه). بسیاری از ویژگی‌های ارزشمند کتاب گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی با یادکرد نمونه‌های شاهد، بیان شده است. با آنکه درباره کتاب یاد شده مقاله‌های زیادی پرداخته شده، اما این نوشته ارزش‌های این اثر گرانقدر را روشن‌تر از دیگران باز نموده است. هدف نگارنده مقاله تأکید بر ویژگی‌های سودمند کتاب مورد نظر بوده است و به همین دلیل با آنکه به دقت کتاب مذکور را بررسی کرده، به موارد ضعف و نقص آن کتاب اشاره نکرده است. تنها در پایان مقاله آمده است: "در ضمن مراجعات مکرر که نگارنده این یادداشت‌ها، به این کتاب ارجمند داشت، چند نکته استحضانی به خاطر قاصرش رسید که آنها را به محضر شریف دانشمند گرانمایه استاد دکتر غلامحسین یوسفی تقدیم داشت تا اگر مورد تأیید آن عزیز قرار گیرد، در چاپ‌های بعدی کتاب ملحوظ افتد ... " (ص ۱۰۶).

۲-۴. این نوشته نیز مانند بسیاری دیگر از نوشته‌ها از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۸۵، س ۲۱: دوخته (دوچه)

۹  
ص ۸۷، س ۳۷: گجا (کجا) و ص ۸۸، س ۱۵: تو پروانه (تو و پروانه) و س ۱۶: نکو بر نشست (نکوتر است) و ص ۱۰۰، س ۱۸: مغلوب (مغلوب) و س ۱۹: پس آوردن (پس از آوردن) و ص ۱۰۱، س ۱۷: از قول تو (از قدر تو) و ص ۱۰۴، س ۱۵: سپارش (سفارش) و ...

دوام و تأثیر سعدی بر ذهن و زبان ما ، دکتر ضیاء موحد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۰.

۱. **مضامین اصلی:** \* این نوشته گفت و گویی است با آقای دکتر ضیاء موحد درباره آشنایی او با سعدی و نگارش کتاب " سعدی".

- توضیح درباره چگونگی آشنایی با سعدی.  
- اشاره به نقد پیشینیان و اشکالات موجود در آن نقدها.  
- توضیح درباره دریافت‌های نادرست ادوارد براون از ادبیات فارسی و از آن جمله: داوری او درباره سعدی.  
- تأکید بر دو عنصر نصیحت و عشق در غزل‌های سعدی، و ویژگی سهل و ممتنع در همه آثار او.  
در بخشی از پاسخ‌ها آمده است: " از لحاظ مضمون، آثار سعدی به دو مقوله اساسی، یعنی ادبیات پندآموز و ادبیات عاشقانه، تعلق دارد. سعدی یا ناصح است یا عاشق. اما لذتی که من از آغاز از سعدی برده‌ام، نه برای این بوده که نصیحت می‌کند و نه برای اینکه از عشق می‌گوید. من به هنر سعدی در کلام‌آفرینی عشق ورزیده‌ام ... .  
هنر سعدی این است که همیشه کنار این سرچشمه جوشان [ زبان محاوره ] نشسته است. سعدی هرگز مرعوب زبان تصنعی و پرزرق و برق ادبا نشده. قصیده‌های او نمونه‌های بارز این استقلال زبانی و سرپیچی از سبک‌های منحط است ... ."  
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته متن گفت‌وگویی است با دکتر ضیاء موحد، نویسنده کتاب " سعدی ". ایشان در این گفت‌وگو بر نظرات پیشین خود در کتاب یاد شده تأکید ورزیده است. ر.ک. کتاب یاد شده در بخش کتاب‌ها در همین مجموعه.

**دوش به دوش گلستان و بوستان (۱) ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۱۳، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۴۷، صص ۱۰-۱۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نظرات علی دشتی، نویسنده کتاب قلمرو سعدی و اعتراض و انتقاد از برخی مطالب آن کتاب، از جمله: " کتاب قلمرو سعدی به انتقاد از متفکر ایرانی [ سعدی ] اختصاص یافته، و حتی بسیاری از انتقاداتی را که دیگران قبلاً گفته‌اند، بدون ذکر مأخذ نقل کرده‌اند ... توجه آقای نویسنده قلمرو سعدی به ظاهر سخن سعدی ... موجب شده که در مطلب بسیار ساده‌ای اشتباه کنند: ایشان تصور کرده‌اند که دیباجه، قبل از گلستان نوشته شده و می‌نویسد " ... به پیروی از دیباجه، سراسر گلستان نثری است ساده و منزله از حشو" ... با تناقضی عجیب در یک جا او [ سعدی ] را مردی سازگار و سازشگر و میانه‌رو خوانده و در جای دیگر او را مردی بی‌پروا معرفی می‌کند ... اگر آقای نویسنده قلمرو سعدی، یک‌باره قلم بطلان بر آثار سعدی کشیده بودند، خیلی موجه‌تر و منطقی‌تر بود از این که قسمتی از این آثار را نکوهش نمایند و ... " (ص ۱۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قلمرو سعدی، علی دشتی.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۴ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار، رباعیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش اول مقاله است، برای اشاره ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

**دوش به دوش گلستان و بوستان (۲) ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۱۴، شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۴۷، صص ۱۸-۱۹ و ۲۸.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش اول مقاله که در شماره پیشین مجله (شماره ۱۳، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۴۷) چاپ شده بود و انتقاد از نظرات علی دشتی در کتاب قلمرو سعدی، از جمله: اعتراض به اشکالی که آقای دشتی بر " داستان منجم - در باب خاموشی - گرفته‌اند (منجمی به خانه در آمد ... ) و مقایسه این حکایت با نظرات دکتر کارل (ص ۱۸) و اعتراض به مطلبی که با عنوان خط منحنی مطرح شده است (ص ۱۹).

۱-۲. اعتراض به نوع واژه‌ها و ترکیب‌های کاربردی در قلمرو سعدی: " اصطلاحاتی نظیر ساده لوح، عوام‌پسند، تنگ‌نظر و تازه به دوران رسیده که آقای نویسنده قلمرو سعدی برای معرفی سعدی به کار برده‌اند، معمولاً در مباحث علمی و ادبی استعمال نمی‌شود ... شاید آقای نویسنده قلمرو سعدی تجدید نظری در کتاب خود بفرمایند، شاید هم آن را به همین صورت نگاه دارند تا به گفته دوست ایشان، دوش به دوش گلستان و پا به پای بوستان پیش برود و سند مطمئنی در دست نسل آینده باشد " (ص ۲۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قلمرو سعدی، علی دشتی.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. سراسر این نوشته دو قسمتی اعتراض به مطالب کتاب قلمرو سعدی است که برخی از آن‌ها پیش از این نیز از سوی منتقدان دیگر مطرح شده است.

علی دشتی در دو فصل از کتاب خود به انتقاد از برخی مطالب آثار سعدی پرداخته و پاسخ‌های بسیاری را از طرف علاقه‌مندان سعدی در پی داشته است و بیشتر اعتراض‌ها در پیوند با دو فصل ۱۱ و ۱۵ آن کتاب است، اما نویسنده این مقاله معتقدند: " اگر آقای نویسنده قلمرو سعدی، یک‌باره قلم بطلان بر آثار سعدی کشیده بودند، خیلی موجه‌تر و منطقی‌تر بود، از اینکه قسمتی از این آثار را نکوهش نمایند و قسمتی دیگر را شایسته ستایش بدانند ".

هر چند نقد نوشته‌ها، خود به خود سودمند و روشن‌نگر است، اما این گونه داوری، خود، یک داوری غیرعلمی است که به دلیل نپسندیدن انتقادهای دشتی در دو فصل از کتاب قلمرو سعدی، بقیه مطالب سودمند آن کتاب هم مردود شناخته شود. در یک نقد منصفانه همه جوانب مثبت و منفی یک اثر بررسی می‌شود.  
۴-۲. نشانی مأخذ و نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

**دولت نه به کوشیدن است ، چاره کم جوشیدن است، دکتر ماهیار نوابی، نامگانی علی سامی، ۱۳۷۰، صص ۲۶-۲۷.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل حکایتی از گلستان که عبارت " دولت نه به کوشیدن است، چاره کم جوشیدن است " در آن حکایت آمده است و اظهار تردید در صحت بخش دوم این عبارت (صص ۳۰-۳۷).  
" پاره دویم این عبارت یعنی " چاره کم جوشیدن است " با پاره نخست (دولت نه به کوشیدن است.) سازگار نیست و به سخن دیگر، مکمل پاره نخستین برای رساندن مطلبی که در سراسر حکایت تعقیب می‌شود نیست و بایستی تخریفی در آن راه یافته باشد (ص ۲۸). تنها کسی که ظاهراً در سازگار بودن این دو پاره با هم شک کرده است و پاره دوم را نارسا یافته، شادروان " دهخدا " است. چه در " امثال و حکم " خود، تنها پاره نخست را آورده و از یاد پاره دوم پرهیخته است " (ص ۲۹).

۱-۲. یادکرد شواهد مختلف از آثار سعدی و از متون دیگر که در آن "کوشیدن" در مقابل "بخت" نهاده شده است. مضمون کلی این شواهد چنین است که: کوشیدن بدون موافقت بخت بی‌فایده است (صص ۳۳-۳۰).

۱-۳. اشاره به واژه "جهش" در فارسی میانه و نو به معنی بخت و سرنوشت با یادکرد شواهدی از متون کهن (صص ۳۵-۳۴). نتیجه آنکه: "بنابر آنچه گذشت، مفهوم این عبارت سعدی، با در نظر گرفتن سابقه دراز آن در ادب فارسی نو و میانه بایستی چنین باشد: دولت به کوشیدن نیست، بلکه به بخت است. تنها واژه‌ای بدین معنی (: بخت) که می‌تواند به جوشش و پس به جوشیدن تحریف شده باشد، "جهش" است.

برای بازسازی این عبارت، ناچار بایستی به حدس و گمان‌هایی توسل جست که مثلاً به واسطه پارگی صفحه یا کرم‌خوردگی آن و یا بدخوانی و بدنویسی و به هر حال آشنا نبودن رونویس کننده به چنین واژه‌ای، "جهش"، "جوشش" شده باشد و دیگری که به اشتباه، هنگام رونویسی، واژه "کوشش" را در پاره نخست "کوشیدن" نوشته، برای یکنواخت ساختن سجع "جوشش" را "جوشیدن" کرده باشد. یکی هم که "کوشیدن" و "جوشیدن" را تقریباً هم‌معنی یافته، واژه "کم" را بدان افزوده باشد. "چاره" نیز به خوبی می‌تواند تحریفی از "چه از ره" باشد. شاید روزی این عبارت چنین بوده است: "دولت نه به کوشش است، چه از ره جهش است" ... (ص ۳۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، دکتر مظاهر مصفا، ۲-۲. برخی از متون گذشته چون "شاهنامه، کلیله و دمنه، نغته‌المصدر، یادگار بزرگمهر و ...

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۶ بار، غزلیات ۵ بار، بوستان ۵ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته برای نخستین بار، عبارت مورد نظر در گلستان نقد و بررسی شده و صورت واحد ضبط شده آن در نسخه‌های مختلف مردود دانسته شده است.

همچنان که نگارنده با استشهاد به ابیات مختلف نشان داده‌اند، همواره مضمون بخت و اقبال به عنوان عاملی برای کامیابی افراد، مورد نظر بسیاری از سخنوران بوده و آن را بارها در مقابل کوشش و تلاش نهاده‌اند. در این عبارت دو پاره‌ای سعدی نیز با آنکه دارای معنی درستی است، ذهن - بویژه به دلیل عادت مألوف - در پاره دوم به دنبال ردیابی بخت و اقبال می‌گردد. اما با این همه، آیا می‌توان تصحیح قیاسی نگارنده مقاله را پذیرفت؟!

یک بار دیگر صورت ضبط شده نسخه‌های مختلف را با صورت پیشنهادی نگارنده مقاله در کنار هم می‌نهمیم و بازنگاری می‌کنیم - اگر عادت ذهنی خود را هم رها کرده باشیم باز هم همان صورت مشهور، پذیرفتنی‌تر و سعدی‌وارتر می‌نماید و از واژه غریب "جهش" نیز نجات یافته‌ایم:

الف: دولت نه به کوشیدن است، چاره کم جوشیدن است.

ب: دولت نه به کوشش است، چه از ره جهش است.

- در هر حال دقت علمی، تازگی سخن و استشهاد به منابع مختلف با یادکرد نشانی مآخذ از ویژگی‌های ارزشمند این نوشته است.

**دومین قطعه شعر گلستان، نورالله ایران‌پرست، وحید، سال پنجم، شماره مسلسل ۵۰، بهمن ۱۳۴۶، صص ۱۹۶-۱۹۴.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره معنای دو بیت از گلستان (ای کریمی که از خزانه ...) با اعتراض به کسانی که "دشمنان" را در بیت دوم اشاره‌ای به "گیر و ترسا" در بیت اول دانسته‌اند:

از جمله: "نخستین بیت قطعه مؤید جمله "باران بی‌حسابش همه را رسیده" است و بیت دیگر، جمله "پرده ناموس بندگان را به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد" را تأیید می‌کند ... (ص ۱۹۴) شارحانی که کلمه "دشمنان" را اشاره به گیر و ترسا دانسته‌اند، غافل بوده‌اند که سعدی در هنگام سرودن قطعه یاد شده در صدد مقایسه آیین‌ها و فرق میان پیروان آنها نبوده است ... اگر کلمه "دشمنان" برابر گیر و ترسا قرار گیرد، باید برای کلمه "دوستان" نیز معادلی جست ... و اگر گیر و ترسا را برابر "دشمنان" بپذیریم، تکلیف جهود و برهمن و بودایی چه خواهد بود، این سه گروه دشمنند یا دوست؟ ... (صص ۱۹۶-۱۹۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته درباره واژه "دشمنان" در بیت دوم قطعه مذکور از گلستان و ارتباط آن با گیر و ترسا در بیت اول آن قطعه توضیح داده شده و نظر کسانی که دشمنان را برابر گیر و ترسا نهاده‌اند، رد شده است. شایسته‌تر بود نگارنده دست کم نشانی نوشته کسانی را که نظر آنها را رد کرده، نقل می‌کرد.

م. اورنگ دو ماه پس از انتشار این مقاله، در همین مجله ارمغان، همین مضمون را برای قطعه یاد شده توضیح داده و بر آن تأکید ورزیده است، بدون اینکه به این مقاله اشاره‌ای کند.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۱۹۷-۲۰۵. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، صص ۴۶۸.

**دو نسخه از سعدی، ایرج افشار، راهنمای کتاب، جلد هفدهم، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳، فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۴۹-۱۴۲.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی دو نسخه از کلیات سعدی که در کتابخانه "بنیاد بودمر" در ژنو نگهداری می‌شود، از جمله: "اهمیت این دو نسخه، یکی از لحاظ کهن بودن است و دیگری از لحاظ هنر. نسخه‌ای که از لحاظ کهن بودن با ارزش است، نسخه ناشناخته‌ای نیست، زیرا مرحوم فروغی در تصحیح کلیات آن را در دست داشته است، ولی مالک آن در زمانی که او از آن عکس تهیه کرده بوده است، لردگرینوی انگلیسی بوده و کتاب در لندن بوده است ... نسخه گرینوی همین نسخه‌ای است که در کتابخانه بودمر موجود است ... موقعی که فروغی عکس آن را تهیه کرده بوده و مورد استفاده قرار می‌داده است، در باب محتویات نسخه گفته است که حاوی گلستان و بوستان (مورخ ۷۲۰) و قصاید و غزلیات و غیره (مورخ رمضان ۷۲۱) بوده است ... ولی نسخه در حال حاضر به ترتیب حاوی مجالس و بوستان است، فقط در انتهای بوستان رقم کاتب دارد و این همان رقمی است که مرحوم فروغی هم در مقدمه خود نقل کرده است و عکس آن در اینجا چاپ می‌شود ... [از یادداشتی که در ورق اول بوستان آمده و به خطی است که احتمالاً از قرن یازدهم هجری است] معلوم می‌شود که بعدها به تدریج قسمت‌هایی از آن را برداشته‌اند، کما اینکه از زمان فروغی هم قسمتی از آن از میان رفته است" (صص ۱۴۲، ۱۴۹).

" نسخه دیگر که از لحاظ هنری شایسته دیدن و لذت بردن است، نسخه‌ای است مورخ به سال ۹۰۶ و به خط سلطان علی مشهدی که با چهار مجلس تصویر و تشعیر و تذهیب عالی آرایش گردیده است ... " (ص ۱۴۹).

۱-۲. چاپ تصویر چند صفحه از نسخه‌های مذکور (صص ۱۴۸-۱۴۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دو نسخه خطی مذکور در بخش مضامین اصلی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (معرفی دو نسخه خطی است).

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته که به معرفی دو نسخه خطی از آثار سعدی پرداخته، بویژه آنکه تصویر چند صفحه از نسخه‌های مذکور نیز در خلال نوشته به چاپ رسیده، از دیدگاه نسخه‌شناسی مفید است. مطالب کوتاهی که در معرفی نسخه نخست، نوشته شده در پیوند با نسخه مورد استفاده فروغی، حاوی مطالب تازه‌ای است، اما نسخه دوم بسیار کوتاه (تنها در ۳ سطر) معرفی شده که شایسته بود با بررسی‌های بیشتر توضیحات دیگری نیز درباره آن داده می‌شد.

## دو نکته از اشعار حافظ و سعدی، ایرج افشار، یغما، سال بیست و چهارم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۵۰، ص ۷۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نگارش يك بيت از سعدی (اگر رستم از دست این تیر زن - من و موش و ویرانه پیرزن). به نقل از نسخه خطی " انیس‌الخلوه و جلیس‌الجلوه " و چند بیت از حافظ به نقل از کتاب " شمس‌الحسن " با توضیح زیر که در مقدمه نوشته آمده است: " اینجا به دو نکته درباره اشعار حافظ و سعدی برخوردیم که چون برای خودم تازگی داشت و به علت عدم دسترسی به مراجع، نمی‌دانم که دیگران بدان اشارتی کرده‌اند یا نه، می‌نویسم ".

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه خطی " انیس‌الخلوه و جلیس‌الجلوه " و کتاب " شمس‌الحسن " تألیف تاج سلمان‌ی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه تنها به ضبط يك بيت از بوستان و چند بیت از حافظ در دو مأخذ قدیمی اشاره شده است. گفتنی است که بیت یاد شده از بوستان سعدی در نسخه‌های مرحوم فروغی و مرحوم دکتر یوسفی به صورت: " اگر جستم از " ضبط شده و در فهرست نسخه بدل‌های دکتر یوسفی هم اشاره‌ای به ضبط‌های دیگر نشده است. البته تفاوت صورت و معنا در این دو ضبط به اندازه‌ای نیست که تأمل برانگیز باشد.

دیپاچه بر بوستان سعدی (۱)، نصرت‌الله کاسمی، گوهر، سال پنجم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، صص ۸۵-۹۱. چاپ‌های دیگر: ۱. بوستان سعدی با شرح اشعار و حواشی، محمدعلی ناصح، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات صفی‌علی‌شاه، ۱۳۵۴، (دیپاچه کتاب).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مشکل دیپاچه‌نگاری در بوستان سعدی به دلیل سهل و ممتنع بودن آن (صص ۸۶-۸۵).

۱-۲. توضیح درباره شخصیت سعدی و ارزش‌های ادبی، تربیتی و اجتماعی آثار او و از آن جمله بوستان (صص ۸۶-۹۱).

" رشته‌های نسیج زریفت و پربیان هفت رنگی که این رطب پخته و لب‌گزان باغ جود و این چمن‌آرای هوشمند و ارجمند اقلیم وجود، در دستگاه شگفت و شگرف طبع میناگر نادرپرداز و خمیر هنرگستر بلند پرواز خود، بافته و تافته و بیرون داده و بر بساط پر رنگ و بوی آفرینش گسترده، چنان با پود و تار جان و دل و اندیشه و احساس مردم ایران پیچ و تاب خورده است که جدا کردن آنها از یکدیگر از دسترس امکان به دور است (ص ۸۶). هفت صد سال تمام است که قوام و نظام شعر و نثر پارسی و قالب فصاحت و بلاغت زبان و ادب ایرانی، بر ضابطه اصیل و قویم و نظام آثار منظوم سعدی استوار می‌باشد ... پس بدین شرح و بیان، برای شاعری مانند سعدی، دیگر سخن از این در میان نیست که از کجا برخاسته و در چه سالی می‌زیسته و با چه کسانی معاهد و معاصر بوده ... (ص ۸۸).

بوستان کتابی است فاخر و جامع و کامل و شامل که از لحاظ فصاحت و بلاغت لفظ و نبالت و فخامت معنی با هیچ يك از کتاب‌های ادبی ایران و حتی با دیگر آثار سعدی نیز قابل قیاس نیست ... باید بوستان را قواره و انگاره کامل و جامع و سرمشق و الگوی پاک و پاکیزه زبان نغز و شیوای دري و قالب صلب و محکم کلام فصیح و بلیغ ادب پارسی به شمار آورد " (ص ۹۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۵ بار، گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست دیپاچه‌ای است که نصرت‌الله کاسمی بر بوستان (با شرح ابیات و حواشی از محمدعلی ناصح) نوشته است. رك. بخش دوم و پایانی نوشته.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رك. بخش دوم و پایانی نوشته.

دیپاچه بر بوستان سعدی (۲)، دکتر نصرت‌الله کاسمی، گوهر، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۳۵۶، صص ۱۷۷-۱۷۳. چاپ‌های دیگر: ۱. بوستان سعدی با شرح اشعار و حواشی، محمدعلی ناصح، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات صفی‌علی‌شاه، ۱۳۵۴، (دیپاچه کتاب).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست نوشته که در شماره پیشین مجله گوهر (اردیبهشت ۱۳۵۶) چاپ شده است. با اظهار تأسف از بیگانگی و فاصله گرفتن جوانان با متون ادبی گذشته و از آن جمله کتاب ارزشمند بوستان (صص ۱۷۴-۱۷۳).

۱-۲. اشاره به فعالیت‌های ادبی " بنیاد نیکوکاری نوریانی " و انگیزه آن بنیاد در انتشار کتاب بوستان سعدی، و معرفی نگارنده کتاب: " شارح این نسخه، شاعر مفلک و ادیب محقق، استاد محمدعلی ناصح ادام‌الله ایام افاضاته است که خود از گویندگان چیره‌دست و نویسنده‌گان طرفه‌کار معاصر به شمار می‌روند و عمری را در راه تتبع و تحقیق متون نثر و نظم پارسی به سر آورده و با دقت نظر خاص و موشکافی و دقیقه‌یابی مخصوص، به حل معضلات و مشکلات و کشف مبهمات و ملتبس‌ات نسخ قدیمه گذارنیده‌اند ... " (ص ۱۷۴).

- معرفی آثار محمدعلی ناصح (صص ۱۷۶-۱۷۵).

۱-۳. معرفی مختصر کتاب بوستان از محمدعلی ناصح که شامل سه قسمت است: "

۱. متن بوستان که با مقابله با اغلب نسخ موجود فراهم آمده ولی از ذکر نسخه‌بدل‌ها و تبدیل به احسن‌ها در حاشیه چشم پوشیده شده است ... ۲. شرح ابیات که به گونه برگرداندن شعر به نثر درآمده، البته نثری فصیح و بلیغ و پخته که برآستی در خور شعر است ...

۳. شرح و بسط و توضیح و تبیین نوادر لغات پیچیده و معقود و مبهمات و مجهولات و اشارات به واقعات و اماکن و اشخاص تاریخی.

شاید حق این بود که طبق رسم متداول و متعارف، هر يك از این سه قسمت ... به صورت مستقل قرار می‌گرفت ... ولی آقای ناصح این روش را نپسندیدند و بر تحفظ نظر خود که همان طرز تدریس بوستان، به شکل تقریر به شاگردان، در محضر تدریس است ... ارجح و اصلح و انسب دانستند ... " (صص ۱۷۷-۱۷۶).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، با شرح و ابیات و حواشی، محمدعلی ناصح، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علی‌شاه.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته که در دو بخش و دو شماره از مجله گوهر به چاپ رسیده، دیباچه‌ای است که دکتر نصرت‌الله کاسمی، به عنوان دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی بر کتاب بوستان، با شرح ابیات و حواشی از محمدعلی ناصح، نوشته است و در آن بر ارزش سخن سعدی تأکید شده، نگارنده کتاب مورد نظر معرفی شده و درباره مطالب کتاب هم به کوتاهی توضیحاتی داده شده است. اما مجموعاً سخن تازه‌ای در پیوند با سعدی در این نوشته بیان نشده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۳۰، ۳۱، ۴۰.

**دیگران درباره سعدی چه می‌گویند ، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، انتشارات نوید، ۱۳۶۲ (چاپ سوم)، صص ۲۶۱-۲۲۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تأثیرپذیری اندیشمندان و شاعران زیر از سعدی و نقل عباراتی از آنها درباره او: مارسلین دبردوالمو، گوته، امرسون، کنتس دونوای، انگلبرت کیمفر، گلدوین، لوسیا استورات کاتسلو، الطاف حسین حالی، سرادوین ارنوند، آربری، سرویلیام جونز، عبدالقیوم قویم، شبلی نعمانی و ایهاکیان (صص ۲۶۱-۲۴۱).

عبارت‌های این نوشته نقل قول از منابع دیگری است که در همین مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله، رک. " حیات سعدی " از الطاف حسین‌حالی و " مکتب سعدی " از کشاورز صدر، " آثار سعدی و سخنوران افغانستان " از عبدالقیوم قویم، " سعدی "، از آربری (شیراز، مهد شعر و عرفان، ترجمه منوچهر کاشف) و ... .

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. حیات سعدی، الطاف حسین‌حالی، ترجمه نصرالله سروش. ۲-۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر. ۲-۳. آثار سعدی و سخنوران افغانستان، دکتر عبدالقیوم قویم، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی. ۲-۴. " سعدی "، آربری (شیراز، مهد شعر و عرفان، ترجمه منوچهر کاشف).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۶ بار، بوستان ۴ بار، قصاید ۲ بار، گلستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته گفتار اندیشمندان و شاعران غیرایرانی درباره سعدی از مآخذ مختلف نقل شده است. با توجه به اینکه این بنده اشاره مربوط به هر نوشته را قبلاً در بخش اشاره همان مقاله یا کتاب نوشته‌ام، برای پرهیز از درازی سخن از تکرار آن می‌پرهیزم. برای آگاهی بیشتر، رک. منابع یاد شده در همین مجموعه.

## ذ

**ذکر جمیل سعدی ، مجتبی مینوی، یغما، سال پنجم، شماره سوم، خرداد ۱۳۲۱، صص ۱۰۴-۹۷.**  
**چاپ‌های دیگر:** ۱. ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۷۴-۶۷۰. ۲.  
**کتاب " نقد حال "، انتشارات خوارزمی، دی ۱۳۵۱، صص ۳۴۲-۳۳۲. ۳. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۶۲، صص ۳۰۶-۳۰۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به آوازه جهانگیر سعدی پیش از مرگ او ضمن رد ادعای سعدی در حکایت " سالی که سلطان محمد خوارزمشاه ... " در مورد شهرتش در کاشغر: " شک نیست که [ این حکایت ] قصه‌ای بیش نیست، زیرا در آن تاریخ مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله، بیش از ده سال نداشته است و شاید هنوز شعر و نثری نسروده و ننوشته است " (ص ۹۷).  
۱-۲. یادکرد وجوه مختلف برای ذکر نام یک شاعر یا عالم یا حکیم در شعر و نثر معاصرینش با اشاره به نمونه‌هایی در تاریخ (صص ۹۷-۱۰۰).

۱-۳. تأکید بر شهرت سعدی در زمان حیات او با استناد به مطالبی از یک نسخه خطی به نام " روضةالکتاب و حدیفةالالباب " از ابوبکر بن الزکی المتطیب، ملقب به صدر (صص ۱۰۲-۱۰۰) که " ختم تألیف و تاریخ کتابت آن نسخه سال ۶۷۷ هجری یعنی ۱۴ یا ۱۷ سال قبل از فوت شیخ سعدی بوده " و در دو نامه از نامه‌های موجود در آن کتاب دو قطعه از سروده‌های سعدی، بدون ذکر نام او آورده شده است. همچنین در آن نسخه اشعاری از مؤلف کتاب که به استقبال یکی از غزلیات سعدی سروده به چشم می‌خورد که در مقدمه آن آمده است: " دوستی از کاتب درخواست تا شعری ملمع تازی و پارسی بر طریقه سعدی‌شیرازی بگوید، آنجا که گفت: به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی، مبنی بر اشارت وی این شعر در قلم آمد " (ص ۱۰۲).

۱-۴. نتیجه‌گیری: " حدس می‌توان زد که آن دو نامه و این دو غزل را ده بیست سال قبل از تألیف و جمع‌آوری کتاب مذکور نوشته و سروده باشد، پس به اقل تخمین چهارده یا هفده سال و به اکثر تخمین سی و چند سال قبل از رحلت شیخ (یعنی دو سه سالی پس از انتشار طبیات) طبیعی در قونیه در نامه‌های خود اشعار سعدی را من باب تمثیل می‌گنجانیده و آن قدر این ابیات معروف خوانندگان او بوده که بیم اتهام به سرقت نمی‌رفته و او خود را محتاج به ذکر نام شاعر نمی‌دانسته ... " (ص ۱۰۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. دو نسخه خطی از کتاب " روضةالکتاب و حدیفةالالباب " از ابوبکر بن الزکی المتطیب.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار، گلستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته، برای نخستین بار یک سند تاریخی نوشته یکی از معاصران سعدی معرفی شده است و در آن سند اشعاری از سعدی به چشم می‌خورد که نشانگر آوازه جهانگیر سعدی است در زمان حیات او. ارزش اساسی این نوشته هم به



بازیافت و معرفی همین نسخه خطی است. چنانچه اعتبار نسخه مذکور خدشه‌دار نباشد و یا سروده‌های یاد شده از آن سروده‌هایی نباشد که به دست دیگران در آثار سعدی راه یافته است. این سند قدیمی‌ترین و مهم‌ترین و با ارزش‌ترین سندی است که آوازه گسترده سعدی را در زمان حیات او ثابت می‌کند. (برای توضیح بیشتر این موضوع رک. امانت سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۳، صص ۲۳۰-۲۲۷).

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. کاغذ زر، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۳۱-۲-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۴۴۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲-۵. تحقیق درباره سعدی، هانزی ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی‌اردبیلی، توس، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، صص ۱۲۹-۴-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۱۹۷-۵-۵. در جستجوی خودانگاره سعدی، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چیستا، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، صص ۳۲۵.



## رساله صاحبیه از شیخ اجل سعدی شیرازی، در نصیحت ارباب مملکت، مجتبی مینوی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۵۳، صص ۵۵-۲۵.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تقسیم شیوه نثرنویسی سعدی به سه دسته: نثر فنی و مسجع و آهنگ‌دار (نثر گلستان)، نثر مرسل، ساده و بی‌زینت (رساله صاحبیه) و نثری " که به اسلوب و عاظ صوفی و مذکران اهل عرفان انشا کرده " (صص ۲۶-۲۵).  
۱-۲. بیان تفاوت " رساله صاحبیه " در کلیات فروغی و نسخه " رساله صاحبیه " که در اختیار نگارنده مقاله بوده است: " این رساله صاحبیه بدین صورت که اینجا چاپ می‌شود پیش از این به طبع نرسیده است ... فقراتی که در چاپ فروغی به شماره‌های ۴۶ تا ۷۵ مشخص شده است و فقراتی که اعداد ۹۲ تا ۱۵۰ دارد، در این تحریر نیست، و نیز بعضی حکایات آنجا هست که ما نداریم، در عوض برخی حکایات و فقراتی که در این تحریر داریم آنجا نیست، و گاهی نیز در ترتیب توالی بخش‌ها تقدیم و تأخیر دیده می‌شود " (صص ۳۶).  
۱-۳. رد نظر مرحوم فروغی در مورد ترتیب توالی مطالب کلیات: " اعتقاد ذکاء الملک فروغی رحمة‌الله علیه، این بوده است که این ترتیب توالی رساله‌ها و کتب بیست و سه گانه ... مربوط به خود شیخ نبوده ... بنده گمان می‌کند که این عقیده آن مرحوم صحیح نبوده است ... (صص ۲۷) همه این ترتیب‌ها را بر هم‌زدن و غزلیات دوره‌های مختلف را که سعدی به قصد و عمد و انتخاب، از یک‌دیگر جدا کرده بوده است، درهم آمیختن و شعرهای صاحبیه را از جای خود برداشتن و به جای دیگر ملحق کردن و ملمعات را در میان غزلیات فارسی داخل کردن تصرفاتی است که مرحوم فروغی بدون رضای سعدی در مال او کرده است ... همین امر در زمانی که آن مرحوم به طبع کلیات سعدی مشغول بود بین او و علامه محمد قزوینی رحمة‌الله علیه موجب اختلاف و مناقشه و دلگیری و منازعه شدید گردید " (صص ۲۹-۲۸).

۱-۴. معرفی نسخه " رساله صاحبیه " که متن آن در ادامه مقاله درج شده است و اشاره‌ای به انگیزه نگارش آن به دست سعدی: " خیال می‌کنم شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان از شیخ اجل رساله‌ای در آداب مملکت‌داری خواسته بوده است و شیخ به تعجیل یادداشت‌هایی " کیفما تفق " و بدون رعایت هیچ گونه ترتیبی از آنچه به خاطرش رسیده است، کرده و رساله صاحبیه را ترتیب داده و در آخر آن هم چند قطعه شعر گنجانده و فرستاده بوده است ... " (صص ۲۹-۳۰).  
۱-۵. متن صاحبیه (صص ۵۵-۳۲).

۱-۶. عکس نسخه خطی صاحبیه (۱۰ صفحه).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. يك نسخه خطی از " رساله صاحبیه " که به شماره p ۱۰۹ در کتابخانه چیستربیتی در دبلین (ایرلند جنوبی) محفوظ است. ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رساله صاحبیه (تمام متن).

**۴. اشاره:** ۴-۱. علاوه بر توضیحات انتقادی که پیش از متن " رساله صاحبیه " نوشته شده (صص ۳۱-۲۵) و از نظر شناخت آثار سعدی سودمند است، چاپ متن " رساله صاحبیه " که از روی يك نسخه خطی بازنویسی شده و با متن کلیات فروغی متفاوت است، از دیدگاه نسخه‌شناسی بسیار ارزشمند است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۳۱-۲-۵. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۳۳-۲-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۶.

## رفع (دفع؟) چشم بد از بستان در بوستان سعدی، کان هیروشی کاکایا، نامواره دکتر افشار، به کوشش ایرج افشار و کریم اصفهانیان، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۶۶، ج ۶، ۱۳۷۰، صص ۳۱۲۵-۳۱۲۲.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل حکایت " یکی روستایی سقط شد خرس ... " از بوستان سعدی و تأکید بر اینکه این باور (استفاده از سر خر برای دفع چشم زخم از زراعت)، در متون دیگر فارسی نیامده است و نقل توضیحات درباره " حمار " از کتاب " عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات " زکریابن محمد قزوینی، با این نتیجه‌گیری که: " در کتاب قزوینی سر خر برای دفع بستان از چشم بد ذکر نشده، آیا ممکن است که در اسناد کتبی دیگری ذکر سر خر برای این منظور بوستان آمده باشد؟ ... پس ما به این نتیجه رسیدیم که موهوماتی که در حکایتی از بوستان سعدی ذکر شده است، در کتاب قزوینی که هم‌عصر سعدی بوده نیامده است و معلوم است که این موهومات به صورت اعتقادات عامه در ایران از آن دوره تاکنون رایج مانده است " (صص ۳۱۲۴-۳۱۲۵).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. بوستان سعدی. ۲-۲. عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. نگارنده ژاپنی این نوشته کوتاه، با استناد به "عجایب المخلوقات" نتیجه گرفته است که چون در این کتاب به "دفع چشم زخم از کشتزار به وسیله سر خر" اشاره‌ای نشده است، پس در متون فارسی پیش از سعدی این باور مطرح نشده است. اولاً نمی‌توان با استناد به چنان کتابی، چنین حکمی را صادر کرد. و دانسته نیست به چه دلیلی آقای کاگایا این قدر به جامعیت کتاب "عجایب المخلوقات" یقین پیدا کرده‌اند.

ثانیاً، عین حکایت بوستان سعدی پیش از او در اسرارنامه عطار نیشابوری نیز آمده است، به شرح زیر:

مگر دیوانه‌ای می‌شد به راهی سر خر دید بر پالیز گاهی

بدیشان گفت چون خر شد لگدکوب چراست این استخوانش بر سر چوب

چنین گفتند کای پرسنده راز برای آنکه دارد چشم بد باز

چو شد دیوانه زان معنی خبردار بدیشان گفت ای مشت‌جگرخوار

گر آنستی که این خر زنده بودی بسی زین کار خر را خنده بودی

شما را مغز خر داده‌ست ایام از آنید این سر خر بسته بردام

نداشت او زنده چوب از کون خود باز چگونه مرده دارد چشم بد باز ...

(اسرارنامه، عطار نیشابوری، تصحیح دکتر سیدصادق گوهرین، زوار، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۱۳۴).

۲-۴. عنوان مقاله "رفع چشم بد از ..." است اما گمان می‌کنم "رفع" به جای "دفع"، اشتباه چاپی باشد.

**رواج بازار شعر و شاعری - قسمت هشتم، سید محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل و یکم، سال پنجاه و چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۱، صص ۷۲۸-۷۲۸.**

**۱. مضامین اصلی:** \* این نوشته قسمت هشتم از سلسله مقالاتی است که با نام "رواج بازار شعر و شاعری" در مجله ارمغان به چاپ رسیده است.

۱-۱. توضیح درباره عشق‌بازی در ادب ایرانی با اشاراتی به سخنان عطار و سنایی (صص ۷۲۲-۷۲۸).

۱-۲. بررسی عشق از دیدگاه سعدی، زیر عنوان "سعدی و عشق‌بازی" (صص ۷۲۲-۷۲۸)، از جمله: "سعدی از هر رنگ عشقی دیده و مزیده و چشیده است. شکی نیست که هم آنچه به نام عشق حقیقی و عشق پاک و هم عشقی که عشق مجازی خوانده شده است، دامن‌گیر شیخ شیراز بوده است ..." (ص ۷۲۴).

۱-۳. نقل سروده‌هایی از سعدی که نویسنده، آن را دلیل بر عشق مجازی سعدی دانسته است (صص ۷۲۸-۷۲۵).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۵ بار، غزلیات ۴ بار، مطایبات ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. قسمت هشتم از سلسله مقالات "رواج بازار شعر و شاعری" که خود در سه بخش به چاپ رسیده است، در پیوند با سعدی است و این نوشته بخش اول آن است. برای اشاره رک. بخش آخر نوشته (دنباله قسمت هشتم - ۲).

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. رک. بخش سوم و آخر مقاله (دنباله قسمت هشتم - ۲).

**رواج بازار شعر و شاعری - دنباله قسمت هشتم [ ۱ ]، سید محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره اول، بهمن و اسفند ۱۳۵۲، صص ۱۶-۵.**

**۱. مضامین اصلی:** \* ادامه بخش نخست مقاله که در شماره ۱۱ و ۱۲، سال پنجاه و چهارم (بهمن و اسفند ۱۳۵۱) مجله ارمغان به چاپ رسیده است.

۱-۱. توضیح درباره چگونگی عشق سعدی و علاقه او به رنج و عذاب در عشق: "سعدی نیز مانند بسیاری از شعرا دیگر ما ... از هجر و فراق بسیار می‌نالند و از دست سبک روحی که با او سرگران دارد، شکوه‌ها می‌آمیزد و شب فراق دواج دینا نمی‌خواهد و چنان به نظر می‌رسد که رفته رفته هجر زیر دندانش مژه می‌کند یعنی به زعم روان‌شناسان، مبتلای نوعی از مرض "مازوشیسم" می‌شود که از درد و رنج و عذاب لذت می‌برد، چنانکه خود او می‌فرماید: "درد عشق از تندرستی بهتر است (ص ۵) سعدی را باید از کسانی دانست که همه عمر و همیشه عاشقند (خوشا به حالشان). وی خود مکرر بدین معنی اشاره فرموده است ... و حتی شاعری خود را از پرتو عشق و عاشقی می‌دانسته (ص ۶).

۱-۲. پرداخت دو داستان خیالی با برخی از ابیات غزل‌های سعدی برای اثبات عشق مجازی او و شیوه‌های رفتاری او در این عشق (صص ۱۶-۷).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. غزلیات ۲۸ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار، مطایبات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. قسمت هشتم از سلسله مقالات "رواج بازار شعر و شاعری" در سه بخش به چاپ رسیده است. این نوشته، بخش دوم آن است. برای اشاره رک. بخش سوم و آخر نوشته (دنباله قسمت هشتم - ۲).

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. رک. بخش آخر مقاله (دنباله قسمت هشتم - ۲).

**رواج بازار شعر و شاعری - دنباله قسمت هشتم [ ۲ ]، سید محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۱۰۸-۱۰۰.**

**۱. مضامین اصلی:** \* ادامه بخش دوم مقاله که در شماره اول، سال پنجاه و پنجم، (فروردین ۱۳۵۲، صص ۱۶-۵) به چاپ رسیده است.

۱-۱. تأکید بر رنگ‌های گوناگون عشق و عشق‌بازی سعدی (صص ۱۰۶-۱۰۱): از جمله: "با هر رنگ عشق و یا هر گونه معشوقی سر و کارها و ماجراهایی می‌داشته و حتی گاهی گذارش به کوی غلامان آبکش و خشت‌زن و مشت‌زن هم می‌افتاده است و به قول خودش بارها "تا گریبان در وحل" فرورفته است ... " (ص ۱۰۱) شیخ ما اکنون به بسیاری از چیزها پشت‌پا زده و روز روشن در وسط شهر با دلدار علناً به حرام می‌رود (ص ۱۰۴). عمر درازی می‌داشته است و قسمت مهمی از آن را در غربت و مسافرت و سیاحت گذرانده، با اقوام و طوایف گوناگون و با زنان و مردان و امردان بسیار سر و کار پیدا نموده، نشست و برخاست کرده است ... و نیز جای تردیدی نیست که با مزاج حادی که بر او غالب و مسلط بوده و با طبع مستعد و فعال و جوان و قوالی که می‌داشته و با خاطر رخنه‌جو و چاره‌اندیش و وصل‌طلبی که در وجود ذی جودش تعبیه شده بود، لابد در دفتر شیرازه گسسته زندگانی و در طومار خاطراتش داستان‌های عشقی فراوان بوده است" (صص ۱۰۸-۱۰۷).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. غزلیات ۲۱ بار، رباعیات ۱ بار، مطایبات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. "رواج بازار شعر و شاعری" سلسله مقالات طولانی است که از محمدعلی جمالزاده، داستان‌نویس موفق و بلند آوازه ایرانی در مجله ارمغان به چاپ رسیده است.

قسمت هشتم این مقالات که خود در سه بخش و در سه شماره پی‌درپی مجله ارمغان به چاپ رسیده درباره عشق سعدی است. نگارنده در این نوشته سه بخشی، به دنبال اثبات عشق زمینی و مجازی سعدی و شیوه رفتاری او در برابر چنین عشقی است و برای رسیدن به هدف، دست به دامن داستان‌های خیالی و برساخته شده است.

اگر چه درباره عشق مجازی سعدی بسیار سخن گفته شده و جای انکار هم نیست، اما داستان‌های برساخته خیالی که نگارنده با درهم آمیختن ابیات مختلف سروده‌های سعدی پدید آورده، تنها در همان حوزه خیال مستند هستند. (رک. دنباله هشتم [۱] صص ۱۶-۷). بویژه ابیاتی که برای استناد، به آنها توسل جسته شده، ممکن است با فاصله ده‌ها سال از هم، سروده شده باشند و هر کدام در جایگاه خود معنی ویژه خود را حامل باشند.

آیا نقل داستان ساختگی و مبتدلی که درباره دختر سعدی بر سر زبان‌هاست (قسمت دوم [۱] ص ۱۳) با آن عبارت مستهجنی که بر زبان دختر سعدی نهاده شده، بجز سبک کردن نوشته به کار دیگری می‌آید؟!

آیا با استناد به بیت "من آن نیم که حلال از حرام نشناسم - شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام" می‌توان داستان خیالی زیر را برای شیخ سعدی ساخت و به نام او ثبت کرد؟! "محفل انس و مجلس بزم و عشرت نهانی، چنانکه مرسوم جماعت فضل و شعر است در کتابخانه شیخ مهیا گردیده است. شیخ همچنان که پشت به کتابخانه روبه‌روی رخسار تابناک معشوق که کتاب حکمت ابدی است آرمیده، با دست راست یک رج از کتاب‌ها را در قفسه کتابخانه پیش و پس نم‌ود و از پشت آن یک بغلی شراب خلر و دو پیاله بلورین و یک ظرف آجیل آب‌لیمو زده بیرون آورده در میان نهاد و کتاب‌ها را از نو جابه‌جا نموده، علایم الحاد را از میان برداشت و پیاله‌ها را از شراب لعل‌فام لبریز ساخته، خطاب به معشوق فرمود بنوش که نوشت باد ... " (دنباله قسمت هشتم [۲] ص ۱۰۵).

آیا با توجه به پیشینه مفهوم عشق نزد شعرا و عرفای ایرانی و از جمله شیخ سعدی، داورهای زیر داورهایی محققانه و منطبق بر واقع است؟!

"رفته رفته رنج هجر زیر دندانش مزه می‌کند، یعنی به زعم روان‌شناسان مبتلای نوعی از مرض "مازوشیسم" می‌شود که از درد و رنج و عذاب، لذت می‌برد، چنانکه خود او می‌فرماید: "درد عشق از تندرستی بهتر است" (دنباله قسمت هشتم [۲]، ص ۵).

"شیخ شیراز قدم بالاتر می‌زند و با یک نوع "سادبسم" و تظاهر به تفاخر آمیخته می‌فرماید: سر به خمخانه تشنیع فرو خواهم برد" (دنباله قسمت هشتم [۲]، ص ۱۰۶).

با آنکه شواهد فراوانی بر عشق‌های سعدی موجود است. اما در این نوشته نیمه ملکوتی سعدی پنهان مانده و شخصیتی که در این نوشته به عنوان سعدی معرفی شده با شیخ سعدی که او را "معلم اخلاق" نامیده‌اند و نشانه‌های فراوانی برای تأیید این عنوان در دست است، بسیار متفاوت است. درشت‌نمایی سروده‌های اندکی از سعدی برای ساختن تصویر دیگری از او و پافشاری بر آن تصورات، شاید از انصاف دور باشد.

۲-۴. نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

۳-۴. نقل بیت "که سعدی راه و رسم عشق‌بازی - چنان داند که در بغداد تازی" که در قسمت هشتم [۱]، ص ۷۳۲ آمده موجب ایجاد اختلاف نظر و منشأ پیدایش مقاله‌هایی شده است، رک. بخش تأثیرات و پاسخ‌ها.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. انتقاد ادبی، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۳، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۸۷-۱۸۴. ۲-۵. تذکری به گستاخی آمیخته، محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۳، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۵۳-۱۴۵. ۳-۵. نه بر حق‌گویی را گستاخ نامند...، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۸۲-۲۷۶. ۴-۵. توضیحی دیگر، محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۲، صص ۲۰۵-۲۹۸. ۵-۵. باز تذکری درباره بغداد و تازی...، محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۲، صص ۷۲۵-۷۲۸. ۶-۵. توضیحی دیگر درباره بغداد و تازی، منوچهر اسکندری (منو)، ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۸۶-۸۳. ۷-۵. باز توضیح و تذکری درباره بغداد و تازی...، محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۱۴-۲۰۵.

## ز

زبان سعدی، علی دشتی، برگرفته شده از کتاب "نقشی از حافظ"، دی ماه ۱۳۳۶، صص ۲۲۹-۱۹۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر پیرویی و تأثیرپذیری بسیاری از غزل‌سرایان از کلام سعدی، از جمله همام تبریزی، خواجه کرمانی، اوحدی و حافظ (صص ۱۹۸-۱۹۷).

۱-۲. توضیح درباره تأثیرپذیری حافظ از سعدی: "جاذبه سعدی در حافظ و اثر این پیشوای غزل در دیوان خواجه زیاد به چشم می‌خورد. علاوه بر مضامین شیخ و مصراع‌های وی که در طی غزلیات حافظ فراوان دیده می‌شود، خواجه بیش از هر شاعر دیگر با سعدی طبع‌آزمایی و قریب سنی غزل شیخ را که آب از آنها می‌چکد، استقبال کرده است. در این طبع‌آزمایی‌های مکرر، خصوصیت و تمایزات حافظ محفوظ می‌ماند. اگر مانند غزل‌های سعدی طربناک نیست، به شیوه خود حافظ متضمن نکته‌ها و اندیشه‌هاست ... (ص ۱۹۹) در این غزل‌ها، دو سبک و دو شیوه سخن حافظ و سعدی از یکدیگر متمایز می‌شود. زبان سعدی ساده‌تر و بیان حافظ مزین و آرایش یافته است. آن یکی صریح‌تر و این یکی در لفافه استعارات پوشیده‌تر، سعدی بیشتر به محسوسات می‌پردازد، حافظ به معنویات و مفاهیم کلی، سعدی عاشق است و زبان او به شرح عواطف و کیفیات آن مترنم، و حافظ در زیر پرده‌ای از حرمان عشق می‌ورزد ... " (ص ۲۰۰).

۱-۳. بیان نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی و حافظ که قافیه و وزن مشترک دارند و مقایسه آنها با هم (صص ۲۰۸-۲۰۰).

۱-۴. بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری حافظ از سعدی در مضمون (صص ۲۲۹-۲۰۸) با این نتیجه‌گیری: دو نکته مهم این است که تأثیر سعدی بر حافظ به شکل ساده و اولیه خود باقی نمانده، و بکلی دگرگون می‌شود (ص ۲۱۰) به نظر من وجه افتراق میان سعدی و حافظ خیلی محسوس و بارزترین آنها اندیشه است که در حافظ، بلند و از قیودی که بشرهای متوسط بدان دچارند، رها می‌باشد ... و سعدی در دایره مقررات دینی محدود و حتی می‌توان گفت متعصب و متصلب است (ص ۲۱۱).

تفکرات صوفیانه حافظ که با شکوک خیامی مخلوط شده است، او را در مرتبه‌ای بسی رفیع‌تر و روشن‌تر از آن سطحی که سعدی زندگی می‌کند به پرواز در آورده است (ص ۲۱۲) پس از این تفاوت محسوس سعدی و حافظ در عالم لفظ است: سعدی فصیح‌تر، روان‌تر، ساده‌تر، است ... حتی غالباً هنگامی هم که صنایع شعری را به کار می‌برد از فرط قدرت ترکیب، خواننده متوجه آن نمی‌شود و مثل آبی‌های شفاف جویباری روی هم می‌غلطند. در زبان حافظ استعارات و تشبیهات زیاده‌تر به کار می‌رود، با کلمات مرصع‌کاری می‌کند ... (ص ۲۱۲) دقیق‌ترین و نهفته‌ترین تفاوت سعدی و حافظ در لهجه و طرز بیان آنهاست. تفاوت این دو لهجه را احساس می‌کنیم ولی نمی‌توانیم آن را به طور روشن و محسوس نشان دهیم، در لهجه سعدی یک نوع روح جوان، یک نوع حالت رایگان و مایل به شادی ... روح با صفا و بی‌خیال نهفته است (ص ۲۱۴).

خلاصه وجه تمایز دو گوینده از یکدیگر در سه مورد مشاهده می‌شود. نخست در عرصه فکر است: حافظ در خارج از قالب عقاید درست شده زندگی می‌کند و سعدی در دایره مقررات شرعی محصور است ... دوم در شیوه شاعری است ... یکی نیروی قریحه را در ساده کردن بیان به کار می‌برد و دیگری در تزیین آن ... سوم که از آن دو، نامشهودتر می‌باشد، آن چیزی است که از لهجه آنها احساس می‌کنیم و نمی‌توانیم به طور خیلی روشنی آن را نشان دهیم ... " (ص ۲۲۹).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. غزلیات سعدی. ۲-۳. غزلیات حافظ.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. غزلیات ۴۲ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. درباره مقایسه سعدی و حافظ نوشته‌های زیادی پدید آمده. بسیاری از صاحب‌نظران، این دو نابغه ادب فارسی را با هم سنجیده‌اند، اما این نوشته نسبتاً بلند (سی و سه صفحه) یکی از بهترین و شیواترین آن نوشته‌هاست که نسبت به بسیاری از آنها فضل تقدم دارد. نگارنده در این نوشته با پرهیز از انشاپردازی‌های غیر لازم و با استنادهای مکرر به غزلیات سعدی و حافظ و به دور از جانب‌داری‌های یک سو، با نثری شیوا و سامان یافته سروده‌های این دو شاعر بلند مرتبه را در حوزه غزل با هم سنجیده و به داور خردمندانه‌ای پرداخته و وجوه اختلاف آنها را در سه موضوع (فکر، شیوه شاعری و لهجه گفتار) باز نموده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. حق سعدی به گردن حافظ، بهاء‌الدین خرمشاهی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، ۱۳۶۴، ص ۳۳۴. ۲-۵. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارت مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، صص ۲۷۳، ۲۷۷.

**زبان مردم شیراز در زمان سعدی و حافظ، ماهیار نوابی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۴۴۷-۴۲۱.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. مجموعه مقالات ماهیار نوابی، ج ۱، به کوشش محمود طاووسی، انتشارات مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز، ۱۳۵۵، صص ۲۵۲-۲۳۶.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح بی‌تی از شاه داعی‌الله شیرازی که به گویش قدیم شیرازی سروده شده (صص ۴۲۲-۴۲۱).

۱-۲. بیان، ترجمه و آوانگاری سه غزل و یک رباعی دیگر از شاه داعی‌الله به گویش شیرازی (صص ۴۲۷-۴۲۳).

۱-۳. توضیح درباره گویش شیرازی سعدی: " شکل درست شعرهای شیرازی سعدی را به مناسبت تحریف‌های بسیار که از زمان وی تا کنون در آنها راه یافته است، کاملاً نمی‌توان تشخیص داد ... (ص ۴۲۲). اختلاف گویش شیرازی زمان سعدی و حافظ با زبان فارسی ادبی بسیار بیشتر از زبان عادی و بازاری شیرازی امروزی با زبان فارسی ادبی است و پاره‌ای از ویژگی‌های زبان "پارسیک" یعنی پارسی میانه هنوز در این گویش دیده می‌شود. " (ص ۴۲۷).

" عاملی که باعث گرایش تند و تیز گویش شیرازی به سوی زبان فارسی در شده است، به نظر من وجود دو سخنور نامی شیراز، سعدی و حافظ و زیبایی و دلنشینی کلام آن دو است. اگر زبان سعدی را با زبان عادی و روزانه مردم شیراز بسنجیم و بخواهیم سخنان او را به زبان عادی بیان برگردانیم تغییر چندانی در واژه‌ها و ساختمان جمله‌ها نباید بدهیم. " (صص ۴۲۸-۴۲۷).

۱-۴. بیان چند مثال از آثار سعدی و بررسی تاریخ زبان در. (صص ۴۴۶-۴۲۸).

۱-۵. بیان نتیجه نهایی درباره لهجه شیرازی: " لهجه شیرازی، گر چه همان زبان است، یعنی فارسی است، قرن‌ها زبان یک جای معین بوده و تحول کند خود را در همان جا کرده‌است، نه زبان ادیبان بوده است و نه برخوردی با گویش‌های دیگر ایران داشته‌است. این است سبب اختلاف میان گویش شیرازی زمان سعدی و حافظ و زبان فارسی در. " (ص ۴۴۷).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. سروده‌های شاه داعی‌الله (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۸ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. آوانگاری، ترجمه و بررسی واژگانی تعدادی از سروده‌های شاه داعی‌الله ارزشمندترین بخش مقاله است.

۴-۲. نشانی ابیات مورد استفاده و نقل‌قول‌ها ذکر نشده است.

۴-۳. شایسته بود نویسنده محترم دست کم تعدادی از سروده‌های سعدی را که به گویش شیرازی است می‌کاویند.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، سال سی و یکم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۷، صص ۴۲۱-۴۱۷ و سال سی و یکم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۷، صص ۴۹۵-۴۸۹.

**زرتشتیان محترم سعدی را بهتر بشناسید، حبیب‌الله آموزگار، هوجت، دوره نوزدهم، ۱۳۴۷، صص ۴۱-۴۰.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به قطعه " ای کریمی که ... در گلستان و حکایت " شنیدم که یک هفته ابن‌السبیل ... " از بوستان و توضیح درباره این دو سروده با تأکید بر اینکه سعدی در این دو قطعه شعر قصد توهین به غیر مسلمانان را نداشته است: " پس چرا از سخن لطیف و عبارت شیرین سعدی، هم‌میهنان زردشتی ما رنجیده‌خاطر می‌شوند، اگر آنان به سخنان سعدی و ریزه‌کاری‌های او در سخن آشنا باشند و گلستان و بوستان را به دقت خوانند یا بخوانند و بفهمند، نگارنده یقین دارد که نه تنها گله‌مند نمی‌شوند، بلکه او را تحسین و تمجید و تقدیس می‌کنند ... " (ص ۴۱).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. گلستان و بوستان سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. در این نوشته در پاسخ به اعتراض برخی از زردشتیان به کوتاهی از اندیشه سعدی در دو سروده یاد شده دفاع شده است، اما سخن تازه‌ای در آن مطرح نشده است.

زمان تولد و اوایل زندگی سعدی، عباس اقبال، سعدی‌نامه، حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۱۱-۲۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۴۵-۶۲۷. ۲. مقدمه کلیات سعدی. ۳. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۷۱-۵۲. ۴. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۶۲، صص ۲۷۲-۲۷۰ (با نام "شهرت جهانگیر سعدی در زمان خویش" و بخشی از آن مقاله است).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ذکر مقدمه و اشاره به شهرت سعدی و تأثیرپذیری نویسندگان و شاعران از او (صص ۱۱-۱۲).  
۱-۲. بیان هدف: "بیشتر غرض نگارنده در این مقاله بحث در قسمت اول زندگانی سعدی یعنی در باب دوره‌ای است مقدم بر ۶۵۶-۶۵۵ که ما بین سال تولد و زمان شروع شهرت او واقع شده است." (ص ۱۵).

۱-۳. تولد سعدی: "سال تولد سعدی معلوم نیست ... صدویست سال عمر شیخ و ماده تاریخ‌هایی که بعدها از روی همین اشاره ساخته‌اند همه افسانه است ... و اینکه بعضی گفته‌اند سعدی را در سال ۵۲۹ سعدین زنگی برای تحصیل به بغداد فرستاد، مستند به هیچ سند معتبر نیست و به کلی فرضی است" (ص ۱۶) برای تحقیق در اوایل دوره زندگانی سعدی یعنی از بدو تولد او تا تاریخ نظم بوستان راهی به جا نمی‌ماند جز استمداد از پاره‌ای اشارات که در گلستان و بوستان استناد آمده (ص ۱۷).

۱-۴. "از کلیات حضرت شیخ اجل تا کنون هیچ طبع انتقادی که بنا بر آن بر اساس علمی معمول بین اهل ادب فرنگستان نهاده شده باشد، فراهم نشده است، یعنی تمام چاپ‌هایی که تا به حال از این گنجینه ذوق و معرفت و حدیقه لطف و طراوت به عمل آمده، همه چاپ‌هایی سرسری و بازاری است" (ص ۱۸).

۱-۵. "برخی از اشتباهات تاریخی موجود در گلستان و بوستان، اصلی است یعنی سهوالقلم خود شیخ سعدی است (مانند داستان صلح خوارزمشاه با ختا و مشهور بودن شعر سعدی در آن تاریخ) اما برخی دیگر مربوط به "خراب بودن نسخه‌های متداول بوستان‌ها و گلستان‌های معمولی است و صورت آن اشارات در نسخه‌های قدیمی و قابل اعتماد از این دو کتاب به کلی به شکلی دیگر است" (مانند حکایت سوم از باب دوم گلستان - شیخ عبدالقادر گیلانی را - رحمة‌الله علیه دیدم ... - که نسخ قدیم از جمله در نسخی که آقای قریب گرکانی و جناب آقای فروغی در دست داشته‌اند در حکایت فوق فعل "دیدند" به جای "دیدم" مذکور است و در نتیجه آن اشکال تاریخی مرتفع است) و نیز حکایتی که در اوایل باب هفتم بوستان با مطلع "اگر گوش دارد خداوند هوش - سخن‌های پیرش خوش آید به گوش ..." که در یک نسخه خطی بسیار قدیم به صورت "چنین گفت پیری پسندیده هوش - سخن‌های پیران خوش آید به گوش ..." آمده و اشکال تاریخی آن حکایت با پذیرش صورت قدیم آن، مرتفع است" (صص ۲۳-۲۰).

۱-۶. "با استناد به یکی از حکایت‌های باب دوم گلستان (چندانکه مرا شیخ اجل ابوالفرح بن جوزی رحمة‌الله علیه ... و اینکه "غرض از ابوالفرح بن جوزی مذکور در گلستان بدون شک و شبهه ابوالفرح بن جوزی دوم است که در سال ۶۲۱ (زمان بنای مدرسه مستنصریه) در بغداد به نیابت از پدرش شغل مدرسی یافته ..." (ص ۲۴) نتیجه گرفته می‌شود که "تولد آن سخنگوی استاد [سعدی] در حدود ۶۱۰ تا ۶۱۵ اتفاق افتاده" (ص ۲۵) و براساس حکایت "مرا شیخ دانای مرشد شهاب" در بوستان، نتیجه گرفته می‌شود که در دوره تحصیل و تکمیل سعدی چه ایام تعلم او در مدارس و چه روزگار سیاحت و سیر او در آفاق و انفس در اوایل ربع دوم قرن هفدهم هجری شروع شده و مدت آن در تمام این ربع قرن طول کشیده است." (ص ۲۵).

۱-۷. "اینکه بعضی سعدی را مداح اتابک سعدین زنگی (۵۹۹ تا ۶۲۳) و تخلص او را مأخوذ از نام این اتابک گرفته‌اند، خطای محض است ... [زیرا] سعدی از خواص اتابک‌زاده سعدین ابی‌بکرین سعدزنگی بوده و تخلص او از نام این سعد دوم گرفته شده نه از نام جدش سعدین زنگی." (ص ۲۶).

۱-۸. نبودن ذکر از سعدی در "المعجم شمس قیس" و "جهانگشای جوینی" و "معیارالشعار خواجه نصیرالدین طوسی" دلیلی است بر اینکه سعدی حتی در اوایل عهد اتابکی ابوبکر سعد نیز لایب به علت جوانی نه به علت دیگر، هیچ‌گونه شهرتی نداشته تا چه رسد به عهد سعدین زنگی (ص ۲۷) "ظاهراً پیش از نظم بوستان و انشای گلستان یعنی قبل از سال‌های ۶۵۵ و ۶۵۶ هیچ‌گونه آوازه‌ای که او را بر گویندگان دیگر هم عصرش مقام امتیاز و تفوق ذکر دهد پیدا نکرده بوده" (ص ۲۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. تعدادی نسخه خطی از آثار سعدی.  
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۷ بار، بوستان ۷ بار، گلستان ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. دقت در بررسی تاریخی زندگی سعدی به استناد آثار او و دوره زندگی‌اش، از ویژگی‌های این مقاله است. نویسنده در این نوشته پاره‌ای از تناقضات و به قول خودش "سهوالقلم‌های" موجود در آثار سعدی را نشان داده و پاسخ گفته است. البته نویسنده خود، در این پژوهش دچار تناقض‌گویی است، از جمله در ص ۱۵ می‌نویسد: "مسلم است که نگارنده نقشیند گلستان در همان اوایل تألیف آن کتاب یعنی در ۶۵۶ کاملاً مشهور بوده و اینکه می‌گوید که "ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده است وصیت سخنش که در بسط زمین رفته و قصب‌الجیب حدیثش که همچون نیشکر می‌خورند و رفته منشعانتش که چون کاغذ زر می‌برند" می‌فهماند که از همان تاریخ، تازگی سبک سخن و بلاغت و جزالت بیان استادی سعدی را بر همه بلیغان و سخن‌شناسان عصر مسلم کرده بوده و نام و کلام او بر سر همه زبان‌ها می‌گشته است" (ص ۱۵).

در صورتی که در ص ۲۷ کاملاً مغایر و مخالف با نظر پیشین خود می‌نویسد: "ظاهراً پیش از نظم بوستان و انشای گلستان یعنی قبل از سال‌های ۶۵۵ و ۶۵۶ هیچ‌گونه آوازه‌ای که او را بر گویندگان دیگر هم عصرش مقام امتیاز و تفوق ذکر دهد پیدا نکرده بوده" ص ۲۸.

۴-۲. در این مقاله، اقبال، برای نخستین بار به این‌جوزی دوم اشاره کرده و یکی از مشکلات تاریخی مربوط به زندگی سعدی را حل کرده است (رک. ۶-۱ همین مقاله). علامه قزوینی نیز به این تقدم اشاره کرده‌اند: "آقای عباس اقبال آشتیانی اولین کسی بودند که ملتفت این نکته شدند و مقاله‌ای در این خصوص نشر کردند" (ممدوحین شیخ سعدی، سعدی‌نامه، ص ۱۶۷).

۴-۳. نشانی ابیات شاهد و برخی از مأخذ روشن نیست.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. ممدوحین شیخ سعدی، محمد قزوینی، سعدی‌نامه، ۱۳۱۷، ص ۱۶۷. ۵-۲. مکتب سعدی کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۷۱-۵۲. ۵-۳. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۲. ۵-۴. هفت صدمین سال وفات سعدی، محیط طباطبایی، یغما، سال ۲۳، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۹، ص ۳۲۳. ۵-۵. سالشمار سفرهای سعدی، جان بویل، ترجمه اوانس اوانسیان، راهنمای کتاب، سال هیجدهم، شماره ۱۲-۱۰، دی و اسفند ۱۳۵۴، صص ۷۹۶-۷۹۷. ۵-۶. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، ص ۲۴. ۵-۷. ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، یان ریپکا، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۴، صص ۱۰۱، ۱۰۲. ۵-۸. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۵. ۵-۹. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۷۰۹. ۵-۱۰. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۹، ۲۲۴.

۲۳۹، ۲۳۲، ۱۱-۵. گزیده قصاید سعدي، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، ص ۲۰، ۱۲-۵. گزیده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۷۱، صص ۱۶، ۳۴، ۱۷۲، ۱۳-۵. گلستان سعدي، با تصحيح و مقدمه محمد محيوط طباطبايي، به خط امير فلسفي، ناشر: سيدعبدالله موسوي ديزکوهي، ۱۳۷۱، صص: هفت تا يازده، ۱۴-۵. ادبيات کلاسيک فارسي، آرتور جان آربي، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، ص ۱۹۸، ۱۵-۵. جمعيت در آثار شيخ سعدي (بخش دوم)، آرژنگ امير خسروي، جمعيت، دوره دوم، شماره ۵ و ۶، پاييز و زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۶، ۱۶-۵. سعدي، ضياء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵، ۱۷-۵. سعدي ماندگاري بر جاري زمان، مهدي برهاني، مجله مناطق آزاد، سال چهارم، شماره چهل و ششم، آذر ۱۳۷۳، صص ۵۵-۵۴، ۱۸-۵. در جستجوي خودانگاره سعدي، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چيستا، سال سيزدهم، شماره ۴ و ۵، دي و بهمن ۱۳۷۴، ص ۳۲۳، ۱۹-۵. گزیده بوستان سعدي، انتخاب و شرح دکتر حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۸، ۱۶.

**زمانه سعدي در ايران و ژاين، دکتر اميلکواکادا، ذکر جميل سعدي، ج ۱، کميسيون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۱۵۶-۱۴۷.**  
**چاپ هاي ديگر: ۱. کيهان فرهنگي (ويژه هشت صدمين سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، دي ۱۳۶۳، صص ۲۰-۲۹، ۲. روزنامه اطلاعات، چهارشنبه پنجم دي ۱۳۶۳، ص ۶ (با عنوان " سعدي و زمانه او در ژاين ").**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به اوضاع اجتماعي زمان سعدي در ايران و مقايسه آن با ژاين: " سالهاي زندگي سعدي را، از دهه اول تا دهه پايان قرن سيزده ميلادي دانسته اند. هنگام ولادت سعدي از جنگ هاي صليبي در اروپا و آسيا و پيروي صلاح الدين ايوبي زياد نمي گذشت، و حوادث تازه اي هم در شرق و غرب آسيا نديک مي شد. ولادت سعدي هم زمان با حکومت خوارزمشاه بود و جواني او مصادف شد با حمله خانمان سوز مغول ... سعدي که يگانه روزگار شد مردمي نبود که از حوادث زمانه بگريزد و در شيراز گوشه بگيرد (ص ۱۵۰) ژاين در زمانه سعدي، قرن سيزده ميلادي، يك دوره دگرگوني را گذراند و سازمان حكومتي آن هم پيشرفت كرد و در سالهاي نديک به پايان اين قرن هم گرفتار بلاي مغول شد ... زمانه سعدي در ژاين از سالهايي است که در دوره بندي تاريخ ژاين دوره " کاماکورا " ناميده مي شود (ص ۱۵۱) رويداهاي مهم اين دوره تاريخ ژاين، جز جنگ هاي ميان سرداران، دو چيز است: يکي تلاش امپراتور براي بازگرفتن قدرت از سامورايي ها و ديگر حمله مغول (ص ۱۵۲) حوادث زمانه و رويداهاي اين دوره، بينش تازه اي به انديشمندان و نويسندگان ژاين داد و آنان را به ارزش هاي قديم آگاه تر کرد. در آثار اين نويسندگان، خوب مي توان ديد که نوميدي از روزگار و دريغ روزهاي خوب گذشته را دارند (ص ۱۵۳).

۱-۲. معرفي برخي از آثار ادبي ژايني که در دوره سعدي در ژاين به وجود آمده است و " انعکاس آشوب زمانه را در آنها مي توان ديد " و مقايسه بعضي از آنها با آثار سعدي، از جمله: " هوچوکي Hojoki قطعه هايي دارد که پندهاي سعدي را به ياد مي آورد، با گفتن از ناپايداري دنيا انسان را اندرز مي دهد که به پايان کار خود و اين جهان بينديشد و حقيقت را بشناسد. " (ص ۱۵۴).

۱-۳. تاکيد بر ارزش افکار و سخنان سعدي: " دنياي روشن سعدي، نتيجه سازش او با زمانه است و تجربه اي که از روزگار پيدا کرده بود ... جز اين تجربه و شناختن حال زمانه، علت ديگر آرامش خاطر سعدي و خوشبيني نسبي او، موفقيت او در زندگي و در کار خود بود ... از سخنان سعدي پيدا است که حتي در جواني، نام و آوازه اش تا کشورهاي دور رفته بود (ص ۱۵۵). سعدي شخصيت بزرگي است که هميشه زنده است ... ما در ژاين او را ارجمند مي داريم. خيلي از مردم ژاين گلستان را مي شناسند. دانشمندان ما در تحقيق آثار سعدي کوشش زيادي کرده اند. مرحوم پروفيسور " ساوا " در سال ۱۹۵۰، يك ترجمه آزاد از گلستان کرد. سپس مرحوم پروفيسور " گامو " در سال ۱۹۶۴، ترجمه کامل گلستان را به ژايني فراهم کرد " (ص ۱۵۶).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي (نشاني مآخذ مشخص نشده است). ۲-۲. برخي از آثار ژايني.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۸ بار، قصايد ۶ بار، گلستان ۳ بار، غزليات ۲ بار، مجالس ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در اين مقاله سخن تازه اي درباره سعدي بيان نشده است و مقايسه سطح و گذراي برخي از آثار ژايني که در زمان سعدي آفريده شده، نيز آنقدر کلي است که نتيجه مشخص و تازه اي به دست نمي دهد. اما توجه يك پژوهشگر ژايني به آثار سعدي و مقايسه اوضاع اجتماعي ايران در زمان سعدي براي بازياقت مشترکات نويسندگان دو کشور در اين دوره سودمند است.

۴-۲. برخي از نشاني هاي مآخذ ناقص است و در ص ۱۵ بيت " چو باز آمدم کشور ... " به غلط از بوستان دانسته شده است.

**۵. تأثيرات و پاسخ ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدي ... ، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶، ۲-۵. سعدي، ضياء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۵۰، ۱۹۵، ۲-۵. گلستان سعدي با ترجمه ادوارد رهايتسک، محمود حکيمي، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

## **زمينه هاي نمايشي در گلستان سعدي، ايرج زهري، \*\*، صص ۲۰-۵.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. تاکيد بر وجود زمينه هاي نمايشي در بسياري از حکايت هاي گلستان (ص ۵).

۱-۲. بررسي " حکايت مشت زن " در باب سوم گلستان، از ديده گاه هنر نمايش و طرح اين حکايت در شش پهنه (برده): پهنه اول: زادگاه، پهنه دوم: جوان در سفر، پهنه سوم: بر عرصه کشتي، پهنه سوم [ ۲ ] : بر ساحل جزيره، پهنه چهارم: کنار چاه، پهنه پنجم: با کاروانيان، پهنه ششم: در ديار خويش نزد پدر (صص ۲۰-۶). برخي از توضيحات نگارنده را که براي برخي از صحنه هاي اين حکايت نوشته، بازنگري مي کنيم: " سعدي به شيوه راويان و نقالان موقعيت نقش ها و زمانه را نقل مي کند و آنگاه نقش را به بازي وا مي دارد (ص ۶).

توصيف سعدي از صحنه نبرد جوان با ملاح خيلي جالب است. بايد يادآور شوم که سعدي هيچ اشاره اي به لزوم دکور و اسباب صحنه نمي کند. بلکه توجه ويژه او به هنر بازيگري است. اگر ما امروز بخواهيم اين صحنه را اجرا کنيم بايد همان راهي را برويم که در تئاتر خودمان يعني شبیه سازي يا تئاتر روحوسي يا نقالي، رفته ايم (ص ۱۳).

آنچه در اين بخش [ پهنه چهارم ] براي سعدي مهم است، حرکت و تصوير است و نه گفتار - دقيقاً چيزي که پايه و اساس نمايش است. به همين دليل استاد سخن براي نقش هايي که آفريده گفتار ننوشته است (ص ۱۵).

پايان داستان زيباي سعدي، تلخ است. اما در عين تلخي آموزنده است و اميدبخش. اگر چه به دليل نابساماني زمانه تصادف و اقبال نقش بزرگي در زندگي آدمها بازي مي کند، اما دانش و هنر دست مايه اي است که همه جا و همه وقت و ميان همه کس آدمي را به کار مي آيد، حکايت جوان مشت زن، داستاني است پرتحرک، جذاب و آموزنده، حکايت مشت زن جواني است که دانش نيندوخته و زادگاه خود را بخوبي شناخته، براي کسب نام راهي دنيا مي شود. اما از شکست هاي خويش مي آموزد به ديار خود برگردد تا دانش بياموزد، آنگاه سفر کند " (ص ۲۰).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. گزیده گلستان سعدي، دکتر خليل خطيب رهبر، صفی علي شاه، ۱۳۴۷.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۲۹ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. بررسی ویژگی‌های نمایشی در گلستان و بازنویسی یا بازپردازی این حکایت‌ها در قالب نمایش، از ارزنده‌ترین اقداماتی است که برای عمومی‌تر کردن اندیشه‌های سعدی و گسترش آن در جامعه می‌توان بدان پرداخت. در این نوشته، به همین منظور، یکی از حکایت‌های باب سوم گلستان، در چند پرده بازنویسی شده و نگارنده در ضمن متن نمایش درباره صحنه‌های آن و اندیشه‌های سعدی نیز اظهار نظر کرده است.

۲-۲. این نمایش در واقع در هفت پهنه [ پرده ] بازنویسی شده اما در ص ۱۴ دو پهنه جداگانه دو بار به عنوان پهنه سوم به شمار آمده (پهنه بر عرصه کشتی - پهنه بر ساحل جزیره) و به همین خاطر شماره پهنه‌های چهارم، پنجم و ششم باید پنجم، ششم و هفتم به حساب آید.

**زندگی و هنر شاعری سعدی ، محمدعلی صادقان، یغمای سی‌ودوم، (یادنامه حبیب یغمایی) گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی، انتشارات ایران، ۱۳۷۰، صص ۱۵۲-۱۴۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره زندگی سعدی و اعتقادات مذهبی و عرفانی او (صص ۱۴۴-۱۴۱).
- ۱-۲. توضیح درباره معنی بلاغت و فصاحت و تأکید بر فصاحت و بلاغت سخن سعدی (صص ۱۴۸-۱۴۴)، از جمله: " هر گاه در تمام بوستان و گلستان و غزلیات و قصاید سعدی به دقت غور و بررسی کنیم، شاید نتوانیم بیتی یا عبارتی بیابیم که عاری از فصاحت و بلاغت باشد. سعدی شاعر توانایی است که جزالت و فخامت لفظ و معنی را با سلاست و روانی قرین ساخته است. این استاد سخن در روانی و سادگی بیان تا جایی پیش می‌رود که شعرش به زبان نثر و محاوره نزدیک می‌شود بی‌آنکه از حلیه جزالت و فخامت دورگردد (ص ۱۴۶). شگفتی هنر سعدی در ایجاز کلام اوست که گاه به حد اعجاز می‌رسد و خواننده را به اعجاب و می‌دارد (ص ۱۴۷). سعدی صنایع بدیعی را اعم از لفظی و معنوی به قدری استادانه به کار گرفته است که خواننده را به شگفتی می‌اندازد. در تمام گلستان و بوستان و قصاید و غزلیات او صنعتی که رنگ تکلف پذیرفته باشد، وجود ندارد ... اسجاع در گلستان چون نگین‌های انگشتری در جای خود قرار گرفته و از هرگونه تکلف و تعسف به دور مانده است " (ص ۱۴۸).
- ۱-۳. توضیح درباره جزالت و فخامت سخن سعدی و ارزش قصاید و غزلیات او (صص ۱۵۲-۱۴۹)، از جمله: " صلابت و شکوه سخن سعدی در قصاید او نمایان است. این شاعر توانا در قصیده‌سرایی نیز طرحی نو انداخت. مضمون قصیده را که پیش از او معمولاً مدح و ستایش امیران و بزرگان زمان بود، دگرگون ساخت و در آن مسائل اخلاقی و اجتماعی گنجانید. سعدی با کمال شجاعت و شهامت در قصاید خود، امرا و بزرگان زمان را متنبه و آگاه ساخت تا دست از تعدی و ستم بردارند (ص ۱۴۹). پیش از سعدی، غزل تقریباً در خدمت قصیده بود و به گونه تغزل در آغاز قصیده می‌آمد. سعدی به غزل استقلال بخشید و آن قدر در این قالب شعری هنرنمایی کرد که در روزگار او غزل به اوج شکوه و رونق خود رسید (ص ۱۵۰). یکی از ویژگی‌های غزل سعدی این است که وی قالب غزل را تنها در موضوعات عشقی و عاشقی ... قرار نمی‌دهد، بلکه آن را در خدمت مسائل اخلاقی و اجتماعی هم می‌آورد ... " (ص ۱۵۱).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۲۲ بار، غزلیات ۱۹ بار، قصاید ۶ بار، بوستان ۵ بار، رسائل نثر ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۱-۲. در این نوشته بر ارزش سخن‌های سعدی تأکید شده ولی سخن تازه‌ای بیان نشده است. نشانی سخنان و ابیات مورد استشهاد نیز مشخص نشده است.

**زیادختری که به سعدی عشق می‌ورزد ، دکتر مهدی بیانی، یغما، سال سوم، شماره ۴، تیر ۱۳۲۹، صص ۱۸۱-۱۷۹.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی خانم " آلماروبنس " به عنوان شاعری از " سانتورس " (در جزیره کوچک پرتوریکو، از ممالک آمریکای شمالی) و بیان شیوه آشنایی نگارنده مقاله با دیوان " آلماروبنس ": " چندی پیش یک نسخه از دیوان شعر وی که به زبان اسپانیایی است به عنوان نگارنده به کتابخانه تهران رسید ... در فهرست عناوین به نامی آشنا برخوردیم و آن " سعدی " بود ... دیدم که علاوه بر متن اسپانیایی، همان مضمون به زبان فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه منظوم و خارج از متن چاپی کتاب، ماشین و به اصل کتاب، ضم شده است".
- ۱-۲. ترجمه آزاد و متن منظوم فرانسه شعر " سعدی " از " آلماروبنس " (صص ۱۸۱-۱۸۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان شعر خانم " آلماروبنس " با عنوان puesto de sol .
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. ندارد.
۴. **اشاره:** ۱-۲. سعدی از شاعران پر آوازه جهان است و این نوشته، سند دیگری است که نشان می‌دهد سعدی به ژرفای قلب بسیاری از شاعران جهان راه یافته است. درج متن منظوم فرانسه این سروده که از سوی خود شاعر انجام گرفته بر ارزش این نوشته افزوده است.

## س

**ساحل‌نشین و غریق ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته شده از کتاب " روان‌های روشن " انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۱۳۱-۱۲۳.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱. کک، شماره ۴، تیر ۱۳۶۹، صص ۱۶-۱۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل حکایتی درباره سری سقطی و همدردی او با دیگران به نقل از وفیات‌الاعیان ابن‌خلکان (ص ۱۲۵).

۱-۲. بررسی مضمون اجتماعی حکایت " شبی دود خلق آتشی برفروخت ... " از بوستان سعدی با اشاره به برخی مضامین همانند آن از " جرح مور "، " لانگ فلو "، " کنفوسیوس "، " ابوالحسین نوری " و ... با این نتیجه‌گیری که: " قرن‌ها پیش از آن که اگوست کنت، فیلسوف فرانسوی (۱۷۹۸-۱۸۵۷) و بنیان‌گذار فلسفه تحققی و واضع علم جامعه‌شناسی و مکتب آیین انسانیت، بشر را در مقابل خودخواهی او، به تقویت حس غیرخواهی دعوت کند، سعدی شیرازی از مصائب فرودستان و رنج‌دیدگان حکایت‌ها می‌گفت و آنجا که عامه مردم در فقر و تیره‌روزی گرفتار بودند، آسایش و سعادت فردی را ناگوار و حرام می‌شمرد (ص ۱۲۰).

امروز با همه پیشرفت‌های بشر و توسعه روابط و قوانین بین‌المللی و داعیه‌های بی‌شمار تمدن جدید می‌بینیم میلیون‌ها تن گرسنه و بی‌خانمان بر روی زمین به سر می‌برند، در می‌یابیم که عالم بشری هنوز نیازمند آن است که به صلاهی انسان‌دوستانه‌ای که سعدی در این حکایت از بوستان در داده است، از صمیم جان گوش فرا دهد ... خواننده ژرف‌بین در وراي شخصیت جوانمرد و دمشقی [ در حکایت یاد شده ]، چهره مهربان سعدی را می‌بیند که در خلال حکایتی کوتاه، آدمی را به انسانیت و انسان‌دوستی فرا می‌خواند، دعوتی که دنیای بشری هنوز، در شرق و غرب، سخت محتاج به آن است " (ص ۱۳۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان و گلستان سعدی. ۲-۲. یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۰ بار، گلستان ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته، با بررسی کوتاه حکایت " شبی دود خلق آتشی برفروخت ... " از بوستان، بر تعهد اجتماعی و نوع‌دوستی سعدی تأکید شده است.  
اشاره‌های مختلفی که به اشتراک مضامین متون دیگر با حکایت بوستان سعدی شده و ذکر دقیق نشانی مأخذ و نمونه‌های شاهد بر ارزش این نوشته افزوده است.

## ساختار حکایت‌های باب نخست بوستان سعدی (قسمت اول)، باوند بهیور، روزنامه عصر، شماره ۲۴۶، شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۷۵، ص ۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به پیشینه داستان‌نویسی در ادب فارسی و بررسی قالب حکایت‌های سعدی در باب نخست بوستان با طرح یک حکایت بلند.

" دسته‌ای از حکایت‌های سعدی از نظر ساختار در قالب قصه ( Tale ) می‌گنجد ... دسته‌ای دیگر از حکایت‌های سعدی ساختار " لطفه‌وار " دارند، یعنی همچون لطفه کوتاهند و در آنها شخصیت‌پردازی چندانی وجود ندارد و گره‌گشایی‌هایشان موجب شگفتی خواننده نمی‌شود ... " (ص ۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. ادبیات داستانی، جمال میرصادقی.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم و پایانی آن در روزنامه عصر، شماره ۲۵۲ (شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۷۵) چاپ شده است. ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

## ساختار حکایت‌های باب نخست بوستان سعدی (قسمت دوم)، باوند بهیور، روزنامه عصر، شماره ۲۵۲، شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۷۵، ص ۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و بررسی برخی از حکایت‌های باب نخست بوستان با توضیحات زیر: " روش سعدی در توصیف - مانند بسیاری از شاعران - مبالغه و پشت هم آوردن صفات است ... با این حال سعدی همیشه کلی‌گویی نمی‌کند، گاه به توصیف‌هایی برمی‌خوریم که از نظر داستانی بسیار ظریف و استادانه است و برخی از آنها به صورت مثل در آمده است ... سعدی از آنجا که ساخت قصه و داستان لطفه‌وار ایجاد می‌کند از کمترین توضیح ممکن سود می‌جوید... همچنین با به کار بردن شخصیت‌های معروفی مانند شاهان پیشدادی و اسکندر و حاتم طایی و ... در حکایت‌های خود، از ذهنیتی که در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند برای شخصیت‌پردازی سود می‌جوید... " (ص ۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. ادبیات داستانی، جمال میرصادقی.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته به گونه‌ای شتاب‌زده برخی از ویژگی‌های بعضی از حکایت‌های باب اول بوستان را باز نموده است. چنانچه این کار به گونه‌ای گسترده بر اساس ویژگی‌های پذیرفته شده داستان و با توجه به زمان پرداخت این حکایت‌ها سامان می‌یافت، کارکردی تازه و درخور استفاده می‌شد. اما در هر حال چنانچه نگارنده این مقاله - آن گونه که از عنوان صفحه (جوان و نوجوان). برمی‌آید از جوانان یا نوجوانان باشد، متناسب با سن خود کاری ارزشمند ارائه داده است که شایسته تقدیر و تشویق است. نشانی نمونه‌های شاهد و موارد استفاده شده از مأخذ نوشته شده در پایان مقاله، مشخص نشده است.

## ساختار آرامگاه سعدی، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۲۲۷-۲۲۶.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۴۶۹-۴۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل عبارت‌هایی از قول ابن‌بطوطه، معین‌الدین جنید شیرازی، فصیح خوافی، دولت‌شاه سمرقندی، قاضی میراحمد قمی، (میر منشی) و سرگور اوسلی، درباره وضعیت آرامگاه سعدی در دوره‌های مختلف (صص ۲۲۸-۲۲۶).

۱-۲. توضیح درباره تعمیرات و تغییرات در بنای آرامگاه سعدی از دوره زندیه تا سال ۱۳۳۱ شمسی (ص ۲۲۹).

۱-۳. شرح مختصر وضعیت آرامگاه سعدی در زمان نگارش مقاله: " مساحت تمام محوطه سعدی بیش از هشت‌هزار متر مربع است. قسمت‌های زیرین ۲۶۱ متر مربع و بقیه را باغ آرامگاه تشکیل می‌دهد در زیر محوطه چشمه آب زلالی روان است که توسط پلکانی خارج از ایوان ساخته شده و به دور آن می‌توان رفت. آب گل‌کاری و درختان آرامگاه توسط تلمبه از همین چشمه تأمین می‌شود - شستشوی در این چشمه از قرن‌ها پیش جزء معتقدات مردم شیراز بوده و می‌باشد! در بنای جدید سنگ‌های رنگین و زیبایی که با ظرافت حجاری و سیقلی گردیده، برای پایه‌ها و ستون‌ها به کار رفته و کاشی‌های فیروزه‌فام بر زیبایی آنجا افزوده است ... " (ص ۲۲۹).

۱-۴. نقل اشعار و عبارت‌هایی که بر دیوارها و طاق‌نماها و کتیبه‌های آرامگاه سعدی نوشته شده است (صص ۲۳۶-۲۲۹).



۲. منابع اصلی: ۲-۱. مشخص نشده است.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۵ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله درباره تاریخچه آرامگاه سعدی و مشخصات آن در زمان نگارش مقاله توضیح داده شده و برای خوانندگان اطلاعات سودمندی را در بر دارد.

سال شمار سفرهای سعدی، جان بویل، ترجمه اوانس اوانسیان، راهنمای کتاب، سال هیجدهم، شماره ۱۲-۱۰، دی تا اسفند ۱۳۵۴، صص ۷۸۵-۷۹۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. یادکرد عباراتی از قول یانریکا درباره اینکه حکایات سعدی در بوستان و گلستان از نظر تاریخی جدی نیست (ص ۷۸۵).

۱-۲. بیان هدف از نگارش مقاله: "هدف نویسنده در این مقاله، این است که نشان دهد که بدبینی رپیکا بی‌مورد بوده است، و در حقیقت بر اساس فرضیات موجود در بوستان و گلستان بطور کلی ممکن است فعالیت‌های شاعر بین دوره پایان تحصیلات در بغداد و بازگشتش به شیراز در انتهای سال‌های سفر او را بازسازی کرد" (ص ۷۸۵).

۱-۳. رد یکی از داستان‌های گلستان از نظر تاریخی: "داستان مباحثه سعدی با پسران مدرسه کاشغر یکی از حقیقت‌معدودترین حکایات شرح حال سعدی به قلم خود اوست که باید آن را کلاً رد کرد؛ زیرا در آن هنگام معاهده صلح بین سلطان محمد و قره‌ختاییان که نکته اصلی داستان است، سعدی هنوز به دنیا نیامده بود" (ص ۷۸۶).

۱-۴. یادآوری این مطلب که در المعجم و تاریخ جهانگشای جوینی نامی از سعدی برده نشده و تأیید نظر عباس اقبال که منظور از ابن‌جوئی نام برده شده در گلستان، ابن‌جوئی ثانی است (صص ۷۸۷-۷۸۸).

۱-۵. اشاره به ادوار زندگی و سفرهای سعدی: "اقامت سعدی در بغداد که با تاریخ تقریبی معلوم شده است، امکان می‌دهد که بعضی از ادوار زندگی سعدی، چون ایام سرگردانی او در سال‌های بعدی را با قاطعیت بیشتری پیشنهاد کرد (ص ۷۸۸). ... می‌توان چنین فرضی کرد، در حالی که سعدی بغداد را بلافاصله پس از انتصاب ابن‌جوئی معلم خود به سمت محتسب ترک کرد در طول ۱۲۳۶ م. به اصفهان رسیده. همچنین می‌توان فرض کرد ترک شهر به وسیله سعدی در زمانی قبل از رسیدن لشکر مغول و احتمالاً در بهار یا تابستان ۱۲۳۷ م. بوده است. چنین به نظر می‌رسد که سعدی از اصفهان به نواحی شمال غربی و همدان رفته باشد (ص ۷۸۹).

... اسارت سعدی به دست صلیبیون، که دلیلی بر غیرتاریخی بودن آن نیست، می‌تواند متعلق به اوایل دهه اول ۱۲۴۰ م. باشد ... سعدی احتمالاً از طریق دریا به اسکندریه رفت و به احتمال زیاد از آنجا با کشتی به خاک مغرب سفر کرد ..." (ص ۷۹۱).

۱-۶. نقل عباراتی از مقاله "تاریخ درست درگذشت سعدی" از سعید نفیسی با این نتیجه‌گیری که: "... نفیسی و یانریکا در اینکه سعدی در نهم دسامبر ۱۲۹۲ م. فوت کرده است، کاملاً درست نمی‌گویند. وفات سعدی زمانی بعد از اوایل دوشنبه شب هشتم برج اتفاق افتاد. سن سعدی در حین مرگ بین ۷۳ و ۷۹ بود" (ص ۷۹۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان و بوستان سعدی، محمدعلی فروغی، ۲-۲. گلستان، رستم علی‌یف، ۲-۳. مقاله "زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی، عباس اقبال، سعدی‌نامه، ۲-۴. تاریخ ادبیات ایران، یانریکا، ۲-۵. مقاله "تاریخ درست درگذشت سعدی"، سعید نفیسی، ۲-۶. شعرا و نویسندگان عصر سلجوق و مغول، تاریخ ایران، ج ۵، یانریکا.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۸ بار، گلستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. نویسنده در این مقاله با استفاده از آثار سعدی، برخی منابع تاریخی و مقاله‌هایی که درباره زندگانی سعدی نوشته شده، تلاش کرده، تاریخچه‌ای از زندگانی و سفرهای سعدی را - بیشتر بر اساس حدس و گمان سامان دهد. درباره این موضوع تاکنون نوشته‌های بسیاری پدید آمده است و قدیمی‌ترین آنها گفتار گسترده‌ای است از هانری ماسه در کتاب تحقیق درباره سعدی، زیر عنوان "سال‌های مسافرت" (نزدیک به ۵۰ صفحه) درباره شرح مسافرت‌های سعدی با ذکر جزئیات، نوشته است (رک. کتاب یادشده ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، طوس، چاپ دوم ۱۳۶۹، صص ۱۰۱-۵۸).

اما با توجه به اشکالات تاریخی در برخی از حکایات گلستان و بوستان و با توجه به اینکه به اعتقاد بیشتر سعدی‌پژوهان برخی از حکایت‌های گلستان و بوستان زاینده تخیل سعدی است و انطباق آن با واقعیت در محل تردید است، تعیین دقیق سال‌های مسافرت سعدی و مسیرهای حرکت او در واقع بر پایه همان تردید نهاده می‌شود. در این نوشته هم با آنکه نگارنده دست‌کم یکی از حکایت‌ها را مردود دانسته: "داستان مباحثه سعدی با پسران مدرسه کاشغر، یکی از حقیقت‌معدودترین حکایات شرح حال سعدی به قلم خود اوست که باید آن را کلاً رد کرد" (صص ۷۸۶). باز هم بقیه حدسیات خود را بر پایه حکایت‌های سعدی نهاده است. بویژه آنکه برخی از این اظهارنظرها را با لحنی قطعی و مسلم بیان کرده است. به عنوان مثال درباره تاریخ درگذشت سعدی حدس‌های فراوانی زده شده و در متون گذشته ماده تاریخ‌های متفاوتی برای آن پرداخته شده است. نگارنده در پایان مقاله با استناد به یکی از این پرداخته‌ها می‌نویسد: "شب سه‌شنبه" فارسی است. در انگلیسی باید گفت: "دوشنبه شب". بنابراین نفیسی و رپیکا در اینکه سعدی "نهم دسامبر ۱۲۹۲ م. فوت کرده است، کاملاً درست نمی‌گویند. وفات سعدی زمانی بعد از اوایل دوشنبه شب هشتم برج اتفاق افتاد" (ص ۷۹۴).

شگفت است در حالی که هنوز مورخین و سعدی‌پژوهان درباره سال درگذشت سعدی به اتفاق مسلمی نرسیده‌اند. چگونه می‌توان با یقین گفت: "وفات سعدی زمانی بعد از اوایل دوشنبه شب هشتم برج اتفاق افتاد"؟

۴-۲. استناد به منابع مختلف، ذکر نشانی مأخذ و نمونه‌های شاهد و پرهیز از انشاپردازی‌های غیر لازم، از ویژگی‌های ارزشمند این مقاله است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گذر سعدی از آبادان دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، مجله چیستا، سال اول، شماره پنجم، دی ۱۳۶۰، ص ۵۴۸. ۵-۲. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۳۲. ۵-۳. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۴. ۵-۴. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۱، ۱۷، ۱۹۷.

ستایش سعدی از خودش (۱)، بهجت الفقیه، یغما، سال ۲۸، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۴، صص ۶۰-۵۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقدمه‌ای کوتاه درباره ارزش سخن سعدی و موضوع مقاله: "این مقاله گلچین و نمود ابیاتی است که شاعر پس از خلق شاهکارش خود را می‌ستاید" (ص ۵۷).

۱-۲. بازنمود ۷۹ مورد از غزلیات، که سعدی در آن موارد خود را یا سخنش را ستوده است (صص ۶۰-۵۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۷۹ بار.

**۴. اشاره: ۱-۲.** این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله چاپ شده است. رك. بخش پایانی مقاله.  
**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵.** رك. بخش پایانی مقاله.

**ستایش سعدی از خودش (۲) ، بهجت‌الفقیه، یغما، سال ۲۸، شماره ۲، مرداد ۱۳۵۴، صص ۱۶۶-۱۶۹.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** ادامه بخش اول مقاله با تأکید بر ارزش بوستان: "بوستان سعدی نمایانگر عالم نیکی و زیبایی است، سعدی طالب انسان است ... کتاب پر ارج بوستان در حکمت عملی و دستورهای اجتماعی است و بی‌تردید هیچ کتابی در ادبیات فارسی که منظوم هم باشد، بدین مایه نیست (ص ۱۶۶). بعضی از اهل سخن کتاب بوستان را بر گلستان و قصاید و غزلیات شیخ ترجیح می‌دهند، پذیرفتن این عقیده دشوار است. زیرا همه آثار شیخ در لطافت و زیبایی و شیرینی هم‌آهنگ است. آنچه بوستان را از دیگر آثار وی جدا و ممتاز می‌کند، خودداری شاعر از آوردن حکایات و مطالبی است که با عفت ادبی سازگاری ندارد" (ص ۱۶۷).

**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** بوستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** بوستان ۳۴ بار.

**۴. اشاره: ۲-۱.** این بخش از مقاله دنباله قسمت اول آن است که در شماره پیشین مجله، (شماره ۱، فروردین ۱۳۵۴) به چاپ رسیده است.

بازنمود اشعاری که سعدی در آنها خود را ستوده است، برای شناخت بیشتر سعدی خالی از فایده نیست، اما چنانچه این ابیات بررسی، تحلیل یا دسته‌بندی می‌شد، نوشته جنبه علمی می‌یافت - آن‌گونه که فوشه‌کور در مقاله "شیخ سعدی از دیدگاه خود او" مندرج در جلد سوم "ذکر جمیل سعدی" (صص ۱۴۱-۱۲۹)، انجام داده است.  
**۴-۲.** نشانی ابیات مشخص نشده است.

**سخنان پارسی (۴) سخنی چند از استاد سخن، علی‌اصغر حکمت، آموزش و پرورش، سال سیزدهم، شماره ۱ و ۲ و ۳، فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۲، صص: ح-کط.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱. پارسی نغز، علی‌اصغر حکمت، ۱۳۳۰، صص ۷۴-۴۰.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** تأکید بر ارزش والای سخن سعدی و انگیزه نگارش مقاله: "استاد سخن نزد همه کس سعدی است، که تا جهان برپاست سخنان نغز او در سر زبان پارسی زبانان پیدار و برجاست ... هم از آن گوینده بزرگوار که نام نامی‌اش مایه سرفرازی ایرانیان است، گفته‌هایی چند به پارسی سره آمده است که بی‌هیچ ساختگی، و تهی از هرگونه سخن‌پردازی دشوار، از روی سرشت پاک و به نیروی چاشنی گویندگی بی‌رنج اندیشه به خامه دانش‌آموز او آمده است و از سرچشمه گوارای خوی پاکیزه وی روان گشته، و در میان دیگر سخنانش که همه آمیخته به تازی است نهان مانده ... نویسنده این سخنان پارسی بر آن سر شد که دیوان آن استاد بزرگ را بدین بهانه باری دیگر بخواند و نمونه چند در آن گونه گفته‌های پارسی برگزیند و در این شب تار ... از پرتو سخنان تابنده دانشمند پارسی چراغی بفرورد که گمشدگان راه را به سرای نیک‌بختی راهنمایی باشد" (ص: ح-ط).

**۱-۲.** بیان ۵۱ نمونه از جمله‌ها و سروده‌های گلستان که با واژه‌های پارسی‌سره پرداخته شده است (صص: ط - یه).

**۱-۳.** بیان ۴۸ نمونه از غزل‌های سعدی که با واژه‌های پارسی سره پرداخته شده است (صص: یه - که).

**۱-۴.** بیان ۷ نمونه از قطعات، ۵ نمونه از گلستان، ۴ نمونه از رباعیات و ۱ نمونه از مثنویات که با واژه‌های پارسی‌سره پرداخته شده است (صص: که - کز).

**۱-۵.** بیان سرگذشت زندگانی سعدی (نام، تولد، کودکی، مسافرت، تخلص، مرگ و...) و معرفی چند مأخذ برای شناخت بیشتر سعدی (صص: کز- کط).

**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** گلستان ۵۸ بار، غزلیات ۵۰ بار، قطعات ۷ بار، رباعیات ۴ بار، مثنویات ۱ بار.

**۴. اشاره: ۱-۲.** کاوش در آثار سعدی و بازیافت نمونه‌های زیادی از سخنان او که با واژه‌های فارسی‌سره پرداخته شده، برای شناخت بیشتر ذهن و زبان سعدی سودمند است، که در این نوشته برای نخستین بار به گونه مستقل به آنها پرداخته شده ولی از بوستان که در آن نمونه‌های زیادی از این شواهد را می‌توان یافت مثالی بیان نشده است. نگارنده در پایان نمونه‌ها، زیر عنوان سرگذشت زندگانی سعدی شیرازی، با نثری (به پارسی‌سره) سرگذشت سعدی را در سه صفحه باز نموده است. بدون آنکه مأخذ مورد استفاده خود را معرفی کند - اگر چه در پایان منابعی برای مطالعه بیشتر یادآوری شده است.

**۴-۲.** نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

**سخنان سعدی درباره خود (۱) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۱، خرداد ۱۳۱۶، صص ۴۸-۴۲.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** تأکید نگارنده بر شدت علاقه خود به آثار سعدی و اشاره به هاله‌ای از تصورات آمیخته به افسانه که پیرامون شخصیت‌های بزرگ و از آن جمله سعدی را فرا گرفته است: "مردان بزرگ خاصیت شگفتی دارند و آن این است که در همان روزهای نخستین زمانی که زنده بوده‌اند، افسانه‌های گوناگون گرد ایشان را فرا می‌گیرد ... احوال سعدی نیز بدین گونه است ... چند کتاب به چند زبان در احوال وی نوشته‌اند. اما هیچ کس نتوانسته است، گریبان اندیشه خود را از دست افسانه‌ها برهاند ... پاره‌ای از گفته‌های سعدی نیز شبیه را قوی‌تر کرده است و آن این است که در گلستان و بوستان چون اراده پند و اندرز و عبرت داشته است و می‌بایست همه جا قصه‌ای و حکایتی به میان آورد و از آن نتیجه اخلاقی و ادبی گیرد، وقایعی و سفرهایی را به خود نسبت داده و خویشتن را در آن شریک کرده است، تا اثر آن در خواننده بیشتر باشد و به همین جهت آن وقایع و سفرها نیز بر افسانه‌ها افزون شده و پایه شبیه را بالاتر برده است" (صص ۴۵-۴۴).

**۱-۲.** توضیح درباره نام و نسب سعدی و اختلافات موجود در این موضوع، با اشاره به متون گذشته و استناد به يك نسخه معتبر و قدیمی و آنچه از سنگ قدیمی قبر سعدی بازمانده (صص ۴۷-۴۵). با این نتیجه‌گیری که: "بر من مسلم است که حتماً نام و نسب درست سعدی همان است که در پشت آن نسخه معتبر گلستان نوشته شده و بر سر خاک او نیز کنده بودند و (ابوعبدالله مشرف بن‌مصلح سعدی) بوده است" (ص ۴۷).

**۱-۳.** گفتاری زیر عنوان "جزئیات زندگی او" و اشاره به برخی از حکایت‌های گلستان برای دریافت درست از جزئیات زندگی سعدی (صص ۴۸-۴۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۵ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله در هفت بخش و هفت شماره از مجله مهر به چاپ رسیده است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.

#### سخنان سعدی درباره خود (۲) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۲، تیر ۱۳۱۶، صص ۱۴۴-۱۳۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و اشاره به بیست و یک حکایت از حکایت‌های سعدی در گلستان برای بررسی جزئیات زندگی او، بویژه زمان و محل مسافرت‌هایش. با توضیحاتی درباره برخی از نام‌ها و مکان‌ها (صص ۱۴۴-۱۳۷).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۱ بار، رباعیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار، مفردات ۱ بار، هزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که در چند شماره از مجله مهر به چاپ رسیده است. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.

#### سخنان سعدی درباره خود (۳) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۳، مرداد ۱۳۱۶، صص ۲۴۸-۲۴۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و اشاره به حکایت‌هایی از سعدی که در آن از مکانی نام برده شده و توضیح درباره برخی از این مکان‌ها، برای بررسی جزئیات زندگی و سفرهای سعدی (صص ۲۴۸-۲۴۰).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. تاریخ فیروز شاهی، ضیاءالدین برنی، کلکته، ۱۸۶۲.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۷ بار، غزلیات ۱۳ بار، گلستان ۳ بار، قصاید ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش سوم مقاله‌ای است که در چند بخش و چند شماره از مجله مهر به چاپ رسیده است. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.

#### سخنان سعدی درباره خود (۴) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۴، شهریور ۱۳۱۶، صص ۳۴۴-۳۳۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش سوم مقاله و نقل ابیاتی از سعدی که درباره خود اوست، از جمله: درباره کیفیت سفرها، اقامت در شیراز (پس از سفرها) و شهرت جهانگیر او در زمان حیاتش (صص ۳۴۴-۳۳۷).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۴۸ بار، قصاید ۶ بار، گلستان ۱ بار، قطعات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش چهارم یک مقاله است که در چند بخش و چند شماره از مجله مهر چاپ شده است. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.

#### سخنان سعدی درباره خود (۵) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۵، مهر ۱۳۱۶، صص ۴۴۸-۴۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش چهارم مقاله و نقل ابیاتی از سعدی که درباره شهرت، سبک و سلیقه شاعری، خاندان او و کودک‌پاش سروده شده است. برای نمونه در پایان این بخش، پس از یادکرد ابیاتی از سعدی درباره کودک‌پاش می‌نویسد: " از این سخنان چنین بر می‌آید که چون پدرش درگذشته و وی کودک بوده است ولی کودک خردسال نبوده، زیرا که با پدر به پای خود بیرون می‌رفته و هنگامی که به مکتب رفته است، پدرش زنده بوده، زیرا که لوح و دفتر برای او خریده است و نیز زمانی که طبعش به روزه گرفتن و عبادت شب کردن و قرآن خواندن مایل بوده است، پدرش نیز زنده بوده و چون البته نمی‌توان تصور کرد کودک که کمتر از دوازده سیزده سال داشته باشد، قرآن بخواند و نماز بگزارد روزه بدارد، ناچار باید گفت تا سن دوازده سیزده سالگی او پدرش زنده بوده است ... " (ص ۴۴۸).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۶ بار، بوستان ۱۰ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، ترجیعات ۲ بار، قطعات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش پنجم یک مقاله است که در چند بخش و چند شماره از مجله مهر چاپ شده است. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش هفتم و پایانی مقاله.

#### سخنان سعدی درباره خود (۶) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۶، آبان ۱۳۱۶، صص ۵۶۸-۵۶۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش پنجم مقاله و نقل ابیاتی از سعدی درباره مدت زندگی‌اش با معرفی چهار تن از اتابکان فارس یا پادشاهان سلغری که در بوستان از آنها نام برده شده، برای رسیدن به این نتیجه که: " نظم بوستان در حدود بیست سال از سال ۶۵۵ تا ۶۷۵ کشیده شده است، یا به عبارت دیگر یک بار در ۶۵۵ آن را تمام کرده و بار آخر در ۶۷۵ نسخه آخری از آن انتشار داده است ... اینک می‌توان گفت آن شعری که در آن به هفتاد سالگی خود اشارت کرده است، از جمله اشعاری است که در ۶۷۵ سروده است و در این صورت در حدود ۶۰۵ ولادت یافته ... " (صص ۵۶۷-۵۶۸).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۳ بار، غزلیات ۱۳ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، ترجیعات ۱ بار، قطعات ۱ بار، مثنویات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. این نوشته بخش ششم يك مقاله است که در چند بخش و در چند شماره از مجله مهر چاپ شده است. رك. بخش هفتم و پایانی مقاله.  
**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. رك. بخش هفتم و پایانی مقاله.

**سخن‌دان سعدي درباره خود (۷) ، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۷، آذر ۱۳۱۶، صص ۶۷۹-۶۷۳.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش ششم مقاله با نقل ابیاتی از سعدي درباره افکار و عقاید او؛ از جمله: قناعت‌ورزي، پرهیز از مادیات و افکار صوفیانه با توضیحاتي مختصر (صص ۶۷۳-۶۷۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۳۶ بار، قصاید ۱۱ بار، بوستان ۹ بار، قطعات ۲ بار، گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. این مقاله بلند که در هفت بخش و هفت شماره از مجله مهر به چاپ رسیده است، قدیمی‌ترین مقاله‌ای است که به گونه‌ای مشروح و با استناد به سخنان و سروده‌های خود سعدي، به معرفی او پرداخته است.

نگارنده این مقاله با پرهیز از کلی‌گویی و انشاپردازی، برای رسیدن به يك شناخت صحیح از زندگی، شخصیت، افکار و عقاید سعدي نزدیک به دویست و پنجاه مورد از سخنان سعدي را مورد استناد قرار داده و بر اساس آنها او را شناسایی کرده است. برخی از این موارد با يك بررسی تاریخی نیز همراه شده، از جمله بخش دوم، صص ۱۲۸-۱۴۰ (مطلب مربوط به طرابلس و جنگ‌های صلیبی).

**۲-۴.** با آنکه نگارنده در بخش نخست مقاله نوشته‌اند: "در گلستان و بوستان چون اراده پند و اندرز و عبرت داشته است و می‌بایست همه جا قصه‌ای و حکایتی به میان آورد و از آن نتیجه اخلاقی و ادبی گیرد وقایعی و سفرهایی را به خود نسبت داده و خویشتن را در آن شریک کرده است، تا اثر آن در خوانندگان بیشتر باشد"، اما در متن مقاله همه حکایت‌هایی که سعدي به خود نسبت داده و از محلی نام برده، به عنوان محلی که سعدي در آنجا حضور داشته به شمار آمده است. حتی در اندک مواردی هم، به سروده‌هایی از سعدي استناد شده، که هیچ ارتباطی به سفرهای او ندارد؛ به عنوان مثال در بخش سوم مقاله (ص ۲۴۲) پس از نقل حکایت‌هایی که سعدي به خود نسبت داده و از محلی نام برده است، دو بیت از باب هشتم گلستان را هم مثال آورده و درباره "مردودشت" توضیحاتی داده‌اند:

"خاک مشرق شنیده‌ام که کنند به چهل سال کاسه چینی

صد به روزی کنند در مردشت لاجرم قیمتش همی بینی"

از این دو بیت هیچ نتیجه‌ای درباره سفرهای سعدي نمی‌توان گرفت.

**۲-۴.** نشانی شواهد مشخص نشده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. منت خدای را ... ، فریدون تقی‌زاده طوسی، نامه آستان قدس، دوره هشتم، شماره اول و دوم، ۱۳۴۸، صص ۷۶، ۷۷. ۲-۵. سعدي، شیخ شیراز، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، با کاروان حله، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۵ (چاپ سوم)، صص ۳۲۹، ۳۲۸. ۲-۵. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدي، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، ص ۲۷۴.

**سخن‌دان فارس - خطابه سوم ، قاري عبدالله خان ملك‌الشعرا، کابل، سال پنجم، شماره ششم، اول قوس (آذر) ۱۳۱۴، صص ۲۲-۲۸.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش‌های پیشین نوشته (که مربوط به سعدي نبوده) و توضیح درباره تاریخ جهانگشا، گلستان و اخلاق ناصری (صص ۲۲-۲۸)، از جمله درباره گلستان نوشته‌اند: "از غرایب اتفاقات در این قرن (۶۵۶) جوش طبیعت بر زبان شیخ شیراز، چشمه روان ساخته پر از موج سلاست و فصاحت. گلستان کتابی است شاداب که تاکنون، کس به جواب آن قدرت نیافت. خاص و عام از خواندن آن صاحب سواد گردیده، لیکن در عالمی خوانده که گویا نخوانده است. سلاست بیان و سادگی زبانش با فقرات کوچک و عبارات مقطع مانند کلاوه‌ای از ابریشم مسلسل می‌نماید. از صنایع بدایع عاری، اما ساده پرکار است ...

طرفه آنکه از عالم و عارف تا به جاهل و نادان همه از مطالعه آن حظ می‌برند. از غرایب طبیعت که در حکایات مختلفه شاهانه، فقیرانه، واعظانه حتی نصایح بزرگانه، هم شوخی سبک را از دست نداده ... " (صص ۲۹-۳۰).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدي (نشانی مأخذ مشخص نیست).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. این نوشته بخشی از يك نوشته بلند است که در چندین شماره از سال پنجم و ششم مجله کاوه به چاپ رسیده و در آن تاریخ ادبیات فارسی معرفی شده است. آنچه به گلستان مربوط می‌شود بخش کوچکی از آن نوشته بلند است و در این بخش کوچک هم، سخن تازه و قابل ذکر درباره سعدي و گلستان او گفته نشده است. آنچه سبب شد به این نوشته، در این مجموعه، اشاره شود، آن است که بخش‌های مختلف این نوشته بلند که در چند شماره از مجله کابل به چاپ رسیده و بجز بخش کوچکی که بدان اشاره شد ارتباطی با سعدي ندارد در کتاب ارزنده "فهرست مقالات فارسی" ایرج افشار (جلد اول) در ذیل نام سعدي نشانی داده شده است.

**سخن سعدي از نظر سبک و دستور زبان - گلستان (۱) ، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، سال پنجاه‌ونهم، دوره چهل‌وششم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، صص ۷۰-۶۵.**  
**چاپ‌های دیگر:** ۱. مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۲، به کوشش محمدرسول دریا گشت، ۱۳۵۵.

**صص ۲۲۲-۲۲۵ (این مقاله چکیده‌ای است از مقاله‌ای که در شش قسمت و شش شماره از مجله ارمغان به چاپ رسیده است).**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدي: "سخن سعدي، بی‌شک از لحاظ نظم و نثر معیار فصاحت و بلاغت زبان فارسی است ... امروز هم بهترین نثر فارسی آن است که به شیوه گلستان نزدیک باشد. شیواترین غزل آن که به غزلیات شیخ تشبیه باید و نغزترین مثنوی اخلاقی آن که از بوستان سرمشق گیرد" (صص ۶۶-۶۵).

**۱-۲.** نکاتی چند از سبک و دستور زبان در گلستان سعدي.

۱-۲-۱. " حذف رابطه اسنادی به قرینه: در این گونه حذف ... رابطه یا فعل را از جمله‌های بعدی به قرینه جمله اول حذف می‌کند: الف: حذف رابطه " است " به قرینه (صص ۶۸-۶۷). ب: حذف "اند" به قرینه (ص ۶۸). ج: حذف ضمائر ماضی نقلی به قرینه (صص ۶۸-۶۹).

۱-۲-۲. حذف فعل عام به قرینه - بیشتر فعل معین در افعال مرکب (۷۰-۶۹).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷۸ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع بخش نخست یک مقاله بلند است که در شماره‌های دیگر ارمغان به چاپ رسیده است. نویسنده در این بخش با اشاره به برخی از موارد حذف در سخن سعدی نمونه‌های فراوانی را مثال آورده‌اند.

**سخن سعدی از نظر سبک و دستور زبان - گلستان (۲)، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و ششم، شماره ۲، خرداد ۱۳۵۶، صص ۱۶۴-۱۶۱.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مقاله پیشین (مندرج در دوره چهل و ششم - شماره ۲) بدون مقدمه.  
۱-۱-۱. " جمله به صورت قید حالت (صص ۱۶۳-۱۶۱): " در این شیوه استعمال، فعل‌های عام بدان گونه از عبارت حذف شده است که جمله‌ها به صورت قید حالت برای فعل نخستین یا وصف برای یکی از مسندالیه و مسند در آمده است " (ص ۱۶۱).  
۱-۱-۲. حذف فعل به قرینه فعل عام (صص ۱۶۴-۱۶۳). " در این شیوه، فعل جمله‌های مؤخر (معطوف) را به قرینه جمله مقدم (معطوف علیه) حذف کرده است " (ص ۱۶۳).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴۶ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته دومین بخش از یک مقاله مفصل است که تنها به دو نمونه از حذف در سخن سعدی (با ذکر شاهدی فراوان) اشاره کرده است.  
در صفحه‌های ۱۶۳ و ۱۶۴ برخی از فعل‌های محذوف بین دو کمان نوشته شده و برخی نوشته نشده است و علت این امر معلوم نیست - در حالی که در بقیه موارد از جمله در بخش نخست مقاله نیز موارد محذوف یادآوری نشده است.

**سخن سعدی از نظر سبک و دستور زبان - گلستان (۲)، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و ششم، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد ۱۳۵۶، صص ۲۶۶-۲۶۱.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مقاله پیشین (مندرج در دوره چهل و ششم - شماره ۳)، بدون مقدمه.  
۱-۱-۱. حذف رابطه (یا فعل عام) بعد از صفت تفضیلی (ص ۲۶۱).  
۱-۱-۲. تمام آوردن فعل‌ها (بی‌حذف): " بیشتر در مواردی است که حذف فعل ولو به قرینه، خللی در معنی وارد می‌کند یا از فصاحت کلام می‌کاهد " (صص ۲۶۲-۲۶۱).  
۱-۱-۳. تخفیف فعل برای رعایت سجع و موازنه (ص ۲۶۲).  
۱-۱-۴. تخفیف غیر لازم در کلمه (صص ۲۶۴-۲۶۳).  
۱-۱-۵. تأکید به ادات (ص ۲۶۴).  
۱-۱-۶. حذف " را " مفعولی به قرینه (ص ۲۶۴).  
۱-۱-۷. حذف جمله یا مسند به قرینه (صص ۲۶۵-۲۶۴).  
۱-۱-۸. حذف مسند یا فاعل به قرینه (ص ۲۶۵).  
۱-۱-۹. حذف مسند یا مفعول به قرینه (ص ۲۶۶).  
۱-۱-۱۰. حذف رابطه بی‌قرینه صریح (ص ۲۶۶).  
۱-۱-۱۱. آوردن مصدر بعد از فعل (ص ۲۶۶).  
۲. منابع اصلی: ۱- گلستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۹۰ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته سومین بخش از یک مقاله مفصل است که برخی از ویژگی‌های صوری سخن سعدی را با ذکر شواهد فراوان، بدون تحلیل، برشمرده است.

**سخن سعدی از نظر سبک و دستور زبان - گلستان (۴)، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و ششم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۶، صص ۲۲۶-۲۲۰.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مقاله پیشین (مندرج در دوره چهل و ششم - شماره ۴ و ۵)، بدون مقدمه.  
در این بخش به موارد زیر به عنوان ویژگی‌های سخن سعدی اشاره شده است: حذف " همه " (صفت مبهم یا قید) به قرینه، حذف قسمت مقدم از فعل مرکب به قرینه، حذف مضاف‌الیه یا ضمیر اضافه، ساختن صفت از مصدر عربی با پیشوند " ب "، تقدیم اضافه بر وصف (خلاف معمول) به ضرورت، ضمیر " او " برای جمع، آوردن اسم به صورت جمع برای رعایت سجع، شیوه آوردن فعل حکایت، فعل لازم در معنی متعدی، مطابقت صفت و موصوف، جمله مقلوب برای وزن یا سجع یا به علت بلاغی، توجه یک عامل به دو معمول (باب تنازع)، حذف ادات شرط، گفت به جای گفته یا گفتار، بای تأکید در اسم، مصدر عربی در معنی قید، فعل جمع با " هرکه " و " هرکس "، تأنیث عربی در فارسی (بندرت)، داعی به جای من (ضمیر متکلم)، امر به صورت التزامی، حذف حرف عطف و ربط، اختلاف زمان‌ها در فعل (به قیاس امروز)، " مر " در مفعول برای تأکید، مصدر عربی به جای صفت، فعل جمع برای اسم عام مفرد، توالی و تنسیق صفات (بی حرف عطف)، شیوه استعمال فعل وصفی، ضمیر " او " برای غیر انسان، معرفه به جای نکره، " آن " صفت اشاره‌ای در تأکید معرفه، جمع بستن جمع عربی به روش فارسی، مضارع محقق‌الوقوع به صیغه ماضی (صص ۲۲۶-۲۲۰).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷۳ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته چهارمین بخش از یک مقاله مفصل است که برخی از ویژگی‌های صوری سخن سعدی را با ذکر شواهد، بدون تحلیل، برشمرده است. البته همه این ویژگی‌ها در آثار نویسندگان و شاعران پیش از سعدی و پس از او نیز به کار رفته است.

سخن سعدي از نظر سبك و دستور زبان - گلستان ( ۵ ) ، دكتر محمود شفيعي، ارمغان، دوره چهل و ششم، شماره ۸  
۹، آبان و آذر ۱۳۵۶، صص ۴۹۷-۴۹۲.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. ادامه مقاله پيشين (مندرج در دوره چهل و ششم - شماره ۶)، بدون مقدمه.  
۱-۱-۱. بيان معني برخي از واژه‌ها و اصطلاحات گلستان با ذكر نمونه شاهد زير عنوان "پاره‌اي از لغت‌ها، تعبيرها و اصطلاحات"، از جمله: "چشم خانه = جاي چشم، كاسه چشم، حدقه. بواجب = شايسته و سزاوار. هليدن = هشتن، گذاشتن. بجاي (به صورت مضاف) = در حق. شوربخت = بدبخت. پروا = تحمل، التفات ... هر آن صورت به جاي هر صورت ... صفت عربي به صورت قيد ... هيأت مصدري بر سر اسم عربي... (صص ۴۹۶-۴۹۲).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان (نشاني مأخذ مشخص نشده است).
۳. رويكرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۵۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته پنجمين بخش از يك مقاله مفصل است كه در اين بخش ۳۶ نمونه از واژه‌ها و اصطلاحات و تعبيرهاي به كار رفته در گلستان با ذكر نمونه شاهد معني شده‌اند.

سخن سعدي از نظر سبك و دستور زبان - گلستان (۶)، دكتر محمود شفيعي، ارمغان، دوره چهل و ششم، شماره  
۱۰، دي ۱۳۵۶، صص ۵۵۷-۵۵۱.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. ادامه مقاله پيشين (مندرج در دوره چهل و ششم - شماره ۸ و ۹)، بدون مقدمه.  
۱-۱-۱. بيان معني برخي از واژه‌ها و اصطلاحات و تعبيرات، از جمله: "را" به معني "براي". "را زايد"، "زاد" به معني زاده شده، "گرفتن" در معني "آغاز كردن"، "و بس" به معني "فقط"، "فرمودن" در معني "دستور دادن"، حاصل مصدر از اسم عربي، تقديم مضاف اليه (اضافه مقلوب)، "ان" در جمع غيرجاندار، جمع اسم جمع، فعل استمر اري حال به جاي التزامي، حاصل مصدر به جاي اسم مصدر، ماضي به جاي مضارع يا ماضي التزامي و ... " (صص ۵۵۷-۵۵۱).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان (نشاني مأخذ مشخص نشده است).
۳. رويكرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۶۰ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته، ششمين و آخرين بخش از يك مقاله مفصل است كه در شماره‌هاي دو تا ده دوره چهل و ششم نشر به ارمغان به چاپ رسيده است. اين مقاله به برخي از ويژگي‌هاي سخن سعدي پرداخته و آنها را باز نموده است. از امتيازات اين پژوهش، استناد فراوان به سخنان سعدي در گلستان است (مجموعاً ۲۹۷ بار به سروده‌ها و عبارتهاي گلستان استناد جسته شده است). چنانچه اين ويژگي‌ها با تحليل و بررسي همراه بود، به ارزش علمي مقاله افزوده مي‌شد.

سخن گستران عصرها و زمان‌ها ، علي سامي، برگرفته شده از كتاب "شيراز، شهر جاويدان"، انتشارات نويد، ۱۳۶۲  
(چاپ سوم)، صص ۲۰۲-۱۹۵

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. تأكيد بر ارزش والاي شخصيت و آثار سعدي و حافظ، به عنوان دو نابغه سخن (صص ۲۰۲-۱۹۵)، از جمله: "سعدي و حافظ نه تنها استاد مسلم ادب و شعر و عرفان زبان پارسي‌اند، بلكه از استادان مسلم ادب و شعر و حكمت جهان مي‌باشند. آنان از همان‌گونه شخصيت‌هاي بزرگ جهاني هستند، كه براي عظمت پاگاهشان پاياني نيست. آنها نه تنها آنچه ديده و شنيده‌اند، تشریح کرده، بلكه چيزهايي هم كه در روح و طبيعت، تاريخ و مبهم بوده، تشریح کرده‌اند ... جهان بزرگ سعدي را انسان‌ها ساخته‌اند. انسان‌هايي با آرزوها، هوي و هوس‌ها، شادهاي، بي‌خودهاي، دلبره‌ها، تشويش‌ها، كينه‌ها، مصيبت‌ها، فريب‌ها و نيرنگ‌ها. آيا چنين كسي كه چنين جهان شگرف پرماجرا را پشت سر نهاده، و چنين ارمغان زوال‌ناپذيري را به جهان بشریت تقديم داشته، در خور ستايش و تحسين قرون و اعصار نيست" (ص ۱۹۷).
- " سعدي فصیح‌ترین گوینده زبان پارسی است که تا این زمان چون او سخنور و نویسنده‌ای پرورانیده نشده است ... واژه‌ها در خدمت سعدي رنگ و جلای دیگری دارد، او نه تنها استاد سخن و شعر و شاعری است. بلكه استاد بزرگ علم‌الاجتماع و اخلاق و فیلسوفی بزرگوار می‌باشد که تعلیمات اخلاقی و اجتماعی‌اش، پرتو روشنی، پیش پای بشر روشن ساخته و ندادنده راهی است که شنونده را به بشردوستی مطلق می‌کشاند ... " (ص ۱۹۹).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. کلیات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).
۳. رويكرد به آثار سعدي: ۳-۱. قصاد ۱ بار، گلستان ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. در اين نوشته بر ارزش والاي سعدي و حافظ تأكيد شده و سخن تازه‌اي را شامل نيست.

سخنوري زيركانه در قلمرو سعدي ، برات زنجاني، ذكر جميل سعدي، ج ۲، كميسيون ملي يونسكو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۰۸-۱۹۷.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. "علاقه سعدي به سياحت سفر و سير آفاق و انفس، نشانه‌اي از جهاني‌اندیشيدن اوست. او جهاني فكر مي‌كند و جهانگردي را در پيش مي‌گيرد. انسان‌ها و سرزمين‌ها را يكي مي‌داند." (ص ۱۹۹).
- ۱-۲. "سعدي در برابر اعمال اتابك سكوت نمي‌كند اما با كتار گذاشتن شدت عمل، ملايمت و مدارا در پيش مي‌گيرد و از راهي كه ممدوح در پيش گرفته بوده، وارد مي‌شود و با منطق او صحبت مي‌كند و سپس با زيركي ستم‌ها و ظلم‌ها را كه از دست او و عمالش به مردم مي‌رود، بيان مي‌كند. او و دستيارانش را پند مي‌دهد، موعظه مي‌كند و به تازيانه تحذير دست مي‌يازد و بيم مي‌دهد و مسؤوليت‌شان را يادآوري مي‌كند. دورويي مداحان را كه از ترس و طمع در پيش امرا، آنان را مدح و در پشت سر ذم مي‌کردند، نكوهش مي‌كند. به مدح شاعراني چون ظهيرالدين فارابي، سنائي و انوري به خاطر برخي از مدح‌هاي آنها اعتراض مي‌كند. در بعضي از مدايح نوعي سخن رانده كه ظاهرش تعريف ممدوح است، اما در حقيقت خود را تعريف کرده‌است." (صص ۲۰۵-۲۰۱).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. كليات سعدي، محمدعلي فروغي. ۲-۲. گلستان سعدي، محمدجواد مشكور. ۲-۳. گلستان سعدي، عبدالعظيم قريب. ۲-۴. سخن و سخنوران، بديع‌الزمان فروزانفر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. بوستان ۱۲ بار، گلستان ۷ بار، قطعات ۶ بار، قصاید ۵ بار، رباعیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۱-۴. در این مقاله پژوهش تازه‌های انجام نگرفته و سخن تازه‌ای بیان نشده است.

**سخنی از سعدی، محمد شریف چودهری، هلال، جلد ۱۹، شماره ۶، مهر ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۱۱۶، صص ۲۸-۲۵.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ویژگی‌های ارزشمند سخن سعدی و نفوذ آن در دل و جان انسان، با اشاره به سفرهای گوناگون سعدی و مضامین بلند آثار او (صص ۲۸-۲۵). از جمله: " شیخ اجل سعدی یکی از آن شاعران شیوا بیان و نویسندگان نثر مرسل و دانشمندان و نوابغ سرآمد انگشت‌شماری است که به قول اساتید نه تنها در ایران عزیز بی‌نظیر بوده، بلکه در همه کشورهای همجوار و دیوار به دیوار چنین محقق و جهان‌پدیده‌ای پا به عرصه وجود نهاده ... این قلندر جهان‌گرد گرم و سرد روزگار دیده و حلو و مر زمانه چشیده و در احوال امم تحقیقاتی کرده است، کارش این است که تجربیات خود را مانند پیرانی که ساعات حیاتشان برای آنچه خواهند گفت مجالی نداشته باشد، برای ما بازگو می‌کند (ص ۲۵). سعدی با آن کرم بزرگ خویش، هر وقت به خانه وی حاضر شویم، جامی از آب گوارا که از منت شهد و شیرینی و چاشنی دیگر آزاد است به ما می‌دهد، تا تشنگان ادب را سیراب کرده باشد (ص ۲۶). گفته جان‌بخش سعدی، آوازی نیست که از دور بیاید و یا از عالم بالا شنیده شود. کلام دلاویزش گلبانگ عشق و شور و وجد و حال است که از شیراز به دنیا و از زمین به آسمان‌ها می‌رود (ص ۲۷). سعدی فصیح‌تر از هر شاعری سخن گفته و گفتارش از حیث اخلاق آموزشی در گیتی در درجه اول و بی‌نظیر است ... " (ص ۲۸).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. شعرالعجم، شبلی نعمانی. ۲-۳. شناسایی سعدی، م.ر. شیرازی. ۲-۴. حیات سعدی، الطاف حسین حالی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۹ بار، غزلیات ۴ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. این مقاله در بردارنده هیچ سخن تازه‌ای نیست، تنها یک انشاپردازی است در وصف سعدی که بیشتر مطالب آن بدون ذکر دقیق مأخذ از دیگران گرفته شده است.

**سخنی از ظهیر و سعدی و صفی‌علی‌شاه (۱)، پروفیسور رضا (فضل‌الله)، گوهر، سال سوم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۴، صص ۴۴۶-۴۴۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل غزلی از سعدی (رها نمی‌کند ایام در کنار منش ...) و نقد و تحلیل آن غزل، از جمله: " در این غزل زیبا به خلاف بسیاری از غزل‌های دیگر سعدی، اصطلاحات و صحنه‌هایی از زندگانی عملی و اجتماعی نمی‌یابیم، بجز یکی دو بیت، باقی غزل یکدست و لطیف است (ص ۴۴۱). در مصرع اول [ بیت آخر ] بر اثر اشاره اجتماعی که دارد شعر را پایین می‌آورد. این اشارت اجتماعی، که سعدین زنگی یا اتابک دیگری، کشور را امن و امان کرده، در غزل عاشقانه نمی‌گنجد ... بیت هفتم ناحیه‌ای و محلی است [ خوشا تفرج نوروز ... ] از بیت‌های دوم و سوم بوی سخن ظهیر فارابی برمی‌خیزد ... روی هم رفته در این غزل فصیح آب حیوان از منقار بلاغت بلبل دستان‌سرای شیراز می‌چکد " (ص ۴۴۲).

۱-۲. مقایسه یک بیت از صفی‌علی‌شاه و سروده‌ای از ظهیر فارابی با برخی از ابیات غزل سعدی، از جمله: " این گونه اشعار ظهیر طراوت و لطافت مخصوص دارد که گویی بعد به ذهن سعدی انتقال یافته ... سعدی در این هم‌آوردی با ظهیر نوگرایی کهن آشناست. استاد حریف لطیف اندیشه، قصیده‌سرای را دست‌افشان و پای‌کوبان می‌بیند، بهای سخن او را خوب درمی‌یابد، در همان پرده غزل می‌گوید و حاضر نیست که در قلمرو سخن دري از کسی باز پس بماند " (صص ۴۴۵-۴۴۴).

۱-۳. اشاره‌ای به بیت " نه کرسی فلک نهد ... " از ظهیر و پاسخ سعدی به او: " چه حاجت که نه کرسی ... " و تحلیل آن، از جمله: " این ابیات سعدی را قوت کلام و عقاید دینی و وسعت دید او جهانگیر کرده است. گفتار از نظر زیباشناسی هنر و شعر فی‌نفسه شاید چندان آفتاب‌انداز نباشد - چون در آن مضمون تازه و بکری نقش‌بندی نشده، اما از نظر اخلاق و علم اجتماع شاعر دبیر است که مانند یک مرد انقلابی، سنتی را که در جامعه معمول بوده و همه به آن سرفروود می‌آورده‌اند طرد می‌کند ... " (ص ۴۴۶).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، مظاهر مصفا. ۲-۲. دیوان ظهیر (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. غزلیات ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. این نوشته بخش اول مقاله‌ای بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله گوهر به چاپ رسیده است. نقد زیبایی‌شناسانه غزل سعدی از ویژگی‌های خوب این نوشته است، که در مسیر سعدی‌پژوهی کمتر به آن توجه شده است. این نقد گاهی حالت کاملاً ذوقی دارد. از جمله درباره بیت آخر غزل سعدی:

نماند فتنه در ایام شاه جز سعدی که بر جمال تو فتنه است و خلق بر سخنش می‌نویسند: " مصراع اول بر اثر اشاره اجتماعی که دارد شعر را پایین می‌آورد. این اشارت اجتماعی، که سعدین زنگی یا اتابک دیگری، کشور را امن و امان کرده، در غزل عاشقانه نمی‌گنجد ... " (ص ۴۴۲).

البته علاقه شیخ به سعدین زنگی پوشیده نیست، اما آیا واقعاً از دیدگاه ذوق سلیم - در این بیت، زیبایی جمال یار سعدی و سخن شیرین او نمود بیشتری دارد یا مدح شاه؟ و آیا از این زیباتر و کوتاه‌تر می‌توان با زیرکی و تردستی در یک بیت، هم سخن خود را، هم حسن یار را و هم عدل شاه را ستود؟! بحثی که درباره شعر و اندیشه صفی‌علی‌شاه مطرح شده است، نیز با اصل مقاله پیوند محکمی ندارد.

۲-۴. نشانی مثال‌هایی که از صفی‌علی‌شاه و ظهیر فارابی ذکر شده، مشخص نشده است.

**سخنی از ظهیر و سعدی و صفی‌علی‌شاه (۲)، پروفیسور رضا (فضل‌الله)، گوهر، سال سوم، شماره ۷، مهر ۱۳۵۴، صص ۵۲۴-۵۲۸.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل غزلی از صفی‌علی‌شاه با مطلع: " خیال سر زده آورد در کنار منش ولی نیافت پی بوسه راه بر دهنش " و مقایسه آن با غزل سعدی که در بخش اول مقاله (در شماره پیشین مجله). چاپ شده است: " این غزل گدای گوشه‌نشین خانقاه از زر ناب پادشاه سخن ملک عجم چیزی کم ندارد (ص ۵۲۸). غزل سعدی عاشقانه و غزل صفی عارفانه است ... از خلال اندیشه‌ها و الفاظ غزل، من نفوذ حافظ و سعدی و ظهیر فارابی را می‌بینم ولی نقش اصلی صفی‌علی‌شاهی است " (ص ۵۲۹).  
۱-۲. نقد زیبایی‌شناسی غزل صفی‌علی‌شاه (صص ۵۲۴ - ۵۲۹) و نتیجه اینکه: " در وادی شعر هر چه از بندهای اجتماعی و جدول‌بندی‌ها دورتر شویم، با تساوی سایر شرایط به شعر ناب نزدیک‌تر می‌شویم. از این رو شعر صفی‌علی‌شاه که به طور ناخودآگاه،

بدون حساب و برنامه، جهان وطنی روحانی او را می‌رساند به شعر ناب نزدیک‌تر از اشعار زیبایی است که در آن مقصد و مقصود سیاسی و اجتماعی و وطنی آمیخته باشند " (ص ۵۳۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان صفی‌علی‌شاه به کوشش منصور مشفق، ۱۳۳۶.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته قسمت دوم مقاله‌ای است که در مجله گوهر، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۴، به چاپ رسیده است. محور این نوشته بر تحلیل زیبایی‌شناسی غزل صفی‌علی‌شاه نهاده شده و در برخی موارد این غزل با غزل سعدی که هموزن و هم‌قافیه این غزل است مقایسه شده است. مقابله و تحلیل این غزل‌های همانند از ویژگی‌های سودمند مقاله است، اما برخی از داورهای نویسنده متأثر از علاقه او به صفی‌علی‌شاه است. در این موضوع که صفی‌علی‌شاه از صوفیان باورمند است و بسیاری از غزل‌های سعدی عاشقانه است، شک‌ی نیست، اما از مقایسه این دو غزل بدون توجه به سراینده‌گان آنها نمی‌توان قاطعانه این حکم را صادر کرد که: " غزل سعدی عاشقانه و غزل صفی عارفانه است ... و مطلع زیبا بوی [ مطلع زیبای او ] مطلع شیوای سعدی را می‌دهد، منتها عارفانه و مستور نه شیدای جمال صوری و هماغوشی ... " (ص ۵۲۹).

برای سنجش درستی این داور یك بار دیگر مطلع هر دو غزل را بازبینی می‌کنیم:

سعدی:

رها نمی‌کند ایام درکنار منش که داد خود بستانم به بوسه از دهنش

صفی:

خیال سرزده آورد در کنار منش ولی نیافت پی بوسه راه بر دهنش

۴-۲. برخی از اصطلاحات عامیانه به زبان رسمی مقاله ضربه زده است، از جمله: " اگر هم معشوق در کنار او آمد شیرازی مردم‌شناس واقع‌بین کسی نیست که ولکن معامله باشد و ... " (ص ۵۲۹).

۴-۳. روش ذکر نشانی مأخذ یکدست نیست: نشانی برخی از مثال‌های شاهد مشخص نشده است (از جمله: ابیات ص ۵۳۲ از بهار، ادیب‌الممالک و مولوی) و نشانی برخی دیگر، با ذکر صفحه نمایانده شده است (از جمله: دو بیت آغاز ص ۵۲۳).

**سخنی از ظهیر و سعدی و صفی‌علی‌شاه (قسمت دوم)، سلمان و جامی و صائب (۱)، پروفیسور رضا (فضل‌الله)، گوهر، سال چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۵، صص ۲۴-۲۹.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقایسه قصیده ظهیر و غزل سعدی و صفی‌علی‌شاه که در قسمت اول مقاله (مندرج در شماره ششم و هفتم از سال سوم مجله گوهر) انجام گرفته بود (ص ۲۹).

۱-۲. توضیح درباره مقام شاعری ظهیر و نقل سیزده بیت از قصیده مورد نظر او (هزار توبه شکسته است زلف پر شکنش ... ) و نقد زیبایی‌شناسی این سروده در مقایسه با ابیاتی از سعدی، حافظ، فردوسی و اقبال (صص ۲۴-۳۱)، از جمله: " بیت هفتم [ از ظهیر ] از شاه‌بیت‌هاست [ در آب دیده من غرق شد چو نیلوفر - خیال قد چو شمشاد و روی چون سمنش ] ... ظهیر در این بیت بیداد کرده است. من وقتی شعر لطیف استاد سعدی را به خاطر می‌آورم، آنجا که می‌گوید:

ای دریغا گر شبی در بر خرابت دیدمی سرگران از خواب و سرمست از شرابت دیدمی

آه اگر روزی چو گل در بوستان یا چون سمن در گلستان یا چو نیلوفر در آبت دیدمی

بیت دوم سعدی با همه زیبایی و روانی، آن خیال‌اندیشی عالی و طراوت سخن ظهیر را ندارد ... " (صص ۳۳-۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان ظهیر فاریابی، به کوشش تقی بینش، ۱۳۳۷.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته قسمت اول يك مقاله است که دنباله آن در شماره بعد مجله گوهر چاپ شده و با مقاله‌های دیگر نویسنده که با همین نام در شماره‌های ششم و هفتم از سال سوم مجله چاپ شده در پیوند است. در این نوشته به نقد زیبایی‌شناسانه بخشی از يك قصیده ظهیر پرداخته و ابیات آن را با سروده‌هایی از سخن‌وران دیگر سنجیده است. اما از سلمان، جامی و صائب در این بخش سخنی به میان نیامده و به صفی‌علی‌شاه تنها در مقدمه نوشته اشاره‌ای شده است. همان گونه که در قسمت‌های پیشین این مقاله گفته شد نقد زیبایی‌شناسی نویسنده بر سروده‌های مورد نظر، از ویژگی‌های سودمند این نوشته‌هاست.

۴-۲. نشانی سروده‌هایی که به عنوان شاهد به کار رفته‌اند مشخص نشده است.

**سخنی از ظهیر و سعدی و صفی‌علی‌شاه (قسمت دوم)، سلمان و جامی و صائب (۲)، پروفیسور رضا (فضل‌الله)، گوهر، سال چهارم، خرداد ۱۳۵۵، صص ۲۱۹-۲۱۵.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل پانزده بیت از قصیده سلمان ساوجی با مطلع:

بسم نبود جفای رخ چو یاسمنش بنفشه نیز گرفته‌ست جانب سمنش

و نقد زیبایی‌شناسانه آن در مقایسه با قصیده ظهیر و تأکید بر برتری سروده ظهیر (۲۱۶-۲۱۵).

۱-۲. نقل غزلی از جامی با مطلع:

بتي که از همه پوشیده ماند لطف تنش نگشته محرم او کس برون ز پیرهنش

و نقد زیبایی‌شناسانه آن غزل در مقایسه با سروده‌های همانند دیگر (صص ۲۱۹-۲۱۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان صائب، چاپ انجمن حفظ آثار ملی، ۲-۲. دیوان جامی، ویراسته هاشم رضی، ۲-۳. دیوان سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، ۱۳۳۶.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. اشاره: در این نوشته سه سروده هموزن و هم‌قافیه از سلمان، جامی و صائب از نگاه زیبایی‌شناسی کاویده و با سروده‌های شاعران دیگر سنجیده شده است. داور نویسنده بویژه درباره صائب از بند سلیقه شخصی رها نشده است. در این نوشته به سعدی پرداخته نشده است. به همین دلیل از حوزه مورد نظر ما در بخش اشاره خارج است.

**سخنی از ظهیر و سعدی و صفی‌علی‌شاه (قسمت دوم)، سلمان و جامی و صائب (۴)، پروفیسور رضا (فضل‌الله)، گوهر، سال چهارم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۵، صص ۲۰۱-۲۹۹.**



۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بیان يك مثال علمي براي تأکید بر این موضوع که: " هیچ عالم بینايي سالها بعد از عالم دیگر جزیی از قضیه شناخته شده‌ای را به عبارت دیگری به نام خود بیان نمی‌کند " (ص ۳۰۰).

۱-۲. اشاره به نتیجه مقایسه‌ای که بین سروده‌های ظهیر، سعدي، جامي، صفی‌علی‌شاه و صائب انجام گرفت: " در بحر و وزن قصیده‌ای که ظهیر سرود، چنانکه گفته آمد، سعدي و دیگران غزل‌های دلنشین آفریدند، اما آفرینش آنها همه نو نبود، تکرار زیاد داشت. همه از زیبایی سرشار نبود، پست و بلند هم دیده می‌شد. درست است که در کار ادب ذوق‌ها حکومت می‌کند و همه در داوری نهایی درسرخ‌گویی و سخن‌شناسی آزادند، ولی مقایسه و مسابقه در درازای زمان تا اندازه‌ای مانند مقایسه‌های مدارج علمی معیاری به دست آیندگان خواهد داد ... " (ص ۳۰۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته ارتباط مستقیمی با سعدي ندارد و از حوزه عملکرد ما خارج است. اما گفتنی است که زیر عنوان این مقاله، شماره ۴ نوشته شده است. به این معنی که قسمت چهارم مقاله است، ولی در شماره پیشین مجله (گوهر، سال چهارم، شماره ۳، خرداد ۱۳۵۵) شماره ۲ (قسمت دوم) این مقاله به چاپ رسیده است. به نظر می‌رسد به جای شماره ۲ این مقاله به اشتباه شماره ۴ نوشته شده و یا شماره ۲ مقاله به چاپ نرسیده است.

## سخنی تازه درباره سعدي ، ذبیح‌الله منصورى، یغما، سال دوم، شماره چهارم، تیر ۱۳۲۸، صص ۱۴۲-۱۴۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. یادکرد واقعه‌ای که در آن یکی از دوستان ایتالیایی نگارنده مقاله مدعی شده است که سعدي حکایت‌های گلستان را از جای دیگری اقتباس کرده (ص ۱۴۱).

۱-۲. اشاره به مقاله‌ای که درباره يك شاعر یهودی به نام "سعديه" نوشته شده و در آن ادعا شده است که " سعدي آثار او را اقتباس کرده و به نظم و نثر فارسی درآورده است " (ص ۱۴۱).

۱-۳. اشاره به کتاب " شرح حال سعديه، شاعر یهودی مصر " نوشته درنیورگ (خاورشناس فرانسوی) که در آنجا هم به اقتباس سعدي شیرازی از آثار سعديه یهودی اشاره شده است (ص ۱۴۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله‌ای درباره سعديه شاعر یهودی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. منابعی که در این نوشته کوتاه مدعی اقتباس سعدي شیرازی از آثار سعديه شاعر یهودی شده‌اند، منابع مستندی نیستند، مشخصات مقاله یاد شده روشن نشده و کتاب " درنیورگ " نیز به دست نگارنده مقاله نرسیده است. بی‌گمان مأخذ اصلی اندیشه و افکار سعدي، همان گونه که در پاورقی مقاله نوشته شده، متون اسلامی بویژه، قرآن و حدیث است. با این همه طرح تردیدی که در ذهن نگارنده مقاله بوده است، خالی از فایده نیست و پی‌گیری آن برای رد یا اثبات ادعای مطرح شده، به رغم آنچه در پاورقی مقاله (ص ۱۴۲) نوشته شده، موضوعی در خور تفحص و تحقیق است.

## سخنی چند درباره سعدي ، دکتر محمود افشار، گنجینه مقالات ۲۰، ۱۳۷۰، صص ۸۴۰-۸۱۹.

**چاپ‌های دیگر:** ۱. آینده، دوره چهارم، شماره ششم، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۴۰۸-۴۰۶ (بخش دوم مقاله با نام "ترجیع‌بندهای سعدي و خواجوی کرمانی و ... " در این شماره از مجله چاپ شده است).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر نفوذ سخنان سعدي در جامعه و آوازه جهانگیر او به دلیل ارزش آثارش در مقایسه با شاعران دیگر (صص ۸۱۹-۸۲۲).

۱-۲. نقل عباراتی از سفرنامه ابن‌بطوطه درباره آواز خواندن خنیاگران چینی با شعر سعدي (صص ۸۲۳-۸۲۲).

۱-۳. نقل سروده‌هایی از سعدي برای تأیید گسترش آوازه او در زمان خویش (ص ۸۲۴).

۱-۴. نقل سروده‌های متعددی از سعدي که در آنها به شیرینی سخن خود و به تلخی‌ها و ریاضت‌های شاعرانه‌ای که تحمل کرده است اشاره دارد (صص ۸۲۷-۸۲۴).

۱-۵. مقایسه سعدي با شاعران دیگر: " به گمان نگارنده، پس از فردوسی ... سعدي بزرگ‌ترین شاعر کشور ما می‌باشد. آنان که خواسته‌اند حافظ یا مولوی را هم‌پایه او نمایند، بلکه گاهی برتر نشانند، از انصاف دوری جسته‌اند " (ص ۸۲۷).

۱-۶. اشاره به مضامین اجتماعی و سیاسی سعدي با گفتاری زیر عنوان " دبستان سعدي، کلاس اول، مخصوص شاهزادگان " و نقل ابیاتی از بوستان سعدي که درباره روش مملکت‌داری، ارتباط مردم با دستگاه حاکم و وظایف پادشاه در مقابل مردم، سروده شده است (صص ۸۳۶-۸۲۹).

۱-۷. گفتاری زیر عنوان " ترجیع‌بندهای سعدي و خواجوی کرمانی و انتقاد از روش سعدي در آن " (صص ۸۴۰-۸۳۶).

\* این گفتار پیش از این با همین نام در مجله آینده (دوره چهارم، شماره ششم، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۴۰۸-۴۰۶) چاپ شده است. ۱-۷-۱. اشاره به ترجیع‌بندهایی از خاقانی، جمال‌الدین عبدالرزاق، خواجو و سعدي که هم‌وزن (بر وزن مفعول مفاعیلن فاعولن) سروده شده‌اند و نقل سخنی از علی دشتی (در قلمرو سعدي)، در وصف ترجیع‌بند سعدي (صص ۸۳۷-۸۳۶).

۱-۷-۲. انتقاد از ترجیع‌بند سعدي که: " شاعر بهتر است يك موضوع معین یا اقلاً مرتبی را پیروی کند ... سعدي این کار را نکرده است. بندهای مختلف ترجیع‌بند مشوش است. این پراکندگی اندازه‌ای است که حتی برای خواننده گاهی این اندیشه پیش می‌آید که آیا شاعر این ترجیع‌بند را در وصف زیبایی مرد سروده و یا زن ... " (ص ۸۳۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۲۰ بار، بوستان ۲۰ بار، ترجیعات ۱۰ بار، قصاید ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در بخش‌های نخستین این مقاله با استناد به سخنان سعدي بر ارزش و نفوذ آنها تأکید شده و با آنکه سخن تازه‌ای در آن مطرح نشده، اما سودمند است.

گفتاری که زیر عنوان " روش سعدي در مدح " (صص ۸۳۶-۸۲۹) آمده ناقص مانده است. نگارنده در پایان ص ۸۳۰ نوشته‌اند: " ما در زیر، بعضی از این نصایح را که به صورت درس به پادشاهان است، از باب اول بوستان زیر عنوان دبستان سعدي، کلاس اول، زینت‌افزایی مجله می‌سازیم و سپس به روش مدیحه‌سرایی او در قصاید می‌پردازیم ".

اما به روش مدح سعدي در قصاید حتی اشاره‌ای هم نشده است.

۴-۲. بخش پایانی مقاله - ترجیع‌بندهای سعدي و خواجوی کرمانی و انتقاد از روش سعدي در آن - که پیشتر از این هم در مجله آینده به چاپ رسیده است (رک. مضامین اصلی). مطالب قابل تأملی دارد:

۱-۲-۴. عنوان این نوشته با متن نوشته سازگاری کامل ندارد: اولاً تنها درباره یکی از ترجیعبندهای سعدی صحبت شده است و باید به جای "ترجیعبندها"، "ترجیع بند" (بدون های جمع) به کار می‌رفت و ثانیاً هیچ بحث و توضیحی درباره ترجیع بند خواجه به میان نیامده است و همان‌گونه که به ترجیعبندهای خاقانی و جمال‌الدین عبدالرزاق اشاره شده، به ترجیع بند خواجه نیز تنها اشاره‌ای رفته است (با نقل یکی از بندهای ترجیع)، اما عنوان مقاله موهم سنجش این ترجیعبندهاست.

۲-۲-۴. نویسنده از ترجیع بند سعدی به جهت اینکه "بندهای مختلف ترجیع بند او مشوش است" (ص ۸۲۸)، انتقاد و برای استشهاده سخن خود تنها به این مورد سست، اشاره کرده است که: آیا شاعر این ترجیع بند را در وصف زیبایی مرد سروده یا زن؟! [!] در حالی که ترجیع بند مورد نظر از لحاظ یکدستی و وحدت موضوع یکی از هماهنگ‌ترین سروده‌های بلند سعدی است. به جهت بلندی این سروده از نقل آن معذوریم - تمام ابیات این ترجیع بند بدون استثنا در موضوع عشق و وصف معشوق سروده شده است و شیخ در این ترجیع بند بلند با "التفات" های ظریفی تأثیر سخن خود را به زیبایی صد چندان کرده است. با احترام فراوان به دست‌آوردهای ارزشمند نویسنده مقاله در تحقیقات ادبی، باید گفت: انتقادهای او در این مقاله به گونه‌ای است که خواننده گمان می‌کند او با سوابق شعر فارسی و زبان سعدی بیگانه بوده، از جمله در انتقاد از ترجیع بند سعدی می‌نویسد: "به چند شعر مخالف و مختلف آن اشاره می‌کنیم:

یا چهره بیوش یا بسوزان بر روی چو آتشت سپندی  
که محققاً چهره پوشیدن کار زن بوده است" (ص ۸۳۹). آیا واقعاً این چهره پوشیدن یعنی مقنعه زنانه به سر کردن؟! و می‌افزاید: "ولی این سه شعر دیگر پنداری در وصف مرد است: آن برگ گل است یا بنا گوش یا سبزه به گرد چشمه نوش من ماه ندیده‌ام کله‌دار من سرو ندیده‌ام قباپوش نازک بدنی که می‌نگنجد در زیر قبا چو غنچه در پوست"

اما در این سه بیت کدام واژه یا مضمون می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه معشوق شاعر مرد بوده است؟! - با تأیید این مطلب که وصف جمال پسران نو خط در شعر فارسی و سخنان دیگر سعدی سابقه دارد. نویسنده در ادامه نظرات جالب [!] خود می‌نویسد: "همچنین تعریف از ساق پای زنان می‌کنند نه مردان که زیبایی ندارد، چنان که در این شعر فرماید:

بس دیده که شد در انتظارت دریا و نمی‌رسد به ساقت"  
(ص ۸۳۹) و بالاخره آخرین اظهار نظر غریب نویسنده چنین است که:

"در بند آخر آنجا که گوید:

شد موسم سبزه و تماشا برخیز و بیا به سوی صحرا  
ظاهراً نظر به رفیق مردانه داشته، چه با توجه به وضع آن زمان بعید به نظر می‌آید به معشوقه‌ای خطاب شود: برخیز و بیا به سوی صحرا!"

با توجه به اینکه نویسنده در این نوشته کوتاه، دو بار از شعر خود در مقایسه با سروده سعدی تعریف می‌کنند، از جمله: "ترجیع بند شاعر بهتر است یک موضوع معین یا اقلاً مرتبی را پیروی کند ... من نیز در ترجیع بند خود چنین کرده‌ام ... سعدی این کار را نکرده است. بندهای مختلف ترجیع بند او مشوش است ..." (ص ۸۳۸). این پرسش به نظر می‌رسد که: آیا چگونه شاعری محقق، بعد از مطالعه فراوان شعر کهن فارسی و مشاهده فراوان مضامین این سروده‌ها درباره مصراع "برخیز و بیا به سوی صحرا" صدور چنین حکمی را روا می‌دارد؟!

## سخنی درباره شاهنامه و بوستان، دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی، آینده، سال هشتم، شماره هشتم، آبان ماه ۱۳۶۱، صص ۴۷۱-۴۵۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. انتقاد از کسانی که شاهکارهایی چون غزل سعدی و حافظ را با هم مقایسه می‌کنند تا یکی را بر دیگری ترجیح دهند (ص ۴۵۹) و بیان این مطلب که "ویژگی‌ها و دقایق هر شاهکاری را با ویژگی‌ها و دقایق شاهکارهای دیگر می‌توان سنجید... [نه خود شاهکارها را برای ترجیح یکی بر دیگری] همین امر و همچنین جستجوی جنبه‌های اشتراک و تمایز شاهکارها از مباحث دلکش نقد ادبی است" (ص ۴۶۰).

۱-۲. بیان وجوه تشابه و اشتراک شاهنامه و بوستان: "در مورد وجوه تشابه و اشتراک، نخستین مطلبی که به چشم می‌خورد یکسان بودن هر دو اثر از حیث قالب کلام و بحر عروضی است". با آن که طرز بیان فردوسی و سعدی به کلی با هم متفاوت است (صص ۴۶۲-۴۶۰). "نکته دوم در زمینه تشابه و وجوه اشتراک شاهنامه و بوستان این است که فردوسی و سعدی هر دو به زبان عصر خود سخن گفته‌اند (ص ۴۶۲). سومین نکته درباره وجه اشتراک فردوسی و سعدی این است که هر دو گوینده بزرگ و هر کدام به نوعی زبان فارسی را زنده کرده و از فساد و تباهی رهایی داده و در اشاعه و انتشار آن کوشیده‌اند (ص ۴۶۳). بافت کلام بوستان به گونه‌ای است که دریافت معنی آن برای هر فارسی‌زبانی حتی امروز آسان است ... سعدی با تحولی نیز که در غزل ایجاد کرده، به طور مستقیم در احیا و اشاعه زبان فارسی کوشیده است ... اگر غزل‌های سعدی سروده نمی‌شد، زمینه غزل‌گویی برای حافظ به آن کیفیت که غزل حافظ را به حد اعجاز رسانده، فراهم نمی‌آمد و غزل‌های سعدی بیشتر از غزل‌های هر شاعر دیگری در موسیقی ایرانی راه یافت... هیچ گوینده‌ای در ایران بعد از فردوسی به اندازه سعدی در پیراستن شعر فارسی از تصنع و تکلف و در اشاعه زبان فارسی در پرتو این شعر، در داخل و خارج ایران خدمت نکرده است" (ص ۴۶۵).

۱-۳. اشاره‌ای به ارزش ادبی گلستان در مقایسه با نثرهای دیگر فارسی.

۱-۴. بیان وجوه تمایز شاهنامه و بوستان: "اولین وجه تمایز که واضح است اختلاف موضوع و محتوای دو اثر است. (ص ۴۴۶). دومین وجه تمایز بین شاهنامه و بوستان زبانی است که برای سرودن هر کدام از این دو اثر به کار رفته است (ص ۴۶۷). سومین وجه تمایز و اختلاف، تفاوت حجم دو شاهکار است" (ص ۴۶۸).

۱-۵. انتقاد از سعدی در بیان حماسی خود در باب پنجم بوستان: "پای سعدی در یک جا از بوستان لغزیده، زیرا از حدود نبوغ خود خارج شده و در قلمرو خاص فردوسی به جنگ او رفته و شکست خورده، برگشته است" (ص ۴۶۸).

۱-۶. اشاره‌ای به نظر ادیب پیشاوری در خصوص اینکه "بوستان شاهکار بی‌نظیری است" و تأیید نظر او با ذکر دلایلی بر بی‌نظیری بوستان در ادب فارسی (صص ۴۷۱-۴۷۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. شاهنامه فردوسی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. بوستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. دو شاهکار ادب فارسی (بوستان و شاهنامه) اگر چه به گونه‌ای سطحی در این نوشته سنجیده و مقایسه شده‌اند، اما نویسنده با رعایت انصاف و بدون جانبداری یک طرفه به بررسی وجوه اشتراک و اختلاف پرداخته است.

**سرگذشت شیخ بزرگوار - سعدی ، ارمغان ، سال هیجدهم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۷۱۷-۷۱۶.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی بسیار کوتاه کتاب " سرگذشت شیخ ... " از محمدحسن جابری انصاری.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. سرگذشت شیخ بزرگوار - سعدی، محمدحسن جابری انصاری.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته چند سطر، تنها معرفی کوتاه و ناقصی است از کتاب یاد شده در بخش مضامین اصلی و این معرفی آنقدر کوتاه است که حتی به سال و محل انتشار کتاب هم اشاره‌ای نشده است.

**سعدی ، به انتخاب جعفر ابراهیمی و ... ، برگرفته شده از کتاب هزار سال شعر فارسی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، صص ۲۰۱-۱۹۲.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح کوتاه درباره زندگی، تحصیلات، مسافرت‌ها و آثار سعدی (صص ۱۹۴-۱۹۲).
- ۱-۲. نقل چند سروده از سعدی: یک قصیده، سه غزل و چند بیت از بوستان (صص ۲۰۱-۱۹۵).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۵ بار، غزلیات ۳ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در کتاب " هزار سال شعر فارسی " به ترتیب زمانی، سروده‌هایی از شاعران نامدار زبان فارسی، نقل شده است. این سروده‌ها برای گروه‌های سنی " د " و " ه " گزینش شده و سرابندگان این اشعار نیز به کوتاهی معرفی شده‌اند. از مجموع ۴۵۲ صفحه کتاب، ده صفحه به سعدی اختصاص یافته و ضمن معرفی کوتاه او چند قطعه سروده‌هایش نیز نقل شده است. این کتاب متناسب با هدف گردآورندگان آن، ارزش ویژه خود را دارد اما در پیوند با سعدی، برجستگی خاصی ندارد.

**سعدی ، امرسون، ترجمه شجاع‌الدین شفا، سخن، دوره پنجم، شماره دوازدهم، دی ۱۳۲۲، صص ۹۲۲-۹۲۸.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی امرسون و تأکید بر ارزش مقبولیت و نفوذ سخن او (ص ۹۲۸).
- ۱-۲. توضیح درباره کیفیت آشنایی امرسون با ادبیات ایران: " امرسون، میان شعرا و ادبای آمریکا اولین کسی است که با ادبیات ایران آشنایی نزدیک داشت و حتی شاید هنوز هم کسی در این باره از او فراتر نرفته باشد. وی برای نخستین بار خیام را به دنیای آنگلساکسون شناساند (ص ۹۲۸). در دیوان امرسون دو قطعه مفصل درباره سعدی و حافظ وجود دارد که در هر دوی آنها اثر تصوف و روح فلسفی خاصی پیداست ... یکی از این دو قطعه Saadi است که ترجمه آن در این‌جا نقل می‌شود و می‌توان آن را یکی از عالی‌ترین موارد تجلیل از مقام سعدی در ادبیات جهانی دانست (ص ۹۲۹).
- ۱-۳. ترجمه قطعه سعدی Saadi از دیوان امرسون از جمله: " [ سعدی ] به ایران زمین و مردمش سخت دلبسته است، زیرا این مردم سعادت آن دارند که به نغمه‌های او گوش دهند و با شنیدن آنها گاه از فرط شوق گلگون شوند و گاه از بیم رنگ از رو بدهند. با این همه وی تنهاست و همزبانی ندارد. خواه ده نفر در پیرامون او باشند و خواه یک میلیون نفر، سعدی نیک‌سرشت همچنان یکه و تنهاست " (ص ۹۲۹).
- " ای رهگذر، هنگامی که از کنار خانه سعدی می‌گذری، چشم بصیرت باز کن، در آستان این خانه آیین ادب به جای آر، زیرا در آن کسی مسکن دارد که عقل و حکمت خداوندان است. خدایان آسمانی برگرد چراغ زرین و فروزان وجود او حلقه می‌زنند... سعدی در آفتاب می‌خیزد و به جای آنکه رو به جانب غم برد، دست به دامن نیایشی می‌زد که تأمل و تفکر نام داشت ... وی کتاب اسرار را گشود و برای مردمان بارانی از پیام‌های گهربار فروبارید "
- " الهه شعر سر در گوش سعدی نهاد و گفت: " ای سعدی نیک‌نهاد، فریب اشتیاق خویش را به درک نادانسته‌ها و کسب آن قریحه‌ها که مال تو نیست مخور، تا گوش به زادگان سفسطه و تناقض نداده باشی. ای فرزند بامداد فروزان شرق، به دنبال دروغ مرو، از حقیر شمردن دیگران نیز بپرهیز ... سعدیا صیت کلام تو تا آنجا خواهد رسید که گفتار سعدی حتی خورشید آسمان را به میل خود به طلوع وا دارد ... (صص ۹۳۲-۹۳۱).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد - البته این نوشته ترجمه متنی است که به استناد مضامین متعدد آثار سعدی فراهم آمده است.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته علاوه بر مقدمه سودمند آن، ترجمه قطعه‌ای زیبا از امرسون، شاعر توانای آمریکایی است که درباره سعدی پرداخته است. روح شاعرانه حاکم بر این قطعه و نیز اشارات زیبایی که در جای‌جای این قطعه درباره سعدی بیان شده، نشانگر آشنایی امرسون با شعر سعدی و توانایی مسلم او در پرداخت این قطعه است. ترجمه این قطعه برای آگاهی فارسی‌زبانان از نفوذ سعدی در ادب جهانی و اشتیاق امرسون به شخصیت و آثار سعدی سودمند است.

**سعدی ، رضواندخت پیامی، آموزش و پرورش، سال بیست‌وششم، شماره دوازدهم، آذر ۱۳۲۲، صص ۷۴۹-۷۵۵.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تولد، نام، عمر، تخلص، مسافرت‌ها و مرگ سعدی (صص ۷۴۹-۷۵۰).
- ۱-۲. معرفی آثار سعدی، از جمله: " گلستان از جمله بزرگ‌ترین و شاید ارزنده‌ترین شاهکارهای دنیای ادب است که در مدتی نسبتاً کوتاه شهرت عالم‌گیر یافته... کمتر کتابی در ادبیات جهان می‌توان یافت که این همه تنوع موضوع داشته باشد و حاوی این همه مسائل اجتماعی باشد... (ص ۷۵۱) بوستان هم گنجینه‌ای است نظیر گلستان که فقط چون مقید به قیود نظم است کمتر دستخوش تحریف و تصرفات عمده گردیده است... " (ص ۷۵۲).
- ۱-۳. توضیح درباره ممدوحین سعدی: " ممدوحین سعدی شامل سه دسته‌اند:
  ۱. ملوک سلغریان و وزراء ایشان
  ۲. حکام فارس از جانب دولت مغول

۳. ملوک و اعیان خارج از مملکت فارس. از بین ملوک سلغریان گویا سعدی به سعد و ابوبکر بیش از همه ارادت داشته. (ص ۷۵۲).

۴-۱. تشریح افکار و عقاید سعدی، از جمله: " بلند نظری، استغنا، علو طبع، اندرزهای سودمند و حکم و آداب دنیا پسند، حقایق عرفان و فضایل آن مرد نامی با آن سبک روان و ساده سرمشقی برای عموم مردم است ... در تمام عمر به کسب علوم مشغول بود و دوره پیری را نیز به تفکر می‌گذرانید " (ص ۷۵۳).

۵-۱. بیان چگونگی تصوف سعدی: " با وجودی که سعدی در غزلیات خود لطایف عرفان را به اشارت و صراحت گنجانیده و در بوستان و گلستان داستان‌های بی‌شماری در باره درویشان آورده است، اما آن چنان نیست که بتوانیم او را در سبک متصوفان در آوریم " (ص ۷۵۴).

۶-۱. تأکید بر عشق سعدی: " ضمیرش بوستانی است که نهال عشق در آن با آب تقوی و پاک‌ی آبیاری شده و با نور آسمانی رشد و نمو کرده است (ص ۷۵۴) نباید عشق سعدی را از جمله عشق‌های لیلی و مجنون بدانیم، زیرا سعدی از آغاز جوانی تا دم مرگ عاشق بوده و عشقی به این دوام جز به معشوقی معنوی نمی‌تواند مربوط باشد " (ص ۷۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۷ بار، غزلیات ۵ بار، بوستان ۲ بار، ترجیعات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته به صورت کلی به همه جوانب سعدی (زندگی، شخصیت، تفکر، آثار و ...) اشاره کرده اما هیچ سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است.

با وجود اینکه همه آنچه در این مقاله نوشته شده، پیش از این نیز به صورت دقیق‌تر و جدی‌تر بارها بررسی و نگاشته شده (از جمله مقاله‌های مندرج در سعدی نامه به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خود کار و ایران، اسفند ۱۳۱۶) اما در طول این نوشته هیچ اشاره‌ای به این مأخذ نشده است.

۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

**سعدی ، دکتر زهرا خانلری " کیا " ، برگرفته شده از کتاب " نمونه غزل فارسی " (شاهکارهای ادبیات فارسی - ۱۱) ، امیرکبیر ۱۳۵۶ (چاپ پنجم) ، صص ۲۷-۴۷ .**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیحی کوتاه درباره زندگی سعدی و اشاره به جایگاه سعدی در غزل (صص ۳۷-۲۸).

" اسلوبی که انوری در غزل ایجاد کرد به دست سعدی تکامل یافت و به آخرین حد ترقی رسید. سعدی فصاحت بیان و روانی گفتار را به جایی رسانیده که تاکنون هیچ شاعری نتوانسته است به اسلوب او سخن گوید و در شیوایی کلام به پای او برسد. سعدی مردی عاشق‌پیشه و دل‌داده است، ولی مانند عطار پایه عشق را به جایی که از دسترس عموم دور باشد، نمی‌گذارد ... " (ص ۳۸).

۱-۲. نقل هفت غزل از سعدی به عنوان نمونه‌های غزل او (صص ۴۷-۳۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در کتاب " نمونه غزل فارسی " ، برخی از غزل‌سرایان فارسی زبان (از سنایی تا حافظ) به همراه نمونه‌هایی از غزل‌هایشان معرفی شده‌اند، دو صفحه از این کتاب به سعدی اختصاص یافته و در آن سخن تازه‌ای بیان نشده است.

**سعدی ، دکتر رضازاده شفق ، برگرفته شده از کتاب " تاریخ ادبیات ایران " ، انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۵ ، صص ۴۱۸-۴۲۸ .**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به اختلاف در تاریخ تولد سعدی (ص ۴۱۸) و پذیرش سال ۶۰۶ به عنوان زمان تولد او: " پس تولد او در حدود شش‌صدوشش هجری قمری به نظر درست می‌رسد. چنانکه بیت - ای که پنجاه رفت و در خوابی - می‌نمایند " (ص ۴۱۹).

۱-۲. شرح کودکی، تحصیلات، مسافرت‌ها و معاصران سعدی با تأکید بر شهرت و آوازه جهانگیر او (صص ۴۲۲-۴۱۹).

۱-۳. توضیح درباره سبک سخن و افکار سعدی و مدایح او (صص ۴۲۳-۴۲۲).

" اگر در تاریخ ادبیات بخواهیم استادانی را برگزینیم که صاحب سبک و مسلک و ابتکارند و از مرحله تقلید گذشته‌اند، بدون تردید یکی از آنان سعدی شیرازی است ... سعدی در اقسام شعر طبع‌آزمایی کرد و الحق در هر یک خوب از عهده برآمد ... در مدح ابداء طول و تفصیل و اغراق و مضمون‌سازی متقدمان را به کار نمی‌برد ... با شهامتی شگفت‌انگیز شاهان و امیران زمان را به عدل و نیکوکاری می‌خواند ... " (صص ۴۲۳-۴۲۲).

۱-۳-۱. اشاره به توجه سعدی به آثار شاعران پیش از خود و تأثیرپذیری از آنها (صص ۴۲۷-۴۲۶).

۱-۳-۲. تأکید بر نقش اساسی سعدی در تحول غزل فارسی (صص ۴۲۹-۴۲۷).

۱-۳-۳. بیان ویژگی‌های گلستان و مضامین حکایت‌های آن (صص ۴۳۳-۴۲۹).

۱-۳-۴. بیان ویژگی‌های بوستان و مضامین باب‌های آن (صص ۴۳۷-۴۳۳).

۱-۳-۵. نتیجه‌گیری کلی: " خلاصه آنکه آثار سعدی شیرازی از نظم و نثر مظهر عقاید و افکاری است که در نتیجه عمری آزمایش و اندیشه و مطالعه آفاق و انفس و سیر و سفر و آمیزش با اقسام ملل و نحل و مشاهده وقایع تاریخی به حصول پیوسته ... این عقاید گرانبها در عباراتی موزون و شیوا و حکایت‌ها و مثل‌ها و اشعار زیبا بیان شده و بدین ترتیب مجموعه‌ای نفیس که حاوی بهترین دستوره‌های اخلاقی و اجتماعی و نمونه شیوایی فارسی ادبی باشد به وجود آمده ... " (صص ۴۲۸-۴۲۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۳ بار، بوستان ۱۷ بار، قصاید ۱۰ بار، غزلیات ۶ بار، قطعات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در کتاب " تاریخ ادبیات ایران " تألیف دکتر صادق رضازاده شفق، ادبیات ایران به ترتیب تاریخی از آغاز (پیش از اسلام) تا دوره مشروطیت در یک جلد (۶۵۰ صفحه) بررسی شده است. بخش مربوط به سعدی که در بیست صفحه فراهم آمده، توضیح مختصری است درباره زندگی و آثار و افکار سعدی، که اطلاعاتی را در سطح عمومی به خواننده می‌دهد، اما سخن تازه‌ای در پیوند با سعدی در این نوشته مطرح نشده است.

۴-۲. مأخذ نوشته مشخص نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سخنی از سعدی، محمدشرف چودهری، هلال، جلد ۱۹، شماره ۶، مهر ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۱۱۶، صص ۲۸-۲۵. ۵-۲. گنج سخن، ج ۲، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صص ۱۸۵. ۵-۳. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۷۸. ۵-۴. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۴. ۵-۵. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۴.

۵-۶. سخن‌دانی و زیبایی - غزلیات سعدی، زیر نظر محمد روایی، انتشارات ناهید، ۱۳۷۱، ص: چهارده. ۵-۷. ادبیات کلاسیک فارسی، آرتور جان آربری، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، صص ۲۱۵، ۲۳۱، ۵-۸. نمونه‌هایی از مضامین قرآن ... ، سیدمحمدباقر حجتی، مسجد، سال چهارم، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۷۴، ص ۱۹.

**سعدی ، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، برگرفته شده از کتاب " سیري در شعر فارسي " ، انتشارات نوین، ۱۳۶۳، صص ۷۸-۸۰ و ۲۴۶-۲۳۶.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره چگونگی و ارزش سخن سعدی: " طرز سعدی بر پربراری لفظ و نازکی معنی استوار است و علی‌الخصوص شیوه سهل ممتنع در سخن او به سرحد اعجاز می‌رسد ... معانی او هر چند گه‌گاه کاملاً عادی است، به هیچ وجه مبتذل و دست فرسود به نظر نمی‌رسد، بلکه همواره لطف ذوق و قدرت تعبیر شاعر در آن تصرفات مناسب می‌کند و آنها را از حدود معانی متعارف بالاتر می‌برد. در سخن او جد و هزل به هم می‌آمیزد و رقت معنی با دقت عبارت جمع می‌آید ... شهرت او بیشتر در غزل است که حتی، مایه رشک معاصران نیز مثل همام تبریزی و دیگران گردیده است و امیرخسرو و خواجه حسن و خواجه کرما نی نیز اندکی بعد او را در این شیوه استاد مسلم شمرده‌اند (ص ۷۸). سعدی‌نامه یا بوستان او بیش و کم از همان گونه معانی عرفانی و اخلاقی که در حدیقه سنایی آمده است، مشحون است، اما جنبه شعری در آن بسیار قوی‌تر است و این نیز در نظم مثنوی، ابتکاری محسوب است. و مخزن‌الاسرار نظامی هم از حیث وضوح معنی و هم از جهت لطف تمثیل فرود بوستان شیخ است... به هر حال سعدی در تمام فنون و انواع سخن مهارت داشته و در اکثر آنها تصرفات بدیع کرده است، لیکن در بیان احوال عشق و عاشقی و ذکر معانی اخلاقی و تحقیقی سرآمد شعرای ایران است و شاید در ادبیات جهان نیز از این حیث نظیر او را بسیار نتوان یافت... " (صص ۷۹-۸۰).

۱-۲. گزینش و نقل نمونه‌هایی از اشعار سعدی: از غزل‌ها، قصیده‌ها، چند قطعه از بوستان و قطعات (صص ۲۴۶-۲۳۶).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی

**۲. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۱۲ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۴ بار، قطعات ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. ارزش والای تحقیقات ادیب گرانمایه، آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب بر کسی پوشیده نیست. ایشان در کتاب سیري در شعر فارسی، به گونه‌ای مختصر تحول شعر فارسی را کاویده‌اند، و خود در آغاز مقدمه کتاب گفته‌اند: " سیري در شعر فارسی، جز بررسی کوتاه سریعی از تحول شعر فارسی و شیوه‌های گذشته آن نیست ... ". در گفتار کوتاهی که با نثری شیوا و سامان یافته، برای معرفی کیفیت شعر سعدی در این کتاب آمده است، سخن تازه‌ای افزون بر آنچه پیش از این درباره سعدی گفته شده وجود ندارد.

چنانچه سروده‌هایی که به عنوان نمونه‌ای از اشعار سعدی گزینش و نقل شده، با ذکر نشانی مأخذ همراه بود، بر ارزش کاربردی آن می‌افزود.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. شاعری اندیشه‌ور، کلك، شماره چهار، تیر ۱۳۶۹، ص ۸، ۲-۵. از چالش سعدی تا ساختار زبانی و بیانی شاهنامه، دکتر نصرالله امامی، مجله دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۲، صص ۵۹، ۷۳، ۵-۲. سعدی و فردوسی، دکتر منصور رستگار فسایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، صص ۱۱۸، ۱۲۹.

**سعدی ، دکتر داریوش صبور، برگرفته شده از کتاب " آفاق غزل فارسي " ، نشر گفتار، ۱۳۷۰، صص ۲۷۹-۳۶۷.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره جایگاه سعدی در غزل فارسی: " سخن از مردی است که با ظهور خود و شیوه بی‌مانند خویش در سخنوری و سخن‌پردازی، قرن هفتم هجری قمری را میان قرون شعر و ادب ایران، تشخیص و درخشندگی چشمگیری بخشید و هنوز پس از سپری شدن هفت قرن، و در رسیدن این روزگار که شاعران چیره طبع و گرم‌زبان بسیاری در پهنه ادب پارسی تاخته‌اند، ماندش در نظم و نثر و شیوه ویژه‌ای که وی در بیان مفاهیم ذهنی خویش داشت نیامده است. و زبان آن روزگار وی، هنوز همچنان استوارترین پایه و معیار اصیل و فصاحت و بلاغت است " (ص ۳۶۷). " روشن است که بررسی زبان غزل‌سرایی چون سعدی و نمایش سر قوت تعبیرهای غنایی او، کار دشواری است و نمی‌توان برای بازنمودن سحر سخن او موازین معینی به دست داد، اگر چه برای دستیابی به این مهم، چیرگی در تمام فنون لغت و ادب و تحلیل و تعلیل‌های فنی حاصل باشد، زیرا با این همه باز باید نیروی زبان او را با لطایف ذوق و تأثیرپذیری احساساتی لطیف چشید و گوارایی غزلیات او را دریافت (ص ۳۶۸).

۱-۲. توضیح درباره راز بلندمرتبه‌گی مسلم سعدی در غزل: " در زبان غزلیات سعدی مانند شیوه‌ای که در دیگر آثار شعر و نثر او رعایت شده، یک نوع سادگی و روانی موج می‌زند که قابل تعبیر و توصیف دقیق نیست و همین کیفیت خاص است که سخن او را سهل ولی ممتنع می‌نماید. این سادگی که ویژه نبوغ شاعرانه و زبان مرصع اوست، تنها تابع مسیر زبان و نزدیک شدن غزل به زبان تکلم و محاوره که در قرن ششم، پایه‌های آن استوار شد، نیست. بلکه یک نوع هنر سحرآفرینی و ایجاز که ویژه طبع ظریف و دقیق ... سعدی است، نیز همراه این سادگی است (ص ۳۷۰).

۱-۳. مقایسه سروده‌هایی از عراقی و سعدی برای اثبات برتری سخن سعدی (صص ۳۷۳-۳۷۰).

۱-۴. ادامه بررسی سبک غزل‌های سعدی: " نمایش کمال سخن سعدی به روشنی امکان ندارد، چه این کمال از مجموع نکات دقیق و کوچک پدید آمده که استادان پیشین و پسین، هر یک قسمتی از آنها را کم و بیش به کار بسته‌اند ولی هیچ یک در مجموع، سعدی نبوده و نشده‌اند.

پرهیز از تنافر حروف، نیاوردن واژه‌های متروک، اعجاز در حسن ترکیب جملات، دوری از هجاهای سه حرفی و التقای دو ساکن، اجتناب از استعاره‌های دور از ذهن و نیاوردن حشو، رعایت اعتدال در تشبیهات معقول، دوری از اغراق‌های شگفت و غیرقابل پذیرش که ذهن را می‌آزارد، موزونی و روانی، گزینش استادانه واژه‌ها و کمال هماهنگی که در بافت غزل ممکن است وجود داشته باشد، رعایت معقول صنایع لفظی که به زیبایی و شیوایی سخن یاری می‌کند، و از همه مهم‌تر تیزبینی شاعرانه نسبت به مقدمات ذهنی مردم و استفاده از آنها به منظور حسن تأثیر عاطفی غزل، از وجوه امتیاز سخن سعدی است ... " (ص ۳۷۴).

۱-۵. تأکید بر اندیشه‌های غنایی و عاشقانه در غزل‌های سعدی (صص ۳۷۷-۳۷۵).

۱-۶. اشاره به برخی از مضامین عرفانی در غزل‌های سعدی و عرفانی که در قرن هفتم می‌زیسته‌اند و بر اندیشه سعدی تأثیر گذاشته‌اند (صص ۳۷۷-۳۷۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، علمی، ۱۳۲۸، ۲-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی، ابن‌سینا، ۱۳۳۹، ۲-۳. سعدی و سهروردی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعدی‌نامه، ۱۳۱۶.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۲۵ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. کتاب ارزشمند " آفاق غزل فارسی " پژوهشی است انتقادی که تحول غزل فارسی را از آغاز تا به امروز کاویده و بازنموده است.

" در این کتاب، بجز بخشی که اختصاص به سعدی دارد، در بخش‌های دیگر نیز به صورت پراکنده درباره غزل‌های سعدی، سخن رفته است، به عنوان مثال در صص ۳۴۵-۳۴۲، تعدادی از غزل‌های همانند سعدی و انوری و در صص ۳۶۳-۳۶۰، تعدادی از غزل‌های همانند سعدی و خاقانی و ... معرفی و بررسی شده است.

سیزده صفحه از کتاب (صص ۲۷۹-۲۶۷) اختصاصاً درباره جایگاه سعدی، و نقش او در تحول غزل فارسی و ویژگی‌های سبکی اوست. نویسنده، در این بخش ضمن تأکید بر ارزش والای غزل‌های سعدی، با بررسی منطقی و سودمند، برخی از ویژگی‌های سبکی آن را به درستی باز نموده است. با آنکه سخن تازه پژوهشی در این بخش به چشم نمی‌خورد اما تحلیل منطقی، استنادهای مکرر به سروده‌های سعدی و شیوایی نثر، بر ارزش آن افزوده است.

**سعدی، دکتر ذبیح‌الله صفا، برگرفته شده از کتاب " تاریخ ادبیات در ایران "، انتشارات فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ج ۲/۱، صص ۶۲۲-۵۸۴ و ج ۲/۲، صص ۱۲۱۹-۱۲۱۷.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۲۹-۱۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی بیش از بیست مأخذ که درباره احوال و آثار سعدی سخن گفته‌اند (صص ۵۸۶-۵۸۴ - پاروقی).  
۱-۲. تأکید بر ارزش والای سعدی: " الشیخ الامام المحقق، ملک الکلام، افصح المتکلمین ابومحمد مشرف‌الدین (شرف‌الدین). مصلح‌بن عبدالله بن مشرف‌السعدی الشیرازی بی‌تردید بزرگ‌ترین شاعری است که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را به نور خیره‌کننده خود روشن ساخت، و آن روشنی با چنان نیرویی همراه بود، که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام، از تأثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی بر جای است، همچنان برقرار خواهد ماند ... " (صص ۵۸۶-۵۸۴).

۱-۳. اشاره به اختلاف تذکره‌ها و مأخذ قدیمی در خصوص " نام و نسب " سعدی و ذکر قول برخی از این مأخذ (صص ۵۸۸-۵۸۶).  
۱-۴. اشاره به اختلاف نظر درباره وجه تخلص سعدی: " ... بنابر اقوال متقدمین تخلص او به سعدی به سبب ظهور اوست در روزگار اتابک سعدبن زنگی بن مودود سلغری (۶۲۳-۵۹۹) و بنابر نظر ابن‌الغوطی در کتاب تلخیص مجمع‌الآداب به علت انتساب سعدی به سعدبن ابی‌بکر بن سعدبن زنگی، و این نظر ثانوی مورد قبول غالب محققان معاصر است. اما مطلقاً بعید به نظر نمی‌آید که سعدی نام شاعری خود را از نام سعد بن زنگی گرفته باشد ... " (ص ۵۸۹).

۱-۵. توضیح درباره تاریخ ولادت سعدی، " تاریخ ولادت شیخ در مأخذ ذکر نشده است، ولی به قرینه سخن او در گلستان می‌توان آن را به تقریب در حدود سال ۶۰۶ هجری دانست ... " (ص ۵۸۹).

- رد دلایل کسانی که تولد سعدی را پیش از ۶۰۰ هجری نوشته‌اند (صص ۵۹۲-۵۹۰ در پاروقی).  
۱-۶. توضیح درباره مسافرت‌ها، تحصیلات و استادان سعدی (صص ۵۹۸-۵۹۲).

۱-۷. ذکر اختلاف مأخذ در ضبط تاریخ وفات سعدی (صص ۵۹۹-۵۹۸). با این نتیجه‌گیری که: " ذی‌الحجه سال ۶۹۰ در غالب مأخذ نزدیک به دوران حیات سعدی ذکر شده و اعتماد بدان سزاوارتر می‌نماید " (ص ۵۹۹).

۱-۸. تأکید بر شهرت سعدی در زمان خودش با اشاره به تکریم شاعران معاصرش نسبت به او، کسانی چون امیرخسرو، حسن دهلوی و سیف‌الله فرغانی (صص ۶۰۲-۶۰۰).

۱-۹. معرفی ممدوحان سعدی (صص ۶۰۵-۶۰۲).  
۱-۱۰. معرفی مختصر آثار منظوم سعدی (صص ۶۰۷-۶۰۵).

۱-۱۱. توضیح درباره سیر جمع‌آوری آثار سعدی و تألیف کلیات (صص ۶۰۹-۶۰۷).  
۱-۱۲. یادکرد ویژگی‌هایی از سخن سعدی که موجب اشتهار مسلم او شده است با تأکید ویژه بر فصاحت، شیوایی کلام و سادگی بیان او (صص ۶۱۴-۶۱۰).

۱-۱۳. انتخاب و نقل سیزده غزل و ۶ قطعه از بوستان به عنوان نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی (صص ۶۱۴-۶۱۲). \* در صص ۶۲۲ مطالب مربوط به زندگی و شعر سعدی به پایان رسیده و ادامه مطالب - که درباره نثر سعدی است - از صص ۱۲۱۷ (جلد ۲-۳) پی گرفته شده است.

۱-۱۴. توضیح درباره نثر سعدی: " ... وی تنها در صف اول شاعران بزرگ ایران قرار ندارد، بلکه در نثر هم دارای همان مقام و مرتبه است. اهمیت او در نویسندگی از چند جهت است: نخست آنکه سعدی در نثر مصنوع دنباله نهضت نویسندگان متصنع را، که در اواخر قرن ششم و تمام قرن هفتم به شدت بر کار بود، نگرفت، بلکه سعی کرد با شیوه‌ای خاص که خود در این سبک ایجاد نمود، حدت آن نهضت را درهم شکند و روش میانه‌ای به وجود آورد ... نثر سعدی در اساس و بنیاد، مانند شعر او ساده ولی همراه با فصاحتی اعجازآمیز و اعجاب‌انگیز است ... و اگر خطا نکنم، باید گفت که او در نثر خود شاعر است و در شعر خود اشعر ... " (صص ۱۲۱۸-۱۲۱۷).

۱-۱۵. معرفی مختصر آثار منثور سعدی (صص ۱۲۱۹-۱۲۱۸).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. تذکره‌های مختلف، از آن جمله است: تذکره‌الشعرا دولت‌شاه، حبیب‌السیر، نجات‌الانس، مجمع‌الفصحا، تاریخ گزیده و ... ۲-۲. سعدی‌نامه، حبیب یغمایی. ۲-۳. تاریخ درست درگذشت سعدی "، سعید نفیسی. ۲-۴. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. بوستان ۱۸ بار، غزلیات ۱۶ بار، گلستان ۷ بار، قصاید ۴ بار، رسائل نثر ۵ بار، قطعات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. کتاب " تاریخ ادبیات در ایران " تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا که در چندین جلد فراهم آمده، از ارزشمندترین و کاربردی‌ترین کتاب‌هایی است که با بررسی اوضاع اجتماعی هر دوره در موضوع تاریخ ادبیات نوشته شده است. در بخش نخست از جلد سوم این کتاب به ترتیب تاریخی، نوبت به سعدی رسیده و مؤلف با استفاده از مأخذ گوناگون، احوال و آثار سعدی را بررسی کرده و باز نموده است.

۴-۲. ذکر دقیق نشانی مأخذ در پاروقی و استناد مکرر به آثار سعدی برای تأیید گفتار از دیگر ویژگی‌های این نوشته است.  
۴-۳. نگارنده در چند موضع، نیز، نظر دیگران را نقد و رد کرده است، از آن جمله است:

- صص ۵۹۲-۵۹۰ (گفتار پاروقی)، رد دلایل کسانی که تولد سعدی را پیش از سال ۶۰۰ دانسته‌اند.  
- ص ۵۹۴، رد نظر کسانی که ابوالفرج بن جوزی دوم را با ابوالفرج بن جوزی اول اشتباه گرفته‌اند.

- ص ۵۹۶، رد نظر کسانی چون دولت‌شاه و هدایت که سعدی را مرید شیخ عبدالقادر گیلانی دانسته‌اند و ...  
۴-۴. چنانچه نشانی ابیات شاهد از آثار سعدی نیز نوشته می‌شد، بر ارزش علمی نوشته می‌افزود.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. تعهد و مسؤولیت در شعر سعدی، سید محمد ترابی، پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳، صص ۶، ۷، ۲-۵. سعدی، دکتر ذبیح‌الله صفا، کتاب " گنجینه سخن، ج ۴، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ (چاپ چهارم)، صص ۹۲، ۵-۳. تأملی بر عقاید سعدی در تأثیر تربیت، حمید دباشی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۲۸،

۶۴۵، ۶۴۶، ۴-۵. سعدی و فردوسی، دکتر منصور رستگار فسایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۶۴-۵۰. سعدی آموزگار، فناخت، محمدمهدی رکنی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۷۳-۵۰. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صنایعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۶-۷۰. دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی، با شرح ابیات و ...، ج اول، دکتر خلیل خطیب‌رهر، انتشارات سعدی، زمستان ۱۳۶۸ (چاپ سوم)، ص: چهل و دو. ۵-۸. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۸-۵۷. شکوه سعدی در غزل، گزیده و شرح عبدالمحمد آیتی، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۹، ص ۱۰-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۸-۵۷، ۱۱۴. ۵-۱۱. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، صص ۲۰، ۲۲، ۱۲۹. ۵-۱۲. شاعری اندیشه‌ور، کلاک، شماره ۴، تیر ۱۳۶۹، ص ۸-۱۲. ۵-۱۲. انوشیروان و بوزجهمر در گلستان سعدی، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۹۵-۱۴. ۵-۱۴. سخن‌دانی و زیبایی - غزلیات سعدی، زیر نظر محمد روایی، (برگ‌های زرین ادبیات فارسی - ۳)، انتشارات ناهید، ۱۳۷۱، ص: چهارده. ۵-۱۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۶۰-۱۶. ۵-۱۶. برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزاد، ۱۳۷۴، ص: دوازده. ۵-۱۷. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ص ۳۷۲.

**سعدی ، دکتر ذبیح‌الله صفا، برگرفته شده از کتاب " گنج سخن " ، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صص ۲۰۰-۱۸۴.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح مختصر درباره زندگی و آثار سعدی (صص ۱۸۵-۱۸۴).  
 ۱-۲. نقل سروده‌هایی از گلستان، بوستان، قصاید و غزلیات سعدی (صص ۲۰۰-۱۸۵).  
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی.  
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۱ بار، بوستان ۴ بار، قصاید ۳ بار گلستان ۱ بار.  
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. در کتاب ارزشمند " گنج سخن "، سخن‌سرایان بزرگ زبان پارسی با نقل نمونه‌هایی از آثارشان، به ترتیب تاریخی معرفی شده‌اند، هفده صفحه از جلد دوم این کتاب، به سعدی اختصاص یافته و پس از توضیح کوتاهی درباره زندگی و آثار او، چند نمونه از سروده‌هایش باز نموده شده است.  
 در این نوشته، سخن تازه‌ای درباره سعدی گفته نشده و برجستگی ویژه‌ای در آن به چشم نمی‌خورد.

**سعدی ، دکتر ذبیح‌الله صفا، برگرفته شده از کتاب " گنجینه سخن "، ج ۴، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، صص ۱۱۳-۹۲.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای کوتاه به میث سعدی در کتاب‌های " گنج سخن " و " تاریخ ادبیات در ایران " از خود نگارنده مقاله (ص ۹۲).  
 ۱-۲. انتخاب قطعه‌هایی از نثر سعدی: نصیحة‌الملوک (صص ۹۴-۹۲)، رساله عقل و عشق (صص ۹۶-۹۴)، مجلس اول از مجالس پنج‌گانه (صص ۹۸-۹۶) و گلستان (صص ۱۱۳-۹۹).  
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رسائل نثر ۳ بار، گلستان ۲ بار.  
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. آقاي دکتر ذبیح‌الله صفا در مجموعه ارزشمند " گنجینه سخن " نمونه‌های گوناگون نثر فارسی را از دوره‌های مختلف برگزیده و آنها را به ترتیب تاریخی در چند جلد باز نموده است.  
 بیست‌ودو صفحه از جلد چهارم " گنجینه سخن " به نمونه‌های نثر سعدی اختصاص یافته و در آن سه نمونه از رسائل نثر و دو نمونه از حکایت‌های گلستان نقل شده است. دو حکایت انتخاب شده از گلستان (" مشت زنی را حکایت کنند ... " - حکایت ۲۸ از باب سوم و " جدال سعدی با مدعی " - از پایان باب هفتم گلستان) بلندترین حکایت‌های گلستان هستند. با توجه به اینکه در این کتاب قرار بر ارائه نمونه بوده است، بهتر بود از حکایت‌های کوتاه‌تر و از عبارات‌های باب هشتم نیز نمونه‌هایی نقل می‌شد.  
 دکتر صفا در مقدمه مفصل جلد نخست گنجینه سخن نیز درباره اهمیت نثر گلستان و تأثیر آن در نثر پارسی توضیح داده‌اند.

**سعدی ، مجله پیام نوین، سال اول، شماره ۵، بهمن ۱۳۲۷، ص ۴۷.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته بسیار کوتاه خلاصه‌ای است از مطلبی که در شماره ۹۹ سال ۱۹۵۸ مجله " اتحاد شوروی " درباره سعدی به چاپ رسیده است، از جمله: " سعدی مدافع سرسخت عدالت اجتماعی است. او هفت قرن پیش نکات و مطالب مهمی را استنباط کرده و به زور نثر و نظم در آورده، که امروز هم زبان حال راهنمایان و رهبران بزرگ جهان است " (ص ۴۷).  
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.  
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.  
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. ۱-۱ همین مقاله.

**سعدی ، بان ریپکا، برگرفته شده از کتاب " ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان "، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۴، صص ۱۱۸-۱۰۱.**  
**چاپ‌های دیگر:** ۱. تاریخ ادبیات ایران، بان ریپکا، اتا کار کلیما، ایرژی بیچکا، ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات گوتمبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰، صص ۳۷۹-۳۷۱ (با تغییرات و حذف اضافات).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره شخصیت سعدی: " ما سعدی را یکی از محبوب‌ترین شعرای اخلاقی ادبیات فارسی و یکی از مشهورترین شعرای ایران، نه به صورت یک نفر مربی عبوس، بلکه به صورت شخصی بشاش، خوش‌مشرب با کورسویی از بذله‌گویی شیطنت‌آمیز، می‌دانیم ... تصویر واقعی سعدی را نمی‌توان با واقعیت‌های محدود تراجم احوال موجود وی، ترسیم کرد. حتی بر گفته‌های خود سعدی نیز اعتباری نیست ... " (ص ۱۰۱).

۱-۲. اشاره به سال تولد، کودکی و سفرهای سعدی و اختلاف نظرها در این باره با تأکید بر غیرواقعی بودن بسیاری از داستان‌ها و وقایعی که برای سعدی نوشته‌اند (صص ۱۰۴-۱۰۱).

۱-۳. اشاره به زمان تألیف گلستان و بوستان و آثار دیگر سعدی (صص ۱۰۵-۱۰۴).

۱-۴. توضیح درباره عرفان سعدی و خصوصیات اخلاقی او: "نمی‌توان قاطعانه اظهار داشت که سعدی جزو عرفا بوده است ... مهم‌ترین دلیلی که می‌توان در خصوص عرفان سعدی اظهار کرد، بابی در مسئله عشق کتاب بوستان اوست. معجزاً مبین گرایش او به سوی کشف و شهود نیست، بلکه بیشتر زهد و تقوی مد نظرش بوده ... سعدی در زندگی حقیقی خود نیز هیچ وقت پای‌بند اصول اخلاقی شدیدی نبوده است ... اگر سعدی جزو افراد نادر ادبیات فارسی است که به آزادی بیان ادبی ارزش زیادی قایل بوده و چابک‌لوسی در قصیده را دوست نمی‌داشته و ... چطور به خود اجازه داده تا هلاکو را که سلجوقشاه سلغری را از صفحه روزگار پاک کرد و بغداد را با خاک یکسان نمود و مستعصم آخرین خلیفه عباسی را به طرز فجیعی از میان برداشت، مدح نماید؟ ... " (صص ۱۰۶-۱۰۵).

۱-۵. توضیح درباره آثار سعدی (صص ۱۱۰-۱۰۶).

"محصولات ادبی سعدی مشتمل بر انواع شعر غنایی و نیز حماسه تعلیمی و نثر بلیغ و فصیح است ... ولی بیشترین شهرت او به خاطر تألیف کتاب گلستان بود (ص ۱۰۶) در اینجا ویژگی اسلوب سعدی، تسلط وی بر زبان، سادگی و سلاست ... و ایجاز است که در آن روزگار بی‌نظیر بود. اگر در بوستان نتوان اشعار فلسفی عمیق پیدا کرد (بجز در باب عشق و جوانی) در عوض گلستان مشحون از مفاهیم عملی و جامعه‌گرایی ملموس است که در آن نتایج حاصله در کسوت اشعار مقبول و بی‌نظیر جایگاه ویژه‌ای دارد ... لحن این اثر چند بعدی است، جد با هزل و اوج با حسیض در آمیخته است ... " (ص ۱۰۷).

- اشاره به مضامین قصاید، غزلیات، رسایل و آثار دیگر سعدی با اظهار تردید در انتساب رسائل نثر و پندنامه (کریم) به سعدی (صص ۱۱۰-۱۰۸).

"سعدی در ادبیات فارسی و نیز در ادبیات جهان یکی از افراد محبوب و چند بعدی است. از این رو نمی‌توان عقاید او [ را ] در یک سیستم منسجم و یکپارچه تلفیق نمود ... یکی از آرمان‌های برجسته او، اخوت تمام انسان‌هاست و عرفان او نیز از راه تشویق به زندگی فعالانه و متعادل به خدمت توده مردم در آمده است، او با شیوه ویژه خود به تسامح، بی‌عدالتی، استثمار و خشک‌اندیشی و خشک پارسایی تاخته است. ولی موفقیت و کامیابی بی‌نظیر و پایای سعدی بیشتر از همه در جهان‌شمولی او و نیز فلسفه مناسب اخلاقی‌اش نهفته است ... " (صص ۱۱۱-۱۱۰).

۱-۶. گفتاری زیر عنوان "معاصرین سعدی" و معرفی امامی هروی، مجدالدین همگر، عراقی، بابا افضل، شبستری، اوحدی و نزاری قهستانی (صص ۱۱۸-۱۱۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است). ۲-۲. تاریخ درست درگذشت سعدی، سعید نفیسی. ۲-۳. زمان تولد سعدی و اوایل زندگی او، عباس اقبال.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. رویکرد مستقیم ندارد ولی به آثار مختلف او اشاره شده است.

۴. اشاره: ۴-۱. کتاب "ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان" بخشی از پژوهش‌های ارجمند پرفسور یان ریپکا درباره ادبیات فارسی است. مترجم محترم کتاب درباره آن نوشته‌اند: "اثری که در اینجا ترجمه آن از نظر خوانندگان می‌گذرد بخشی از کتاب The Cambridge History Of Iran جلد پنجم است که ریپکا در آن دست به تلخیص و اجمال زده، لیکن توانسته موضوعات ادبی را با استحکام تمام مورد ارزیابی قرار دهد" (ص ۳۲).

فصل پنجم این کتاب به سعدی اختصاص یافته است. نویسندگان در این فصل با یک نگاه تحلیلی و انتقادی، زندگی و آثار سعدی را بررسی کرده و بسیاری از روایت‌ها را که درباره زندگی او گفته شده با تردید نگریسته است، از جمله: "سفر تنهایی او به تبریز جای تردید دارد ... درباره دیدارهای دیگر او با شخصیت‌های معروف این دوره، داستان‌ها پرداخته‌اند که هیچ کدام نقشی از حقیقت ندارد. مثلاً گزارش شده که سعدی در شیراز با شیخ صفی‌الدین، جد اعلا صفویه دیدار کرده و او را نماینده شدید عقاید شیعی معرفی نموده است ... " (ص ۱۰۳).

۴-۲. برخی از نظرات نگارنده محل تأمل و تردید است و بیشتر مواردی است که یا بدون استناد تاریخی بیان شده یا بدون ذکر مأخذ و ... موارد زیر از آن جمله است: در ص ۱۰۲ بدون ذکر دلیل و مأخذ نوشته‌اند: "سعدی دوازده ساله بود که پدرش را از دست داد". در ص ۱۰۳ نوشته‌اند: "داستان ساختگی از بین بردن بت معبد سومنات توسط سعدی نیز خط بطلان بر سفر او به هند می‌کشد". البته حکایت یاد شده در بوستان، همان طور که بسیاری از سعدی‌پژوهان گفته‌اند، دچار اشکالاتی است. اما آیا حتی با یقین به ساختگی بودن داستان می‌توان از آن نتیجه گرفت و با قاطعیت گفت: سعدی سفری به هند نداشته است! در ص ۱۰۶ نوشته‌اند: "سعدی همچنین از لواط بد گفته، با اینکه خود مطهر از این مسائل نبوده است". در ص ۱۰۷ نوشته‌اند: "بوستان و یا به عبارت صحیح‌تر سعدی نامه حماسه‌ای در بحر متقارب که به غلط به صورت یک حماسه خاص قهرمانی به شمار آمده است". اولاً که بوستان "حماسه" نیست و ثانیاً معلوم نیست در چه نوشته‌ای "به صورت یک حماسه خاص قهرمانی (!) به شمار آمده است". ؟ در ص ۱۰۷ همچنین درباره گلستان نوشته‌اند: "قالب آن [ گلستان ] اثری در تحول نثر فارسی نداشته". در ص ۱۰۹ بدون ذکر مأخذ نوشته‌اند: "طبق نوشته بهار، بعضی از اشعار سعدی، مضامین سیاسی را در کسوت شراب و شاهد می‌نمایند". در ص ۱۰۸ درباره قصاید سعدی، نوشته‌اند: "جذابیت قصیده، او را به طرف مدح کشانده است و تمام نقطه ضعف و اتهام سعدی نیز در همین قصاید نهفته است" در حالی که در چند سطر بعد نوشته‌اند: "... هرگز عقیده خود را مبنی بر آزادی کلام و آزادی قلم از دست نداد ... تمام افرادی را که می‌خواهند در قصاید خود پند و اندرز به شاهان بدهند خطاب قرار می‌دهد و بر وجوب عدالت و سخاوت و نیکوکاری پادشاهان تأکید می‌نماید ... سعدی برای انجام این کار مجبور بود از نوعی بیان نصیحت‌گر و پندآمیز سود جوید والا جسارت و گستاخی‌اش خطر می‌آفرید ...".

۴-۳. از نظر نظم منطقی مطالب بهتر بود بخش "معاصران سعدی" (صص ۱۱۸-۱۱۱) از فصل پنجم جدا می‌شد. زیرا مطالب این بخش پیوند مستقیم با سعدی ندارد.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۰۷، ۷۰۸. ۵-۲. سعدی، استاد شعر عاشقانه، ان ماری شیمل، ادبستان، دی ۱۳۶۸، ص ۴۸-۴۶.

۵-۳. در جستجوی خود انگاره سعدی، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چیستا، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، صص ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۵. ۵-۴. آیا سعدی یک جهانگرد بود، ناصر پورپیرا، ایران فردا، شماره ۲۹، دی ۱۳۷۵، ص ۵۶.

سعدی آموزگار قرون ، محمدعلی امامی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۴۶-۱۲۵.



**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش تعلیمی سخنان سعدی: " سعدی را به حقیقت باید یک حکیم بزرگ اجتماعی دانست، خصوصیات ظاهری و معنوی کلام سعدی طی چند قرن موجب دوام تسلط اندیشه او بر عقل و روان فارسی زبانان جهان گردیده است، به نحوی که اگر او را " معلم و مربی قرون و اعصار " بنامیم، راه میالغه نیموده‌ایم (ص ۱۲۸) ... سعدی موحی است مخلص که اعتقادش به وحدانیت خداوند به صفا و نورانیت آراسته است ... سعدی مسلمانان است معتقد و نعوت بلیغ و بلند او در دیباچه‌های بوستان و گلستان، در مراتب شخصیت نبی اکرم و عظمت رسالت رسول، بهترین شو اهد این مطلب است (ص ۱۲۹) ... احترام و ارادت سعدی به خاندان رسول فراوان است ... سعدی به معاد اعتقاد راسخ دارد و از آن به عنوان " روز بیم و امید "، " روز محشر "، " روز حساب " یاد می‌کند ... " مصحف عزیز " را بسیار محترم می‌داشته (ص ۱۲۰) با وجودی که شیخ یک روان‌شناس و حکیم اجتماعی است و در صدد تبلیغ و تعلیم حکمت عملی برای برخورداری از یک زندگی متعادل و سعادت‌مندانانه است، افکارش از صیغه عرفان خالی نیست و جایجا در آثارش رنگ تصوف به چشم می‌خورد (ص ۱۳۱) ... سخنور ما به حکم اندیشه توحیدی و اسلامیت و مشرب عارفانه و سعه صدری که دارد بسیار انسان دوست است ... و معتقد است جامعه انسانی در حکم تن واحد است (ص ۱۲۲) ... روح سعدی تشنه عدالت و بیزار از ظلم و سرشار از محبت نسبت به فرودستان و دستگیری از نیازمندان و استمالت دردمندان است ... سراسر سخن سعدی در هاله‌ای از فروغ و نیک‌خواهی و خیراندیشی قرار دارد (ص ۱۲۳) سعدی دارای شجاعت ادبی است. بدین معنی که در بیان حقایق و انتقاد از وضع زمان و تذکر به دولتمردان و نصیحت به امیران و پادشاهان از مواضع خطر نمی‌هراسد و با قوت روح و قدرت بیان آنچه را باید می‌گوید (ص ۱۲۵) ... سعدی شاعری است آزاده و مبلغ آزادگی. از آزادگی و عزت نفس در آثار سعدی بیشتر به قناعت و استغنا تعبیر گردیده است ... و به مسائل مادی حیات همان قدر تکیه دارد که بر مسائل معنوی، ... نیز دین را به دنیا فروختن و در پی حطام دنیوی و مقامات و مراتب صوری این جهانی، تن به ذلت دادن و عزت نفس را شکستن و ارزش انسانی از دست نهادن، را تصویب نمی‌کند (ص ۱۳۶) ... سعدی وظیفه اخلاقی و اجتماعی و دینی خود می‌داند به پاس استشعاری که به وی ارزانی گردیده و به شکرانه سرمایه ذوقی و بیانی که متمکن شده است، حقایق را بگوید و غفلت‌زدگان را به وظایفی که دارند بیاباگاهاند ... سعدی، ظریف طبعی پاکباز است بعضی به بی‌دقتی، پاره‌ای از سخنان سعدی را که به قصد جلب رغبت و مزید نفوذ، بر سبیل طیبت و ظرافت بیان گردیده است، بدآموز و منحرف‌کننده تلقی می‌کنند. این اتهام بر مردی فرزانه و نیک‌اندیش که داعیه هدایت دیگران را دارد و نزدیک به یک قرن عمر را با خیرخواهی و نیکنامی پشت سر گذاشته است، بسیار نارواست (ص ۱۲۸).

۱-۲. سعدی و تعلیم و تربیت: " سعدی را به واسطه نفوذ کلامش در اذهان و تأثیری که در زمینه‌های فکری اخلاقی و رفتار مردمان داشته است، می‌توان متنقدترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایران و در میان همه فارسی‌زبانان به حساب آورد ... هدف سعدی در تربیت، پروردن افراد با ایمان و متکی به نفس است که برای خود و خانواده خود و جامعه خود مفید باشند (ص ۱۳۹) از مطالعه نظریات سعدی در آثار وی اصول زیر به دست می‌آید:

اولاً، طفل قابل تربیت است و پرورش صحیح موجب تعالی او می‌گردد... ثانیاً، تربیت از کودکی و هرچه زودتر باید آغاز گردد وگرنه طفل استعداد تربیت را از دست می‌دهد و بعدها تأثیر تربیت و امکان تغییر و اصلاح در او کم می‌شود (ص ۱۴۰) ...  
ثالثاً، از آنجا که استعداد نیکی و بدی در انسان وجود دارد و معاشران در تقویت استعدادها مؤثرند، مؤکداً باید از همنشینی با ناصالحان پرهیز کرد و طفل را از مخالطت با نا اهلان مانع شد " (ص ۱۴۱).

۱-۳. " روش آموزش و پرورش در نظر سعدی:

- ۱-۳-۱. هر مبلغ و مربی باید در گفتار خویش رعایت میل و ذوق و استعداد شنونده را بکند (ص ۱۴۳).
- ۱-۳-۲. پدر باید وسایل رفاه زندگی و تحصیل فرزند را فراهم سازد تا حاجتی به دیگران نداشته باشد (ص ۱۴۳).
- ۱-۳-۳. پدر نباید فرزند را ناز پرورده بار آورد ... (ص ۱۴۳).
- ۱-۳-۴. معلم باید در تعلیم و تربیت از عامل " امید و بیم " بهره ببرد ... (ص ۱۴۳).
- ۱-۳-۵. سعدی بر لزوم احترام کودکان از مصاحبت و معاشرت با نادانان و ناصالحان تأکید فراوان دارد ... (ص ۱۴۳).
- ۱-۳-۶. بر متعلم است که دقت کافی مصروف دارد و حواس خود را به کار برد و بهانه‌جویی نکند ... (ص ۱۴۴).
- ۱-۳-۷. معلم باید در تعلیم و تربیت تا حد امکان روش دو جانبه و جامع و معتدل داشته باشد ... (ص ۱۴۴).
- ۱-۳-۸. چنانچه از روش‌های معتدل معلم اثر مطلوب حاصل نشد، باید به تنبیه بدنی توسل جست ... (ص ۱۴۴).
- ۱-۳-۹. با این همه نباید فراموش کرد که بهترین طریقه جلب توجه کودک و ترغیب او به یادگیری و آراستن او به زیور تربیت و ایجاد عادات نیکو در او، روش تشویق و تحسین است (ص ۱۴۵).

۱-۳-۱۰. متعلم نباید از سؤال کردن پیرامون درس و پرسیدن آنچه نمی‌داند، خودداری کند (ص ۱۴۵).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۳. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۴. نویسنده در بخش منابع و مأخذ از آثار دیگری نام برده است که محل استفاده آن در مقاله روشن نیست.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۳۲ بار، گلستان ۲۵ بار، قصاید ۱۷ بار، غزلیات ۱۲ بار، قطعات ۲ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. سعدی در بوستان و گلستان بسیاری از اصول تعلیم و تربیت را بیان کرده است. بسیاری از کسانی که به آثار سعدی توجه کرده‌اند به این امر اشاره داشته‌اند. افزون بر مقاله‌های متعددی که با همین موضوع منتشر شده است، دو کتاب مستقل (تعلیم و تربیت در نظر سعدی از محمد جناب‌زاده، ۱۳۱۷ و تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی از محمدکریم آزادی، ۱۳۷۳). نیز به طور مستقل به بررسی نظریات سعدی در امر تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. در این مقاله نیز با آنکه آرای سعدی دسته‌بندی و منظم شده، سخن تازه‌ای بیان نشده و به منابع پیشین هم اشاره‌ای نشده است.

۴-۲. نشانی عبارت‌ها و بیت‌های شاهد مشخص نشده است و محل استفاده منابع و مأخذی که در پی‌نوشت مقاله آمده، معلوم نیست.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاآتسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۰.

**سعدی آموزگار قناعت ، محمدمهدی رکنی، ذکرجمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۷۴، ۱۶۲.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. مشکوه، دوره سوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۶۳، صص ۵۸-۲۶ (در این مأخذ با تفصیل بیشتری آمده است).**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر موضوع قناعت در آثار سعدی، تازگی بحث در این باره و بررسی معنای قناعت از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران: " از مجموع آنچه مفسران و لغت‌نویسان گفته‌اند، می‌فهمیم که عناصر سازنده قناعت عبارت است از: اکتفا به مقدار کم از مال دنیا ، سؤال نکردن و صبر بر تنگدستی، رضایت و خرسندی به نصیب دنیایی، ترک حرص و افزون‌خواهی. از میان صفات نامبرده "رضایت" جلوه و برجستگی خاصی دارد." (ص ۱۶۶-۱۶۵).

۱-۲. عناصر تشکیل دهنده فناعت در نظر سعدي در چهار بخش بررسي مي‌شود:

۱-۲-۱. "درخواست و سؤال نکردن - حکایت اول و حکایت چهارده از باب سوم گلستان و برخي از تمثيل‌ها و حکايت‌هاي بوستان در اين معني است. در اين حکايت‌ها، آموزگار ما مي‌خواهد روح عزت نفس و بلند طبعي را در ما پرورش دهد، و از ذلت و پستي هواپرستي برهاند." (صص ۱۶۸-۱۶۷).

۱-۲-۲. "بي‌اعتنايي به مال و مقام - حکايت دوم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، هفدهم و بيست و سوم از باب سوم گلستان در اين معني است." (ص ۱۶۸).

۱-۲-۳. "مذمت حرص و طمع و بخل - در پنج حکايت گلستان و ابياتي از بوستان با بيان هنرمندانه قوي به مذمت اين خصال ناستوده پرداخته شده است." (ص ۱۶۹).

۱-۲-۴. "کم خوردن: حکايت چهار تا نه از باب سوم گلستان به شرح زبان‌هاي شکم‌بارگي و فوايد کم خوردن اختصاص يافته." (صص ۱۷۰-۱۶۹). "سعدي مفاهيم و تعليمات را به صورت تمثيل‌هاي شيرين و حکايات دلنشين ذکر کرده‌است به طوري که تلخي موعظه را در کام جان خواننده از بين مي‌برد." (ص ۱۷۰).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. گلستان به تصحيح محمدعلي فروغي. ۲-۲. شرح گلستان، محمد خزائلي. ۲-۳. تاريخ ادبيات، ذبيح‌الله صفا. ۲-۴. بوستان سعدي، تصحيح و توضيح غلامحسين يوسفی.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۱۴ بار، بوستان ۸ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين مقاله از نظر ذکر مآخذ و منابع و ذکر نشاني شواهد، بي‌نقص است. مطالب نيز نسبتاً موجز است. نويسنده براي پرهيز از درازي سخن تنها به ذکر نشاني برخي مثال‌ها از آثار سعدي بسنده کرده است. البته برخي از توضيحات سست به ايجاز اين مقاله لطمه زده است، از جمله: "چون مقدار زيادي از هزينه زندگي هر انسان يا خانواده‌اي را خوراك آنها تشكيل مي‌دهد، بنا بر اين شخص قانع - که طبعاً ثروتمند نيست - بايد در برآوردن اين حاجت طبيعي به حد اعتدال بسنده کند، بخصوص که پرخوري، مفاسد اخلاقي ديگري را نيز همراه دارد" (ص ۱۶۹). چنانچه نويسنده مقاله، از محدوده باب سوم گلستان و باب ششم بوستان بيرون آمده و آثار ديگر سعدي را نيز کاویده بود، به نمونه‌ها و نتايج بهتري دست مي‌يافت.

۵. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدي ...، اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶.

## سعدي خوش‌تر از حديث تو نيست ، مهدي الماسي، نشریه رشد جوان، بهمن ۱۳۷۴، صص ۱۶-۱۲.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به نام، تخلص، تولد، زندگي، مسافرت‌ها و مرگ سعدي و تأکيد بر تازگي هميشه سخن سعدي: "باري آثار سعدي بيش از آن که عصاره و چکيده اندیشه‌ها و تأملات عرفاني و اجتماعي و تربيتي وي باشد، آيينه خصايل و خلق و خوي و منش ملتي کهنسال است و از همين رو، کهنگي و زوال را در آن راهي نيست" (ص ۱۲).

۱-۲. بررسي عناصر سخن سعدي، از جمله: "توفيق سعدي و اکسير شعر او در اين دقيقه نهفته است، يعني در تلفيق " صنايع لفظي و بياني " با " حال و احساس دروني در طبيعي‌ترين حالت ممکن ... پيش از وي غزل فارسي در کوره تلاش شاعراني همچون فرخي، سنائي، خاقاني، انوري، و عطار گداخته بود؛ اما سعدي آن را چنان آبيده و صيقلی کرد که نه پيش از وي قرينه و مشابهي بر اين مي‌توان يافت و نه بعد از وي، کسي گامي بيشتري و بيشتري نهاد" (ص ۱۴).

۱-۳. باز نمود برخي از ويژگي‌هاي سبکي شعر سعدي، به شرح زير:

۱-۳-۱. " ساختار نحوي جملات در ابيات به صحيح‌ترين شکل ممکن است " (ص ۱۴).

۱-۳-۲. " ايجاز: ... ساختار شعر سعدي کم کردن و يا افزودن کلمه‌اي را خارج از قاعده و بي‌توجه به بافت کلي کلام برنمي‌تابد ... ايجاز سعدي، ايجاز ميانه تهی و سبک نيست، بلکه پرمایه و گرانبار از اندیشه و درد است " (ص ۱۴).

۱-۳-۳. " سعدي از موسيقي و عوامل موسيقي ساز در سبک و زبان اشعارش سود مي‌جوید ... علاوه بر اوزان عروضي، شاعر به شيوه مؤثري از عوامل بهره مي‌برد که هر کدام به نوعي موسيقي کلام او را افزايش مي‌دهند ... " (ص ۱۴).

۱-۳-۴. " طنز و ظرافت جا يگه‌اي در ساختار سبکي آثار سعدي دارد ... طنز سعدي سرشار از روح حيات و سرزندگي است ... با تکیه بر زبان طنز ریاکاران نيرنگ باز و زاهدان دورو و گندم نمايان جو فروش را رسوا مي‌کند و ... " (ص ۱۵).

۱-۳-۵. " عشق سعدي، نفس‌پرستي نيست ... سيماي معشوق در غزل سعدي در هاله‌اي از نورانيت و روحانيت محصور است. اگر چه پارگه‌اي به صورت ملموس و در دسترس و در صورت تعينات عالم جسماني ظاهر مي‌شود، اما در حقيقت شاهد سعدي به صورتي مثالي در غزل‌هاي وي ظاهر مي‌شود ... " (ص ۱۶).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي (نشاني مآخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۱۹ بار، گلستان ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در اين نوشته کوتاه برخي از ويژگي‌هاي سخن سعدي بويژه در غزليات با يادکرد نمونه‌هايي باز نموده شده است. هر چند سخن تازه‌اي در اين نوشته بيان نشده، اما شيوايي بيان، رعایت ايجاز و بيان نمونه‌هاي شاهد، مقاله را به نوشته‌اي شايسته خواندن تبديل کرده است.

۴-۲. منابع مورد استفاده و نشاني سخنان سعدي مشخص نشده و از ارزش تحقيقي مقاله کاسته است.

## سعدي از دست خويشتن فریاد ، نصرت‌الله فتحي، ايران‌آباد، شماره سوم، خرداد ۱۳۳۹، صص ۲۱-۲۰.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اين نوشته درباره بنياد تخت‌جمشيد است و جز در عنوان نوشته، ارتباطي به سعدي ندارد.

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته هيچ ارتباطي به سعدي ندارد.

سعدي از دیدگاه " دید رو " ، اکبر اصغر تيريزي، هستي، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۰۱-۹۵.  
چاپ‌هاي ديگر: ۱. آينده، سال هفتم، شماره ۱۲-۱۱، بهمن و اسفند ۱۳۶۰، صص ۸۴۰-۸۳۹ (تنها بخش نخست اين مقاله در مجله آينده به چاپ رسيده است).

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به ترجمه و اهداي بخش‌هايي از گلستان توسط ديرو به دلدارش سوفي و اشاره به انگيزه اين عمل: " به نظر مي‌رسد که ديرو اين کار خوشه‌چيني در گلستان سعدي را به پيروي از يك فکر و هدف خاص و مشخص انجام داده

باشد. فی الواقع محکومیت و توقیف مجموعه " دایرةالمعارف " در سال ۱۷۵۹ از سوی محافل دینی و حکومتی وقت فرانسه بهانه خوبی به دست فیلسوف ملامتی می‌دهد تا با برگرداندن جملات سعدی بر ضد درویش صوری، کشیشان متعصب یسوعی، این دشمنان سوگندخورده " دایرةالمعارف " را مورد گزنده‌ترین هجوها و انتقادات خویش قرار دهد ... (آینده، ص ۸۳۹).

۱-۲. تأکید بر مآخذ آشنایی دیدرو با گلستان: " ترجمه لاتینی - ژرژ ژنتیوس - یا - جرج جنتیوس، از گلستان سعدی تنها نسخه‌ای بوده است از این نوع که می‌توانسته در دسترس و مورد استفاده دیدرو قرار گیرد ... البته این اعتقاد ... کاملاً متکی بر شواهد علمی و عینی است ... مطالعه فهرست کامل اولین ترجمه‌ها از گلستان به زبان‌های مختلف ... این بنده را بر آن داشت تا به لحاظ کامل بودن و تقدم تاریخی و بالاخص همراه بودن این ترجمه با متن اصلی آن به خط نسخ، به جستجوی آن بپردازد، باری چنان شد که نسخه‌ای از ترجمه مزبور را در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان یافتیم ... قسمتی از دیباچه گلستان را مترجم لاتین زبان آن زیر عنوان " سبب تألیف کتاب گلستان " به نظم کشیده است، بدین‌سان دیگر مسأله‌ای به نام کشف مآخذ و منشأ آشنایی دیدرو با گلستان سعدی برای نگارنده باقی نمی‌ماند " (آینده، صص ۸۴۰-۸۳۹). ۱-۳. نقل و بررسی یکی از حکایت‌های گلستان که در ترجمه دیدرو تحریف شده است: " در میان حکایاتی که " دیدرو " از گلستان سعدی برگزیده و به زبان فرانسه آورده، حکایتی معروف از باب دوم گلستان از جهت تحریف چشمگیری که مترجم فیلسوف ما در آن وارد ساخته، بیش از همه در نظر نگارنده جلوه نمود " (ص ۹۷).

۱-۴. برگردان حکایت " در جامع بعلبک ... " از گلستان (که توسط دیدرو به فرانسه ترجمه شده است) (صص ۱۰۱-۹۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ترجمه " دیدرو " از گلستان. ۲-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزایی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲ بار (تمام مقاله درباره گلستان است).

۴. اشاره: ۴-۱. ارزش مقدمه این نوشته در این است که مآخذ آشنایی " دیدرو " با گلستان سعدی مشخص شده است و برگردان یکی از حکایت‌های گلستان از ترجمه فرانسوی " دیدرو " در این مقاله نشان می‌دهد که چگونه سخن سعدی در این ترجمه یک‌باره تحریف و دگرگون شده و از اصل آن فاصله گرفته است. دیدرو حکایت سعدی را با افزوده‌های بی‌وجهی ده برابر درازتر کرده است. افزوده‌هایی که چهره سعدی را برای خواننده غربی کاملاً دگرگون و شخصیت او را کاملاً مخدوش می‌کند. از جمله افزوده‌هایی که ارتباطی با حکایت سعدی ندارد، جمله‌های زیر است: " در آن ایام که در فریق عالمان دین بودم ... همواره در ترصد آن بودم تا عوالم دوستی و مودت خود را نسبت به خویشتن و مراتب انزجار و نفرت خود را از دیگران به سمع جهانیان برسانم ... خیل مریدان که به احترام ورودم قیام کرده بودند، از برابرم چون گله ستوران متفرق همی‌گشتند. صفوف آنان را با کمال بی‌اعتنایی شکافتم، در حالی که در اثنای راه با حالتی حاکی از تحقیر به آنها نگاه می‌کردم، از احترامی که ردا و دستارم به رأی‌العین در آنان برمی‌انگیخت، حظ فراوان می‌بردم و ... آنجا بی‌هیچ بیمی از سخره و خنده حاضران در معراج محمد (ص) سوار بر براق بر فراز کهکشان داد سخن همی‌دادم و بی‌هیچ هراسی از اعتراض آنان هر کدام از آیات قرآن را از هر یک از طبقات هفتگانه آسمان که مایل بودم فرو می‌خواندم. به میل خود بر درازا و پهنای پل صراط همی‌افزودم ... " (صص ۹۹-۹۸).

**سعدی از دیده " دید رو " اکبر اصغرتری، آینده، سال هفتم، شماره ۱۱-۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۰، صص ۸۴۰-۸۳۹ چاپ‌های دیگر: ۱. فصل‌نامه هستی، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۰۱-۹۵.**

\* عین این نوشته مقدمه مقاله‌ای است که در فصل‌نامه هستی با نام " سعدی از دیدگاه دیدرو " به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر رک. مقاله یاد شده در همین مجموعه.

**سعدی، استاد شعر عاشقانه، آن‌ماری شمیل، ترجمه ص. شهبازی، ادبستان، شماره ۱، دی ۱۳۶۸، صص ۴۸-۴۶.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. آغاز سخن با عبارتی از " هردر " و نتیجه‌گیری از آن عبارت: " بس است، به اندازه کافی غزل‌های حافظ را شنیده‌ایم - سعدی به مراتب برایمان مفیدتر بوده است؛ این کلمات یوهان گوتفرد هردر، در اواخر قرن هیجدهم است. همین چند جمله مختصر نشان می‌دهد که این دو شا‌عربزرگ شیراز، در اواخر قرن هیجدهم به خوبی در آلمان شناخته شده بوده‌اند. " (ص ۴۶).

۱-۲. اشاره به ترجمه‌های گلستان سعدی در آلمان و تأکید بر ارزش‌های ترجمه اولناریوس (ص ۴۶).

۱-۳. اشاره به اقوال مختلف درباره تولد و عمر سعدی و نتیجه‌گیری اینکه: " با همه این احوال تاریخ تولدی که او را در زمان وفاتش، حدوداً هشتاد ساله نشان دهد قابل قبول‌تر است. " (ص ۴۶).

۱-۴. اشاره به اوضاع اجتماعی زمان سعدی، سفرها و شرح‌ها و ترجمه‌های آثار " محبوبیت سعدی چه در شرق و چه در غرب بیشتر مرهون گلستان است ... خوانندگان غربی که معمولاً با ترجمه‌های گلستان آشنایی دارند از درک جنبه دیگری از قریحه سعدی غافل می‌مانند و آن غزلیات و مدایح اوست ... برخی از قاصد او از جمله مرثیه‌اش در عزای ابوبکرین سعد شاهکاری از تخیل قوی و اوج هنر شاعری است، ولی غزل‌های او حتی از قصیده‌هایش نیز هنرمندانه‌تر و جذاب‌ترند... بسیاری از غزل‌های سعدی از نوعی وحدت موضوعی برخوردارند (ص ۴۷) ... بی‌شک سعدی مبتکر غزل‌های روان و دلنشینی است که سرمشق شعرای نسل‌های بعد شد ... از مجموعه کوچک غزلیات سعدی می‌توان پی برد که او چندان مخالفتی هم با لودگی نداشته و این علی‌رغم انتظار خواننده غربی قرن هیجدهم بود. چه، پذیرفتن این اثر از مصنف گلستان که یک معلم اخلاق محسوب می‌شد، دشوار می‌نمود و حتی چند محقق نیز ادعا کردند که غزلیات، اشتباهاً به سعدی منسوب شده است ... با این همه نام سعدی به عنوان بزرگ‌ترین شاعر اشعار عاشقانه و سخنوری صاحب مکتب جاودانه خواهد ماند. " (ص ۴۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله ترجمه نوشته‌ای است که در آن به معرفی سعدی و آثار او به صورت کلی پرداخته و سخن تازه‌ای در آن عنوان نشده است. اما با توجه به اینکه اصل مقاله برای استفاده خارجیان - احتمالاً به زبان آلمانی - نگاشته شده، بی‌گمان برای معرفی شخصیت سعدی به جهانیان سودمند است.

**سعدی پای‌بوس، فردوسی چاپلوس، احمد بشیری، گزارش، سال پنجم، شماره ۵۵، شهریور ۱۳۷۴، صص ۶۲-۵۶.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان انگیزه نگارش مقاله: شگفت‌زدگی از اظهاراتی که وزیر آموزش عالی وقت در یک مصاحبه درباره سعدی و فردوسی بیان داشته و در یکی از نشریات چاپ شده است (ص ۵۶)

۱-۲. بیان برخی از پرسش‌ها و پاسخ‌های مصاحبه مزبور، از جمله:

س: اگر سعدی زنده بود، فکر می‌کنید حاضر می‌شد با وضعیت فعلی، استاد یکی از دانشگاه‌های کشور شود؟

ج: با روحیات بسیار قوی و انعطاف‌پذیری که از سعدی می‌دانم، خودش را تطبیق می‌داد. سعدی شخصی با معرفت، اهل زندگی و اهل تجربه بود ...

س: با ملاک‌های شما در این وزارتخانه، آیا فردوسی می‌توانست پست استادی دانشگاه بگیرد؟  
ج: در مقطع زمانی و مکانی که فردوسی زندگی می‌کرد، حتماً بلی. اما با معیارهای امروزی شك دارم " (صص ۵۷-۵۶).  
۱-۳. پاسخ به بیانات وزیر، از جمله: " اینکه جناب وزیر فرموده است "سعدی با روحیات بسیار قوی و انعطاف‌پذیری" که داشته‌اند اگر امروز زنده می‌بود "خودش را تطبیق می‌داد ... تا بتواند استاد دانشگاه بشود، خیال‌پردازی محض و اهانتی سنگین به پیشگاه سعدی است، زیرا: اولاً اگر کسی دارای "روحیات بسیار قوی" باشد، دیگر اهل "تطبیق" نخواهد بود و چنین داور و اظهار نظری درباره سعدی گذشته از تناقض آشکارایی که در بیان سخن هست، به تعبیر قدما "مدح شبیه به ذم" و یا به تعبیر من نگارنده مدح بدتر از قذح است ... از محتوای گفتار جناب وزیر بر می‌آید که یکی از مزایای سعدی این است که "مدح‌گویی راجع به شاهان" نکرده است، به همین سبب امتیاز مکفی برای استادی دانشگاه دارد. اما بهتر است ایشان و همگنانشان بدانند که سعدی تمام شاهان - امیران - وزیران و دیگر بزرگان زمان خودش را که با آنها، از هر راهی سر و کار داشته، مدح کرده است ... اگر تمام شصت هزار بیت شاهنامه فردوسی را بررسی کنید، يك بیت از قماش ابیات قصیده‌ای که سعدی در ماتم زوال خلافت بنی‌عباس گفته است. نخواهید یافت ... " (صص ۵۸-۵۷).

۱-۴. توضیح درباره فردوسی و نظریه وزیر در مورد فردوسی و توضیح درباره اندیشه‌های والای او (صص ۶۲-۵۸).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست). ۲-۲. شاهنامه فردوسی.  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۲ بار، قصاید ۵ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. با توجه به اظهار نظر غیر علمی وزیر آموزش عالی وقت در مصاحبه مذکور این نوشته که در واقع پاسخ شدید و مستندی بر آن گفتگوست برای تنویر افکار عمومی سودمند بوده است.  
۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

**سعدی تو هم سخنی بگو [ ۱ ] ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۱، پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳ و ۳۲.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره بی‌اعتنایی به دنیا و تظاهر به بی‌اعتنایی وانگیزه‌های آن (ص ۲۲).  
۱-۲. اشاره به مقاومت منفی و مخالفت حافظ با مغول و تأثیرپذیری او از سعدی (صص ۲۲-۲۳).  
۱-۳. توضیح درباره تفاوت تقلید و تأثیرپذیری (ص ۲۳).  
۱-۴. مقایسه سعدی و حافظ از نظر مسافرت: " سعدی قسمت مهمی از عمر خویش را قطعاً بر حسب اجبار خارج از زادگاه خود به سر برده، در حالی که حافظ گویا جز در دو مورد و فقط برای مدتی کوتاه به خارج از شیراز سفر نکرده باشد " (ص ۲۳).  
۱-۵. نقل و نقد مطلبی از کتاب " حیات سعدی " درباره مسافرت‌های سعدی (ص ۳۲).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار، بوستان ۱ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم و پایانی آن در شماره بعد مجله رنگین‌کمان (شماره ۶۲، پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۴۸، صص ۱۵-۱۴) چاپ شده، رگ. اشاره مربوط به بخش دوم مقاله.

**سعدی تو هم سخنی بگو (۲) ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۲، پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۴۸، صص ۱۵-۱۴.**

۱. مضامین اصلی: \* این نوشته بخش دوم و پایانی مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله رنگین‌کمان (شماره ۶۱، پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳ و ۲۲) به چاپ رسیده است.  
۱-۱. توضیح درباره مسافرت‌ها و اوضاع اجتماعی زمان سعدی، از جمله: " دوره زندگی سعدی را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد که حکایت ششم از باب چهارم بوستان، طرح مبهمی از آن را نشان داده است. داستان از سه صحنه مشخص تشکیل شده که هر یک، نماینده قسمتی از زندگی سعدی است: صحنه نخستین ماجرای فقیه تنگ‌دست و کهن‌جامه‌ای است که پا از گلیم خویش بیرون نهاده و به ایوان قاضی در آمده و به همین علت نیز تحقیر شده ... صحنه دومین هنگامی آغاز می‌شود که به فقیه کهن‌جامه نیز " اجازه سخن گفتن " داده می‌شود و وی با اثبات مراتب کمال و فضیلت، مقام خود را به عالم نمایان تحمیل می‌کند ... واضح است که بین صحنه اول و دوم داستان ده‌ها سال فاصله زمانی موجود است ... موجبات تحمیل کننده محبوبیت و مقبولیتی بوده که وی با ظرافت و فصاحت خویش نزد عامه مردم به دست آورده و این همان توفیقی است که سعدی در صحنه سوم داستان آن را با مقام برجسته قاضی معاوضه نمی‌کند ... " (صص ۱۵-۱۴).  
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در دو بخش و در دو شماره مجله رنگین‌کمان (شماره ۶۱ و ۶۲) به چاپ رسیده است، به ترتیب درباره بی‌اعتنایی به دنیا، مقایسه سعدی و حافظ، مسافرت‌های سعدی و طرحی از زندگی او توضیحاتی داده است و اگر چه برای خوانندگان مجله شامل اطلاعاتی درباره سعدی است، اما دارای طرح منسجم و یکدستی نیست.  
مطلب تازه‌ای که در این مقاله مطرح شده، استفاده از حکایت ششم از باب چهارم بوستان و انطباق آن با سه دوره از زندگی سعدی است، که اگر هم بتوان نوعی هم‌گونی در این دو امر دید، به قول خود نگارنده جز " طرح مبهمی " از زندگی سعدی نیست.  
۴-۲. نشانی مأخذ مقاله و همچنین نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

**سعدی جدید ، [ وحید دستگردی ] ، ارمغان، سال پنجم، شماره دوم، ثور [ اردیبهشت ] ۱۳۰۲، صص ۹۲-۹۰.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی يك نسخه خطی که نگارنده مقاله آن را " سعدی جدید " نامیده و مدعی است دیوان تازه‌ای است از سعدی که اشعار آن در هیچ کدام از دیوان‌های دیگر موجود نیست: " باری اینک نمونه‌ای از دیوان جدید سعدی است و اگر در قلمرو فرزندان حضرت شیخ کسی پیدا شد که غزل‌های گمشده او را مستقلاً طبع و نشر کند، ما برای زحمت این کار حاضریم و اگر پیدا نشد به تدریج در مجله ارمغان درج می‌شود تا از دستبرد روزگار مصون ماند ". (ص ۹۱).  
در پایان مقاله و پس از قطعه شعر بیست و يك بیتی از نسخه یاد شده، نوشته‌اند: " [ این دیوان ] در حدود چهارصد سال قبل نوشته شده. تقریباً سی چهل سال قبل صحافی متن و حاشیه او را نو کرده و تقریباً صد غزل و چند قصیده و قطعه در او یافت

می‌شود که در هیچ دیوانی نیست و به حکم ذوق و سلیقه سلیم مسلم اشعار شیخ است. چنانچه در آتیه تمام ارباب ادب و اهل ذوق سنجیده و تصدیق خواهند فرمود " (ص ۹۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. یک نسخه خطی که نگارنده آن را منسوب به سعدی دانسته است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. قصاید ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته نسخه‌ای را (بدون ذکر مشخصات و نشانی نسخه) به سعدی نسبت داده و قطعه شعری از آن نسخه را هم ضمن مقاله آورده است. اما با توجه به اینکه هیچ کدام از اشعار این نسخه در نسخه‌های دیگر دیوان سعدی نیامده، دانسته نیست، نگارنده به چه دلیلی با این قاطعیت این سروده‌ها را از سعدی دانسته‌اند، بدون اینکه از نظر نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی، تاریخی و ... هیچ گونه استدلالی برای نظر خود بیان کنند.

**سعدی - حافظ ، دکتر محمدجعفر محجوب، یغما، سال بیست‌وچهارم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۰، صص ۲۹۵-۲۹۳.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل عبارتی از یک مقاله درباره سنجش سعدی و حافظ و پاسخ به آن: " به نظر بنده تا کنون هیچ فارسی‌زبانی، دري را به فصاحت و رواني و شیريني سعدی تکلم نکرده است و سعدی اولین و بزرگ‌ترین آموزگار سخن دري است و زبان فارسی امروز ما براساس آنچه سعدی از این زبان ارائه داده است قرار دارد و شیخ اجل از این حیث بر تمام گویندگان و نویسندگان سلف و خلف خویش برتری دارد ... به نظر بنده، سعدی از این حیث، از نظر شیرین‌سخنی و استادی در زبان فارسی و شناخت روح زبان، بر همه کس حتی بر خواجه سحرآفرین شیراز، حافظ، نیز برتری دارد ... (ص ۲۹۳) اما در مورد اینکه بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست، با آن که این امر خیلی کلی و داوری در باب آن دشوار است ... بنده صریحاً و واضحاً عرض می‌کنم که اگر شعر را آن گهر والا و پالوده و لطیف عاطفه آدمی بدانیم و معنی و مفهوم و بلندی فکر و عظمت اندیشه و شخصیت را نیز در آن دخیل بگیریم، در این صورت در نظر بنده بزرگ‌ترین شاعر فارسی زبان که تا کنون دیده‌ام حافظ است." (ص ۲۹۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله مورد نظر در ۱-۱.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. ندارد.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته در واقع بخشی از یک نامه است که نویسنده در آن نظر شخصی خود را درباره سنجش بین سعدی و حافظ بدون توسل به استدلال و استناد بیان داشته است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا (۱)، عبدالرحمن فرامرزی، یغما، سال ۲۴، شماره ۷، مهر ۱۳۵۰، ص ۴۰۱.

**سعدی خودستا نیست (۱) ، دکتر محمود نشاط، گوهر، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۵۱، صص ۹۲-۸۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر این موضوع که نه تنها سعدی خودستا نیست، بلکه شاعری فروتن و متواضع است و آنجا که درباره هنر خود سخن می‌گوید " نوعی هنرپردازی شعری و قدرت‌نمایی شاعری است نه خودستایی و گردن‌افرازی (ص ۸۹). سعدی، بیش از صدوچهل و پنج مورد، سخن، از سخن خود گفته است. اولاً این موارد با توجه به حجم آثار او، به نسبت هر ده صفحه‌ای یک مورد است، ثانیاً به حقیقت در تمام موارد به وصف شیرینی سخن، و بلندی کلام و مقام شاعری خویش، به منظوره‌های دیگر ... مبادرت کرده است نه برای خودستایی" (صص ۹۱-۹۰).

**۱-۲. یادکرد نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی که درباره مقام شاعری خود گفته و هدف خودستایی نداشته است (صص ۹۳-۹۱).**

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۲۴ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار، گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است برای اشاره این مقاله رک. اشاره بخش دوم مقاله.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. رک. بخش دوم مقاله.

**سعدی خودستا نیست (۲) ، دکتر محمود نشاط، گوهر سال اول، شماره ۴، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۲۳۱-۲۲۶.**

**۱. مضامین اصلی:** \* ادامه بخش نخست مقاله که در شماره ۲ از سال اول مجله گوهر (اسفند ۱۳۵۱، صص ۹۲-۸۹) به چاپ رسیده بود.

**۱-۱. تأکید بر این موضوع که سعدی در اوصاف خویش قصد خودستایی ندارد، با تکیه بر نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی (صص ۳۳۱-۳۲۶).**

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۲۴ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این مقاله که در دو شماره از مجله گوهر به چاپ رسیده است (بخش نخست آن در شماره ۲ از سال اول، اسفند ۱۳۵۱، صص ۸۹-۹۲ چاپ شده است). نگارنده با استناد به بیش از ۵۰ مورد از سروده‌های سعدی، بر موضوع فروتنی و تواضع سعدی تأکید کرده و انگیزه تعریف سعدی از سخنش را تأثیرگذاری آن بر خواننده و نیز آوازه و عظمت مسلم هنر او دانسته است. اما این موضوع با اینکه نیاز به بررسی دقیق‌تر داشته، بیش از این تحلیل و بررسی نشده است.

**۴-۲. نشانی نمونه‌های شاهد مشخص نشده است.**

**سعدی در ادبیات جهان ، دکتر لطفعلی صورتگر، مرزهای دانش، تاریخ ؟، صص ۱۸۵-۱۷۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر نفوذ و تأثیر سخن سعدی در گروه‌های مختلف و اظهار تأسف از اینکه تحقیقات شایسته‌ای درباره او هنوز انجام نگرفته است (صص ۱۷۷-۱۷۵).

" نام سعدی و گفتار سعدی از مقوله امور عادی حیات بوده است و انس و آمیزش ما با او تا درجه‌ای زیاد بوده است که از فرط اعتیاد به اهمیت او توجه نداشته‌ایم (ص ۱۷۶). شعر سعدی مانند آب گوارا با هر مزاجی می‌سازد و به هر کس از هر پایه و مقام و سن و سال و زن و مرد طرب و طراوت و صحت و عافیت می‌بخشد ... برای لذت بردن از گفتار سعدی، آنقدر که در سایر آثار ادبی به مطالعه و تحقیق و مراجعه به تاریخ و فرهنگ ضرورت است، آدمی نیازمند به دقت و مراجعه نیست ... " (ص ۱۷۷).

۱-۲. تأکید بر اینکه " برای باختریان و خاورشناسان جهان متمدن، تشخیص لطف و زیبایی و گیرندگی کلام سعدي بسيار دشوار و احياناً ممتنع است. زيرا نيمي از هنر سعدي در انتخاب الفاظ و توجه به آهنگ کلمات و انس و آميزش آهنگها با يکديگر است "، و اين ويژگي در ترجمه اغلب رنگ مي‌بازد (صص ۱۷۸-۱۷۷).

۱-۳. اشاره به برخي از ويژگي‌هاي سخن سعدي، از جمله " اعتدال و تناسب، وضوح و روشني و انتخاب هنرمندانه واژه‌ها " (صص ۱۸۳-۱۸۰).

۱-۴. نقل قصيده‌اي که خود دکتر صورتگر درباره سعدي سروده است (صص ۱۸۵-۱۸۲).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي (نشاني مآخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزليات ۵ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار، قصايد ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در اين نوشته بر گسترش و نفوذ سخن سعدي در ذهن و زبان گروه‌هاي مختلف تأکید و به برخي از ويژگي‌هاي سخن او اشاره شده است، بدون آنکه سخن تازه‌اي درباره سعدي گفته شود.

عنوان مقاله (سعدي در ادبيات جهان) مناسب متن مقاله نيست، زيرا خواننده مقاله با ديدن اين عنوان انتظار دارد، درباره تأثير و نفوذ سعدي در ادبيات جهان سخن رفته باشد. در حالي که در طول مقاله تنها يکي دو اشاره کوتاه به اين مطلب شده است، يکي آنکه خاورشناسان توجه شايسته‌اي به سعدي نداشته‌اند و ديگر آنکه برخي از عناصر زيباي شعر سعدي در ترجمه لطف خود را از دست مي‌دهند.

۴-۲. نشاني نمونه‌هاي شاهد و مآخذ مورد استفاده مشخص نشده است.

**سعدي در اروپا، عبدالحسين زرین‌کوب، يادداشت‌ها و انديشه‌ها (مجموعه مقالات)، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۶۲، صص ۱۷۷-۱۸۲.**

**چاپ‌هاي ديگر:** ۱. سخن، دوره سوم، شماره ۸ و ۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۶، صص ۵۷۱-۵۷۲. ۲. ما خود درباره سعدي چه مي‌گوئيم، علي سامي، برگرفته شده از کتاب " شيراز، شهر جاويدان"، ۱۳۶۲، صص ۲۱۱-۲۰۶ (بخشي از مقاله).

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به ترجمه‌هاي آثار سعدي در اروپا: " سي‌صد سال پيش از اين، آندره‌ريه، خاورشناس فرانسوي، ترجمه منتخبي از گلستان را در پاریس چاپ کرد ... يك سال پيش از طبع ترجمه " ريه " نگذشته بود که " فريدریش اکسن‌باخ " آن را به زبان آلماني ترجمه کرد ... در ۱۶۵۱، ژانتيوس آن را به لاتيني ترجمه کرد. در سال ۱۶۵۴، اولتاريوس، دوباره آن را به آلماني ترجمه نمود. در سال ۱۷۷۴ منتخبي از حکايات آن به وسيله " ساليوان‌استفن " به زبان انگليسي ترجمه شد. بدین‌گونه بود که سعدي به ادبيات اروپا معرفي گرديد و به زودي فرهنگ اروپا در مقابل نبوغ حيرت‌انگيز او سر تعظيم فرود آورد (ص ۱۷۷).

در قرن نوزدهم ترجمه‌هاي کمايي از گلستان و بوستان به زبان‌هاي اروپايي انتشار يافت: دفرمري ترجمه گلستان و بارييه‌دومنار ترجمه بوستان را با مقدمه و حواشي مفيد و محققانه به زبان فرانسه منتشر نمودند. در اين قرن بود که گلستان را گراف به زبان آلماني، نازاريانتس به زبان روسي، ايبستويک به زبان انگليسي و کازيميرسکي به زبان لهستاني ترجمه کردند ... تنها گلستان تا کنون پيش از شصت بار ترجمه شده و هر ترجمه چندين بار به طبع رسيده، ترجمه بوستان و آثار ديگر سعدي و مقالات و ملاحظات انتقادي خاورشناسان درباره اين شاعر، نيز به قدری مفصل به نظر مي‌رسد که فقط ذکر آنها در خور کتاب جداگانه‌اي است ... در اين سي‌صد سال، پيش از شصت تن از خاورشناسان درباره سعدي و آثار او غور و تحقيق کرده و هرکدام از جهتي درباره او بحث نموده‌اند " (صص ۱۷۷-۱۷۸).

۱-۲. نقل سخني از گارسن‌دوتاسي، هانري‌ماسه، بارييه‌دومنار، درباره ارزش جهاني سخن سعدي (صص ۱۷۹-۱۷۸).

۱-۳. تأکید بر ارزش سخن سعدي، ويژگي جهاني بودن آن، از جمله: " از همان زمان که ترجمه ريه و ژانتيوس در اروپا منتشر شد، گويندگان فرنگي از اين منبع الهام مایه گرفتند. ژان‌داولا فونتن پيش از همه به اين سرچشمه فيض راه يافت ... در مجموعه امثال منظوم او، قصه‌هايي چند وجود دارد که به تصديق صاحب‌خبران اروپا از سعدي اقتباس شده ...

در قصه‌هاي Le Baileys، سني‌لامبر، لسینگ و Pignotti نيز تأثير سعدي آشکار است " (صص ۱۸۱-۱۸۰).

۱-۴. اشاره به تأثيرپذيري و توجه نويسندگان و شاعران ديگري از اروپا به آثار سعدي، کساني چون: ويکتور هوگو، گوته، هردر، موسه، بالزاک، اوژن‌مانوئل (صص ۱۸۲-۱۸۱).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. تحقيق درباره سعدي، هانري‌ماسه. ۲-۲. از آثار برخي از نويسندگان و شاعران اروپايي براي مقايسه با آثار سعدي استفاده شده که مآخذ آنها در مقاله مشخص نشده است.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. گلستان ۶ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته که در سال ۱۳۲۶ نگاشته شده، به جهت تقدم آن در موضوع مورد پژوهش، به عنوان نخستين نوشته محققانه که به موضوع " سعدي در اروپا " به زبان فارسي پرداخته، ارزشمند است. نويسنده با بررسي کوتاه سير ترجمه آثار سعدي در اروپا و تأثير سعدي بر شاعران و نويسندگان اروپايي، به نقل و مقايسه برخي از مضامين همانند پرداخته و آنها را بازنموده است. نويسنده نامدار اين مقاله براي رعايت امانت، به مآخذ اصلي مورد استفاده در پايان نوشته خود اشاره کرده و اين در حالي است که در زمان نگارش مقاله (۱۳۲۶ ش) اين مآخذ، يعني کتاب " تحقيق درباره سعدي " از هانري‌ماسه، به زبان فارسي ترجمه و منتشر نشده بوده است. افسوس که بسياري از پژوهشگران تازه‌کار ارزشمندترين اصل تحقيق - رعايت امانت - را فراموش کرده‌اند. دکتر زرین‌کوب در پايان مقاله نوشته‌اند: " مجاهدت‌هاي ذقيمت خاورشناسان را که در معرفي سعدي به اروپا سعدي جميل مي‌دول کرده‌اند، هرگز نبايد فراموش کرد و مخصوصاً رساله محققانه خاورشناس فرانسوي، هانري‌ماسه را، که بسياري از مطالب اين مقاله از آن اقتباس شده، همواره بايد به خاطر داشت " (ص ۱۸۲).

۴-۲. نشاني مآخذ مورد استفاده و نقل‌قول‌ها مشخص نشده است.

۵. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مقام سعدي در ادبيات فرانسه (۵)، جلال ستاري، مهر، دوره يازدهم، آذر ۱۳۴۴، ص ۵۷۱. ۵-۲. تحليلي از انديشه و هنر سعدي شيرازي، عبدالعلي دست‌غيب، نگين، سال سوم، شماره ۱، خرداد ۱۳۴۶، صص ۲۳-۲۰ و ۵۴-۵۲. ۵-۳. با کاروان حله، دکتر عبدالحسين زرین‌کوب، انتشارات جاويدان، ۱۳۵۵ (چاپ سوم)، ص ۳۳۹. ۵-۴. ساحل‌نشين و غريق، دکتر غلامحسين يوسفی، کتاب " روان‌هاي روشن "، انتشارات يزدان، ۱۳۶۳، ص ۲۳۰. ۵-۵. کاغذ زر، دکتر غلامحسين يوسفی، انتشارات يزدان، ۱۳۶۳، ص ۲۱. ۵-۶. مواظ و حکم سعدي در بوستان و گلستان (با ترجمه و معادل‌هاي فرانسوي)، دکتر ابراهيم شکورزاده، انتشارات آستان قدس رضوي، ۱۳۶۵، صص ۱۴، ۱۲. ۵-۷. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۳۲۷، ۳۴۹. ۵-۸. اين گلستان هميشه خوش باشد، دکتر محمدجعفر ياحقي، نشر دانش، آذر و دي ۱۳۶۸، ص ۳۴. ۵-۹. گزيده غزليات سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، صص ۶۶-۶۴. ۵-۱۰. گزيده گلستان سعدي، مقدمه شرح دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۷۱، صص ۵۹، ۶۰. ۵-۱۱. گزيده بوستان سعدي، انتخاب و شرح دکتر حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۳۲، ۳۳، ۱۹۸.

**سعدی در چکسلواکی، پروفیسور جری بچکا، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۱۰-۲۰۳.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مقام والا و شامخ ادب فارسی و گسترش ترجمه‌های آثار سعدی در خارج از مرزهای ایران و ویژه در تاجکستان (صص ۲۰۷-۲۰۶).

۱-۲. اشاره به ترجمه آثار سعدی در چکسلواکی: "از قرن هفدهم به بعد توجه اروپا نیز به سعدی جلب شده و اولین ترجمه آثار وی در این دوره به چاپ رسیده است. ... اولین ترجمه کوچک [از گلستان] به زبان چک در سال ۱۸۴۰ در یک مجله چاپ شده و شش سال بعد تحت عنوان "خرد سعدی" تجدید چاپ گردید (ص ۲۰۶) در سال ۱۸۵۷، داستان دنباله‌داری در مورد سعدی در یکی از روزنامه‌ها به چاپ رسید در ۱۸۷۰، ترجمه‌های بیشتری از اشعار سعدی منتشر شد، و سپس اعظم بوستان به زیور طبع آراسته گشت ... کلیه این ترجمه‌ها از طریق زبان‌های اروپایی انجام شده بود ... " (ص ۲۰۷).

در ادامه مقاله ترجمه‌های دیگری از آثار سعدی که به زبان چک و اسلواکی صورت پذیرفته و پژوهش‌هایی که در آن زبان انجام گرفته، معرفی شده و برخی از سخنان مترجمین نیز نقل شده است (صص ۲۱۰-۲۰۷).

۱-۳. معرفی چند نسخه از آثار سعدی که در کتابخانه‌های پراگ و آکادمی علوم چکسلواکی نگهداری می‌شود و نتیجه اینکه: "علی‌رغم مطالعات گسترده‌ای که در سرتاسر جهان در مورد سعدی انجام شده است، آثار وی همچنان منبعی الهام‌بخش برای مطالعات و بررسی‌های مختلف می‌ب‌اشد ... " (ص ۲۱۰).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. بجز آثاری که در متن مقاله معرفی شده‌اند به مرجع مشخصی اشاره نشده است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد (به ترجمه‌های آثار سعدی "بدون رویکرد مستقیم به متن" اشاره شده است).

**۴. اشاره:** ۴-۱. مقاله‌ای موجز و ارزشمند است که با پرهیز از کلی‌گویی به معرفی ترجمه‌های آثار سعدی و پژوهش‌هایی که درباره سعدی در چکسلواکی انجام گرفته، پرداخته است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی ...، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، صص ۱۶-۲۰. سعدی، ضیا موحد، طرح نو، ۱۳۷۲، صص ۱۹۶-۲۰۳. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاانسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، صص ۱۳.

**سعدی در چین، جان هون‌نین، کیهان فرهنگی (ویژه هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۲۴-۲۵.**

**\* این مقاله یک بار دیگر با عنوان "مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله سعدی شیرازی، در چین، در "جلد اول ذکر جمیل سعدی" (صص ۲۴۵-۲۲۵) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.**

**سعدی در غزل، احمد سمیعی، نشر دانش، سال نهم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، صص ۱۳-۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره سنت شعری و سبک ویژه شاعر (صص ۲-۳).

۱-۲. بررسی ویژگی‌های شعر تغزلی سعدی، از جمله: "آنچه بیش از هر چیز در زبان غزلیات سعدی جلب توجه می‌کند، مهارت در ورزیدن الفاظ، تحرک، صفا و صمیمیت و ذوق سلیم است، یعنی همان خواصی که زبان او را سهل و ممتنع می‌سازد ... سعدی در تافت و بافت و آهنگ‌سازانی مشابهت می‌یابد که با "واریاسیون"های یک لحن (ملودی) و یک آهنگ مایه (موتیف) یا خود با تکرار و شاخص ساختن یک نغمه (نت) همچنان می‌آفرینند. در حقیقت، شاعر شیراز از این راه به شعر ناب نزدیک می‌شود ... " (ص ۴).

۱-۳. یادکرد ابیاتی از غزلیات سعدی که در آن از معانی و کاربردهای ترکیبی متعدد الفاظ و وجه ایهامی آنها بهره برده شده است (صص ۴-۵).

۱-۴. یادکرد ابیاتی برای نشان دادن "تحرک و تنوع در ابیات غزل سعدی که با تعدد فعل گوناگونی زمان و وجه و شخص و چرخش سخن از طریق ایجاب و سلب حاصل می‌شود" (صص ۵-۶).

۱-۵. بررسی ابیاتی که در آن از امکان "جا به جا کردن ضمیر ملکی" برای تحرک بخشیدن به سخن و نرم ساختن آن، استفاده شده است (ص ۶-۷).

۱-۶. یادکرد ابیاتی که به دلیل عنصر سادگی و لحن محاوره، صمیمیت و صداقت یافته‌اند (ص ۷).

۱-۷. بررسی ایجاز و گونه‌های آن در غزل‌های سعدی، و چگونگی حذف اجزای جمله با بهره‌وری از امکانات زبانی (صص ۷-۸).

۱-۸. یادکرد انواع جناس و طباق در الفاظ و در افعال، مراعات‌النظیر و تناسب و ایهام و طرد و عکس (صص ۸-۱۰).

۱-۹. نقل بیت‌هایی از غزلیات سعدی که در آنها "اوزان کوتاه، قیاس خطابی، حکمت عامیانه، ارسال مثل یا لحن استفهام و انکار و اعتراض و خطاب و گله‌مندی و اشتیاق، صفا و صمیمیتی به سخن می‌بخشد که همدردی خواننده را برمی‌انگیزاند" (ص ۱۰).

۱-۱۰. تأکید بر سلامت ذوق سعدی و نزدیکی آن به طبیعت بکر انسانی در چگونگی وصف زیبایی معشوق، با تکیه بر نمونه‌هایی از سروده‌های او (ص ۱۰).

۱-۱۱. تأکید بر ویژگی "سهل و ممتنع" بودن شعر سعدی با ارائه نمونه‌هایی (ص ۱۱).

۱-۱۲. یادکرد سروده‌هایی که در آن "طبیعت بیگانه و عناصر فضای غریب دیده می‌شود" با یادآوری علاقه سعدی به وطن خویش (ص ۱۲).

۱-۱۳. توضیح درباره شخصیت سعدی به عنوان یک مصلح اجتماعی و مذهبی که خوش‌بین، مردم‌جوش، سفردوست، سازنده و ترمیم‌گر، معتدل، برخوردار از عقل سلیم، متساهل و هم‌رنگ جامعه رسمی است (صص ۱۲-۱۳).

۱-۱۴. بررسی کلی غزل سعدی و مقایسه آن با غزل حافظ، از جمله: "غزل سعدی، غزل عاشقانه است. وی ادامه دهنده سنت عنصری و انوری است. اما این غزل عاشقانه چه بسا رنگ و مایه عرفانی می‌گیرد. ولی راز و رمز عرفان را در اشعار او کمتر به آن عمقی می‌بینیم که در سنایی و عطار و مولوی و ادامه دهنده سنت آنان، حافظ، سراغ داریم.

سعدی در غزل عاشقانه بارها و بارها به شعر ناب نزدیک می‌شود و از آرایش‌های ویژه‌ها و ترکیبات هزاران نقش بدیع می‌آفریند ... اگر بخواهیم سعدی را با حافظ در قیاسی کلی بسنجیم می‌توانیم بگوییم سعدی بیشتر می‌داند چه می‌خواهد و حافظ بیشتر می‌داند چه نمی‌خواهد. از این رو حافظ در این دنیا غریب‌تر است. به زبان هنری شعریت حافظ بیشتر در معنی است و شعریت سعدی بیشتر در لفظ... " (ص ۱۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات و گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۴۷ بار، گلستان ۷ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. این مقاله از نوشته‌های ارزشمندی است که به تحلیل زیبایی‌شناسی سروده‌های سعدی در غزلیات پرداخته و برخی از ویژگی‌های هنری این ابیات را بازنموده است. با وجود آنکه سخن سعدی از دیدگاه زیبایی‌شناسی بسیار غنی و درخور بررسی است تا کنون به این موضوع کمتر توجه شده است. در این نوشته برخی از عناصر هنری در نزدیک به صدوبیست بیت از غزل‌های سعدی کاویده و بازنموده شده است و برخی نیز با اندکی تحلیل همراه شده است؛ از جمله:

"اگر تو جور کنی جور نیست تربیت است و گر تو داغ نهی داغ نیست درمان است  
که در آن، حاصل سخن این است:جورت تربیت و داغت درمان است. تعدد فعل، کلام را پویا ساخته و تکرار "جور" و "داغ" و تقابل "نیست" و "است" و تناظر اجزای دو مصراع لطف بیشتری به سخن بخشیده است" (ص ۶).

یا  
"به خسته برگذری صحتش فراز آید به مرده درنگری زندگی ز سرگیرد  
که در آن، ایهام در "فراز آمدن صحت": باز آمدن صحت - بالای سر آمدن صحت، که خود محبوب تجسد آن تواند بود، لطافت و ظرافت بیشتری به سخن داده است" (ص ۷).

و نیز "در مواردی، عناصر زیرزنجیری، مانند آهنگ و مکث و تکیه، برای ایجاد و حذف راه می‌کشایند، مثلاً در بیت: عافیت می‌باید چشم از نکرویان بدوز - عشق می‌ورزی بساط نیکامی در نورد. که در آن، آهنگ استفهامی و مکث جانشین نقش نمای فراگردهای پایه و پیرو، یعنی حرف ربط (شرط) شده است ... " (ص ۸).

۲-۴. نشانی مآخذ و نیز نشانی ابیات شاهد مشخص نشده است.

## سعدی در نظر دیگران ، مصطفی عبدالطیف، تقدم، سال اول، شماره نهم، آبان ۱۳۰۷، صص ۵۰۶-۴۷۹.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره مقام سعدی در سخن، همچنین نام، کودکی، تحصیلات و مسافرت‌هایش (صص ۴۷۹-۵۰۰).  
۱-۲. معرفی آثار سعدی و تأکید بر نفوذ آن‌ها در دل فارسی‌زبان و گسترش آن‌ها در خارج از حوزه زبان فارسی (صص ۵۰۲-۵۰۰).  
۱-۳. گفتاری زیر عنوان "شاعریت سعدی" (صص ۵۰۴-۵۰۳).  
"امتیازی که سعدی بر سایر شعرای مشرق دارد همان حقیقت دوستی و تحریر راستی است. یعنی گل‌های سعدی گل‌های حقیقت هستند، نه گل‌های خیال ... " (ص ۵۰۳).  
۱-۴. تأکید بر مقام عرفانی سعدی، توضیح درباره اخلاق و صفات او و اشاره به دوره آخر زندگانی او (صص ۵۰۵-۵۰۴). "سعدی عارفی بود عاشق ذات ذوالجلال و در جامع دمشق دروسی پرقیمت در این مسلک داده است ... شخصی بود کریم و دست‌باز، به طوری که به حد اسراف رسیده بود. ظریف و خوش معاشرت، شیرین‌زبان و بذله‌گو، خندان و خوش‌رو، پاک‌دل و با وجدان ... " (ص ۵۰۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نیست).  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۵ بار، گلستان ۴ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته در اصل به زبان عربی نوشته شده و در یکی از نشریات مصر به چاپ رسیده بوده است. و بی‌گمان برای مخاطبان عربی زبان مجله، که ممکن بوده هیچ آشنایی با سعدی نداشته باشند، بویژه با توجه به زمان چاپ آن، خالی از لطف نبوده است. اما از نظر کلی، نه تنها سخن تازه‌ای در آن نیست بلکه برخی از نظرات نویسنده نیز اشتباه است. مثلاً در ص ۴۹۹ نوشته‌اند: " [سعدی] اول دفعه که به مکه مکرمه مشرف شد، در ملازمت استاد بزرگوارش شیخ عبدالقادر گیلانی بود ". با توجه به اینکه شیخ عبدالقادر گیلانی در سال ۵۶۹ درگذشته است، زمان تولد سعدی را هر چه هم به عقب ببریم، باز هم، همان طوری که در پاورقی اشاره شده، این سخن درست نمی‌تواند بود. همچنین در ص ۵۰۱ نوشته‌اند: "سعدی اولین کتاب خود را یعنی بوستان، در سن هشتادودو سالگی به نظم درآورده" و از این گونه اشتباهات در چند موضع دیگر از مقاله دیده می‌شود. و به همین جهت ارزش استنادی ندارد.

## سعدی دکنی ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان شماره ۲۱، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۴۷، صص ۱۱-۱۰ و ۲۵ و ۲۸.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر پیشرفت علمی بشر در دوره معاصر و ارزش والای هنر ایرانی در زمان‌های گذشته (ص ۱۰) و نتیجه این که "ما که بهترین کاشی‌های جهان را می‌ساختیم، تصور کرده بودیم، آنهایی که قبل از ما به وجود میکرب شارین پی برده‌اند و ماشین بخار را ساخته‌اند، کاشی را نیز بهتر از ما می‌سازند و با این تصور کار خود را رها کردیم و در همه زمینه‌ها دنبال آنها به راه افتادیم ... ولی سعدی همچنان در میان ما زندگی می‌کند و با زبان خود و با اصطلاحات و مفاهیم علمی شگفت‌انگیزی در ملیت ما نفوذ کرده است" (صص ۱۱-۱۰).  
۱-۲. مقایسه سعدی با دانشمندان غرب: "وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم، سعدی خیلی پایین‌تر از مندل کشیش و فروید روان‌شناس و کارل بیولوژیست قرار گرفته است، اما با موازین علمی که می‌سنجیم، سعدی را خیلی بالاتر از مندل و فروید و کارل می‌یابیم ... سعدی روح ما را معماری کرده و دست‌های پر قدرت خود را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترده است ... " (ص ۱۰).  
۱-۳. نقل و نقد عباراتی از جالنتی پلاتس، فرانسیس گلاوین، لوسیا استواردت کاستلو، کنس دوناوی و دکتر ژرف زاکاتلی درباره سعدی (صص ۱۱ و ۳۵) و نتیجه اینکه: "به هر حال دوره مسافرت سعدی هر چند سال که باشد، هیچ‌کس اطلاعی از آن ندارد. حتی نمی‌توان ادعا کرد که خود سعدی، نیز سنوات مسافرت خود را به دقت می‌دانسته است، فقط اشاراتی که در کلیات سعدی آمده، نقاطی را که احتمالاً وی در عمر خود دیده مشخص می‌کند" (ص ۳۵).  
۱-۴. نقل عباراتی از کتاب "حیات سعدی" نگاشته الطاف حسین حالی درباره اشتباه "گارسن‌دوتاسی (محقق فرانسوی)" و برخی دیگر از تذکره‌نویسان که سعدی دکنی را به جای سعدی شیرازی گرفته و اشعار ریخته (آمیخته‌ای از هندی و فارسی) را که سعدی دکنی سروده به سعدی شیرازی نسبت داده‌اند (صص ۲۵ و ۲۸).  
**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است). ۲-۲. حیات سعدی، الطاف حسین حالی، ترجمه نصرالله سروش.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، غزلیات ۱ بار، بوستان ۱ بار، رباعیات ۱ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. این مقاله طرح مشخصی از نظر ارتباط مطالب ندارد، بویژه توضیحات و حاشیه‌پردازی‌های ابتدای مقاله (ص ۱۰) تنها حجم مقاله را افزوده است و پیوند این مطالب با عنوان مقاله بجز در عبارات پایانی آن ضعیف است با این همه نقد سخن برخی از نویسندگان درباره سعدی (صص ۱۱ و ۲۵) از جنبه‌های ارزشمند این نوشته است به عبارتی دیگر چنانچه نویسنده توضیحات حاشیه‌ای نوشته (مواردی چون داستان مسجد شیخ لطف‌الله و عمارت تاج‌محل و ...) را حذف و نشانی نقل‌قول‌ها و مآخذ خود را نقل می‌کردند، نوشته ارزش علمی و پژوهشی خود را حفظ می‌کرد.



**سعدی سخن‌ساز است، نه خیال‌پرداز، سیدمحمدرضا علوی، روزنامه خبر (نگاه پنجشنبه)، پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. انتقاد از نظر آقای ناصر پورپیرار درباره سعدی، در مقاله "آیا سعدی یک جهانگرد بود".  
"آنان که دوستدار ادب و فضیلت هستند و ستایشگر اخلاق و حکمت به قدر همت خود از خوان نعمت بی‌دریغ او [سعدی] بهره می‌برند و معدودی که شاید جویای نامند و در این رهگذر از آلودن چاه زمزم هم ابائی ندارند، بر ابهامات و اختلافات زمانی و مکانی زندگانی او که در شرح حال غالب نام‌آوران جهان مشاهده می‌شود، انگشت می‌گذارند و بوق و کرنا راه می‌اندازند...".  
۱-۲. اشاره به سابقه اختلاف نظر درباره تولد و وفات سعدی و تازه نبودن سخن پورپیرار در این مورد.  
۱-۳. اشاره به عمر طولانی سعدی با یادکرد مواردی همانند، برای تأیید احتمال بلندی عمر سعدی.  
۱-۴. انتقاد از انگاره پورپیرار درباره اشعار عربی سعدی.  
۱-۵. مقایسه سعدی با "ژول ورن" در حکایت‌پردازی و داستان‌نویسی.  
**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. "آیا سعدی یک جهانگرد بود"، ناصر پورپیرار، ایران فردا، شماره ۲۹، ۲-۲. شیراز، شهر جاودان، علی سامی.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. آقای ناصر پورپیرار در مقاله "آیا سعدی یک جهانگرد بود"، برای نخستین بار در اصل سفرهای سعدی تردید کرده و طرح تازه‌ای برای زندگی سعدی پرداخته است. این مقاله، خشم برخی از سعدی‌دوستان را برانگیخته و پاسخ‌هایی را در پی داشته است. (رک. مقاله یادشده در همین مجموعه).  
آقای سید محمدرضا علوی در این نوشته، با تأکید بر بلندی جایگاه سعدی برخی از نظرات آقای پورپیرار را مردود دانسته‌اند. اما در این نوشته درباره موضوع اصلی مقاله مورد نظر نقد علمی صورت نگرفته است.

**سعدی شاعر اخلاق، دکتر رضا داوری، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۳-۱۱.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره مفهوم "شاعر اخلاق" (ص ۱۳).  
۱-۲. یادآوری غزل سعدی با مطلع:  
"از جان برون نیامده جانانت آرزوست ز نار نابریده و ایمانت آرزوست"  
و بیان تعریض احتمالی او به مولوی، در این باره می‌نویسد: "وقتی بیت بیت این غزل را با ابیات غزل مولانا قیاس می‌کنیم به خود می‌گوییم خدا کند که سعدی چنین غزلی نگفته باشد و به احتمال قوی بعضی ابیات آن الحاقی است" (ص ۱۴).  
۱-۳. بی‌اعتنایی سال‌های اخیر به آثار سعدی کفاره ظلم به مولانا است: "سعدی مظلوم دارد کفاره ظلم به مولانا و دیوان شمس او را می‌پردازد ولی این ظلم او آن اندازه نیست که حریم بسیار بلند شاعری او را فرو گذاریم" (ص ۱۴).  
۱-۴. سعدی مدیحه‌سرا و مرثیه‌گوست و مخصوصاً اشخاص بسیاری را مدح کرده‌است ولی اگر سعدی ناصر خسرو نیست که هیچ مدح نگفته باشد و گاهی باشد، انصاف این است که لفظ در دري را ارزان در پای خوکان نریخته‌است ... (ص ۱۵) و گاهی با گستاخی ممدوح را نصیحت کرده‌است. سعدی که در غزل نصیحت‌گری را از یاد نمی‌برد، چگونه در مدح از آن غافل می‌شود؟ (ص ۱۶). "من سعدی را [صرفاً] از جهت علاقه‌ای که به اخلاق دارد، شاعر اخلاق خوانده‌ام ... بلکه شاعر اخلاق کسی است که در شعر او یا با شعر او ساحت اخلاقی وجود بشر ظاهر و متحقق می‌شود." (صص ۱۸-۱۷).  
۱-۵. "سعدی و حافظ چندان از هم دور نیستند، کسانی که این دو را درمقابل هم قرار می‌دهند خود از هر دو دورند" (ص ۱۹).  
۱-۶. "سعدی با شعرش ما را به عالم صفای وحدت قول و فعل می‌برد و در گفته‌اش این وحدت متحقق می‌شود و به این معنی شاعر اخلاق است" (ص ۲۰).  
۱-۷. اشاره به هماهنگی اخلاق سعدی با اخلاق اشاعره و دلیل توجه بیشتر در سال‌های اخیر به نکاتی که به عنوان "نکات غیر اخلاقی" در گلستان خوانده شده است (صص ۲۲-۲۰).  
**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۲ بار، گلستان ۶ بار، قصاید ۵ بار، قطعات ۱ بار، بوستان ۱ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. با توجه به اینکه آنچه در این مقاله نوشته شده، پیش از نگارش مقاله نیز صاحب‌نظران دیگر مطرح کرده‌اند شایسته بود نویسنده مقاله به گفته‌های دیگران نیز استناد جوید و نشانی استنادها و شواهد مثال را ذکر کند.  
۴-۲. برخی از اظهارنظرها، بسیار ذوقی، بی‌سند و گاهی بارد است، از جمله "سعدی مظلوم دارد کفاره ظلم مولانا و دیوان شمس او را می‌پردازد" (ص ۱۴).  
**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی ... ، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶.

**سعدی شاعر انسانیت، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، خواندنی‌های تاریخی، شماره پنجم، اسفند ۱۳۶۳، صص ۸۵-۶۶.**  
**\* این مقاله قبلاً با نام "سعدی، شیخ شیراز" در کتاب "با کاروان حله" چاپ شده است. رک. مقاله، یاد شده در همین مجموعه.**

**سعدی، شاعر جامع و مآخذ چند حکایت بوستان، دکتر محمد دامادی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۳۶۸-۳۴۷.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱. ادبستان، سال پنجم، شماره ۷ (شماره پیاپی ۵۵)، تیر ۱۳۷۳، صص ۱۵-۱۰.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره جامعیت آثار سعدی که در قالب‌های مختلف، کلیه دورنمایه‌ها و موضوعات شعری را با زبان عربی و فارسی به گونه منثور و منظوم در عالی‌ترین سطح بیان داشته است. اهمیت وی در این است که در کلیه رشته‌هایی که وارد شده، آثارش طراز اول است و اثر ضعف و سستی در آثار وی ملاحظه نمی‌شود. (ص ۳۴۹).  
۱-۲. تأکید بر ویژگی "سهولت و امتناع" در آثار سعدی (صص ۳۵۲-۳۵۰): "در میان شاعران و نویسندگان فارسی زبان سعدی در شمار معدود اشخاصی است که هم در زمینه شعر و هم در قلمرو نثر، گاه چند صنعت را با هم آورده است، اما آن قدر روان و ساده

که خواننده و یا شنونده تنها در سایه دقت و آشنایی با اسلوب خاص سخن وی، قادر است متوجه جنبه صنعتی کلام او گردد " (ص ۳۵۱).

۱-۳. توضیح درباره ویژگی‌های آثار سعدی و بررسی افکار و آرای او و بیان تأکید سعدی بر مسائلی چون اخلاق، عدل و احسان، سیاست و تربیت، حق‌شناسی، نیکونامی، علو طبع، عشق، فضیلت و ... و پرهیز از صفاتی چون کبر، فخر، جبروت، حب مدح و ثنا، طلب استعلا ... خداع، فساد و منکر، غش و نفاق و ... (صص ۳۵۶-۳۵۲).

۱-۴. نقل عباراتی از کتاب "شدالازار فی حط الاوزار عن زوارالمزار" که درباره سعدی است به عنوان قدیم‌ترین سخن مکتوب درباره سعدی (صص ۳۵۷-۳۵۶).

۱-۵. ذکر مآخذ چند حکایت از بوستان: " در این بخش چهار حکایت از بوستان نقل شده و مضامین مشابه آنها در آثار غزالی، ابوسعیدابن‌الخیر، ابوحیان علی‌بن محمد بن عباس، عطار و حلاج نمایانده شده است (صص ۳۶۰-۳۵۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کلیات سعدی، دکتر مظاهر مصفا. ۲-۳. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب. ۲-۴. بوستان سعدی، عبدالعظیم قریب. ۲-۵. شدالازار فی حط الاوزار عن زوارالمزار، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال. ۲-۶. احیاء علوم‌الدین غزالی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵۴ بار، گلستان ۱۵ بار، قصاید ۳ بار، غزلیات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله تنها بر ویژگی‌های سخن سعدی برای نشان دادن جامعیت او تأکید شده و سخن تازه‌ای بیان نشده است. بخش "مآخذ چند حکایت بوستان" (صص ۳۶۰-۳۵۷) که مشابهت ۴ حکایت از بوستان را با نوشته‌های غزالی در احیاء علوم‌الدین و نیز ابوسعید در "اسرارالتوحید" و ابوحیان در "البصائر و الذخائر" نشان داده، سودمند است. البته این تأثیر و تأثرات به گونه مفصل‌تر در مقاله "پژوهشی در روایات و مضامین سعدی" از حسین لسان - (ذکر جمیل سعدی، ج ۳، صص ۱۷۳-۱۴۳) - آمده است.

۴-۲. مثال‌ها و نقل‌قول‌ها با ذکر دقیق نشانی استفاده شده‌اند.

**سعدی، شاعر جهانی، تقی ارانی، خواندنی‌های تاریخی، شماره پنجم، اسفند ۱۳۶۳، صص ۸۲-۸۰.**

\* این نوشته بخشی از مقدمه کتاب "بدایع افصح‌المتکلمین شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی" است (صص ۶-۲ آن کتاب) که به کوشش آقای تقی ارانی در سال ۱۳۰۴ منتشر شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. کتاب یاد شده، در بخش کتاب‌ها، از همین مجموعه.

**سعدی، شاعری که به زبان همه ملل سخن گفت، اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۲۵، چهارشنبه ۲ بهمن تا چهارشنبه ۱۰ بهمن، ۱۳۶۳، صص ۳۶ و ۵۸.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل عباراتی از محمدعلی فروغی در وصف سعدی (ص ۳۶).

۱-۲. اشاره به کنگره بزرگداشت سعدی در سال ۱۳۶۳ و نقل عباراتی از دکتر فوزی عطری "درباره سعدی"، از جمله: "اگر شعر و نثر سعدی را به دقت مورد نگرش قرار دهیم، به قدرت خلاقه و الفاظ زیبا و سادگی و روانی خاصی پی می‌بریم که فقط ویژه سروده‌ها و نوشته‌های سعدی است ... ارزش و اعتبار آنچه از سعدی به جای مانده بیشتر وقتی نمایان می‌شود که دریاپیم در زمان وی ادبیات ایران یک دوره رکود و سکون را می‌گذرانند" (ص ۳۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. ترجمه عباراتی از مقاله دکتر فوزی عطری، درباره سعدی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲ بار، بوستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله جز ترجمه و نقل عباراتی از فوزی عطری سخن تازه‌ای بیان نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. حکایت‌های گلستان سعدی، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات نبوی، ۱۳۷۴، ص ۳۱.

**سعدی، شیخ شیراز، عبدالحسین زرین‌کوب، با کاروان حله (مجموعه مقالات نقد ادبی)، تابستان ۱۳۶۳، صص ۲۲۰-۲۰۱.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. خواندنی‌های تاریخی، شماره پنجم، اسفند ۱۳۶۳، صص ۸۰-۶۶ (با عنوان "سعدی، شاعر انسانیت").**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به سفرهای سعدی و شرح کوتاه زندگی و آثار او (صص ۲۰۵-۲۰۱).

۱-۲. توضیح درباره گلستان، از جمله: "سعدی در این کتاب انسان را، با دنیای او و همه معایب و محاسن و با تمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود او هست، تصویر می‌کند (ص ۲۰۵) و تناقض‌هایی هم که عیب‌جویان در آن یافته‌اند، تناقض‌هایی است که در کار دنیاست (ص ۲۰۶). بیان گول‌ها و رسوایی‌هایی را که در این دنیا با احوال و اطوار انسان آمیخته است، بر سعدی عیب گرفته‌اند. گناه سعدی این است که نه بر گناه دیگران پرده می‌افکند و نه ضعف و خطای خود را انکار می‌کند (ص ۲۰۷).

تفاوت سعدی با ملامت‌گران و ریاکاران و دروغ‌گویان این است که سخنش مثل شکر پوست‌کنده است. نه رویی دارد و نه ریایی ... راست و بی‌پرده اقرار می‌کند که زیبایی در هر جا و هر کس باشد، قوت پرهیزش را می‌شکند (ص ۲۰۸). این است دنیایی که در گلستان توصیف می‌شود. دن یایی که سعدی خود در آن زیسته است و با یک حرکت قلم عالی‌ترین و درست‌ترین تصویر آن را بر روی این "تابلو" که گلستان نام دارد، جاودانگی بخشیده است (ص ۲۰۹).

۱-۳. توضیح درباره بوستان، از جمله: "اما بوستان خود دنیایی دیگر است. دنیایی است که آفریده خیال شاعر است و از این روست که در آن انسان چنانکه باید باشد - و نه آن گونه که هست - چهره می‌نماید (ص ۲۰۹). در این دنیایی که سعدی در بوستان خویش نقش آن را ریخته است، هیچ چیزی بی‌رونق‌تر و بی‌جلوه‌تر از بدی و زشتی نیست. در سراسر این دنیا که آفریده ذوق و خیال شاعر است - انسان حضور خدا را حس می‌کند" (ص ۲۱۰).

۱-۴. توضیح درباره قصاید سعدی، از جمله: "همین مایه ترس و پرهیز که بوستان را رنگی از سخنان انبیا می‌بخشد، در قصاید شیخ نیز هست ... لحن او در خطاب ممدوحان نه لحن بشارت‌گر، بلکه لحن مرد بیم‌دهنده است. غالباً در روی ممدوح می‌ایستد، او را اندرز و ملامت می‌کند و از اندیشه بیداد و گناه بر حذر می‌دارد" (ص ۲۱۱).

۱-۵. توضیح درباره غزلیات، از جمله: "غزل‌های او پر از درد، پر از شور، پر از نیاز و پر از تسلیم است و اگر از گناه نیز در آن سخن می‌رود، صراحت لهجه و صدق بیان او چندان است که گناه او را نیز رنگ اخلاق می‌بخشد. در عاشقی، هیچ کس از این رند جهان‌دیده کار افتاده آشناتر نیست. از جوش و التهاب غزلیات قدیم تا گرمی و شیرینی طبیات و بدایع، همه جا عشق سعدی در تجلی است

... این عشق که پای بند یکی نیست، البته هوس نیست، صفا و رضاست. نیازی روحانی است که دائم دل و جان شاعر را آماده تسلیم و فنا می‌دارد (ص ۲۱۲). حدیث کام جسمانی را البته سعدی انکار نمی‌کند. اما که می‌تواند این عشق پرشور بی‌پایان را که در آن سعدی با همه کائنات پیوند می‌یابد، از نوع هوس‌های جسمانی بشمرد" (ص ۲۱۳).

۱-۶. توضیح درباره سبک سخن سعدی، از جمله: "طرز سعدی بر استواری لفظ و روانی معنی مبتنی است، و همین نکته است که سخن او را در شیوه سهل ممتنع به سر حد اعجاز رسانیده است (ص ۲۱۳) با آشنایی دقیقی که شیخ با ادب تازی و پارسی داشته است، عجب نیست که آثاری از افکار دیگران در شعر و نثر وی انعکاس یافته باشد، اما به هر حال، آنچه مایه نام و آوازه اوست، افکار و اندیشه‌هایی است که خود ابداع کرده است و بیشتر سخنانش نیز از همین مقوله است ... اینکه بعضی پنداشته‌اند سخن او جز در غزل به اوج نمی‌گراید درست نیست. در سایر فنون نیز قدرت او معارض ندارد (ص ۲۱۴). ... در رزم و حماسه هم یک جا با نظامی و فردوسی سرچالش داشته است، در نمانده است و به کار بردن پاره‌ای الفاظ که مناسب بزم است و آوردن آنها را که بعضی نشانه ضعف او در حماسه می‌دانند، در واقع نشانه قدرت و مهارت اوست" (ص ۲۱۵).

۱-۷. اشاره به شباهت سخن سعدی به سخن نویسندگان و شاعران فرنگی: "اندیشه و بیان سعدی، در بسیاری موارد، چندان با سخنان نویسندگان و شاعران فرنگی شباهت دارد که انسان را به حیرت می‌اندازد. همین نکته است که سعدی را چنان همه جا مطبوع می‌کند که به قول ارنست‌رنان، مثل یک نویسنده اروپایی به نظر می‌آید. رغبت و علاقه‌ای هم که نویسندگان اروپا - از خیلی قدیم - به بعضی از آثار او نشان داده‌اند، از همین جاست. در واقع هم، لافوتن - شاعر فرانسوی - پاره‌ای از داستان‌های او را نظم کرده است و هم گوته - شاعر آلمانی - از بعضی قطعات او الهام گرفته است (ص ۲۱۵). چنانکه ولتر، هوگو، بالزاک، و موسه هم با سعدی و نام او آشنایی داشته‌اند (ص ۲۱۶).

- بیان شباهت نمونه‌هایی از حکایت‌های سعدی با گفته‌ها و حکایت‌های ویکتور هوگو، بالزاک و ... (ص ۲۱۶).  
۱-۸. مقایسه برخی از همانندی‌های سعدی با افلاطون، سقراط، دکارت و ولتر با تأکید بر میانه‌روی و اعتدال سعدی (صص ۲۱۸-۲۱۷).

۱-۹. اشاره به آزادی و عدالت‌جویی سعدی: "آزادی در نظر سعدی اهمیت بسیار دارد. این آزادی هم عبارت است از وارستگی و بی‌نیازی. نه فقط بی‌نیازی از خلق، بلکه حتی بی‌نیازی از خویش (ص ۲۱۸). درست است که شاهزاده سعدی در بعضی موارد مثل شاهزاده ماکیاوولی است: فرصت‌جوی و حيله‌گر، اما این فرصت‌جویی و حيله‌گری در نظر سعدی فقط تا آنجا رواست که نظم و امنیت ملک را حفظ کند، اگر به ستمکاری و بیدادی منتهی شود و بخواهد خودپسندی و بدرایی را بر تخت بنشانند، نارواست ... منشأ این عدل و احسان که وی در سیاست لازم می‌شمارد، نه یک قانون است و نه یک قرارداد اجتماعی، ترس از خداست و تسلیم به حکم او" (ص ۲۱۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۲-۲. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب، ۲-۳. سخنان سعدی درباره خود، سعید نفیسی، مجله مهر، ۲-۴. شعرالعجم، شبلی نعمانی، ۲-۵. سعدی در اروپا، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، بوستان ۹ بار، غزلیات ۶ بار، قصاید ۳ بار.  
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته یکی از مقاله‌های کتاب "با کاروان حله" است که در آن بیست شاعر به ترتیب تاریخی معرفی شده است.

در این نوشته تلاش شده است که سعدی با استناد به آثار او، آن‌گونه که هست معرفی شود و درباره جنبه‌های مختلف زندگی، شخصیت و آثار او به گونه‌ای کلی توضیح داده شود. و نویسنده در مقصود خود کامیاب بوده است.

بویژه تطبیق برخی از حکایت‌های سعدی با آثار شاعران و نویسندگان غرب (صص ۲۱۶-۲۱۵) بر ارزش این نوشته افزوده است.

۴-۲. نشانی مآخذ و نمونه‌های شاهد مشخص نشده است.

۴-۳. این متن نیز از اشتباهات چاپی بر کنار نمانده است، از جمله: ص ۲۱۰، س ۲۶: پرسود (پرسوز) و ص ۲۱۶، س ۷: بی‌ایش (بیانش) و ...

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی به کوشش محسن رضانی، پدیده، ۱۳۶۳، ص ۱۲، ۲-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۳۰، ۵۲۴، ۵-۲. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۸-۵۹ و ۷۱-۷۲، ۵-۴. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۲۵، ۵۸، ۷۶، ۷۷، ۵-۵. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۶۷، ۵-۶. تیغ پند در نیام مدح، عبدالرضا مدرس‌زاده، روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۲ دی ۱۳۷۱، ص ۶.

۵-۷. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۶۶، ۳۳۲، ۵-۸. استغفار در آینه شعر و شخصیت سعدی، عبدالرضا مدرس‌زاده، روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۷۲، ص ۶، ۵-۹. شیخ مصلح‌الدین سعدی، فیروز اسماعیل‌زاده، مؤسسه کتاب همراه، ۱۳۷۵، ص ۷۶، ۵-۱۰. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۵، ۱۸، ۳۹، ۱۹۸.

## سعدی شیرازی، ادوارد براون، برگرفته شده از کتاب "تاریخ ادبیات ایران" - از فردوسی تا سعدی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، صص ۲۲۱-۲۰۹ و ۲۷۷-۲۷۳.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مقام سعدی در ادب فارسی، از جمله: "تاکنون هیچ نویسنده ایرانی، نه تنها در کشور خود، بلکه تا هر جا که زبان او توسعه یافته از مقامی بالاتر و شهرتی بیشتر از او برخوردار نشده است ... بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که عقل دنیادار بیش از تصوف خصیصه اصلی اوست و گلستان یکی از بزرگ‌ترین آثار مکتب ماکیاوولی در زبان فارسی است ..." (صص ۲۱۰-۲۰۹).

۱-۲. توضیح درباره تولد، نام، تخلص، تحصیلات، استادان و مسافرت‌های سعدی، از جمله تقسیم زندگی سعدی به سه دوره (به نقل از دکتر اته): دوره اول از تولد او تا سال ۶۲۳ که دوره تحصیلات اوست. دوره دوم از ۶۲۳ تا ۶۵۴ که دوره مسافرت‌های اوست. دوره سوم از ۶۵۴ تا پایان عمر، که دوره تألیف آثار اوست.

۱-۳. گفتاری کوتاه زیر عنوان "سعدی در مقام معلم اخلاق" و غیراخلاقی دانستن نتیجه برخی از حکایت‌های گلستان (صص ۲۱۴-۲۱۳). ۱-۴. تأکید بر جامعیت سعدی با عنوان "افسون واقعی سعدی و راز مقبولیت او" (ص ۲۱۵).

۱-۵. معرفی آثار سعدی و برخی از آثاری که به او منسوب است (صص ۲۱۶-۲۱۵).

۱-۵-۱. توضیح کوتاه درباره قصاید عربی و فارسی: "در ایران و هند عموماً برآنند که قصاید عربی سعدی بسیار زیباست، ولی محققان زبان عرب آنها را آثار متوسطی می‌دانند. در عوض قصاید فارسی او بسیار زیباست ..." (ص ۲۱۶).

۱-۵-۲. تأکید بر ارزش والای غزل سعدی با نقل دو غزل کامل و چند بیت از یک غزل (صص ۲۱۹-۲۱۷).

۱-۵-۳. نقل برخی از بیت‌های غزلیات سعدی که در گلستان هم مجدداً آمده و نیز نقل سه نمونه از سروده‌های سعدی که حافظ از آنها استفاده کرده است (صص ۲۲۱-۲۱۹).

۱-۶. توضیحات مترجم در بخش پایانی کتاب زیر عنوان " یادداشت‌ها و اضافات " (صص ۲۷۷-۲۷۳).

۱-۶-۱. معرفی برخی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره سعدی نوشته شده، کتاب‌های قلمرو سعدی از علی دشتی، حیات سعدی از الطاف حسین حالی، شناسایی سعدی از هزار شیرازی، مکتب سعدی از کشاورز صدر، مجموعه مقالات سعدی‌نامه، مقاله " سخنان سعدی درباره خود " از سعید نفیسی و یادداشت‌های قزوینی (صص ۲۷۴-۲۷۳).

۱-۶-۲. معرفی چاپ‌های مختلف آثار سعدی و ترجمه‌های گوناگونی که از آنها شده است (صص ۲۷۶-۲۷۴).

۱-۶-۳. تذکر و توضیح در خصوص گفتاری که ادوارد براون زیر عنوان " سعدی در مقام معلم اخلاق " مطرح کرده است، از جمله: " سعدی در مقام معلم اخلاق هنگامی ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد که نه تنها مکان، بلکه زمان نیز در نظر گرفته شود. سعدی نماینده طرز تفکر برجسته‌ترین روشنفکران طبقه متوسط شهرنشین در مرحله آغاز تکامل خویش گرایش به مکتب انسان دوستی یا مردم‌گرای است ... تجلیات اخلاقی طبقه متوسط شهرنشین در مرحله آغاز تکامل خویش گرایش به مکتب انسان دوستی یا مردم‌گرای است ... سعدی بزرگ یکی از پیشروان این مکتب در ایران به شمار می‌رود ... آثار سعدی از واقعیت‌های روزمره زندگی زمان او الهام یافته و با معیار واقعیت‌ها سنجیده شده است. از این رو نباید از برخورد با تناقض‌ها در شگفت شویم ... ".

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. تتبعات فقه‌اللغه ایرانی از هرمان اته ( Grundriss der Philologie Iranuschen ).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، غزلیات ۱۴ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخشی از کتاب ارزشمند تاریخ ادبیات ایران، تألیف مستشرق نامی ادوارد براون است، که به گونه‌ای مختصر و گذرا درباره سعدی توضیحاتی داده است. مؤلف با پذیرش سال ۵۷۷ به عنوان سال تولد سعدی و تصور عمری بالاتر از ۱۱۰ سال برای او از قول دکتر اته ز ندگی او را به سه دوره تقسیم کرده است.

البته درباره حکایت " سالی که محمد خوارزمشاه رحمة‌الله علیه باختا ... " و نیز درباره ابن‌جوزی و ... (ص ۲۱۱) صاحب‌نظران و سعدی‌پژوهان ایرانی، از جمله علامه قزوینی، عباس اقبال و دیگران به شایستگی تحقیق کرده و توضیح داده‌اند و آن حکایات را دلایلی برای عمر پیش از صدوده ساله سعدی ندانسته‌اند.

اما مطلب قابل تأمل این نوشته، گفتاری است که زیر عنوان " سعدی در مقام معلم اخلاق " آمده است (صص ۲۱۴-۲۱۳) و متأسفانه سخن برخی از نویسندگان ایرانی هم از این گفتار رنگ پذیرفته است. براون بدون نقل کامل حکایت‌ها و تنها با اشاره به جمله یا عبارتی از یک حکایت، آن را غیر اخلاقی شمرده است، مثلاً می‌نویسد: " نتیجه اخلاقی نخستین داستان گلستان این است: دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز ".

در حالی که این جمله را در واقع سعدی از قول یکی از شخصیت‌های حکایت بیان کرده است، و در موضعی است که " پادشاهی به کشتن اسیری اشارت " کرده است. و " وزیر نیک محضر " برای نجات جان آن " اسیر نومید " چنین اشاره‌ای کرده است. و گرنه سعدی آنجا که نظر واقعی خود را درباره دروغ اظهار می‌دارد گفته است:

" گر راست سخن گوئی و در بند بمانی به زان که دروغت دهد از بند رهایی "

یا دروغ گفتن به ضریب لازم ماند که اگر نیز جراحت درست شود نشان بماند ... "

(گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۶).

مترجم محترم نیز در بخش یادداشت‌ها و اضافات، درباره " سعدی در مقام معلم اخلاق " تذکری بایسته داده است (صص ۲۷۷-۲۷۶).

- توضیحات دیگر مترجم بویژه معرفی آثاری که درباره سعدی پدید آمده و ترجمه‌های مختلف آثار سعدی در بخش یادداشت‌ها و اضافات اگر چه تازه نیست، ولی ارزشمند و قابل استفاده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. شناسایی سعدی، م.ر. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، صص ۱۵۱، ۲۱۸، ۲-۵. متنبی و سعدی، دکتر حسین‌علی محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۲۹۸، ۳۰۵، ۳-۵. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، صص ۴۷-۳۵، ۴-۵. مقام سعدی در ادبیات فرانسه [ ۱ ]، جلال ستاری، مهر، سال دهم، شماره ۴، تیر ۱۳۴۳، ص ۴۱۰. ۵-۵. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۲۹، ۷۵، ۶-۵. سعدی در اروپا، عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، زمستان ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، صص ۱۷۸، ۷-۵. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، بهار ۱۳۶۳ (چاپ پنجم)، ص ۸، ۸-۵. مقام‌های منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۰۷، ۷۰۸.

۵-۹. مآخذ اندیشه‌های سعدی ... ، محمد غفرانی‌چهرمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، صص ۹۷، ۹۸، ۱۰-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۳۴، ۱۱-۵. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، صص ۲۵، ۲۶، ۴۱، ۷۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۹، ۲۰۶، ۲۵۶، ۳۰۴، ۱۲-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۵، ۱۳-۵. بزرگوار، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، صص ۲۳۰، ۱۴-۵. دوام تأثیر سعدی بر ذهن و زبان ما، دکتر ضیاء موحد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۷۴، صص ۱۰، ۱۵-۵. آیا سعدی یک جهانگرد بود، ناصر پورپیران، ایران فردا، شماره ۲۹، دی ۱۳۷۵، ص ۵۶.

**سعدی شیرازی ، آرتورجان آربری، برگرفته شده از کتاب " ادبیات کلاسیک ایران"، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، صص ۲۱۷-۱۹۷.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به نظرات مختلفی که درباره سال تولد سعدی بیان شده و توضیح درباره دلایل آن نظرات (صص ۱۹۹-۱۹۷).

۱-۲. اشاره به نظرات مختلفی که درباره نام و نسب سعدی، بیان شده است (ص ۲۰۰).

۱-۳. توضیح درباره کودکی، زندگی، تحصیلات و مسافرت‌های سعدی با استناد به آثار سعدی و نوشته‌های صاحب‌نظران (صص ۲۰۴-۲۰۱).

۱-۴. تأکید بر ارزش ادبی و تعلیمی بوستان: " ... سعدی به میراثی ارزشمند دست یافت، اما چنین احساس می‌شود که با گزیده وازگان و زبان به ظاهر (و تنها به ظاهر) ساده و بی‌آرایه و خوشخویی موقرانه خویش، گوی سبقت را از تمامی پیشینیان و آیندگان روده است. بسیاری از ابیات بوستان به مرتبه ضرب‌المثل رسیده است و این خود برهان قاطعی است بر درخشش پرمضمون و نکته‌دار کلام او ... رباعی مشهور سروده سرویلیام جونز [ بر مبنای دو بیت: میازار موری که ... سیاه اندرون باشد ... ] دل‌ها را با این برق امید گرم ساخت که [ ترجمه ] بوستان به شعری لطیف و مناسب، سعدی را در محضر داوران خوانندگان انگلیسی هم‌طراز پوپ و درآیدن قرار خواهد داد. سوکمندانه آن امید به واقعیت نپیوسته است، بوستان تن به ترجمه نمی‌دهد و پیوند آن در خاکی دیگر نمی‌گیرد ... " (صص ۲۰۵-۲۰۴).

۱-۵. توضیح درباره گلستان با نقل بخشی از دیباچه گلستان که درباره چگونگی آغاز نگارش این کتاب است و نقل نظر برخی از نویسندگان غربی از جمله گلدوین، سرویلیام جونز و بویژه امرسن درباره سعدی و گلستانش (صص ۲۱۱-۲۰۷).  
" هر يك از هشت باب این اثر بستر دسته‌ای داستان‌های مسرت‌بخش و دل‌تنگ کننده خاص خود است، در آمیزه‌ای فریبنده از نثر مسجع و شعر که در آن وقت صنعتی ضروری برای انشای سرشار از چابک‌دستی‌های ادبی شمرده می‌شده است ... " (ص ۲۰۷).  
۱-۶. معرفی آثار منثور سعدی به نقل از ملك‌الشعرا بهار و نقل نظر ایشان درباره نثر گلستان (صص ۲۱۳-۲۱۱).  
۱-۷. معرفی مثنوی " کریم " و ترجمه‌های " گلدوین " و " گیلکریست " از این کتاب (صص ۲۱۴-۲۱۲).  
۱-۸. اشاره‌ای به مدایح سعدی و تأکید بر امتیاز این مدایح: " صفتی که [ مدایح ] او را امتیاز می‌بخشد، این است که وی با بی‌پروایی و بی‌هیچ ملاحظه‌ای شیوه رفتاری را که حامیان درباری او باید در پیش گیرند و دلایل این الزام را به آنان گوشزد کرد ... " (ص ۲۱۴).

۱-۹. تأکید بر ارزش غزل‌های سعدی و نقش او در سیر غزل‌سرایی با نقل نظر عبدالعظیم قریب گرکانی و دکتر رضازاده شفق در آن باره (صص ۲۱۶-۲۱۵).

" ... به داوری سخن‌سنجان برجسته ایران، این سعدی بود که بنیاد برتری غزل بر قصیده طویل را پی ریخت ... شواهدی در دست است که نشان می‌دهد، سعدی رسم بهره‌جویی از غزل را به منزله گونه‌ای از مدح پنهان به کار گرفته و احتمالاً بسا که به تن خویش ابتداع کرده است ... شاید بزرگ‌ترین سرفرازی سعدی این باشد که وی پیشگام حافظ بوده است، تنها شاعری که در مقام غزل‌سرا بر او سر بود ... در غزل سعدی نشان‌های ویژه تسلط تام بر فون و صنایع شعری، الفاظ روان و ساده، گونه‌ای حالت رسمی خوشایند و گاه اشارت و دست یازیدنی به اندیشه‌های منزّه و بلندنظرانه وجود دارد ... " (صص ۲۱۶-۲۱۵).  
۱-۱۰. نقل سه غزل از غزل‌های سعدی برای بازنمود برخی از ویژگی‌های آنها (صص ۲۱۷-۲۱۶).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۴۲، ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۳، ۲-۳. دایرةالمعارف مصاحب، ۲-۴. سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، محمدتقی بهار، ۲-۵. گلستان، عبدالعظیم قریب گرکانی، ۲-۶. گفتار برخی از دانشمندان غربی از جمله: امرسون، کرامرس، فیتز جرالد و ... بدون ذکر مأخذ.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۰ بار، بوستان ۵ بار، قصاید ۳ بار، غزلیات ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. کتاب " ادبیات کلاسیک فارسی " از کتاب‌های ارزنده‌ای است که محقق و مستشرق توانمند، آربری، با بهره‌گیری از منابع فراوان فارسی و غیر فارسی تألیف و در آن تاریخ ادبیات فارسی را از آغاز تا سده نهم (تا جامی) بررسی کرده است. نخستین شاعری که در این کتاب به گونه‌ای گسترده معرفی شده و درباره آثار مختلف او به آرای صاحب‌نظران مختلف نیز مراجعه شده، سعدی است، نگارنده پیش از پرداختن به سعدی در این باره نوشته است: " نوشتن تاریخ ادبیات تعهدی را پیش می‌آورد و مراقبت در صرفه‌جویی دقیق کلمات و اغلب به پایان بردن شرح احوال و آثار نویسندگانی در سه یا چهار بند ... بیش از اندازه دشوار و کسالت‌آور است. حال در نظر داریم از این حکم ناگوار دست برداریم و فصولی جداگانه را به گزیده تنی چند از برجسته‌ترین اهل قلم ایران تخصیص دهیم، نخستین مردی که این گشاده‌دستی را سزاست و این حق او را رواست، سعدی شیرازی است " (ص ۱۹۷).

۴-۲. استفاده فراوان از منابع مختلف و نقل آرای صاحب‌نظران یکی از ویژگی‌های این نوشته است. اما متأسفانه مأخذ برخی از نقل قول‌ها مشخص نشده است، از جمله صص ۱۹۹-۱۹۷، نظر عباس اقبال، کرامرس، بهار و ... و ص ۲۰۴، نظر ر.لوی و صص ۲۱۱-۲۰۸ نظر امرسون و ...

نگارنده در موارد اندکی نظر دیگران را نقد کرده است، از جمله در ص ۲۰۰ نوشته است: " پذیرش این مسأله که وی مرید عبدالقادر حیلانی صوفی شد و به قول ت.و. هیگ - همراه او به زیارت مکه مشرف شد - اشتباه دیگری در ترتیب حقیقی وقایع تاریخی به شمار می‌آورد ... "

اما در پی عبارت بالا اشاره‌ای به ارتباط سعدی و شهاب‌الدین شده که درست به نظر نمی‌رسد و مترجم محترم کتاب نیز در بخش یادداشت‌ها (ص ۴۳۰) به آن اشاره کرده‌اند، نگارنده نوشته است: " سخن نامحتمل‌تر این ادعای سعدی است که می‌گوید: عارف بزرگ، شهاب‌الدین [ عمرین محمد ] سهروردی (در گذشته ۶۳۲-۱۲۳۴) را دیده است "

۴-۳. خلاصه اینکه در بخش " سعدی " این کتاب، سخن تازه‌ای، افزون بر آنچه پیش از نگارش کتاب، صاحب‌نظران گفته‌اند، مطرح نشده است، و ارزش آن بیشتر در گردآوری آرای مختلف است.

## سعدی شیرازی، محمدتقی بهار، سبک‌شناسی نثر، ج ۳، امیرکبیر، ۱۳۷۰ (چاپ ششم)، صص ۱۵۶-۱۱۱.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نام، تخلص، تاریخ تولد، تحصیلات، مسافرت‌ها و زندگی سعدی و تأکید بر ارزش و عظمت آثار او (صص ۱۱۲-۱۱۱).

۱-۲. معرفی رسائل نثر سعدی و توضیح درباره آنها (صص ۱۲۳-۱۱۲)؛ با این مقدمه که: " در انتساب این رسائل به شیخ جای تردید نیست، مگر رساله ششم که مشتمل بر بعض اغرافات است و می‌نماید که هواداران و غالیان در حق شیخ آن را وضع کرده‌اند، اما بعضی از این رسائل نی ز در غایت متانت و سختگی است و نمی‌تواند معجول باشد و لابد تألیف مردی دانشمند از مردم آن زمان باید باشد و چون به شیخ منسوب است، ناچار از اوست. خاصه که عبارات شیرین و نمکین سعدیانه نیز گاه‌به‌گاه در آن‌ها یافت می‌شود ... " (صص ۱۱۳-۱۱۲).

۱-۳. اشاره‌ای به هزلیات سعدی و توضیح درباره انتساب آنها به سعدی، از جمله: " شیخ نثر دیگری نیز دارد که ارباب ادب آن را از شیخ نمی‌دانند - لیکن چون منسوب بدو است و از قبیل مجالس پنج‌گانه و در واقع کاریکاتور مجلس‌گویی و نمودار تذکیر و منبرداری از راه طبیعت است، بعید نیست، از دست‌کاری‌های او باشد. این هزلیات به طرز و شیوه مجالس اول کتاب انشا شده و آیات و اخبار معجول و مضحک در آن وضع کرده است. مجموع هزلیات سه مجلس است و چند فقره سؤال و جواب و چند اضحوکه، و آن را می‌توان مأخذ لطایف عبید زاکانی، شاعر معروف قرن بعد شمرد (ص ۱۲۳). نمی‌توان آنها را از دیگری جز شیخ دانست. چه در عالم خود ممتاز است، خاصه که لغات زیاد از فارسی و ترکی در آن‌ها پیدا می‌شود که جای دیگر نمی‌توان یافت " (ص ۱۲۴).

۱-۴. توضیح درباره گلستان (صص ۱۲۴-۱۲۶).

۱-۴-۱. اشاره به ارزش ادبی و اجتماعی گلستان: " هنر و استادی و شخصیت سعدی علیه‌الرحمه را در گلستان باید یافت. و اگر این کتاب کوچک‌حجم بزرگ‌مایه نبود دو ثلث از شخصیت و بلندی مقام شیخ ناپیدا بودی و شاید نثر فارسی از چنین ذخیره‌ای عظیم و پربها محروم ماندی، زیرا نه در زمان گذشته و نه در زمان آینده ممکن است نظیری برای گلستان پیدا کرد.

گلستان کتابی است که در نهایت استادی تألیف گردیده است، یعنی مراد مؤلف، آن بوده است [ که ] کتابی اخلاقی و اجتماعی تألیف کند ... بنابراین، شیوه انشاء جاحظ را به کار بسته است. یعنی مطالب را با یکدیگر جور کرده و زیر را با بم و شیرین را با شور جمع آورده ... " (ص ۱۲۴).

۱-۴-۲. بررسی سبک گلستان: " چنانکه طرز تألیف و تنسیق معانی گلستان تازه بود، سبک انشای این کتاب هم تازه است ... گلستان سعدی در واقع " مقامات " است و می‌توان او را ثانی‌اثین مقامات قاضی حمیدالدین شمرد. اما مقامات قاضی تقلید صرف و

خشکی است که از بدیع الزمان و حریری شده است، ولی مقامات سعدی، مقاماتی است که تقلید را در آن راه نیست و سراسر ابتکار و ابتداء و چابک‌دستی و صنعت‌گری است " (ص ۱۲۵).

- یادکرد ویژگی‌های سبکی گلستان با توضیح برای هر یک، عناوین این ویژگی‌ها به شرح زیر است: ترتیب و تناسب، رجحان ضروری بر غیرضروری، مراعات حال خواننده، مراعات تناسب نثر و نظم، رعایت آهنگ کلمات، اختصار و ایجاز، رعایت الفاظ و ترك لغات دشوار، رعایت نزاکت و ادب (صص ۱۲۴-۱۲۶).

- بررسی مختصات صرفی و نحوی گلستان:

الف: توضیح درباره جمله‌بندی در گلستان و بررسی انگیزه‌های سعدی از تقدیم و تأخیر ارکان جمله‌ها (صص ۱۳۶-۱۳۴).

ب: بررسی گونه‌های حذف فعل و انگیزه‌های سعدی از این حذف‌ها (صص ۱۲۸-۱۳۶)

ج: بررسی کاربردهای مختلف ضمیر، بویژه ضمیر " این " (صص ۱۴۰-۱۳۸).

" توضیح درباره قید ظرف و قید استعلا و حرف اضافه " را " در معانی مختلف (صص ۱۴۱-۱۴۰).

[ ر ] : بررسی واژه‌های مخفف، انواع پیشوندها و کاربرد خاص برخی از صیغه‌های فعلی (صص ۱۴۲-۱۴۱).

ه: اشاره به کاربرد بعضی از واژه‌های قدیم (صص ۱۴۴-۱۴۲).

و: بررسی کاربردهای مختلف انواع سجع (صص ۱۴۶-۱۴۴).

۱-۵. نقل چند صفحه از متن گلستان زیر عنوان " نمونه‌ای از نثر گلستان " (صص ۱۵۳-۱۴۶).

۱-۶. توضیح درباره نثر گلستان و نقش آن در نثر فارسی، از جمله: " سعدی دو کار کرده است، یکی آنکه از حدود نثر معاصر بیرون رفته است، و بار دیگر اعجاز ایجاز قدیم را نشان داده و پاره‌ای از لغات و افعال و ادوات کهنه را که از میان رفته بود، از نو به کار انداخته، و مقامه‌نویسی را که در ایران رونق نگرفته و بعد از قاضی حمیدالدین کسی به فکر مقامه‌نویسی نیفتاده بود، نیز ساخته و معایب مقامات حمیدی را که پیش از این اشاره کرده‌ایم، مرتفع نموده است. دوم ابتکارها و اختراعاتی است که سعدی از خود بروز داده است و ما به جزئیات آنها آشنا می‌باشیم، از قبیل آنکه از تعداد موازنه‌ها و مزدوجات و سجع‌ها کاسته و جمله‌ها و الفاظ مترادف کمتر آورده است، بر استشهادات شعری افزوده، و در استدلالات قرآنی و آوردن عبارات تازی و شعر تازی نسبت به معاصران خود کمتر علاقه نشان داده است و در روانی عبارت و بلاغت و فصاحت گفتار، بیشتر سعی داشته است تا آرایش آن، و در حقیقت نثر ساده را با پیرایه‌ای مختصر از صنعت و شعر به این پایه و مایه بالا برده، و شیوه‌ای نو که می‌توان آن را " شعر منثور " نام داد، به وجود آورده است ... " (ص ۱۵۴).

۱-۷. اشاره به نفوذ نثر گلستان در نثر پس از خود و تقلید کسانی چون جوینی، جامی و قآنی از گلستان در نگارستان، بهارستان و پریشان (صص ۱۵۶-۱۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. برخی نسخه‌های خطی و چاپی کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۱۸ بار، رسائل نثر ۱۸ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. کتاب سه جلدی سبک‌شناسی نثر، از ارزشمندترین کتاب‌هایی است که مرحوم محمدتقی بهار آن را سال‌ها پیش به علاقمندان زبان و ادبیات فارسی عرضه داشته است و تاکنون نیز از جمله کتاب‌های سودمند مرجع است. در جلد سوم این کتاب نثر سعدی بررسی و ویژگی‌های آن بازنموده شده است. با آنکه بعد از انتشار سبک‌شناسی بهار نوشته‌های متعددی پدید آمده، اما هنوز هم این نوشته یکی از بهترین و گسترده‌ترین نوشته‌ها، در نوع خود است. بررسی جزئی‌نگرانه متن گلستان با توضیح درباره انواع ویژگی‌های لفظی و معنوی آن و استنادهای مکرر به سخن سعدی و دقت زیبایی‌شناسانه در آنها، بر ارزش این نوشته افزوده است.

۵. تأییرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. تحلیلی از اندیشه و هنر سعدی شیرازی، عبدالعلی دست‌غیب، نگین، سال سوم، شماره ۱، خرداد ۱۳۴۶، ص ۲۱. ۵-۲. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۴. ۵-۳. نگرشی بر متون فرهنگی - گلستان سعدی، حسین آهی، سروش، شماره ۱۵۵، شنبه ۹ مرداد ۱۳۶۱، صص ۴۸-۴۶. ۵-۴. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۷۱۰. ۵-۵. جنبه‌های معنوی سخن سعدی، دکتر علی‌محمد مزده، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، ص ۲۱۶. ۵-۶. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۶۹. ۵-۷. ادبیات کلاسیک فارسی، آرتور جان آریبری، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، صص ۲۱۱، ۲۱۳، ۴۳۱. ۵-۸. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۲۵-۲۳. ۵-۹. گزینه گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۱، صص ۶-۹. ۵-۱۰. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۱۴۳، ۱۴۴. ۵-۱۱. برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزاد، ۱۳۷۴، ص: هفت. ۵-۱۲. با بهار در گلستان، رضا هادی‌زاده، مجله پژوهشی دانشگاه تهران (علوم انسانی)، جلد سوم، شماره ۱ و ۲، صص ۶۸-۵۵.

سعدی شیرازی، محمدحسین رکن‌زاده - آدمیت، برگرفته شده از کتاب " دانشمندان و سخن‌سرایان فارس "، ج ۳، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، صص ۱۵۸-۱۰۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به اختلاف نظر در تاریخ وفات سعدی با یادکرد نظر برخی از صاحبان تذکره و نویسندگان و تأیید قول " بدر جاجرمی " که سال وفات سعدی را ۶۹۵ نوشته است (صص ۱۰۵-۱۰۲).

۱-۲. تأکید بر اهمیت شناخت شخصیت و اندیشه و هنر سعدی.

" نام سعدی هر چه، و سال‌های تولد و وفاتش هر وقت باشد، زیاد مهم نیست. و عدم تشخیص قطعی آنها چیزی از مقام منیع و فضل و دانش و مراتب حکمت و عرفان و فصاحت و بلاغت و طبع روان و ابیات سهل و ممتنع شیخ اجل شیراز، قدس‌الله سره‌العزیز نمی‌کاهد ...

سعدی نه تنها شاعر و نویسنده بزرگی است، بلکه درحکمت نظری و عملی و مقامات عالی‌سیر و سلوک عرفانی و تفکر و تبحر در تمام علوم متداوله عصر خود، و بیان آن معلومات به زبان ساده و قابل استفاده عامه اگر نگوییم بی‌نظیر است. " کم از کم " می‌توانیم او را کم‌نظیر بدانیم و بخوانیم ... " (ص ۱۰۵).

۱-۳. توضیح درباره تحصیلات، مسافرت‌ها و معاصران و ممدوحان سعدی (صص ۱۰۷-۱۰۶).

۱-۴. نقل شرح افسانه ملاقات سعدی با همام تبریزی و دیدار او از جلال‌الدین رومی (صص ۱۱۲-۱۰۷).

۱-۵. توضیح درباره سفرهای سعدی و از آن جمله سفر او به هند و بت‌خانه سومنات از قول برخی از منابع (صص ۱۱۹-۱۱۴). با این نتیجه‌گیری از قول عبدالعظیم قریب: " ترجمه احوال شیخ اجل مجهول و مشکوک و به طریق قطع و تحقیق نمی‌توان از وضع زندگی و ایام تحصیل و مسافرت‌هایی که کرده و اشخاصی را که ملاقات نموده، آگاهی و اطلاع کامل حاصل کرد. و آنچه در این باب، اصحاب تذکره و ارباب تواریخ نوشته‌اند، مشکوک و محل شبهه و تردید است و متأسفانه کتبی هم از معاصرین شیخ یا نزدیک به آن زمان که

اشاراتی به شرح زندگانی شیخ اجل نموده باشند، در دست نیست و اگر نوشته‌هایی هم موجود باشد، ما اطلاعی از آن نداریم " (ص ۱۱۹).

۱-۶. اشاره به اختلاف نظر درباره مذهب سعدی و تأکید بر وسعت مشرب او (صص ۱۲۱-۱۲۰).

" سعدی و حافظ و امثال آنها هم ظاهراً مذهب شافعی (که نزدیک‌ترین مذاهب اهل سنت به شیعه است) داشته‌اند، و چون در راه طریقت و معرفت قدم گذاشته‌اند (مخصوصاً حافظ) و به قول مولوی از قرآن مغز آن را برداشته‌اند، لهذا اطلاق کلمه سنی یا شیعه به آنها آن طور که فعلاً پیروان این دو مذهب معتقد هستند، مورد ندارد ... (ص ۱۲۱).

۱-۷. نقل سروده‌هایی از سعدی: ۱۷ غزل، ۵ قصیده و ۸ قطعه از بوستان (صص ۱۵۱-۱۲۲).

۱-۸. نقل قصیده‌ای از وحید دستگردی در وصف سعدی (صص ۱۵۸-۱۵۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. کلیات سعدی، شوریده شیرازی. ۲-۳. مناقب‌العارفین افلاکی، نفع‌الانس جامی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۲۰ بار، بوستان ۱۲ بار، گلستان ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته نسبتاً بلند بخشی از کتاب ارزشمند "دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۳" است. که ۵۷ صفحه از کتاب یاد شده به سعدی اختصاص یافته و در آن از قول سعدی پژوهان و صاحبان تذکره‌ها درباره زندگی و سخن سعدی توضیح داده شده است.

با آنکه سخن تازه‌ای در این نوشته نیست، اما برای بسیاری از خوانندگان خالی از فایده نیست. استفاده از منابع مختلف برای تأیید سخن بر ارزش مقاله افزوده است اما داستان‌هایی ساختگی چون گفتگوی سعدی و همام تبریزی در حمام، سخیف‌تر از آن است که بتوان به سعدی نسبت داد.

۴-۲. نشانی بیشتر نقل‌قول‌ها مشخص نشده است.

## سعدی شیرازی، حبیب یغمایی، یغما، شماره سوم، سال بیست و چهارم، خرداد ۱۳۵۰، صص ۱۲۵-۱۲۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی در مقایسه با سخنوران دیگر زبان فارسی (صص ۱۳۰-۱۲۹).

"هیچ نویسنده و شاعری چون سعدی وقت و فکر عاشقان ادب فارسی را به خود مشغول نداشته و هیچ کتابی چون گلستان از آغاز طفولیت تا پایان عمر همدم و مصاحب ادب‌پژوهان و صاحب‌دلان نبوده و هیچ معلمی زبان فارسی را بدین استواری و لطف و شیرینی نیاموخته ... (ص ۱۳۰).

۱-۲. توضیح در باره زندگی سعدی و سفرهای او (صص ۱۳۵-۱۳۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، بوستان ۵ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته بر ارزش‌های سخن و شخصیت سعدی تأکید شده ولی سخن تازه‌ای بیان نشده است.

۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد و مأخذ مورد استفاده مشخص نشده است.

## سعدی شیرازی و هوگوی فرانسوی، مهدی آستانه‌ای، آینده، سال دوازدهم، شماره ۱-۲، فروردین- خرداد ۱۳۶۵، صص ۶۲-۵۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل خاطره‌ای که در جریان آن نویسنده مقاله، بوستان سعدی به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی را خریداری و مطالعه می‌کند (صص ۶۰-۵۹).

۱-۲. تأکید بر ارزش سخن سعدی و مقایسه او با ویکتورهوگو در تقابل داستان "زاهد تبریزی" (در بوستان) و عملکرد ژان‌والژان در "بینویان": "چنین به نظر می‌رسد که گسترش دامنه تخیل سعدی بیشتر از هوگو باشد و نیز لطافت اندیشه و رقت احساس وی این قضاوت نه از خامی و تعصب است نه ناشی از امتیاز هم‌وطنی، بلکه آنچه در متن نوشته‌های این دو بزرگ‌مرد به چشم می‌آید موجب این پندار شده و مقایسه آن هم برای هر کس مقدور و ممکن است: گذشت و ارفاق کشیش فرانسوی با انفاق و ایثار و فداکاری زاهد تبریزی ... چقدر این دو داستان از نظر بنیان و بنیاد و هدف آموزندگی که همان عاطفی‌کردن خواننده یا تحریک و تقویت عواطف انسانی او است به یکدیگر شباهت دارند. آیا ویکتورهوگو کتاب بوستان را مطالعه کرده بود؟ ... قراین و امارات دیگری وجود دارند که می‌توانند راهنمای ما باشند که ویکتورهوگو ممکن است آثار شیخ اجل را خوانده باشد و احتمالاً داستان زاهد تبریزی بر او تأثیر لازم هم گذاشته باشد" (صص ۶۱-۶۰). ۱-۳. ذکر مشابهت‌های سعدی و ویکتورهوگو، از جمله: زندگانی نسبتاً دراز، اعتقاد به ذات باری‌تعالی، سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور و مردم‌گرایی (صص ۶۲-۶۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته در واقع بیان احساسات و اظهار علاقه و شیفتگی نویسنده نسبت به سعدی است و مقایسه‌ای کلی نیز بین سعدی و هوگو انجام گرفته و داستان زاهد تبریزی در بوستان با عمل ژان‌والژان در بینویان مقایسه شده، اما عنوان مقاله (سعدی شیرازی و هوگوی فرانسوی) توقع بیشتری را در خواننده ایجاد می‌کند و از این "عنوان"، بررسی و تحلیل تطبیقی آثار یا شخصیت این دو شاعر انتظار می‌رود که این کاوش به گسترده‌گی انجام نگرفته است. حجم مقاله هم با یک پیرایش شایسته می‌توانست به نصف مقدار موجود کاهش یابد.

پیش از این نیز نویسندگانی دیگر، از جمله دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (در کاروان حله، تابستان ۱۳۶۲، سعدی، شیخ شیراز، ص ۲۰۹) شخصیت ژان‌والژان و ویکتورهوگو و زاهد تبریزی بوستان را مقایسه کرده‌اند.

آقای دکتر پرویز نائل خانلری نیز در نوشته‌ای زیر عنوان "عارف تبریزی و کشیش فرانسوی" این دو شخصیت را با هم سنجیده و احتمال تأثیرپذیری سعدی را از ویکتورهوگو مطرح کرده است (رک. عارف "تبریزی و کشیش فرانسوی"، دکتر پرویز نائل خانلری، هفتاد سخن، ج ۳، ۱۳۶۹، صص ۲۱۹-۲۱۷).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بزرگوار، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، ص ۲۳۲.

## سعدی، فروید، مرغ همسایه، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۲۱، پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۳۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۲۸-۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر عنصر تفکر و معنا در آثار سعدی: " خود سعدی نیز فصاحت و بلاغت را هنری نمی‌داند و فقط فکر خویش را به عنوان عامل اصلی و اساسی معرفی نموده است ... " (ص ۱۸).

۱-۲. توضیح درباره عوارض سرکوب امیال جنسی و احتیاجات غریزی و آزادی آنها و نظر سعدی در آن باره (صص ۱۸-۱۹): " سعدی به شیوه همیشگی خود در مسئله تربیت غرایز، نخست به شناسایی و معرفی عامل اصلی می‌پردازد و قدرت غریزه جنسی و لزوم رضای آن را به میزان طبیعی متذکر می‌شود ... با اینکه سعدی از تملک نفس سخن می‌گوید، معیناً اهداف او با آنچه خودخوری و ریاضت نامیده‌اند بکلی تفاوت دارد (ص ۱۹). سعدی در مورد احتیاج انسان به رضای طبیعی غرایز و تمایلات، هرگز سرکوبی و ممنوعیت را توصیه نمی‌کند، زیرا این احتیاج واقعیتی است که هم منع کردن و هم آزاد گذاشتن آن زیان‌بخش است ... " (ص ۲۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نوشته‌های فروید و راسل (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. بوستان ۸ بار، غزلیات ۲ بار، گلستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. مقایسه نظرات سعدی با فروید و راسل در کنترل یا آزادی امیال جنسی و احتیاجات غریزی که موضوع این مقاله است، بویژه اینکه با استناد به آثار سعدی همراه است، از جنبه‌های مفید مقاله است، اما حاشیه‌پردازی‌های زاید به این مقاله نیز ضربه زده است. تنها یک مورد از حاشیه‌پردازی‌های زاید را بازنگری می‌کنیم: " باعث شرمساری نویسنده این سطور باشد که اعتراف کند، همیشه اگر مرغی در میان بوده، آن را با دست خورده است، زیرا نسبت به این عقیده تعصب دارد که مرغ و قاشق دو موهبت مانع‌الجمعند. مضافاً به اینکه دست‌های انسان اگر به دقت تمیز و ضد عفونی شده باشد، نه تنها برای تناول انواع طیور (و بالاخص بوقلمون) بلکه برای عمل جراحی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد (!) ".

۴-۲. این نوشته هم از اشتباهات چاپی در امان نمانده است. به چند اشتباه چاپی تنها در ستون آخر صفحه ۲۸ نگاه می‌کنیم: س ۲۸: نخبید (نخسیند)، روستایی جفت (روستایی و جفت)، س ۳۰: پادشاهت (پادشاه است) و س ۳۷: مردود باشد (محدود باشد) و ...

۴-۳. نشانی مأخذ و نیز نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

سعدی، فروید و برتراند راسل، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۳۰، پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۴۷، صص ۱۶-۱۷ و ۲۷ و ۳۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره اندیشه‌های فروید و بازخورد اظهار این نظرات در جامعه (ص ۱۶).

۱-۲. مقایسه سعدی و فروید: " توجه به حقایق و انزجار از دروغ و تظاهر یکی از جنبه‌های مشترک کار سعدی و فروید است ... تحت تأثیر حقیقت بوده که سعدی و فروید قدرت غریزه جنسی را خاطرنشان ساخته و جلوگیری از انحرافات جنسی و شهوانی را با توبیخ و تنبیه غیرممکن دانسته‌اند ... فروید معتقد است که مردم کمتر زیر بار استدلال‌ات عقلی می‌روند، بلکه از غریزه خود بهتر و طبیعی‌تر پیروی می‌کنند ولی سعدی می‌آموزد که انسان می‌تواند به کمک نیروی عقل بر غریزه مسلط شود ... " (ص ۱۷).

۱-۳. توضیح درباره نگره‌های راسل در امور تربیتی و مقایسه آنها با نظرات سعدی (صص ۲۶-۲۷)، از جمله: " منظور نهایی آقای راسل از ترس جنسی، همان معنایی است که فروید و همکارانش با عبارت عشق آزاد، یعنی روابط جنسی نامشروط بیان کرده‌اند، که البته شایان بحث و مطالعه کافی است و به هر حال با تربیت و پرورش غرایز آن طور که سعدی تعلیم داده، تفاوت دارد ... از نظر سعدی تملک نفس، تسلط بر نیروی شهوانی است و این مسئله بدون آنکه ربطی با ریاضت و نفس‌کشی داشته باشد، به تحمل و استقامت عصبی منتهی می‌شود ... معیناً مسئله انکاء به نفس نیز از نظر سعدی دور نمانده. با این حال تعلیمات سعدی وجه امتیاز عجیبی نسبت به روش‌های تربیتی علمای قرن بیستم دارد ... " (ص ۲۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نوشته‌های فروید و راسل (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۴ بار، گلستان ۱ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته به توضیح در باره نظرات تربیتی فروید و برتراند راسل پرداخته و در مواردی آنها را با نظرات سعدی مقایسه کرده است، که برای شناخت کامل‌تر سعدی و مقایسه او با صاحب‌نظران دیگر سودمند است. هر چند نگارنده می‌توانست با حذف عبارات غیرلازم، حجم مقاله را کاهش دهد و به ایجاز لازم دست یابد و گفتنی است که آنچه درباره سعدی در این مقاله گفته شده، بیش از یک دهم مقاله نیست.

۴-۲. نشانی مأخذ و نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

سعدی، گستاخ در ادای سخن حق، دکتر سیدجعفر شهیدی، روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۶ آذر ۱۳۶۲، ص ۱۵.  
\* این مقاله یک بار دیگر با عنوان " مدیحه‌های سعدی " در جلد دوم " ذکر جمیل سعدی " (صص ۳۷۵-۳۶۵) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

سعدی کیست، محمدتقی بهار، بهار و ادب فارسی (مجموعه مقالات)، به کوشش محمد گلین، امیر کبیر، ۱۳۷۱، صص ۱۵۹-۱۴۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. نوبهار، سال ششم، شماره ۸۲، شماره مسلسل ۳۲۳، ۱۹ جدی (دی ماه) ۱۳۹۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح کوتاهی درباره دانش و زندگی سعدی (ص ۱۴۳).

۱-۲. مطلبی زیر عنوان " تأثیر محیط در قرآیح " و توضیح درباره تأثیرپذیری شاعران مختلف عرب و ایرانی از محیط زندگی خود با اشاره و پاسخ به یک نوشته انتقادی درباره سعدی (صص ۱۴۹-۱۴۳).

۱-۳. مطلبی زیر عنوان " انقلاب، تکامل، انحطاط و تأثیر آن در شعر " و توضیح درباره تأثیر مسائل اجتماعی، بویژه انقلاب‌ها و جنگ‌ها در شخصیت شاعران و نویسندگان (صص ۱۵۱-۱۴۹).

۱-۴. توضیح درباره تأثیر فلسفه یونان و هند در ادبیات عربی و فارسی (صص ۱۵۲-۱۵۱).

۱-۵. توضیح درباره سعدی، از جمله: " سعدی، نتیجه تعالیم فردوسی و سنایی، زبده سخنان حکمت آموز و تعالیم روح‌پرور و لطیف ادبای یونان، ایران، هند، عرب و عجم، و بالاخره سعدی پس از یک سلسله انقلاب و تکامل و نضج دولت در سایه عهد خلافت، و در شباب یک دولت آرام منظمی که در شیراز به دست اتابکان تشکیل شده بود، به وجود آمده، و هرگاه انقلابات شخصی، سعدی را از این دست به آن دست نمی‌غلطانید، شاید جنبه عرفان و تصوف در شیخ قوت می‌گرفت. چه، تعالیم ابتدایه سعدی در مدرسه نظامیه



بغداد بوده ... و بدیهی است با تعلیمات مزبور ما از سعدی چه بایستی بخواهیم؟ فقه و ملایبی، وسواس و عقاید مذهبی، دوری از محیط سعی و عمل و سیاست، خشکی و خونسردی در امور معاشیه و مجرد صرف، و عدم معاشرت با مردم ... طول عمر سعدی به تصفیه حال او مدد نموده ... تنها چیزی که به سعدی می‌توان گرفت، این است که از کسوت شعرا و فلاسفه اندکی دور و به کسوت فقها و زهاد نزدیک‌تر بوده ... (ص ۱۵۳).

سعدی تا توانسته است سخنان خود را در مادیات و امور معاشیه و سیاست و اخلاق معاشی و طرز زندگی و مردم‌داری و نیک فطرتی و عدالت و رعیت پروری و توجه به واقع محصور نموده است " (ص ۱۵۴).

۱-۶. یادکرد نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی درباره " عبادات و روزه‌داری "، " حقیقت وجدان و عقیده "، " حقیقت سعی و عمل "، " مذمت حرص و تنبلی و تن‌پروری "، " ذم مفت خواری "، " شجاعت ادبی و آزادی عقیده "، " زحمت سخن گفتن. نقادی مردم "، " مذمت عیب‌جویی و فحاشی "، " حقیقت اخلاق نافذانه عمومی " (صص ۱۵۷-۱۵۴) و نتیجه‌گیری اینکه: " این بود شمه‌ای از عقاید اخلاقی و معاشرتی و اجتماعی شیخ سعدی، که ما برای نمونه ذکر کردیم، آیا ساده‌تر و راسته‌تر و معنی‌دارتر از این سخنی هست که گفته شود، و سعدی نگفته باشد. و اما در امور سیاسی و ملک‌داری و لشکرکشی، به قدری تعمق و غور نموده و با تجربت چیز نوشته، که مافوقی بر آن متصور نیست (ص ۱۵۷).

سعدی یک شاعر پر تجربت و یک مرد سیاسی اجتماعی بوده، و از فلسفه و عرفان تا حدی دور و نگارشاتش صاف و ساده و اخلاق معاشرت را به دنیا درس می‌دهد" (ص ۱۵۸).

۱-۷. اعتراض و پاسخ به انتقاد کسانی که سعدی و دیگر سخنوران گذشته را مورد انتقاد قرار می‌دهند، از جمله: " آنهایی که به شیخ سعدی، ملای روم، خواجه حافظ - تنها ثروت ملی ایران - فحش و ناسزا گفته و از روح آنها خجالت نمی‌کشند، چه هنر و فضیلتی از خود بروز داده و کدام کتاب را در تعالیم تازه‌تر و مفیدتر تألیف یا تصنیف نموده‌اند ... باری این تعنت‌ها از بی‌فکری است، و هر چه ما در تشریح این معنی بنویسیم، توضیح واضحات و نشر بدیهیات است. من مدعی هستم که هر اصل و قاعده‌ای که امروزه تازه‌تر و مفیدتر به حال مشیت عمومی و اخلاق اجتماعی بوده و متفق علیه تمام علمای علم اجتماع و اخلاق و فلاسفه طبیعی بوده باشد، نشان بدهید تا من آن را در کتاب مثنوی و بوستان سعدی و در طی غزلیات حافظ برای شما پیدا کرده و به شما ارائه بدهم " (ص ۱۵۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۶ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته که نخستین بار در روزنامه نوبهار (سال ششم، شماره ۸۳، شماره مسلسل ۳۲۳، ۱۹ جدی (دی ماه)، ۱۲۹۶ شمسی) چاپ شده، در واقع پاسخننامه‌ای است به مقاله‌ای که با نام " مکتب سعدی " به قلم " علی‌اصغر طالقانی " در روزنامه " زبان آزاد " چاپ شده (نخستین قسمت این مقاله در شماره روز جمعه ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ ه.ق (۱۳ دی ماه ۱۲۹۶ ش.) درج شده - " از صبا تا نیما، ج ۲، یحیی آربین‌پور، انتشارات زوار، چاپ چهارم ۱۳۷۲، ص ۴۲۸ ").

مقاله علی‌اصغر طالقانی در سال‌های آخر سده سیزدهم، در محافل ادبی جنجالی بر پا کرد و موجب درگیری طرفداران تجدد از جمله: " تقی رفعت " با سنت‌گرایان ادبی، از جمله " محمدتقی بهار " شد. و باعث پدید آمدن مقاله‌هایی شد که در روزنامه‌های " زبان آزاد "، " نوبهار "، " تجدد " و " دانشکده " به چاپ می‌رسید.

این نوشته یکی از همین مقاله‌هاست و از نخستین نوشته‌هایی است که در مقابل تجدد خواهان افراطی از جمله " علی‌اصغر طالقانی " و " تقی رفعت " به دفاع از ارزش‌های گوناگون سخن سعدی پرداخته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، شهریور ۱۳۶۸، ص ۵۳۸. ۵-۲. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۳-۵۲. ۵-۳. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۳. ۵-۴. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۵۶. ۵-۵. گزیده گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۱، صص ۶-۹. ۵-۶. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۲۷، ۲۵، ۱۹۷.

سعدی، ماندگاری بر جاری زمان، مهدی برهانی، مجله مناطق آزاد، سال چهارم، شماره چهل و ششم، آذر ۱۳۷۳، صص ۵۴-۵۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره ماندگاری نام و اثر سعدی در فرهنگ و زبان فارسی و تأکید بر تأثیرپذیری شاعران دوره‌های مختلف از آثار سعدی، شاعرانی چون: خواجه، حافظ، عرفی، نظیری و ... (ص ۵۴).

۱-۲. بررسی برخی از تأثیرپذیری‌های اخوان‌ثالث از سعدی و بازنمود نمونه‌هایی از همسانی‌ها در سروده‌های اخوان و سعدی (ص ۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. سروده‌هایی از مهدی اخوان‌ثالث (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۸ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در بخش نخست این مقاله که بر جاودانگی نام و اثر سعدی تأکید شده، سخن تازه‌ای مطرح نشده است. اما بخش دوم مقاله که برخی از همانندی‌های اشعار اخوان‌ثالث را با سعدی بازنموده، به دلیل تازگی بر ارزش این نوشته افزوده است.

سعدی - مرد بشردوست، آذر می‌دخت صفوی، یغما، سال ۲۳، شماره ۴، تیر ۱۳۴۹، صص ۲۳۲-۲۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر جنبه بشردوستی و فلسفی آثار سعدی، از جمله: " شاید معلوم همگان نباشد، که ... سعدی، البته بی‌تعمد و ناشناسانه، یکی از بنیان‌گذاران فلسفه بشردوستی ( Humanism ) بوده و در طی سخنان منظوم و منثور وی عقاید مهم این مذهب فلسفی به شیواترین و شیرین‌ترین پیرایه، تقریر شده است " (ص ۲۲۹).

۱-۲. تبیین اصول اساسی نظریه بشردوستی در سه اصل زیر و تطبیق سخنان سعدی با هر یک از آنها (صص ۲۳۲-۲۲۹).

الف. آدمی معیاری است در خود و برای خود.

ب. گذشت در امور مذهبی.

ج. حس زیباشناسی.

" در نظر وی [ سعدی ] فقط آن رسوم دینی و اوامر و نواهی شرعی، ارزشی دارند که به نفع انسان و جامعه انسانی باشند (ص ۲۳۰) نزد سعدی، مقصد حقیقی و غایت اصلی مذهب، اصلاح جامعه می‌بوده، خلاف راهنمایان و راهبران دینی که از اصلاح جامعه انسانی، بلکه از سراسر دنیا و مافیها، سر و کاری نداشتند و مذهب را فقط آلتی می‌دانستند برای حصول بهشت (ص ۲۳۱).

شیفتگی و دلباختگی او به زیبایی و انزجار و گریز از هر چه کربه و سهمگین روی باشد، به حدی است که او را قبول نیست کسی پیش زشت‌روی دست تکدی بیازد ... ولی فقط زیبایی ظاهری، روح تشنه وی را سیراب نمی‌کند. حقیقت زیبایی، آن است که انسان با محاسن اخلاق آراسته و از هر نوع زشتی‌های اخلاقی دور باشد (ص ۲۳۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۷ بار، گلستان ۶ بار، قصاید ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. مطالب این نوشته اگر چه تازه نیست، اما تطبیق برخی از نظرات سعدی با اصول فلسفه بشر دوستی (Humanism)، با بیان نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی، برای درک بیشتر شخصیت اجتماعی و جهانی او ارزشمند است. بویژه اینکه این مطلب به دست یک نویسنده هندی نگاشته شده است.

۴-۲. نشانی خواهد مشخص نشده است.

## سعدی، مصلح بن عبدالله، غزل‌های سعدی ...، بهاء‌الدین خرمشاهی (نشانی ناقص است).

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب "غزل‌های سعدی، پس از مقابله هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی، به کوشش نورالله ایران‌پرست، بخش نخست، الف تا غین، تهران، دانش، ۱۳۵۵".

۱-۲. انتقاد از روش مصحح در تصحیح ذوقی، بدون توجه به قدمت و کثرت نسخه‌ها.

۱-۳. نقد تصحیح بیت زیر در نسخه مورد نظر:

بنده‌وار آدمم به زنه‌ارت که ندانم صلاح پیکارت  
در این باره نوشته‌اند: "ضبط مصرع دوم در طبع فروغی" که ندانم صلاح و پیکارت " است. به نظر شما قطع نظر از ماجرای اصالت نسخ، کدام سعدی‌وارتر است؟ شاعر به معشوق یا ممدوح می‌گوید دست از تلاش و مقاومت در برابر تو برداشته‌ام و بنده‌وار به پیش تو آمده‌ام و از تو پناه و امان می‌خواهم، زیرا صلاح پیکار کردن با تو را ندارم، که قریب‌المضمون است با این مصراعش در جای دیگر: بیا که ما سیر انداختیم اگر جنگ است.

ولی اگر بگویم پیکار با تو را صلاح نمی‌دانم، نه معنا و نه لحنش هیچ یک بنده‌وار و زنه‌ارخواهانه نیست - و با مصرع اول قابل جمع نیست ... " (ص ۴۴۰).

۱-۴. انتقاد از شیوه نقطه‌گذاری در کتاب مورد نظر (ص ۴۴۱).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. غزل‌های سعدی ... به کوشش نورالله ایران‌پرست، بخش نخست، الف تا غین، دانش، ۱۳۵۵.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. تمام مقاله درباره کتاب غزل‌های سعدی از نورالله ایران‌پرست است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. همه آنچه نویسنده این مقاله درباره کتاب مورد نظر، نوشته‌اند، پذیرفتنی است.

## سعدی معلم، حسن نصیری حاجی، روزنامه قدس، چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۶.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره دیدگاه‌های سعدی در مورد تعلیم و تربیت، با استناد به سخنان و سروده‌های او در گلستان و بوستان.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان، بوستان و غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۹ بار، گلستان ۷ بار، غزلیات ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. درباره تعلیم و تربیت از نظر سعدی مقاله‌های زیادی نوشته شده و دو کتاب مستقل نیز با همین عنوان، پیش از مقاله مورد نظر منتشر شده است. اما در این مقاله سخن تازه‌ای مطرح نشده است.

۴-۲. در این نوشته کوتاه، اشتباهات چاپی زیادی نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله در ستون اول: کمک کن (کم کن)، معلم چون بود (معلم چو بود) انسان را تند خود (انسان را تندخو)، قضا خوردن (قفا خوردن)، هامون گذشت (هامون نوشت) و ...

۴-۳. نگارنده مقاله با تبدیل واژه "آمیزگار" به "آموزگار" بیت زیر را به سود توضیحات خود تغییر داده است:

دولت جان‌پرور است صحبت آمیزگار خلوت بی‌مدعی سفره بی‌انتظار

**سعدی معلم اخلاق، دکتر رضا مصطفوی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۱۲۴.**

**چاپ‌های دیگر:** ۱. عامرنامه، دهلی، ۱۹۹۰ (۱۳۶۸ ش)، صص ۲۴۵-۲۰۱ (به نقل از فهرست مقالات ایرج افشار، ۲. روزنامه کیهان، ۵ مرداد ۱۳۷۰، ص ۶، با عنوان "ویژگی‌های اخلاقی در شعر سعدی" (قسمت‌هایی از بخش نخست مقاله است). ۳. روزنامه کیهان ۶ مرداد ۱۳۷۰، ص ۶، با عنوان "اخلاق سیاسی از نگاه سعدی" (قسمت‌هایی از بخش دوم مقاله است).

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل عباراتی از کتاب "اخلاق ناصری" و "کشاف اصطلاحات‌الفنون" در تعریف علم اخلاق (ص ۱۲۴).

۱-۲. اشاره به پیشینه طرح علم اخلاق در متون کهن (ص ۱۲۵).

۱-۳. تأکید بر ارزش آثار سعدی در بیان مسائل اخلاقی: "در میان این همه آثار اخلاقی، نوشته‌ها و سروده‌های سعدی ویژگی خاصی دارد ... بوستان را بحق باید از جهت استواری اندیشه و بلندی فکر و عمق معانی و احتوای آن بر مطالب اجتماعی و اخلاقی، مایه‌دارترین اثر سعدی دانست" (ص ۱۲۵).

۱-۴. توضیح درباره مفاهیم دینی سعدی، از جمله: "خدای سعدی خطابخش و پوزش‌پذیر است، که بندگانش را دستگیری می‌کند

... (ص ۱۲۵) انتقام‌گیر و مجازات‌کننده و بی‌رحم نیست، مظهر لطف و رحمت است ... (ص ۱۲۶) در مکتب اخلاقی سعدی، تزویر و ریا سخت مورد نکوهش قرار می‌گیرد ... (ص ۱۲۷) پندها و اندرزهای سعدی، در بسیاری موارد با زبان تمثیل و به صورت داستانی بیان شده ... (ص ۱۲۸) شرافت انسانیت به داشتن ملکات فاضله است ... (ص ۱۲۹) کناره‌گیری از مردم و عزلت‌گزینی را سعدی ناپسند می‌شمارد ... (ص ۱۳۰) به نظر استاد اخلاق ما، عالمانی که به مردم و جامعه خدمت می‌کنند، حتی بر عابدانی که به گوشه عبادت نشسته‌اند برتری دارند ... (ص ۱۳۱) به اعتقاد او حتی دشمنان را نیز نباید آزرده‌خاطر ساخت، چه رسد به دوستان (ص ۱۳۴) تعلیم ممانعت طبع و داشتن استغنا از موضوعات دیگر سخن سعدی است (ص ۱۳۵) فلسفه جاودانی سعدی در علم سیاست مدن

همواره روشن است و یکنواخت. او همیشه، غم بینوایان را دارد و غمگساری رعیت برایش بالاترین شادی‌ها و لذت‌هاست (ص ۱۲۸). از ویژگی‌های بارز سخن سعدی که شاید در کمتر سیاستمداری وجود داشته باشد صراحت لهجه اوست (ص ۱۲۸). سعدی در حکومت، مروج عدالت و دادگری است... عدالت را برای حاکمان به همان اندازه ضروری می‌شمارد که عامل بودن را برای عالمان... (ص ۱۴۰) سعدی بر خلاف پاره‌ای متملقان و چاپلوسانی که همواره ستمکاران و زورمندان را می‌ستوده‌اند، نه تنها به این گونه حاکمان نمی‌بالد و تملق نمی‌گوید و چاپلوسی نمی‌کند، بلکه به آنان می‌فهماند که اگر افتخاری باشد، برای حاکمانی است که در دوره سعدی زندگی می‌کنند (ص ۱۴۴)... بخش سوم حکمت عملی از نظر متقدمان تدبیر منزل بود. سعدی در این بعد از حکمت نیز صاحب نظر و کمالات است..." (ص ۱۴۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی. ۲-۲. گلستان سعدی، به کوشش دکتر خطیب‌رهبر. ۲-۳. کلیات سعدی، نسخه فروغی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۲۷ بار، گلستان ۹ بار، قصاید ۶ بار، غزلیات ۲ بار، قطعات ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این مقاله طولانی در واقع، بعضی از اندیشه‌های اخلاقی و اجتماعی سعدی با استناد به آثارش، کاویده شده، که اگر چه برای افکار عمومی جهت شناخت سعدی سودمند است، اما با توجه به اینکه این موضوع پیش از انتشار این نوشته نیز بارها به وسیله سعدی‌پژوهان بررسی شده، سخن تازه‌ای در این مقاله بیان نشده است. می‌توان گفت نویسنده تنها، برخی از سروده‌های سعدی را به نثر نوشته است.

۴-۲. نویسنده مقاله در نظر داشته‌است نشانی همه مثال‌ها را به طور دقیق روشن کند، اما در برخی از این موارد لغزیده است، از جمله: الف: در ص ۱۲۸ سومین مثال (عبارت به اخلاص... ) از گلستان دانسته شده، در صورتی که از بوستان است و ب: نشانی برخی از مثال‌ها معلوم نشده است، از جمله: ص ۱۳۱، بیت اول و سطر ۱۷ (سنگی و گیاهی...) و ...

## سعدی‌نامه، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۷، پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰ و ۲۳.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نسخه‌های خطی کلیات سعدی و نسخه‌هایی که از آثار سعدی با تحقیق و استنساخ گراف، وایت‌کینگ، عبدالعظیم قریب، محمدعلی فروغی و علی‌یف به چاپ رسیده است (ص ۲۰).

۱-۲. اشاره به ارزش نسخه‌هایی که با مقابله و تطبیق نسخ دیگر از آثار سعدی به چاپ رسیده و انتقاد از کسانی که به این نوع از آثار چاپی نام "تصحیح" می‌نهند (صص ۲۰-۲۱).

۱-۳. توضیح درباره نسخه بوستان که رستم علی‌یف چاپ کرده و بررسی روش کار در مقابله نسخه‌ها با معرفی نسخه‌های مورد استفاده او (صص ۲۱ و ۲۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. بوستان، متن انتقادی، تحقیق و توضیح، رستم علی‌یف، ۱۹۸۶ میلادی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته به معرفی برخی از آثار چاپ شده سعدی بویژه نسخه بوستان که به وسیله رستم علی‌یف چاپ شده، پرداخته و از شیوه عملکرد علی‌یف انتقاد کرده است. نگارنده به عنوان "تصحیح" در آثار سعدی ایراد گرفته، می‌نویسد:

"تقریباً عموم این محققان در یک مطلب به اشتباه افتاده‌اند، که کار خود را که مقابله متون قدیمی و یا تحقیق در اعتبار نسخه‌های خطی بوده، با عبارت تصحیح آثار سعدی، عنوان کرده‌اند... " (ص ۲۱).

همین انتقاد در مقاله دیگری از نگارنده که در شش ماه پیش از انتشار این مقاله به چاپ رسیده (رنگین کمان، شماره ۴۹، پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳) مطرح شده است.

بی‌گمان منظور از تصحیح متون گذشته بررسی و تصحیح "اشتباهات و تصرفاتی است که احتمالاً منشیان و کاتبان" در این آثار به وجود آورده‌اند نه تصحیح اشتباهات شاعر و نویسنده اصلی متن (همان‌گونه که نگارنده خود در ص ۲۱ مقاله بدان اشاره کرده‌اند).

۴-۲. نشانی نقل‌قول‌ها و مأخذ مطالب مشخص نشده است.

## سعدی و اقبال لاهوری، دکتر نسرین اختر، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۲۴-۱۱۳.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره اشتراکات سعدی و اقبال: "با وجود اینکه در دو زمان متفاوت زندگی می‌کردند و هفت قرن بعد زمانی داشتند ولی در بعضی اندیشه‌های هر دو اشتراک عجیبی ملاحظه می‌شود اقبال در برخی از آثار خود از گفتار شیخ سعدی استفاده می‌کند و بسیار جای، اشعار و گفته‌های شیخ را تضمین و استقبال می‌نماید سعدی و اقبال هر دو از حوادث تاریخی ادوار خود شدیداً متأثر شده‌اند (ص ۱۱۵) سعدی و اقبال هر دو علیه تعصب ملی کورکورانه شدیداً قیام کردند (ص ۱۱۶). اقبال در جهت اتحاد بنی‌نوع آدم، هم‌فکر شیخ اجل و معلم اخلاق سعدی می‌باشد و با تضمین یک مصراع سعدی می‌گوید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند همان نخل را شاخ و برگ و برند

علاوه بر این، اقبال در "پیام مشرق" قطعه‌ای به عنوان "قطره آب" به سبک بوستان سعدی دارد که در آن دو بیت از سعدی را نیز تضمین می‌نماید... در یک قطعه دیگر به عنوان "طیاره" نیز اقبال معنی‌آفرینی‌های دل‌آویز و شیوا نموده و آن را هم به روش بوستان سروده و از اشعار شیخ تضمین کرده است" (ص ۱۱۷).

۱-۲. بیان پانزده نمونه دیگر از سخنان سعدی که مورد استقبال و تضمین اقبال قرار گرفته است و نتیجه اینکه: "وقتی که کلام و افکار و اشعار این دو نابغه بزرگ مشرق زمین یعنی سعدی و اقبال را مطالعه نموده مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که اساس این همه افکار حکیمانه و اخلاق، بر دین و کتاب الهی استوار است و پر از نکات بسیار عمیق است و سوز و مستی هر دو شاعر مثل یک چراغ قلب و ذهن خواننده را تابناک می‌سازد." (صص ۱۲۳-۱۱۸).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. آثار اقبال لاهوری (پیام مشرق، ارمغان حجاز، جاویدنامه، بانگ درا، بال جبریل و ...).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۹ بار، گلستان ۵ بار، بوستان ۴ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این مقاله به طور گذرا برخی از تأثیرپذیری‌های اقبال را از سعدی کاویده و نمایانده است. تأثیرات نمایانده شده در حد استفاده مستقیم (به گونه استقبال یا تضمین) است.

بی‌گمان برای تبیین تمام تأثیرات اقبال از شیخ اجل باید کلیه آثار سعدی و اقبال به گونه‌ای ژرف‌تر بررسی شود و تأثیرات معنایی، مضمونی و ساختاری با استناد به آثار آنها روشن گردد.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به پیشینه روابط ایران و اروپا و آشنایی انگلیسی‌ها با ادبیات فارسی (صص ۶۹۱-۶۹۰).
- ۱-۲. اشاره به یازده نمونه از ترجمه‌های آثار سعدی به زبان انگلیسی در قرن‌های هفده تا نوزده با یادکرد نام مترجم و تاریخ انتشار (ص ۶۹۱).
- ۱-۳. معرفی سر ویلیام جونز (مستشرق انگلیسی) و یادکرد اظهار نظر او درباره سعدی که می‌گوید: "تا یکی دو قرن قبل آثار سعدی در اروپا تحریم و ممنوع می‌شد، چون که شعله آزادی و تعقل با روشنایی خیره‌کننده‌ای در آنها می‌درخشید" (ص ۶۹۲).
- ۱-۴. معرفی امرسون شاعر نام‌آور آمریکایی و بررسی تاریخچه مطالعات او بر روی ادبیات فارسی و نوشته‌های او در این باره (صص ۶۹۴-۶۹۳) و نتیجه‌گیری آنکه: "با توجه به اینکه امرسون اولین مجموعه اشعار خود را در دسامبر ۱۸۴۶ منتشر ساخت بخوبی می‌توان دید که تا قبل از آن تاریخ او اطلاعات وسیعی درباره ادبیات فارسی از منابع مختلف انگلیسی و آلمانی کسب کرده بود. امرسون جمعا قریب هفتصد بیت شعر از شعرای فارسی را به انگلیسی ترجمه نمود و تعدادی از اشعار مشهور خود او ... متأثر از آثار شعرای ایران است (ص ۶۹۴) در سال ۱۸۶۵ که ترجمه گلستان سعدی به قلم فرانسیس گلدوین در آمریکا منتشر شد، امرسون مقدمه جالبی بر آن نوشت و گلستان را به عنوان "یکی از کتاب‌های مقدس جهان" ستود. در این مقدمه امرسون به خصوصیات ادبیات فارسی و ترجمه‌هایی که از آثار شاعران ایرانی به انگلیسی انجام شده اشاره نموده است: "... اگر چه سعدی فاقد پروازهای عاشقانه حافظ است، ولی از طبع ظریف، واقع‌بینی و احساسات صحیح اخلاقی برخوردار است. ... او شاعر دوستی، عشق، از خودگذشتگی و آرامش است. تمام آثار او از فصاحت یکدستی برخوردار بوده و مخصوصاً روحیه شاد و بشاش که با نام او مترادف است، در همه آثار او متجلی است. ... سعدی در خواننده احساس امید و خوشبینی می‌آفریند. چقدر بین احساس خوش‌بینانه و مطمئن سعدی و روحیه عیب‌جو و بدگمان باثیرون فرق است ... من در آثار سعدی یک خداپرستی کامل می‌بینم. ... پس از مطالعه ترجمه‌هایی از اشعار سعدی، امرسون در سال ۱۸۴۲ شعری به نام "سعدی" سرود و او را از دیگر شاعران ممتاز برتر توصیف کرد ... " (صص ۶۹۵-۶۹۴).
- ۱-۵. ترجمه شعر بلند امرسون که به نام "سعدی" و در وصف اوست (صص ۷۰۲-۶۹۶).

## ۲. منابع اصلی: ۱.

۱. Sir William Jones. An Essay on the poetry of the Eastern Nations. (Oxford, ۱۷۷۳)
۲. The Gulistan Or Rose Garde, tr by Francis Gladwin, (Bostan ۱۸۶۳)

## ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. اشاره: ۱-۴. پیش از انتشار این مقاله نیز درباره نظر امرسون درباره سعدی و تأثیرپذیری او از سعدی در مقاله‌های مختلف سخن گفته شده است (که شایسته بود نویسنده به آنها اشاره‌ای می‌کرد) در این نوشته، نگارنده با بررسی تاریخچه مطالعات امرسون درباره ادبیات فارسی، عوامل آشنایی او را با این ادبیات و بویژه آثار سعدی باز نموده است. ترجمه بخشی از مقدمه‌ای که امرسون بر ترجمه گلستان سعدی به قلم فرانسیس گلدوین نگاشته و ترجمه شعر بلند امرسون با عنوان "سعدی" که برای نخستین بار به صورت کامل به فارسی برگردانده شده بر ارزش این نوشته افزوده است. اما مقدمات ابتدای مقاله که به پیشینه آشنایی اروپاییان با ادبیات فارسی پرداخته ارتباط چندانی با عنوان مقاله و موضوع آن ندارد.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. بزرگوار، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، ص ۲۳۵.

## سعدی و امور اجتماعی ، دکتر رضا شعبانی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۶۴ ، صص ۳۶۳-۲۴۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱ - "نصایح دو کتاب بوستان و گلستان را شاید به طور خلاصه بتوان گفت راجع است به رفتار انسان با انسان و رفتار انسان با اجتماع." (ص ۳۴۵).
  - ۱-۲. "قهرمان فقیر داستان سعدی که گلیم خود را در راه دزد می‌اندازد تا مأیوس نگردد، جوانمرد است." (ص ۳۴۶).
  - ۱-۳. توضیح درباره برخی از حکایت‌های سعدی: "حکایت زاهد مضرابی که بهای ساز ضارب خود را هم می‌پردازد (ص ۳۶۴)، حکایت برده‌ای که مرتکب بسیاری از اعمال خلاف می‌شود و باز هم مورد لطف خداوند خود است (ص ۳۴۷)، حکایت مردی که در مقام تواضع صدای سگ از خود در می‌آورد (ص ۳۴۸)، و ... همه نشانه‌های تربیت درست است. تربیت است که چنین مردان افسانه‌ای می‌سازد." (ص ۳۴۸).
  - ۱-۴. "سعدی این همه شهرت و معروفیت و موفقیت را مرهون پس‌گردنی خوردن از بزرگان است." (ص ۳۴۹).
  - ۱-۵. "از برخی سخنان و حکایت‌های سعدی در می‌یابیم که "تربیت اثر دارد" و از برخی دیگر در می‌یابیم که "تربیت اثر ندارد" (صص ۳۵۱-۳۵۰).
  - ۱-۶. سعدی غیبت را بسیار ناپسند می‌داند، حتی غیبت حجاج یوسف را هم روا نمی‌دارد." (ص ۳۵۲).
  - ۱-۷. "برخی از حکایت‌های سعدی با هم متناقض است." (صص ۳۵۷-۳۵۶).
  - ۱-۸. "حکایت مریدی که در "بزم ترکان مست" خونس به جوش می‌آید و دف و چنگ مطرب را می‌شکند، حکایت بت سومنات، حکایت حاتم طایی و مهمان او مأموریت کشتن حاتم را داشته، داستان جدال سعدی با مدعی - که یک مباحثه بی‌سرانجام است - حکایت گدایی که با دعای خود میزبان کورش را بینایی داد، حکایت مردی که بر خلاف نظر همسرش برای احسان و نیکویی نان از مغازه کتیفی می‌خرد که پر از مگس بود و ... حکایت‌هایی هستند که نتیجه‌های عجیب و متناقضی از آنها دریافت می‌شود، ولی سعدی این حکایات را به زور فصاحت و چاشنی بلاغت بی‌مانندش به خورد ما می‌دهد." (صص ۳۶۱-۳۵۸).
۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
  ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. بوستان ۱۹ بار، گلستان ۱۲ بار، قصاید ۱ بار.
  ۴. اشاره: ۱-۴. در این مقاله امور اجتماعی در بیش از بیست حکایت از حکایت‌های سعدی کاویده شده و بر نتایج غیرمنطقی برخی از آنها تأکید شده است - اگر چه اغلب آنها پیش از این مقاله نیز به وسیله صاحب‌نظران بررسی و بازنموده شده است، بررسی درونمایه مفهومی حکایت‌ها و دوری فارغ از شیفتگی‌های معمول به ارزش مقاله افزوده است. اما برخی از این نتایج نیز قابل تأمل است، از جمله نویسنده در تأیید رفتار کسی که به حال دزد ترجم کرده و گلیم زیر پایش را در راه او می‌اندازد، می‌نویسد: "بیچاره دزد امشب که تیرش به سنگ خورده چطور دست خالی برود پیش زن و بچه‌اش، رگ جوانمردی به حرکت درآمده [!] و جوانمرد را [!]"

می‌کشد به طرف دزد، او را پیدا می‌کند، و این بار خانه خودش را برای غارت در اختیار او می‌گذارد. این جوانمردی، به عقیده من در داس تان زیر حتی از جهت عاطفی عمیق‌تر از آن قبلی‌هاست ... " (ص ۲۴۶).  
۴-۲. درازگویی و اظهار تعارفات طولانی به مقاله لطمه زده‌است (رک. صص ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵).  
۴-۳. نشانی شاهدی‌ها مثال ذکر نشده است.

## سعدی و تصوف، عبدالعلی دستغیب، پیام نوین، دوره هشتم، شماره ۸ (مسلسل ۹۲)، بهمن ۱۳۴۵، صص ۲۰-۲۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای به سرگذشت سعدی و مسافرت‌های او (ص ۲۲).  
۱-۲. اشاره به تصوف سعدی: " سعدی از صوفیان نقشبندی بود و از مجلس شیخ شهاب‌الدین سهروردی درک فیض کرد. سعدی این مرد را " پیر " خود دانسته ... سعدی به او و " نجم‌الدین کبری " که از قطب‌های بزرگ اهل خرقه و صوف در همه زمان‌هاست اراداتی تام داشته " (ص ۲۳).  
۱-۳. تشریح حوادث اجتماعی عصر سعدی و پناه بردن مردم به رباطها و خانقاه‌ها در این زمان (صص ۲۴-۲۳).  
۱-۴. ادامه بحث درباره افکار صوفیانه سعدی: " سعدی در چنین دوره‌ای به سر برده و شعر سروده و نثر نوشته است. بنابراین اگر رگه‌های تصوف و بیزاری از جهان را در آثارش با این همه شدت و صراحت می‌بینیم، جای شگفتی نیست (ص ۲۴). سعدی در بوستان و گلستان و بعضی غزلیات خود پیرو تصوف عابدانه است که می‌کوشد دین و عرفان را با هم آشتی دهد و سیر و سلوک را بر پایه دستورهایی دینی قرار دهد. از این رو در این گونه آثار سعدی، آن جوش و خروش و وسعت فکر سنایی و مولوی را نمی‌توان دید (ص ۲۵). در گلستان جای‌جای نشانه‌های صوفی‌گری سعدی را می‌بینیم (ص ۲۶) در آثار سعدی تمایلات عرفانی نیز دیده می‌شود، بویژه شور عاشقانه‌ای در غزلیاتش تجلی می‌کند. در حقیقت داستان‌های آموزنده و موزون و مسجع سعدی و قیاس‌ها و تمثیلات جاندار او چندین وظیفه انجام می‌دهند (ص ۲۷). انزواجویی سعدی با صوفیان قشری تفاوت دارد (ص ۲۸) در نظر سعدی سخاوت و آزادگی دو عنصری است که طالب و راهرو را به مرتبه عارف می‌رساند ... صوفی باید آزاده باشد و زیر بار هیچ گونه تعلقی نرود ... عرفان سعدی نیز چون حافظ در عشق پدیدار می‌شود (ص ۲۹) سعدی مانند عارفان عاشق در همه جا خدا و زیبایی او را می‌بیند و خدا را مظهر زیبایی می‌شناسد و نقطه شروع جستجوی خدا را در زدودن زنگار از دل می‌داند (ص ۳۰).  
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، تهران ۱۳۳۳. ۲-۲. جهان‌گشای جوینی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویگرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۲ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. شرح چگونگی تصوف سعدی با استناد به آثار او از ابزارهای مفید شناخت سعدی است. در این مقاله به گونه‌ای گذرا، بدون یادکرد پژوهش‌هایی که پیشتر از این در موضوع تصوف سعدی انجام گرفته و منتشر شده، به این امر پرداخته شده است.  
۴-۲. در آغاز مقاله تاریخ نگارش گلستان ۶۵۵ و بوستان ۶۵۶ دانسته شده است که بی‌گمان اشتباه است. سعدی خود در دیباچه گلستان به زمان نگارش آن تصریح کرده است.  
" در این مدت که ما را وقت خوش بود ز هجرت شش‌صدوپنجاه شش بود "  
۴-۳. نویسنده بدون هیچ استنادی سعدی را از صوفیان نقشبندی می‌داند: " سعدی از صوفیان نقشبندی بود. " (ص ۲۳) و " نجم‌الدین کبری " را از اقطاب ازل تا به اید: " نجم‌الدین کبری که از قطب‌های بزرگ اهل خرقه و صوف در همه زمان‌هاست " (ص ۲۳).  
۴-۴. نشانی نقل‌قول‌ها به درستی در پاروئی مقاله آمده است.

## سعدی و تعلیم و تربیت امروز، دکتر محمود عالم، ایندو ایرانیکا، شماره ۴-۱، جلد ۳۶، ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ ش)، صص ۱۶-۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش تربیتی گلستان سعدی و بررسی برخی از نظرات سعدی در هفت موضوع تربیتی به عنوان محورهای اساسی آموزش و پرورش امروز (تعلیم و تربیت کودک، رابطه علم و عمل، انسان‌گرایی، اهمیت هنر، ارزش تفکر، اثر همنشینی، تربیت سیاسی و اقتصادی) (صص ۹-۱۶) با این نتیجه‌گیری که: " به طور خلاصه در این عصر وابستگی‌های روزافزون ملل و نزدیکی و درهم‌آمیختگی اندیشه‌های مختلف بشری، درس‌های اخلاقی و تربیتی شیخ سعدی می‌تواند بر گوشه‌ای از فرهنگ جهانی نورافشانی کند ... " (ص ۱۶).  
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۳. **رویگرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۲ بار، قصاید ۱ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در مطالعات سعدی‌پژوهی، بررسی آرای تربیتی و آموزشی سعدی است. افزون بر مقاله‌های متعدد، تاکنون دو کتاب مستقل نیز با همین موضوع منتشر شده است (تعلیم و تربیت در نظر سعدی از محمد جناب‌زاده، ۱۳۱۷ و تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی از محمدکریم آزادی، ۱۳۷۳). این مقاله نیز با همین منظور، نظرات تربیتی و آموزشی سعدی را در هفت موضوع - به عنوان موضوعات مهم تعلیم و تربیت در عصر حاضر - بررسی کرده است. با آنکه در این نوشته نسبت به نوشته‌های پیشین، سخن چندان تازه‌ای مطرح نشده است اما تأکید و توضیح نگارنده با استناد به سخنان سعدی برای بسیاری از خوانندگان نشریه ایندو ایرانیکا، خالی از لطف نیست.  
۴-۲. این مقاله از اشتباهات متعدد چاپی در امان نمانده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۹، س ۸: عتیده (عقیده) و ص ۱۱، س ۲: تر چنانکه (تر را چنانکه) و س ۸: توریهای (تئوری‌های) و اساس‌ترین (اساسی‌ترین) و س ۱۱: جامع (جامعه) و ص ۱۲، س ۲۳: بیفته (بیفتد) و ص ۱۲، س ۱۶: نکوگویی (نکو گوی) و س ۲۲: نباشه (نباشد) و ص ۱۴، س ۱۳: اسد (است) و ...

سعدی و حافظ، محمد علی فروغی، برگرفته شده از کتاب مقالات فروغی، انتشارات یغما، ۱۳۵۲، صص ۲۶۲-۲۵۲.  
چاپ‌های دیگر: ۱. مجله آموزش و پرورش، سال دهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۱۹، صص ۱-۲. ۲. مجموعه مقالات درباره حافظ، گردآوری دکتر خداپرست، ۱۳۶۲، صص ۲۲-۲۱. ۳. مقایسه سعدی و حافظ از نظر غزل‌سرایی و سبک، ح - صدر حاج سیدجوادی، چاپ نور، ۱۳۲، صص ۸-۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح در باره انگیزه نگارش مقاله که بنا بر درخواست " یکی از اهل ذوق " انجام گرفته است (ص ۲۵۲).  
۱-۲. مقایسه سعدی و حافظ: " اگر سؤال از مراتب علمی و فضلی شیخ و خواجه است، جواب این است که وسیله کافی به دست نیست تا بدانیم کدام اعلم و افضل بوده (ص ۲۵۲) اما اگر سؤال این است که کدامیک در سخنرانی بالاترند، حق این است که این هم جوابش بسیار مشکل است. " (ص ۲۵۲).

۱-۳. بیان دلایل ترجیح سعدی بر حافظ، از جمله نثر زیبای گلستان سعدی و شاهکار بی‌نظیر بوستان، قصاید بلند او و تعداد بیشتر غزل‌های او نسبت به حافظ: " پس اگر این ملاحظات را در نظر بگیریم مقام شیخ سعدی بالاتر می‌شود، خاصه این که زمانا هم بر خواجه مقدم است (ص ۲۵۳) من هر وقت شعر سعدی را به خاطر می‌آورم سعدی را مقدم می‌بینم و هر زمان از غزل حافظ یاد می‌کنم حافظ را برتر می‌یابم و اگر بخواهم از عوالم قلبی خودم نسبت به این دو رادمرد تعبیری نزدیک به حقیقت بکنم، می‌گویم یکی مقام پدر دارد و دیگری مانند استاد است و بر سبیل تشبیه سعدی دریاست و حافظ کوه است. کوه را با دریا از چه رو می‌توان سنجید." (ص ۲۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته کوتاه، از قدیمی‌ترین مقاله‌هایی است که در آن با ذکر دلایل کلی سعدی و حافظ مقایسه شده‌اند. این مقایسه به دور از جانبداری‌های غیر علمی است، اما چنانچه برای سنجش این دو شاعر نمونه‌هایی از سخنان آنها نیز بررسی و بازنموده می‌شد، بر ارزش نوشته، می‌افزود.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مقایسه بین سعدی و حافظ از نظر غزل‌سرایی و سبک، ح - صدر حاج سیدجواد، چاپ نور، ۱۳۳۲، صص ۶-۸.

## سعدی و حافظ (۱) ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۵۹، پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۴۸، صص ۱۵-۱۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مسئله " فردیت " و خصوصیات فردی و تفاوت تأثیرپذیری با تقلید (ص ۱۴).

۱-۲. یادکرد نمونه‌هایی از تأثیرپذیری حافظ از سعدی - در این بخش هفده نمونه از سخنان و سروده‌های سعدی که در دیوان حافظ مضمون مشابه آن به کار رفته، باز نموده شده است (صص ۱۵-۱۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۱ بار، گلستان ۳ بار، قصاید ۱ بار، ترجیعات ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که دنباله آن در شماره بعد مجله رنگین‌کمان (شماره ۶۰، پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۶۸) چاپ شده است. برای اشاره رک. بخش دوم مقاله.

## سعدی و حافظ (۲) ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۰، پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۱.

۱. مضامین اصلی: \* این نوشته بخش دوم و پایانی مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله (شماره ۵۹، پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۴۸، صص ۱۴-۱۵) چاپ شده است.

۱-۱. ادامه نقل موارد مشابه در دیوان سعدی و حافظ (یازده مورد) و در مواردی اندک، اظهار داور، از جمله:

" مقایسه بین قصاید سعدی و مدیحه‌های حافظ کار بیهوده‌ای است، زیرا قصایدی که سعدی در مدح پادشاهان سروده بکلی بی‌نظیر است ... همیشه سادگی قافیه و لحن سعدی را در اشعار حافظ نمی‌یابیم و این نکته حائز اهمیت فراوان است، زیرا گاهی حافظ فقط مضمون سعدی را تکرار کرده، یا همان معنی و قافیه را در وزن دیگری به کار برده ... (ص ۲۲) در بعضی موارد حافظ در مضمون سعدی تأمل کرده و آنها را به صورت تصنع لفظی بیرون آورده است ... گاهی مضامینی در دیوان حافظ یافت می‌شود که با حداکثر خوش‌بینی هم جز " تقلید " عنوان دیگری بر آنها نمی‌توان اطلاق کرد ... با تمام این تفصیلات، تشابه لفظی کار سعدی و حافظ با صد سال فاصله زمانی یک امر طبیعی است، در حالی که نحوه تفکر این دو متفکر نامدار ایرانی بکلی با یکدیگر مغایر بوده و شک نیست که اوضاع آشفته ایران بعد از هجوم مغول در مسلک یأس و تسلیم و مقاومت منفی حافظ مؤثر بوده است ... " (ص ۲۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۰ بار، گلستان ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته و بخش نخست آن که در شماره پیشین مجله (شماره ۵۹) چاپ شده به یاد کرد موارد مشابه در دیوان حافظ و سعدی پرداخته و مجموعاً ۲۸ مورد از نمونه‌های مشابه در دیوان این دو شاعر بازنموده شده است.

- هر چند پیش از این نیز نویسندگان دیگر همین موضوع را کاویده و در نوشته‌های مختلفی باز نموده‌اند، این مقاله نیز به خوانندگان ویژه خود در موضوع مورد نظر کمک می‌کند. اگر چه شایسته‌تر بود این موارد مشابه به گونه‌ای مناسب طبقه‌بندی و تفکیک و تحلیل شود.

۴-۲. نشانی مأخذ مقاله و همچنین نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی و حافظ مشخص نشده است.

## سعدی و حافظ، دو نابغه شیراز ، آن ماری شیمل، ترجمه فرزانه فرخزاد، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۸، صص ۲۳-۲۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. یادکرد جمله‌ای از هردر، شاعر و استاد آلمانی اواخر قرن هیجده درباره سعدی و حافظ برای نشان دادن پیشینه آشنایی آلمانیان با این دو شخصیت بزرگ ایرانی (ص ۲۰).

۱-۲. معرفی گلستان سعدی و نخستین مترجمان اروپایی آن، بویژه آدام اولناریوس مترجم آلمانی گلستان و تأکید بر تأثیرات ترجمه او (ص ۲۰).

درباره گلستان نوشته‌اند: " گلستان سعدی مجموعه‌ای از حکایات شیرین و پندآموز است. نثر آن مسجع است و به زینت شعر آراسته شده ... ساده‌نویسی و در عین حال زیبانویسی سعدی، حکمت عملی او، و حکایت‌های دلنشین، او را به شاعری بدل کرد که بویژه در عصر خردگرایی، محبوبیت فراوان نزد اروپاییان به دست آورد ... " (ص ۲۰).

۱-۳. اشاره به اوضاع اجتماعی زمان سعدی و زندگی و مسافرت‌ها و آثار او؛ از جمله: " ... تخمین اخیر که بر حسب آن، عمر سعدی حدود هشتاد سال می‌شود معقول‌تر می‌آید، ... گلستان وحشت آن دوران [ دوران مغول ] را منعکس نمی‌کند، بسیار حساب شده است و از آرامشی خردمندانه حکایت می‌کند ... شاید همین آرامش سعدی بود که به نحوی الهام بخش گوته، شاعر آلمانی شد و موجب شد که حدود ۶۵۰ سال بعد، یعنی وقتی که اروپا در آتش جنگ‌های ناپلئون می‌سوخت، گوته از لحاظ معنوی به " مشرق زمین پر صلح و صفا " روی آورد ... سعدی حداقل تا ۱۲۸۱ - ۶۸۰ که ظاهراً تاریخ آخرین شعر اوست، به سرودن اشعارش ادامه داد ... آوازه شهرت سعدی در شرق و غرب به خاطر گلستان اوست ... هانس هاینریش گلستان را بحق آینه تمام نمای شخصیت ایرانی می‌داند " (ص ۲۰).

۱-۴. معرفی برخی دیگر از ترجمه‌های گلستان و تأکید بر ارزش ادبی آثار دیگر سعدی: "خوانندگان غربی غالباً همان ترجمه‌هایی را که از گلستان در اختیار دارند می‌خوانند و از آن لذت می‌برند، بدون آنکه جنبه دیگر هنر سعدی، یعنی قدرت او در مدیحه‌سرایی و سرودن اشعار غنایی که موجب اشتهاش در دنیای ادب فارسی شده است، اطلاعی داشته باشند ... غزل‌سرایی همان زمینه‌ای است که موجب می‌شود نویسنده تاریخ ادبیات به نقش بسیار حساسی که سعدی در تکامل شعر فارسی بر عهده داشته، پی ببرد ... وجه مشخصه بسیاری از غزل‌های او وحدت و یکپارچگی موضوع و مضمون آنهاست ... بی‌تردید سعدی نخستین شاعری بود که غزلیاتی چنین زلال و زیبا خلق کرد" (ص ۲۱). ۱-۵. اشاره به برخی از مضامین آثار سعدی و بیان ترجمه‌های متعدد گلستان: "بی‌شک آنچه که موجب شده ترجمه آثار سعدی سهل‌تر از آثار دیگران، از جمله اشعار وجدآمیز رومی و غزلیات گهربار حافظ باشد، شیوه بیان "اخلاق عملی" اوست ... آیا سعدی در غزل‌های خود از عشق دنیوی سخن می‌گوید یا به طریق صوفیان عشق الهی را در پس پرده تصاویر دنیوی پنهان می‌کند؟ یا چنانکه بعضی از متأخرین ادعا کرده‌اند، شعر سیاسی را در قالب اشعار عاشقانه سروده است؟ شاید هر سه این تعبیر تا حدی در مورد سعدی صحت داشته باشد" (ص ۲۱).

۱-۶. توضیح درباره حافظ، کیفیت سخن او، مضامین اشعارش و ترجمه‌ها و تأثیراتی که در ادبیات غرب و بویژه آلمان داشته است (صص ۲۱-۲۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی و غزلیات حافظ (نشانی مآخذ مشخص نشده‌اند). ۲-۲. گفتارهایی از برخی ادیبان غربی (نشانی مآخذ مشخص نشده‌اند).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲ بار، ترجیع‌بند ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در دو بخش به بررسی سعدی و حافظ و آثار آنها پرداخته است در بخش نخست اطلاعات مختصری از زندگی سعدی، اوضاع اجتماعی عصر او و مضامین آثارش به خواننده داده می‌شود. با توجه به اینکه اصل مقاله به زبان آلمانی نوشته شده، برای مخاطبان خارجی خود حاوی مطالب سودمندی است، نقل‌قول برخی از اندیشمندان غربی درباره آثار سعدی و بیان تأثیر و آوازه او در غرب، از دیگر ویژگی‌های این نوشته است. در جمله: "به خاطر سپردن زبان فصیح و ساده گلستان با وزن ساده متقارب آن سهل بود" (ص ۲۱). اشکالی وجود دارد - زیرا وزن به اصطلاح متقارب مربوط به بوستان است و نه گلستان - معلوم نیست آیا این اشکال در اصل مقاله بوده یا از طریق ترجمه حاصل شده است. البته زبان ترجمه مقاله زبانی شیواست و داور در دست‌تر هنگامی صورت می‌گیرد که اصل مقاله با ترجمه آن مقایسه شود. ۴-۲. نشانی نقل قول‌ها و مآخذ مقاله مشخص نشده است.

سعدی و حسن و قبح افعال، دکتر احمد احمدی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۹۲-۷۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اظهار نظر درباره مذهب سعدی: "ظاهراً با قطع و یقین بتوان گفت که سعدی مذهب اشعری دارد و این گفته از دو راه قابل اثبات است: نخست اینکه سعدی شاگرد نظامیه بوده و در این مدارس تنها مذهب رسمی و مورد قبول، مذهب اشعری بوده است. دوم گفته خود سعدی در گلستان و بوستان و قصاید و غزلیات، که بر اساس آنها قضا و قدری حتمی بر جهان حاکم است و بشر هم یکسره محکوم این تقدیر تغییرناپذیر است و از روی جبر محتوم در این گردونه هستی حرکت می‌کند و او را کمترین اختیاری نیست" (ص ۷۹).

۱-۲. توضیح درباره مفهوم حسن و قبح افعال و تقسیم‌بندی‌های آن. نظر اشاعره، معتزله و شیعه درباره این مفهوم و نقد و تحلیل دخالت عقل در تشخیص حسن و قبح افعال از دیدگاه شیعه (صص ۹۲-۸۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نیست). ۲-۲. موافق، قاضی‌عضالدین ایچی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. قصاید ۵ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله در واقع توضیح و تحلیل مسئله "حسن و قبح افعال" از دیدگاه اشاعره، معتزله و شیعه است و تنها ۲ صفحه از ۱۴ صفحه مقاله به نظر سعدی اختصاص داده شده است. به نظر می‌رسد عبارات نخستین این مقاله (که درباره سعدی است) به اصل مقاله (که مربوط به سعدی نیست) افزوده شده است.

۴-۲. نویسنده با گزینش ابیاتی (بدون ذکر نشانی) که در آن بر موضوع "قضای محتوم الهی" تأکید و از انسان سلب اختیار شده، سعدی را از معتقدان مسلم مذهب اشعری دانسته که از نظر او "بشر یکسره محکوم این تقدیر تغییرناپذیر و از روی جبر محتوم در این گردونه هستی حرکت می‌کند و او را کمترین اختیاری نیست" (ص ۷۹).

حکایت جبر و اختیار و قضای الهی راستی حکایت غریبی است که حتی بسیاری از اندیشمندان را هم لغزنده است. چگونه می‌توان درباره سعدی چنین حکم قاطعی صادر کرد، در حالی که او در همه آثارش دیگران را به دلیل اختیارشان، به راستی و درستی فرا می‌خواند. مگر تنها بوستان او یک دوره کامل حکمت عملی نیست؟! برای پرهیز از درازی سخن از تمام گفته‌های سعدی تنها از قصاید او که در عین تعقل و استدلال با زلالی اندیشه سروده شده‌اند، چند بیت را بازنگری می‌کنیم تا ببینیم آیا به قول نویسنده مقاله درست است که در نظر سعدی انسان را "کمترین اختیاری نیست"؟! راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری (کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴)

دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی (همان، ص ۷۵۵)

برن که قوت بازوی سلطنت داری که دست همت مردانت می‌دهد یاری جهان گشای و عدو بند و ملک بخش و ستان که در حمایت صاحب‌دلان بسیاری (همان، ص ۷۵۵)

بمرد و هیچ نبرد آن که جمع کرد و نخورد بخور، ببخش، بده ای که می‌توانی، هان (همان، ص ۷۴۱)

گردون سنان قهر به باطل نمی‌زند الا کسی که خود بزند سینه بر سنان (همان، ص ۷۳۶)

گنج خواهی در طلب رنجی بیر خرمی می‌بایدت تخمی بکار (همان، ص ۷۲۴)

گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد (همان، ص ۷۱۰)

سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند راستی کن به منزل نرود کج رفتار (همان، ص ۷۲۰)

به سعی ای آهین دل مدتی باری بکش کاهن به سعی آینه گیتی نما و جام جم گردد  
(همان ، ص ۷۱۱)

و صدها نمونه دیگر که در اینجا مجال بازگویی آنها نیست.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی ... ، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶. ۵-۲. همه گویند ولی گفته سعدی دگر است، دکتر یوسف ایزدی، روزنامه اطلاعات، شنبه ۶ اسفند ۱۳۷۲، ص ۶. ۵-۳. گزیده گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴.

### **سعدی و خسرو ، محمدحسین تسیحی، وحید، دوره نهم، شماره ۷، مهر ۱۳۵۰، صص ۱۱۴۲-۱۱۴۰.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب " سعدی و خسرو " تألیف سید وزیرالحسن عابدی با ذکر مشخصات دقیق کتاب، از جمله نقل عباراتی از دیباجه کتاب: " این مجموعه مشتمل بر تمام غزلیات هم طرحی سعدی و خسرو که دارای چهل و سه زمینه هم طرحی و شامل نودوهفت غزل می‌باشد براساس متن کلیات شیخ سعدی تصحیح کرده مرحوم محمدعلی فروغی (چاپ احمدعلی، تهران) و دیوان کامل امیرخسرو دهلوی (چاپ درویش، تهران) تهیه و ... تصحیح شده است." (صص ۱۱۴۱-۱۱۴۲).  
- طرح تألیف کتاب سعدی و خسرو کاملاً ابتکاری و تازه است. غزل‌های سعدی در صفحه‌های زوج و غزل‌های خسرو در صفحه‌های فرد آمد است.

۱-۲. نقل دو غزل همانند سعدی و امیرخسرو دهلوی از کتاب مذکور (ص ۱۱۴۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. " سعدی و خسرو "، سید وزیرالحسن عابدی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته به کوتاهی کتاب " سعدی و خسرو" با ذکر جزئیات (تعداد صفحات نوع کاغذ، قطع و رنگ جلد کتاب، شمارگان، خطاط کتاب و ...) معرفی شده اما ذکر زمان انتشار کتاب فراموش شده است.

### **سعدی و دیل کارنگی [ ۱ ] ، دکتر عزت‌الله همایونفر، تابان، سال دوم، شماره دوازدهم، اول اسفند ۱۳۴۲، صص ۲ و ۳۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به دلیل انتخاب موضوع مقاله و ترجیح سعدی بر دیل کارنگی به جهت وسعت او: " دیل کارنگی مردی روان‌شناس و مربی عالی‌قدری است، لیکن شیخ سعدی دارای جنبه‌های متعددی می‌باشد که یکی از آن جنبه‌ها مربی بودن اوست. ما در این مقاله به سعدی شاعر، سعدی عارف، سعدی فیلسوف ... کاری نداریم. ما سعدی مربی را با دیل کارنگی می‌سنجیم " (ص ۳).

۱-۲. توضیح در باره دیل کارنگی و روش کار او در درمان‌های روانی: " دیل کارنگی یکی از معلمان اجتماع و از روان‌شناسان و خطبای معروف آمریکاست، که امروز دارای شهرت جهانی شده است، از این جهت که روش او در ارشاد مردم و توفیقات آنها در امور اجتماعی مورد پذیرش و قبول اکثریت ملت‌هاست ... از سال ۱۹۱۲ تاکنون ... مرتباً به ارشاد و تربیت و هدایت جماعات مختلف مردم اشتغال داشته است." (ص ۳). در ۲۴ نوامبر سال ۱۸۸۸ در ایالت مسیوری آمریکا به دنیا آمد (ص ۲۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. ر.ک. قسمت دوم مقاله، بخش ۴.

### **سعدی و دیل کارنگی [ ۲ ] ، دکتر عزت‌الله همایونفر، تابان، سال سوم، شماره اول، ۲۵ اسفند ۱۳۴۲، صص ۱۰ و ۱۱ و ۳۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله (که در شماره دوازدهم سال دوم به چاپ رسیده بود) و تشریح افکار و شیوه عملکرد دیل کارنگی: " شأن دیل کارنگی در این است که کلمات بزرگان را طوری صیقلی و معمولی و عادی کرده است که قابل درک و استفاده هر طبقه‌ای می‌باشد " (ص ۱۰).

۱-۲. مقایسه میزان توجه مردم غرب به دیل کارنگی و شخصیت‌های دیگری چون شکسپیر، هوگو، کانت و ... (ص ۱۰).

۱-۳. توضیح در باره سعدی و ارزش سخن و شیوه تربیتی او:

" سعدی با ذکر حکایت و شاهد و مثال و روایت به مسائل روزمره و احتیاجات عادی متوجه بوده و خواننده را برای یک زندگی معنوی مرفه‌تر دعوت می‌کند ... اعجاز سعدی در همین است که او هم روان‌شناسی عملی را برده، و هم سعی کرده است که در تسهیل روابط افراد با یکدیگر دروسی به مردم بیاموزد (ص ۱۱) در چشم این مربی بزرگ همواره اشکی از شوق دیده می‌شود - رحم و شفقت مواد اولیه دروس اوست ... باید اقرار کرد که سعدی به کلام پر می‌دهد و به کلمه معنی می‌بخشد ... افتادگی، نیک بودن، سر نگهداری، خاموشی، درستی، توکل و توجه به مبدأ ارکان اصلی مکتب تربیتی اوست ... " (ص ۳۲).

۱-۴. نتیجه‌گیری: " وجه اشتراک سعدی و دیل کارنگی زیاد است: هر دو در حیات خویش شهرت پیدا کرده‌اند. هر دو در جهان گشته‌اند. هر دو به ملاقات افراد مختلف و مطالعه زندگی طبقات مختلف پرداخته‌اند. هر دو به فکر ارشاد و اصلاح جامعه بوده‌اند. هر دو از فلسفه تربیت به دروس عملی آن پرداخته‌اند. هر دو تعالیم خود را به کمک قصص و امثله و عبارات روان آورده‌اند. هر دو در جهان مشهورند " (ص ۳۲).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۵ بار، غزلیات ۵ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته قسمت دوم مقاله است (قسمت اول در شماره دوازدهم سال دوم به چاپ رسیده است) در این مقاله ابتدا به شخصیت و شیوه عملکرد ودلایل توفیق دیل کارنگی - روان‌شناس آمریکایی - پرداخته شده و سپس درباره شیوه تربیتی و تعلیمی سعدی با استناد به برخی از سخنان و سروده‌های او توضیح داده شده و وجوه مشترک سعدی و کارنگی باز نموده شده است، و بیش از آنکه دارای وجوه تحقیقاتی و علمی باشد، به عنوان یک موضوع عمومی دارای ارزش اجتماعی است. مخاطبان این مقاله در واقع کسانی هستند که نسبت به شیوه‌های درست رفتاری، افتخارات گذشته و ارزش‌های اصیل فرهنگی خود بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، از این نظر نوشته‌ای سودمند است. اما تطویل کلام (از جمله مباحث پایانی ص ۳ و آغازین ص ۲۹ در قسمت اول و نیز بخش آغازین ص ۱۱ از قسمت دوم) و نداشتن نشانی مأخذ و ... از ارزش علمی مقاله کاسته است.



سعدی و رمز و رازش، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، فصلنامه هستی، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۹۸-۹۳.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقدمه کلیات نفیس سعدی شیرازی به خط فتحعلی حجاب شیرازی، انتشارات انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۷۲، صص: ر تا و.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ابهام در شخصیت مولوی، سعدی و حافظ و تأکید بر ضرورت پرده‌برداری از روی رمز و راز آنها (ص ۹۳).

۱-۲. توضیح درباره ابعاد شخصیت سعدی و چگونگی بهره‌گیری از آثار و اندیشه‌های او: "هرگاه این پرسش را پیش آوریم که سعدی چگونه کسی است و چه می‌خواسته بگوید، نه با یک جواب، بلکه با چند جواب روبه‌رو می‌شویم، و چند مشرف‌الدین سعدی را در برابر خود می‌بینیم: سعدی متعبد و مؤمن، آزاداندیش، نصیحت‌گو و عارف، عاشق‌پیشه و زیباپرست. اکنون در میان آنها سعدی واقعی کدام است؟ ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که مجموعی از آنهاست، با یک آلیاژ (ملمع) اندیشه و چون او پیش از هر گوینده دیگر سخنگوی "مجموعیت" قوم ایرانی است، پس در واقع هر چه در اوست، باز می‌گردد به مردم ایران، به ایران ترک زده، مغول زده، و زده‌های دیگر، در یک کلمه می‌توان گفت "ایران تاریخ‌زده" ...

فردوسی و مولوی و حافظ هر کدام جنبه‌های برجسته‌ای از نبوغ و روح و نیاز ایرانی را در خود منعکس دارند، ولی سعدی چند جنبه آن را با هم اخت کرده و از این رو گسترده‌تر از سه تن دیگر، در این هفت قرن در جامعه ما حضور داشته ...

جای حرف نیست که بسیاری از نصیحت‌های سعدی ... هنوز هم می‌تواند برای فرد توشه و زینت باشد، ولی بسنده نیست. اگر توفیق داشته باشیم، آنها را بنیوشیم و به کار بندیم، اما نیندازیم که با آنها به تنهایی بتوان ملتی را راه برد...

نخستین بهره آن است که از سخنش لذت ببریم و سرشار شویم... کس دیگری را در زبان فارسی نمی‌شناسیم که به اندازه او چالاک‌اندیشه و جرعه روح داشته باشد.

دومین بهره، می‌تواند از معانی باشد که ما را در شناخت خود و مردم خود کمک می‌کنند و هنوز هم می‌توانند به تهذیب و تأمل وا دارند ... " (صص ۹۴-۹۳).

۱-۳. اشاره به تناقض‌های موجود در سخن سعدی و برخی خرده‌گیری‌ها از او: "سعدی در یک دوره بسیار آشفته تاریخ ایران - که عصر اوست - کمر می‌بندد تا جامعه خود را از لحاظ اخلاق فردی بهتر کند، بخصوص زورمندان را قدری دهنه بزند؛ و برای این منظور به همه گرایش‌ها و زمینه‌های گاه متناقض طبیعت انسان توسل می‌جوید ... تناقض‌هایی که در گفتار سعدی دیده می‌شود، نشانه واقع‌بینی اوست ...

کسانی که به سعدی ایراد کرده‌اند که چرا گفته است: دروغی مصلحت‌آمیز به از راستی فتنه‌انگیز ... چه بسا که خود از همه دروغ‌گوتر بوده‌اند ... حرف سعدی برای دورکردن شر بزرگ‌تر است، در ازای ارتکاب گناهی کوچک ...

ایراد دیگری که بر سعدی وارد کرده‌اند، آن است که چرا افراد متباین را که گاه با هم دشمن هم بوده‌اند، مدح کرده است ... ایراد قابل توجهی است که باید در آن دقت کرد. چند نکته به نظر می‌رسد:

۱. مدایح سعدی با مدایح کسان پیش و بعد از او تفاوت بسیار دارد. وی در این گونه شعر، زبان به نصیحت می‌گشاید که گاه بسیار جسورانه و تلخ است و تنها در انتها چند بیت ستایش یا دعا می‌گنجاند ...

۲. مفهوم فرمانروا و حاکم در گذشته در نظر مردم با امروز فرق داشته است. تنها از دویست سال پیش به این سو، یعنی از انقلاب فرانسه، نظر جهانی دیگری نسبت به موضوع شیوع یافته ... چون امروز در جاهایی وضع با گذشته تفاوت کرده، گذشته را در ظرف اکنون نگذاریم.

۳. زبان فارسی پر از مدیحه‌سرایی حکام و اکابر قدرتمند است ... در این میان تفاوت میان مدح سخیف و ناسخیف، در نیت شناخته می‌گشت. اگر نیت کسب سود شخصی و دستیابی به عیش و نوش و تعین بود که به هوای آن قبیح و فضیح را محاسن جلوه دهند، البته بسیار زشت بود، اما اگر نیت خیرخواهانه‌ای در کار بود، می‌شد نتیجه گرفت که انگیزه دیگری در پی ممدوح وجود داشته. در مورد سعدی، آن گونه که از زندگی و آثارش برمی‌آید منظور خودخواهانه‌ای قابل تصور نیست ...

آنچه ما را در برابر سؤال قرار می‌دهد و آن را رمز سعدی خواندیم، تضادهایی است که در طبیعت خود او دیده می‌شود و در آثارش انعکاس یافته. یکی آنکه توانسته است گاهی خرافاتی و عادی شود و گاه دیگر در اوج اندیشه حرکت کند. واقعیت آن است که مردی چون او با آن همه هوشمندی و ظرافت طبع، گاه سخنان و حکایت‌هایی می‌آورد که انسان را به حیرت و تأسف وامی‌دارد.

همچنین در حالی که بزرگواری و آزاداندیشی از اکثر گفته‌هایش نمودار است، زمانی دستخوش تعصب یک مذکر می‌گردد. نه کمتر شایان توجه آنکه، او که همواره از زهد و تورع دم می‌زند و در "ابل" (شتر) همان زیبایی صنع را می‌بیند که "در خواریان چین و چگل"، همان زمان می‌بینیم که ربودگی به جانب زیبایی پیکر، نظریاتی و برخورداري جسم، غزل‌هایش را خواهش افشان کرده است، که این یک البته نه عیب بلکه نشانه عنایت شیخ اجل به همه جوانب سرشت انسانی است ... " (صص ۹۸-۹۳).

- اشاره‌ای به ارزش غزل‌های سعدی با این نتیجه‌گیری که: "اگر شمس‌الدین محمد حافظ پس از او نیامده بود، ما می‌توانستیم او را تنها سرکلیددار بستان‌سرای عشق‌ورزی در زبان فارسی بخوانیم" (ص ۹۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. فصاید ۳ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۲ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته که در واقع به عنوان مقدمه بر کلیات نفیس سعدی به خط هنرمندانه خوشنویس توانمند، فتحعلی حجاب، نوشته شده، با نثری موجز و به دور از انشاپردازی و زایدگویی، شخصیت ادبی و اجتماعی سعدی را معرفی کرده و به برخی خرده‌گیری‌هایی که نسبت به او شده، پاسخ شایسته داده است.

هر چند در این نوشته سخن تازه‌ای درباره سعدی مطرح نشده است، اما به عنوان مقدمه کلیات، چکیده بسیاری از سخنان ارزشمند مطرح شده را در خود جای داده و چهره واقعی سعدی را برای مخاطبان عمومی خود، بخوبی بازنموده است.

سعدی و زبان عربی در آئینه گلستان، دکتر رضا هادی‌زاده، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۹۴-۲۷۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۴۵-۴۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تقسیم‌گفتار مورد نظر به پنج بخش:

۱-۱-۱. سعدی و تکلم به زبان عربی - در این بخش به دلایل و عوامل آشنایی سعدی با زبان عربی پرداخته شده است.

۱-۱-۲. عربی در بافت لفظی گلستان - اشاره به اختلاف میزان و عبارات عربی در چاپ‌های گلستان و ذکر تعداد دفعات استفاده آنها در گلستان‌های استفاده شده در مقاله: " میزان اشعار عربی در گلستان‌های مورد استفاده در این مقاله به شرح زیر، کم و زیاد ضبط گردیده است: گلستان دانش ۴۷ بیت و دو مصراع، گلستان امیر کبیر ۴۵ بیت و دو مصراع، گلستان پیروز ۲۷ بیت و دو مصراع ...، مجموع عبارات عربی در چاپ‌های دانش و امیرکبیر ۶۱ و در گلستان پیروز ۵۰ می‌باشد ... الفاظ عربی - چه به صورت تک مرواریدهای پراکنده و چه به شکل لاک‌های به هم پیوسته منثور و منظوم - در ترکیب کلام نقش اصلی و اساسی دارند و به هیچ روی، صرفاً به منظور تزئین کلام به کار نرفته‌اند " (صص ۲۷۸-۲۷۹).

" وجود ترکیباتی نظیر علی‌العموم، علی‌الخصوص، عاقبة الامر و ... در عبارات گلستان به منزله تار و پود سخن بوده ... و در تشکیل کلام نقشی بنیادین داشته ... " (ص ۲۸۰).

" در عبارات گلستان جمله‌های عربی، با عبارات فارسی به هم در آمیخته و از جمع آمدن این تار با آن پود است که چنین دیبایی فراهم گردیده ... " (ص ۲۸۱).

۱-۱-۳. عربی در بافت معنوی گلستان (صص ۲۸۱-۲۸۶).  
" عمق اندیشه سعدی در مسائل اخلاقی، عرفانی، فلسفی، اجتماعی، تربیتی و غیره نشأت یافته از فرهنگی است اسلامی به زبان عربی، که وی در طول چندین دهه، ضمن آشنایی با قرآن و حدیث و مطالعه ادبیات و تحصیل علوم و دروس رایج در نظامیه بغداد، با آن در ارتباط تنگاتنگ بوده و طبعش از داده‌های این فرهنگ، سرشاری و لطافت یافته و ذوقش از سرچشمه‌های این فرهنگ سیرابی و سلامت پیدا کرده است " (ص ۲۸۲).

" مآخذی که برای مضامین سعدی از ادبیات عربی بازبایی شده به شرح زیر تفصیل یافته: در آیات الهی ۸۸ مورد، ... در حدیث ۹۷ مورد، ... در امثال عربی ۸۵ مورد ...، در شعر عربی ۱۲۴ مورد ...، در آثار متنی ۱۰۲ مورد ...، در داستان‌های عربی ۱۴ مورد." (ص ۲۸۵).

۱-۱-۴. اسالیب عربی در عبارات فارسی گلستان (صص ۲۸۸ - ۲۸۶).

" یکی دیگر از تصاویری که در آئینه گلستان مشاهده می‌شود و تأثیر معماری فرهنگ اسلامی عربی را در ساختمان اندیشه سعدی نشان می‌دهد، وجود عبارات و مفاهیمی است که لفظ و معنی آن فارسی و اسلوب بیان آن، اسلوب عربی است. به عبارت دیگر جمله فارسی دارای ساختی عربی می‌باشد ... (ص ۲۸۶) وجود این نمونه‌ها در بیانات سعدی می‌تواند دلالت بر رسوخ عمیق اسالیب عربی همراه با مضامین آن در ذهن و حافظه وی نماید و نیز ممکن است نشانی از وجود اصل و مأخذ عربی باشد که در ترجمه و نقل آن مضمون - خواسته یا ناخواسته - اسلوب آن محفوظ مانده است " (ص ۲۸۸).

۱-۱-۵. نوآوری‌های لغوی در گلستان - در این بخش واژه‌های "عوایب" و "کفاف" و "عجایب" و "ذمائم" و "حماید" به عنوان واژه‌هایی که یا در فرهنگ‌ها نیامده و یا به معنی دیگری ضبط شده است، از ساخته‌های لغوی سعدی به شمار آمده‌اند (صص ۲۸۸-۲۹۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. روضه‌الورد، ترجمه محمد الفراتی. ۲-۳. شرح سودی بر گلستان، ترجمه خوش‌طینت. ۲-۴. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۵. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی، مطبوعات پیروز. ۲-۶. گلستان سعدی، به کوشش نورالله ایران‌پرست. ۲-۷. متنبی و سعدی، دکتر حسین‌علی محفوظ. ۲-۸. مدارس نظامیه، دکتر نورالله کسایب.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۵ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای یک بحث گسترده در تأثیرپذیری سعدی از زبان و فرهنگ عرب باشد. ۴-۲. ذکر نشانی شواهد و نقل قول‌ها از دیگر ویژگی‌های این نوشته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی ...، اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶-۲. ۵-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۴۲، ۴۵، ۲۳۱، ۲۷۴، ۳۱۲، ۴۷۷، ۵۱۵، ۵۲۸، ۵۴۹، ۵-۳. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷.

**سعدی و زمانه او در ژاپن، امیکو اوکادا، روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۵ دی ۱۳۶۳، ص ۶.**  
\* این مقاله یک بار دیگر با عنوان " زمانه سعدی در ایران و ژاپن " در " جلد اول ذکر جمیل سعدی " (صص ۱۵۶-۱۴۷) و یک بار در کیهان فرهنگی (شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۲۰-۲۹) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

**سعدی و سهروردی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعدی‌نامه به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۷۱-۹۱.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۷۰۶-۶۸۷. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۱۴۱-۱۲۰.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به سه تن از مشایخ بزرگ معاصر سعدی: " در آغاز قرن هفتم که شیخ بزرگوار سعدی شیرازی به احتمال قوی‌تر نخستین مراحل زندگی را می‌پیمود سه تن از مشایخ بزرگ و پیران راستین مسند ارشاد و بساط معرفت گسترده بودند: " نخست: شیخ نجم‌الدین کبری ... که به احتمال قریب به یقین (که می‌توان گفت به سرحد قطع می‌رسد) شیخ سعدی را با وی اتفاق دیدار نیفتاده است. چه علاوه بر آنکه در آثار منظوم و منثور شیخ به نام و عقاید و روش نجم‌الدین کبری اشارتی نیست، هنوز مسافرت سعدی به سوی خراسان و ماوراءالنهر به تحقیق نبیوسته و معرض شک و تردید است ... دوم: محیی‌الدین عربی محمدبن علی معروف به شیخ اکبر و ابن‌العربی... از نظر تاریخ ملاقات سعدی با محیی‌الدین ممکن است صورت گرفته باشد، چه زمان حیات او با روزگار سیاحت و تحصیل شیخ مطابقت تمام دارد و سعدی به طور قطع به شام مسافرت کرده. شاید در شهر اورا دیده باشد. چیزی که هست از تعلیمات محیی‌الدین در آثار سعدی اثری مشهود نمی‌شود ... سوم: شهاب‌الدین سهروردی که شیخ سعدی نام او را در بوستان با عنوان " شیخ دانای مرشد " ذکر می‌کند." (صص ۷۳-۷۰).

۱-۲. معرفی شهاب‌الدین سهروردی: " از سهرورد زنجان دو تن به نام شهاب‌الدین شهرت یافته‌اند، یکی شهاب‌الدین یحیی‌بن حبیب‌بن امیرک، معروف به شیخ اشراق و شهاب مقتول (۵۸۷-۵۴۹) ... و هیچ شک نیست که سعدی با این شهاب‌الدین ارتباطی نداشته و از دیدارش بهره‌مند نگردیده ... دیگر شهاب‌الدین ابوجعفر عمر بن محمد (۳۲۲-۵۲۹) که یکی از مشایخ بلند پایه تصوف است ... و مراد بزرگوار [ سعدی ] از " شیخ دانای مرشد " همین شهاب‌الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی است " (صص ۷۷-۷۴).

۱-۳. ذکر احوال، مراتب و مقامات شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ذکر نمونه‌هایی از آثار سعدی، و بیان تأثیر او از افکار و عقاید سهروردی (صص ۷۸-۷۸) نتیجه اینکه: " نباید گمان کرد که مقصود ما از ارادت و مصاحبت همان است که صوفیان اصطلاح کرده‌اند، یعنی آنکه شیخ سعدی در طریقت سهروردی داخل شده و در جزوی و کلی امور از دنیوی و اخروی چنانکه شرط مرید صوفی است

تابع و فرمانبردار شهاب‌الدین باشد ... دلیل ما آن است که نظر شیخ سعدی در قسمتی از میانی اخلاق و روش زندگی با عقاید سهروردی مخالف است ... (ص ۸۸).

۱-۴. اشاره به دو مورد از وجوه اختلاف شیخ سعدی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی (صص ۸۹-۸۸).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۱۲ بار، غزلیات ۸ بار، گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله که با ذکر سند و دلیل و نشانه، نگارش یافته علاوه بر داشتن ارزش علمی، به دلیل تازگی و ابتکار، نیز دارای ارزش است.

وجوه اشتراك و اختلاف سعدی و سهروردی با ذکر نمونه‌های شاهد برای نخستین بار در این مقاله مطرح شده است. همچنین نویسنده با بیان تفاوت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) و شیخ شهاب‌الدین سهروردی (ابوحفص) به دلایل عدم ارتباط دیداری سعدی با شیخ اشراق و ارتباط و دیدار او با ابوحفص سهروردی پرداخته، و همه نظریات خود را با استناد تاریخی و ذکر شواهد محکم کرده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۱۴۱-۱۲۰. ۵-۲. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۲۵. ۵-۳. از سعدی چه می‌دانیم، دکتر جعفر مؤیدشیرازی، خرد و کوشش، دوره ششم، بهار ۱۳۵۴، صص ۳۶. ۵-۴. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۵۰. ۵-۵. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۵، ۱۱، ۱۲. ۵-۶. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۱۰. ۵-۷. مأخذ اندیشه‌های سعدی ...، محمد غفرانی جهرمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، صص ۱۰۷. ۵-۸. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۸۶. ۵-۹. تاریخ ادبیات ایران ج ۳-۱، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ پنجم)، صص ۵۹۶. ۵-۱۰. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۲، ۳۴۰. ۵-۱۱. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۲۴، ۳۳. ۵-۱۲. سعدی، دکتر داریوش صبور، کتاب "آفاق غزل فارسی"، نشر گفتار، ۱۳۷۰، صص ۲۷۹-۲۷۸. ۵-۱۳. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۱۹، ۶۹، ۱۷۲. ۵-۱۴. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۱۹۶. ۵-۱۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۰، ۱۷، ۲۹، ۱۹۹. ۵-۱۶. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، صص ۲۸. ۵-۱۷. گلستان سعدی شیرازی، به خط اسماعیل نیکبخت، ویرایش و نگارش دیباچه: منوچهر آدمیت، انتشارات آتلیه هنر، صص: ده.

**سعدی و سیف فرغانی، ذبیح‌الله صفا، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۸۱-۶۷۵.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی چگونگی ارتباط سعدی و سیف فرغانی با اشاره به شرح زندگی سیف: "از جمله این شیفتگان که ارادت او به سعدی، به حالتی از سرسپردگی محض شباهت دارد، سیف‌الدین محمد فرغانی شاعر سده هفتم و هشتم هجری است که البته به سال از سعدی جوان‌تر بود و در حالی که استاد سخن مراحل پیری را به پایان می‌رسانید، او مدارج شباب را به مراتب کهولت نزدیک می‌ساخت ... او نه تنها شاعری فصیح و زیبان‌آور و عالمی مورد احترام و صوفی نصیحت‌گر و عارفی بلنداندیشه و مربی و معلمی پرشور بود، بلکه جامعه‌شناسی بود که با دقتی شگرف همه نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه اسلامی عهد خویش را زیر ذره‌بین انتقاد می‌گذاشت، زبان به مدح نمی‌گشود و از مکاتیب یا سلاطین و امرا خودداری می‌نمود (ص ۶۷۵) از هر چهار پنج غزلش یکی در جواب سعدی است (ص ۶۷۶). هیچ استبعاد ندارد که آشنایی سیف با سعدی از سال‌های اقامتش در تبریز آغاز شده و احتمالاً ممکن است این آشنایی حضوری بوده و در اقامت کوتاهی که سعدی بعد از سفر حج در تبریز داشت، رخ داده باشد" (ص ۶۷۷).

۱-۲. یادکرد مطلع نمونه‌هایی از غزل‌های سیف فرغانی که به استقبال از سعدی سروده است. با نقل مورد مشابه در دیوان سعدی (صص ۶۷۷-۶۷۸).

۱-۳. اشاره به شیفتگی سیف فرغانی به سعدی و اظهار این شیفتگی: "او چون واقف به استقبال‌های مکرر خود از سعدی بود، در بینی از يك غزل این معنی را اظهار کرده و به گفت و شنیده‌های خود با استاد اجل تفاخر نموده و گفته است: سعدیا من به جواب تو سخن‌ها گفتم چه از آن به که مرا با تو بود گفت و شنید ... " (ص ۶۷۹).

۱-۴. یادکرد نمونه‌هایی از قصیده‌های سیف فرغانی که برای سعدی سروده است (صص ۶۸۱-۶۷۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان سیف‌الدین فرغانی، ذبیح‌الله صفا.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه بدون انشاپردازی و حشو و زواید به بررسی چگونگی احتمال ارتباط سعدی با سیف فرغانی پرداخته و شیفتگی او را نسبت به سعدی با ذکر نمونه‌هایی از سروده‌های سیف که به استقبال از سروده‌های سعدی ساخته و پرداخته شده، بخوبی باز نموده است.

سادگی زبان، ایجاز درخور و نظرات مستند از ویژگی‌های این مقاله است، چنانچه نشانی دقیق نمونه‌های شاهد نیز مشخص می‌شد به جنبه علمی مقاله می‌افزود.

پیش از این نیز، آقای دکتر ضیاء‌الدین سجادی در مقاله‌ای با عنوان "سیف فرغانی و سعدی" با تأکید بر تأثیر و شیفتگی سیف فرغانی از سعدی، نمونه‌های آن شیفتگی را در دیوان سیف یافته و باز نموده‌اند. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. جشن‌نامه پروین، محمد پروین گنابادی، انتشارات توس، ۱۳۵۴.

**سعدی و صفی‌الدین اردبیلی، سعید نفیسی، پیام نو، سال چهارم، شماره ششم و هفتم، مهر و بهمن ۱۳۲۷، صص ۹۷-۱۰۰.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی ابن‌بزاز و کتاب "صفوة‌الصفاء" (ص ۹۷).

۱-۲. نقل عباراتی از کتاب صفوة‌الصفاء که ملاقات و گفتگوی صفی‌الدین اردبیلی و سعدی را شرح می‌دهد و نتیجه‌گیری از آن عبارات: "... پیداست که لحن این داستان لحن اغراق‌آمیز و عقیدتی است که مریدی به مرشد خود دارد و همه جا می‌کوشد برای او کرامتی پیدا کند و از هر چیز برای این کار نتیجه می‌گیرد اما در اصل مطلب که صفی‌الدین در شیراز سعدی را دیده است، تردید

نمی‌توان کرد و شاید چنانکه در این داستان [ داستان ملاقات سعدي و صفی‌الدین ] آمده در میان‌شان الفتی روی داده و کرارا یکدیگر را می‌دیدند و قهرآ هم می‌بایست چنین باشد ... " (ص ۹۸).

۱-۳. نقل یک مثنوی از قاسم انوار که شرح ملاقات‌های میان سعدي و صفی‌الدین اردبیلی را به نظم کشیده است (صص ۹۹-۱۰۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کتاب صفوة‌الصفاء، ابن بزاز، ۲-۲. مثنوی انیس‌العارفين، قاسم انوار.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه به دلیل تازگی موضوع و تحلیل عبارات صفوة‌الصفاء و نیز استفاده نویسنده از مثنوی قاسم انوار برای تحکیم و تأیید گفتار، سودمند است.

**سعدي و عشق ، رشید یاسمی، سعدي‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶ ، صص ۲۰۸-۲۱۵.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۸۲۱-۸۲۴.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. " صفت عاشقی یا عاشق‌پیشگی برجسته‌ترین صفات او [ سعدي ] است زیرا که نه تنها بابی از گلستان و بابی از بوستان را مخصوص اطوار این معنی قرار داده است، بلکه سرتاسر غزلیاتش توصیف آن است (ص ۲۰۸). در صفت کلام شیخ گفته‌اند که سهل و ممتنع، این سهولت تنها در لفظ نیست که خالی بودن از انواع تعقید لفظی و ایراد الفاظ غریب ناهنجار باشد بلکه سهولت حقیقی کلام او در معنی است (ص ۲۱۰) از ادنی مراتب عشق تا بلندترین مرحله آن سیر کرده و درجات محبوب‌های او مثل درجات و مقامات روح او بی‌شمار است. " (ص ۲۱۱).

۱-۲. " نباید پنداشت که سعدي چون دیگر مدعیان عاشقی پابند موی و روی دلبران بوده و مقصد نهایی او وصال‌های جسمانی است. با اینکه سراسر دیوان پر است از توصیف این عشق‌های صوری، چون قدری تأمل شود، پیداست که صاحب‌دل شیرازی حسن‌های بشری را نردبان و قنطره و طریق ورود به عالم عشق حقیقی دانسته است بلکه اصلاً محبت‌های مجازی را عشق نمی‌داند (ص ۲۱۲).

" از کلام شیخ پیداست که هر چند مخاطبش معشوق ظاهری است، چیز دیگر می‌جوید و دلیلش اینکه شیخ از وصل بکلی ناامید است و رهایی از کمند عشق را محال می‌داند " (ص ۲۳۱).

۱-۳. سعدي از اشخاصی است که با وجود ادراک انواع عشق که حکمای جدید شرح داده‌اند، مانند عشق طبیعی و عشق کنجکاو و عشق جنونی و عشق حبی هیچ یک را غایت و هدف طلب خود ندانسته است. " (ص ۲۱۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي. (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۱۱ بار، بوستان ۷ بار، گلستان ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله نویسنده با استناد به برخی از سروده‌های سعدي، عاشق‌پیشگی و چگونگی دریافت سعدي را از مفهوم عشق بیان می‌کند و بیشتر مطالب آن توصیفی است.

۴-۲. نشانی ابیات شاهد مشخص نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. متن کامل دیوان شیخ سعدي شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۲۶.

۵-۲. حکمت سعدي، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۴۸.

**سعدي و فردوسی ، دکتر منصور رستگار فسایی، ذکر جمیل سعدي، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۲۹-۵۳.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۴۱-۲۸. ۲. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، دکتر منصور رستگار، امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۴۴۷-۲۸۵.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. گزینش دو بیت از فردوسی و سعدي و پیوستن آنها به هم، به گونه‌ای که گویی از یک سخن‌روند:

به نام خداوند جان و خرد کز این برتر اندیشه برنگذرد

(فردوسی)

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابش پوزش پذیر

(سعدي، ص ۵۵).

۱-۲. مقایسه فردوسی و سعدي: " این دو نمایانگر تشابهات و تناقضات فکری و مادی انسانند. به ظاهر دو پیام را می‌سرایند اما در واقع از "حقیقت" سخن می‌رانند، از دو شیوه گوناگون بیانی سود می‌برند، اما زبان پاک و روشن مشترک آنها، حرکت کمال‌جویی انسان را دنبال می‌کند. جدا می‌نمایند ولی با همند و اگر چه در بعد تاریخی از هم دورند در "نگرانی به خاطر سرنوشت انسان". مسائل اخلاقی و زندگی عملی کل جوامع انسانی با هم شریکند ... (ص ۵۶) از کلام هر دو "روشنگری" می‌تراود و تاریخ، چه زشت و چه زیبا، و انسان، چه خوب و چه بد، و حقیقت، چه با صراحت و چه با ابهام، جلوه می‌کند و راز و رمزها آشکار می‌گردد " (ص ۵۷).

۱-۳. ذکر نمونه‌هایی از اشعار فردوسی و سعدي و بیان وجوه اشتراک آنها: " زبان سعدي، مکمل زبان فردوسی است و زبان فردوسی، زیر بنای شفافیت کلام سعدي و زبان وسیله بیان نتیجه‌گیری‌های مشترک آنان است از موقعیت انسان و نتایج اعمال و رفتارهای او ... (ص ۵۹) بحث و اندیشه در تفاوت‌های اصولی و بنیادین منش فردوسی و سعدي، در واقع جز بیان تفاوت‌ها و اشتراکات ادب حماسی و ادب غنایی نیست ... (ص ۶۰) این دو شاعر در آداب ما، کامل کنندگان مجموعه فرهنگ میهن ما هستند و این فرهنگ، بی‌حضور هر یک از این دو ناقص خواهد بود " (ص ۶۴).

۱-۴. اشاره به برخی از وجوه اختلاف سعدي و فردوسی، از جمله اینکه: " انسان سعدي انسانی است که در گیر و دار شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، گذشت و میانه‌روی و سازش و انعطاف‌پذیری لازم را برای زنده ماندن و خوب زیستن دارد، اما انسان حماسه‌های فردوسی، انسان نمونه و ممتاز است، برای نام‌زدگی می‌کند و از ننگ می‌هراسد، ستم را بر نمی‌تابد، دروغ را حتی به مصلحت باور ندارد و جان برکف بر سر حقیقت ایستاده است. " (صص ۶۲-۶۱).

۱-۵. وجوه شباهت کلام سعدي با شاهنامه در یازده بخش کاویده و باز نموده می‌شود:

۱-۵-۱. " اشارات سعدي به فردوسی " - در این بخش سه مورد از اشارات مستقیم و غیرمستقیم سعدي به فردوسی باز نموده شده است و این اشارات با سروده‌های همانندی از نظامی و اسدی مقایسه شده است (صص ۷۰-۶۸).

۱-۵-۲. " اشارات سعدي به شاهنامه‌خوانی " - در این بخش پنج مورد از اشارات مستقیم و غیرمستقیم سعدي به شاهنامه و شاهنامه‌خوانی، باز نموده شده است (ص ۷۰).

۳-۵-۱. " استفاده سعدی از شخصیت‌های اساطیری، حماسی و تاریخی مذکور در شاهنامه " - این بخش خود به دو قسمت تقسیم شده است:

" الف: ذکر نام پادشاهان و شخصیت‌های اساطیری و تاریخی، با توجه به داستان‌های آنها در شاهنامه " - در این قسمت هفتاد مورد از آثار سعدی برای ذکر مثال باز نموده شده است. و در پایان این قسمت آمده است: " علی رغم علاقه سعدی به پادشاهان نیک کهن، در تصویرگری پادشاهان زمان خود، بی‌رحم و بی‌گذشت، بی‌پروا و جسور است ... مدایح سعدی با ترکیب تند ملامت‌ها و پندها و طرح و بیان حقاقت‌های انسان که مسلماً سلاطین را از آن گریزی نیست، همراه است و در نتیجه سعدی در مدح گشاینده بابت تازه که با تفکرات عالمانه و جهان‌بینی واقع‌بینانه او هماهنگی دارد، می‌شود " در این قسمت یازده بار از سخنان سعدی به طور مستقیم بهره جسته شده است.

" ب: استفاده از نام پهلوانان و ناموران ایرانی و دلاوری‌ها، عشق‌ها و داستان‌هایشان. در این قسمت سی‌ویک مورد از سروده‌های سعدی در پیوند با موضوع سخن باز نموده شده است (صص ۷۱-۸۴).

۴-۵-۱. " اشاره به موجودات و اعتقادات اساطیری " - این بخش نیز به دو قسمت تقسیم شده است.

" الف: اشاره به کتاب‌های دینی پیش از اسلام ایران ". در این قسمت چهار مورد از سروده‌های سعدی باز نموده شده است.

" ب: اشاره به موجودات اساطیری " - در این قسمت برای اژدها، دیو، و پری به ترتیب پنج، سیزده و بیست و سه مورد از آثار سعدی مثال آورده شده است.

در پایان این بخش نیز به چهل و هشت مفهوم از مفاهیم اساطیری، که سعدی در آثار خود از آنها یاد کرده، فهرست‌وار، با ذکر شماره صفحه اشاره شده است. (صص ۹۱-۸۴).

۵-۵-۱. " استفاده از فضای حماسی، نام و اوصاف جنگ‌افزارها " - در این بخش با تأکید بر زبان غنایی سعدی، به هنرمندی‌های او در بیان مطالب حماسی، اشاره می‌شود: " سعدی در آن دسته اشعاری که بر وزن شاهنامه سروده، انسان را به دنیای شاهنامه می‌کشاند و بعضی از ابیات وی به راستی یادآور ابیات شاهنامه و گاهی قابل اشتباه با آن می‌گردد " (ص ۹۱).

بعد از بیان فهرستی از واژگان حماسی که در آثار سعدی به کار رفته است در حوزه ترکیبات نیز ۲۰۷ مورد از مواردی که سعدی اصطلاحات حماسی را برای مضمون‌های غنایی به کار برده است، همراه با ذکر نشانی، معرفی می‌شود. (صص ۹۱-۱۰۳).

۶-۵-۱. " استفاده از وزن شاهنامه در داستان‌ها حکایات منظوم " - در این بخش آمده است: " بیشترین استفاده سعدی از این بحر در بوستان است که سراسر اشعار آن در این وزن سروده شده است ... در گلستان نیز از این وزن استفاده می‌کند، در میان تک بیت‌های گلستان ۴۰ بیت، در مثنوی‌های گلستان ۱۶ و در دو بیتی‌ها ۴ دو بیتی و در قطعات گلستان ۱۱ قطعه بر این وزن سروده شده‌اند " (ص ۱۰۴).

" طبیعی است که در غزلیات سعدی، وزن حماسه چندان مطلوب نیست و بنابراین سعدی در این نوع از شعر به استفاده از وزن متقارب علاقه‌ای نشان نمی‌دهد ... به طور کلی در مجموعه ۶۳۷ غزل سعدی، در چاپ مرحوم اقبال، فقط ۳ غزل یعنی تقریباً یک دوپست و دوازدهم کل غزلیات در بحر متقارب است ... در ترجیعات سعدی بر این وزن شعری نیست و در قصاید او دو قصیده هموزن شاهنامه وجود دارد ... ۷ قطعه بر این وزن سروده شده است ... در مفردات و هزلیات سعدی نیز از این وزن استفاده شده است " (صص ۱۰۶-۱۰۷).

۷-۵-۱. " بیان‌های حماسی در اوزان دیگر " - در این بخش ۲۰ بار از آثار سعدی، برای بیان مقصود، مثال آورده شده است (صص ۱۰۸-۱۱۰).

۸-۵-۱. " بررسی باب پنجم بوستان " - در این بخش با بیان حکایت: " شبی زیت فکرت همی‌سوختم ... " به چند ویژگی از این حکایت اشاره می‌شود:

۱-۵-۸-۱. " اشتراک آن با شاهنامه در وزن "

۲-۵-۸-۱. اینکه انتقاد کننده در عین حال که سعدی را می‌ستاید از او عیب می‌جوید که توانایی سرایش شعر حماسی را ندارد.

۳-۵-۸-۱. سعدی برای چالش در این شیوه فضایی حماسی ترتیب می‌دهد.

۴-۵-۸-۱. در این حکایت و حکایت دوم، از شخصیت‌های اساطیری و تاریخی شاهنامه کمال استفاده را می‌کند.

۵-۵-۸-۱. در این دو حکایت از بسیاری جنگ‌افزارها نام می‌برد، که این شدت استعمال در هیچ‌یک از حکایات گلستان و بوستان سابقه ندارد.

۶-۵-۸-۱. برای ایجاد فضای حماسی، از الفاظی که محور معانی آنها بر دلاوری و سلحشوری است، سود جسته می‌شود.

۷-۵-۸-۱. از تشبیهات و استعارات و فضا سازی‌های حماسی سود جسته می‌شود. (صص ۱۱۸-۱۱۰).

" اما به طور کلی آنچه کلام سعدی را از اوج خاص حماسی شاهنامه دور می‌کند، علاوه بر روحیه عارفانه سعدی و نتیجه‌گیری‌های مربوط به آن، عبارت است از: کاربرد برخی از واژه‌ها و ترکیبات عربی ... ، به کار بردن بعضی از ترکیبات غیر حماسی ... ضعف نهایی قهرمانان و تسلیم‌پذیری ایشان ... ، غلبه حالات عارفانه و خصلت‌های صوفیانه بر جنبه‌های رزمی و حماسی داستان ... ، ترجیح پهلوانان ساخته و پرداخته ذهن شاعر بر شخصیت‌ها و پهلوانان حماسی (صص ۱۱۹-۱۱۸).

۹-۵-۱. " نثرهای حماسی سعدی " - نویسنده در این بخش نیز پانزده بار از نثر سعدی برای بیان شاهد، سود جسته است (صص ۱۱۹-۱۲۲).

۱۰-۵-۱. " آشنایی سعدی با نصایح فردوسی در شاهنامه مخصوصاً اندرزهای بزرگمهر " - در این بخش با ذکر اندرزهایی از یادگار بزرگمهر شباهت برخی از آثار سعدی و شاهنامه فردوسی به این اندرزها کاویده شده است (صص ۱۲۵-۱۲۲).

۱۱-۵-۱. " تشبیهات و استعارات فردوسی از سعدی " - در آغاز این بخش آمده است: " سعدی در بسیاری از تشبیهات و استعارات خود، همان منابع تشبیهی و استعاری شاهنامه را به کار می‌گیرد و اگر از بعضی از تشبیهات خاص عصر سعدی بگذریم، زمینه اصلی تشبیهات و استعارات سعدی همان‌هاست که فردوسی به کار برده است " (ص ۱۲۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، مظاهر مصفا، ۲-۲. کلیات سعدی، اقبال، ۲-۳. تاریخ ادبیات ایران، ذبیح‌الله صفا، ۲-۴. انواع ادبی، محمدرضا شفیعی کدکنی، ۲-۵. آیین‌ها و افسانه‌های چین و ایران، کویاجی، ترجمه جلیل دوستخواه، ۲-۶. چهار مقاله، نظامی عروضی، ۲-۷. سیری در شعر فارسی، عبدالحسین زرین‌کوب، ۲-۸. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، ۲-۹. تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی، دکتر منصور رستگار.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲۰۷ بار، بوستان ۱۱۳ بار، گلستان ۷۱ بار، قصاید ۶۳ بار، قطعات ۳۵ بار، ملحقات و مفردات ۲۱ بار، ترجیعات ۶ بار، مثنویات ۴ بار، رباعیات ۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله جامع‌ترین و مفصل‌ترین مقاله‌ای است که تا کنون برای مقایسه سعدی و فردوسی نوشته شده و به تنهایی بیش از - (یک پنجم) مطالب جلد دوم کتاب ذکر جمیل سعدی (۳۷۵ صفحه) را شامل می‌شود.

۴-۲. بازیافت و بازنمود سروده‌های فراوانی از سعدی و فردوسی که برای بیان شاهد مقصود، از آنها استفاده شده، بر ارزش پژوهشی مقاله افزوده است - به طور کلی ۶۳۴ بار به آثار سعدی استناد جسته شده است.

۴-۳. اغلب استنادها و مثال‌ها منطقی است اما برخی از مثال‌ها نیاز به تأمل بیشتر دارد. به عنوان مثال در بخش پایانی مقاله (تشبیهات و استعارات فردوسی و از سعدی)، بسیاری از تشبیهات بیان شده، هم در آثار شاعران پیش از فردوسی و هم در آثار

شاعران پس از فردوسی به کار رفته است. و نمی‌توان با قطعیت گفت: سرچشمه این تشبیهات حتماً در شاهنامه بوده و سعدی در بیان این تشبیهات حتماً به شاهنامه نظر داشته است.

۴-۴. ذکر نشانی شواهد مثال یکدست نیست. مثال‌ها به ۸ گونه مختلف به اشکال زیر بیان شده‌اند:

۴-۴-۱. بدون ذکر نشانی.

۴-۴-۲. تنها ذکر نام شاعر در زیر بیت (مثلاً " سعدی ").

۴-۴-۳. شماره صفحه و شماره بیت (مثلاً " - " ۶۲۴۹).

۴-۴-۴. ذکر نام اثر و نام باب (مثلاً " گلستان، باب اول ").

۴-۴-۵. ذکر نام سعدی، نام مصحح کلیات و شماره صفحه (مثلاً: " سعدی، مصفا، ص ۷۰۵ ").

۴-۴-۶. ذکر تنها شماره صفحه (مثلاً " ۱۹۷ ").

۴-۴-۷. ذکر شماره صفحه و نام مصحح (مثلاً " ۱۱۶، مصفا ").

۴-۴-۸. ذکر شماره صفحه، نام مصحح با قید چاپ (مثلاً " ۸۷، چاپ مصفا ").

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی...، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶، ۲-۵. از چالش سعدی تا ساختار زبانی و بیانی شاهنامه، دکتر نصرالله امامی، مجله دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۲، صص ۵۹، ۷۳.

## سعدی و فروید، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶، شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۳۱-۳۰.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره زیگموند فروید و عقاید او درباره مسائل روانی غریزه، تربیت، آزادی و ... (صص ۱۸-۱۹).

۱-۲. مقایسه افکار تربیتی فروید با سعدی، از جمله: " دکتر فروید هدف تربیت را تسلط بر غرایز دانسته، سعدی نیز اصول مطلب را با دقت و وضوح بیان کرده است ... فروید برای بیان نظریه خود اصطلاحات خاصی وضع کرده و نتیجه این شده که تقریباً هیچ کس نمی‌تواند مفهوم و معنایی را که وی از این اصطلاحات منظور داشته درک نماید، ولی سعدی مسائل پیچیده علمی را به زبان معمولی مردم ... بیان کرده، به نحوی که حتی کودکان دبستانی نیز عقاید وی را در می‌یابند ... سعدی درست بر خلاف دانشمندان قرن بیستم اروپا که در مسئله تربیت یا ارضای غرایز بین ممنوعیت و آزادی تمایلات، متحیر مانده‌اند، طریق صحیحی را ارائه نموده ... سعدی به ما می‌آموزد که تربیت می‌تواند در نخستین مراحل زندگی " روش " و " نیروی محرکه " فرد را تعدیل و تنظیم نماید ... عمل مریب نیز به تعدیل تمایلات و احساسات محدود می‌باشد و هرگز نمی‌تواند استعداد خاصی را در شخص به وجود آورد ... سعدی، فضیلت تحمل را موجب نیل به عالی‌ترین مقامات معنوی و انسانی می‌داند و متقابلاً تسلیم مطلق در برابر تمایلات شهوانی را وسیله تنزل شخصیت بشری می‌شناسد ... به عقیده فروید ممنوعیت یا محرومیت از لذت همیشه با انحرافات جنسی و بیماری‌های عصبی همراه است، معذالک به نظر سعدی، انسان قادر است که تقریباً بر تمام تمایلات و خصوصاً تمایلات شهوانی مسلط شود، بی‌آنکه تحمل برای وی مخاطراتی در برداشته باشد ... فروید غریزه را یک محرک مداوم شدید می‌داند که اگر به طور صحیح ح به تقاضاهای آن پاسخ داده شود یک لذت مخصوص به خود ایجاد می‌کند، در حالی که سعدی به ما می‌آموزد که لذتی که از ارضای تمایلات در انسان ایجاد می‌شود، برای اشخاص مختلف، متفاوت بوده و با گذشته آنها و با توقعی که از زندگی دارند متناسب می‌باشد... " (ص ۳۰).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نوشته‌های فروید (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۷ بار، بوستان ۶ بار، غزلیات ۱ بار، قصاید ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته برخی از نظرات سعدی با نگره‌های زیگموند فروید مقایسه شده که از نظر نقد تطبیقی ارزشمند است، اما اگر مأخذ نظرات فروید و عین عبارات او یا ترجمه آنها در مقاله بیان می‌شد، بر ارزش علمی - پژوهشی مقاله می‌افزود.

۴-۲. نشانی مأخذ مقاله و نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی، مشخص نشده است.

۴-۳. این نوشته هم از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۱۸، ستون ۴، س ۱۲: بفهمم (به فهم) و ص ۳۰، ستون ۲، س ۲۸: شوره‌زار (شوره‌زار) و ص ۳۱، ستون ۱، س ۴۴، گلشکر خوار (گلشکر خوری) و ... .

## سعدی و فروید - مرضی در غرض، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۴۰، پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۳۱.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به نظر نویسندگان غربی (ارنست رنان، باریبه دومنار، آندره دوریه و ...) درباره سعدی و نفوذ افکار سعدی در اروپا (ص ۱۸).

۱-۲. توضیح درباره هزلیات و مطایبات سعدی، از جمله: " امروز ریشه بسیاری از طعنه‌های ملل فارسی‌زبان را در این قسمت از گفتار سعدی می‌توان یافت، هر چند که بعضی اصطلاحات ممنوعه و نامتعارف در آنها به کار رفته است (ص ۱۸). اگر محرومیت‌های جنسی همیشه به انحرافات شهوانی منجر شود، در مقابل، انحرافات شهوانی همیشه نتیجه محرومیت جنسی نمی‌باشد و این نکته بسیار دقیقی است که سعدی در رساله مضحکات و خبیثات با عبارت " مرضی در غرض " توضیح نموده است ... و عجیب‌تر آنکه زیگموند فروید با همه دقتی که در مطالعه انحرافات جنسی به کار برده، از این نکته غفلت ورزیده است " (ص ۱۹). ۱-۳. توضیح درباره مسئله جنسیت و شکل گرفتن جنین در رحم (صص ۱۹، ۳۱).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲-۲. مقاله " سعدی در اروپا " از دکتر عبدالحسین زرین کوب (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. برخی از توضیحاتی که در این نوشته آمده، به گونه‌ای در سلسله مقاله‌های پیشین نگارنده نیز به چشم می‌خورد، از جمله:

الف: سعدی و فروید و برتر اندراسل، رنگین‌کمان، شماره ۳۰، پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۴۷، صص ۱۷-۱۶ و ۲۷-۲۵.

ب: سعدی و فروید، مرده‌ای که مرده‌ای را می‌کشد، رنگین‌کمان، شماره ۸، شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۴۷، صص ۲۱-۲۰ و ۲۸، ۲۹.

ج: سعدی و فروید، رنگین‌کمان، شماره ۶، شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۳۱-۳۰.

د: سعدی و فروید و ... چنانکه افتد و دانی، رنگین‌کمان، شماره ۴۱، پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۴۷، صص ۲۱-۲۰ و ۲۵.

۴-۲. توضیحات مقدمه مقاله پیوند مناسبی با اصل مقاله ندارد و توضیحات پایانی مقاله (چگونگی شکل گرفتن نطفه و ...) نیز تنها بر حجم مقاله افزوده و باعث شده است که نوشته یکدستی خود را از دست بدهد.

۴-۲. مشخص نشدن نشانی مأخذ مقاله، بویژه نشانی نقل قول‌های ص ۱۸ از ارزش پژوهشی مقاله کاسته است.

**سعدي و فرويد - مرده‌اي که مرده‌اي را مي‌کشد ، دکتر محمود کاميار، رنگين‌کمان، شماره ۸، شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۴۷، صص ۲۱-۲۰ و ۲۹-۲۸.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. طرح واقعه خودکشي " مریلین مونروئه " يکي از زیباترین، مشهورترین و ثروتمندترین بازیگران آمریکایی سینما و تحقیق فاضلانه خانم " فرانسواز ژيرو " درباره آن و بررسی عوامل خودکشي و انواع محرومیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف و مقایسه آنها با نظرات سعدي (صص ۲۱-۲۰).

" امروزه معتقدند که در بیماری‌های رواني نیز مانند بیماری‌های جسمي، بدوآ باید به سبب‌شناسي پرداخت، زیرا مبتلایان به امراض روحي نیز در حقیقت محکوم و مغلوب علتی شده‌اند و سرزنش یا تنبیه ایشان به نتیجه مطلوبی منتهی نمی‌شود، ولي افتخار این کشف در روان‌شناسي از آن علمای قرن بیستم نیست، زیرا سعدي قبلاً آن را توضیح داده است: بدان ماند اندرز شوریده حال ... " (ص ۲۱).

محرومیت و ممنوعیت از کسب لذت همیشه به از بین رفتن مقاومت عصبي منتهی نمی‌شود چرا که در مورد بعضی از امیال، محرومیت قابل تحمل است و در مورد برخی دیگر غیر قابل تحمل می‌باشد و در این مورد قانع‌کننده‌ترین توضیحات از قلم شیرین سعدي، تراوش کرده است: " گوش تواند که همه عمر وي ... " در حقیقت معرفت کامل به عوامل ذاتي و اکتسابي موجب می‌شود که انسان از استعدادهاي ذاتي خود به قدر کافي استفاده کند. همچنین عوامل نامطلوب خارجي را تحمل کند ... داستان غلام عجمي گلستان ... حقیقت شگفت‌انگيزي را به نسل‌هاي بعد سپرده است ... (ص ۲۸) تقسیم کردن عوامل خارجي به خوب و بد بکلي مردود است و فقط مسئله تناسب این عوامل با میزان توقعات و با استقامت عصبي مطرح است ... اصل لذت که به وسیله پسیکانالیست‌ها با آن همه آب و تاب بیان می‌گردد، با توجه به عقیده سعدي بکلي دگرگون می‌شود.

... توقع زیاد موجب می‌شود که در ذهن انسان از ارزش حقیقي همه چیز کاسته شود ... و اگر خود را بکشد به گفته دکتر کارل مرده‌اي است که مرده را می‌کشد " (ص ۲۹).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نوشته‌های فرويد و برخی دیگر از روان‌شناسان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۴ بار، بوستان ۲ بار، غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته برخی از اختلالات روحي و رواني از دیدگاه صاحب‌نظران روان‌شناسي بررسی شده و نگره‌های آنان با نظرات سعدي مقایسه شده است. نگارنده مقاله که در رنگين‌کمان شماره ۶ (شنبه ۱۱ خرداد ۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۳۱-۳۰). برخی از نظرات سعدي و فرويد را مقایسه کرده بود. در این نوشته نیز به همان شیوه و با هدف ترجیح نظرات سعدي و قدمت آنها بر نظرات صاحب‌نظران امروزي این مقاله را پرداخته است. و چنانچه از برخی توضیحات پرهیز شده بود، به ایجاز مقاله ضربه وارد نمی‌شد، بویژه توضیحات آغازین مقاله بیش از حد نیاز طولاني شده است.

۴-۲. نشانی مأخذ برخی از مطالب مقاله و نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدي مشخص نشده است.

**سعدي و فرويد و ... چنان که افتد و داني ، دکتر محمود کاميار، رنگين‌کمان، شماره ۴۱، پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۴۷، صص ۲۱-۲۰ و ۲۵.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. توضیح درباره انحرافات جنسي و رواني و نظر سعدي و فرويد در آن باره، از جمله: " اگر اجتماع بشري آن طور که سعدي و فرويد تعليم داده‌اند انحراف اخلاقي را به عنوان يك بیماری به رسمیت بشناسد، در این صورت مبتلایان و بیماران هیچ‌گونه اصراري برای مخفي کردن بیماری خود نخواهند ورزید و مانند کسی که به سل یا اپانديست و یا تورم مفاصل و یا بواسير مبتلا شده، خود را به مراجع ذي‌صلاحیت معرفی خواهند نمود و ... " (ص ۲۰).

۱-۲. تأکید بر تربیت و کنترل حساب شده غرایز جنسي از جمله: " اصلاح روابط زن و مرد و تطبیق مقررات زناشویی با وظایف و مسؤولیت‌های طرفین، راه اساسي مبارزه با مفاسد اخلاقي است و تا این مهم انجام نگرفته، انحرافات جنسي و شهواني نتیجه طبیعی آن است " (ص ۲۱).

۱-۳. اشاره به برخی از حکایت‌های سعدي که در آنها سخني از روابط جنسي رفته است (صص ۲۱ و ۲۵).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۴ بار، غزلیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. تأکید نگارنده این مقاله بر تأیید و توجیه برخی از هزلیات و مطایبات سعدي است که در آنها به روابط جنسي اشاره شده است و تا آنجا پیش رفته‌اند که می‌نویسند: " علني کردن مفاسد اخلاقي راهي به جانب خیر و صلاح عمومي است. هر چند که از قلم شیرین سعدي، تراوش کرده باشد! ". مضمون اصلي این مقاله پیش از این نیز در نوشته‌های دیگر نگارنده مورد توجه قرار گرفته است (رک. اشاره مربوط به مقاله سعدي و فرويد - مرضي در غرض، دکتر محمود کاميار، رنگين‌کمان، شماره ۴۰، پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۴۷).

۴-۲. نشانی مأخذ و همچنین نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدي مشخص نشده است.

**سعدي و فرهنگ مردم ، دکتر محمدمهدی ناصح، ذکر جمیل سعدي، ج ۳، کمیسیون ملي یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۷۴-۲۴۲.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به اوضاع نابسامان و بی‌عدالتی‌های عصر سعدي (ص ۲۴۵).

۱-۲. بیان نظرات سعدي در امور اجتماعي و توجه وي به مردم عصرخود (صص ۲۴۶-۲۴۷).

" مفهوم مردم در نظر سعدي همان بني‌آدمند، بني‌آدمي که غالباً محرومند و درمانده، گرفتار و پریشان روزگار که جز خدا یار و یاورى ندارند ... (ص ۲۴۶) لحن سعدي در بیان نکات مربوط به مردم و عوالم مربوط به آنها غالباً همراه نوعی مهرورزي است برخلاف آنجا که خطاب سخن با زبردستان است و ستمگران، اسلوب بیان به همراه نوعی پرخاش است و تندي (ص ۲۴۷). التفات سعدي در باب توجه به خلق خدای و خدمت به ایشان و طلب آسایش خرد و کلان، حتی نسبت به حیوانات و ترجم بر آنان گویای چنین اصلي است (ص ۲۴۹) سعدي در همه آثارش اعم از نثر و نظم می‌خواهد تا تجربه‌هایی که حاصل زندگی اجتماعي است از کودکی تا جواني و از جواني تا پیری را بشناسد و آن را چنان که دیده بشناساند (ص ۲۵۲) سخني به گزاف نیست اگر بگوییم که سعدي مهم‌ترین یا یکی

از مهم‌ترین شعرا و نویسندگان است که مطالب مربوط به مردم و جامعه عصر خود را با علم و اطلاع از انسان و حیات اجتماعی طرح کرده است و اعمال و رفتار و پندهای اجتماعی را - چنان که خود می‌پسندیده - به دست داده است و در این راه کمتر به پیش‌داوری و خیال‌پردازی و تعصب روی آورده. " (ص ۲۵۵).

۱-۳. بیان توجه سعدی به مظاهر مربوط به فرهنگ عامه: " توجه سعدی به جنبه‌های خاصی از حکمت عملی زندگی که فرهنگ عوام و خواص را شامل می‌شود و التفات وی به طرح تجربیات ویژه‌ای که ناظر است به مصالح افعال و اعمال و اعتقادات مردم و جامعه، همچنین تیزبینی سعدی در طرح دقایقی که می‌تواند مفاهیم عمده مردمی را در لباسی نو عرضه بدارد، باعث شده است تا گهگاه از عوالم مربوط به اعتقادات عامه سخن بگوید، همین امر از سوی دیگر نمودار ارتباط عمیق روحی سعدی است با عامه مردم (ص ۲۵۶) در آرای تربیتی سعدی نیز توجه به اساطیر و روایات و اعتقادات کهن مطرح است (ص ۲۵۷).

۱-۴. شرح کیفیت تجلی فرهنگ مردم در آثار سعدی: " مهم‌ترین نکته‌ای که در آثار سعدی مطرح است، همان جنبه همگانی بودن مطالب اوست در عرضه کردن آنچه زمینه‌های مربوط به فرهنگ مردم را در آثارش مشخص می‌سازد. سعدی با توجه به فهم همگانی مردم و صبغه عمومی بخشیدن به گفتارش، سعی می‌کند تا مطالب مختلفی که به نوعی با زندگی مردم ارتباط دارد از بین پدیده‌های مختلفی که مطرح نظر او قرار می‌گیرد برگزیند و به طرز ماهرانه‌ای عرضه نماید ... شیوه بیان سعدی در این گونه موارد چنان است که وی واقعه یا تجربه‌ای را که همگان بدرستی از آن اطلاع دارند و بارها آموخته‌اند، به اختصار تمام عنوان می‌سازد و سپس با التفاتی عمومی از آنچه مطرح شده به مقصود خود اشاره می‌کند. " (ص ۲۶۱).

" در سبب نزدیکی سخن سعدی به زبان و فرهنگ مردم نکته‌ای بدیع مطرح است که دو جنبه ممتاز را شامل است: یکی، بهره‌وری سعدی از مواد و عناصر و موضوعات همگانی و مردم فهم و دیگر، ارتباط و نزدیکی همان مطلب با مبانی مربوط به فرهنگ خواص. شاید این نوع از التفات که ترکیب مطبوع از سخن سعدی آفریده، در کمتر شاعر و نویسنده‌ای بدین قوت سابقه داشته باشد (ص ۲۶۲). آنچه به این معنی روح بیشتر می‌بخشد، رعایت جانب اختصار است و ایجاز و منطق ساده بیان (ص ۲۶۳).

غزل سعدی نیز به عنوان غزل لطیف و روان با توجه به زیبایی ساده و بی‌پیرایه، همچنین آهنگ ملایم و مطبوع و طبیعی ابیات، صمیمیت، صراحت، تصاویر عمده، اختصار و ایجاز، نگارگری‌ها، دوری از تکلف و تصنع به همراه مضامینی از نوع عشق، شیفتگی، دوستی، وفاداری، صدق، صفا، گله از دوری و هجران، شکایت از غم و اندوه، آرزوی دیدار و وصال و مباحثی از این نوع نتیجه تعادل فکر و تجربه سعدی است در میان همه آنچه رنگ غنایی به خود گرفته است (ص ۲۶۶). در موارد متعددی سخن سعدی در باب معشوق به صورت معشوق جسمانی مطرح است و در پاره‌ای موارد نیز چه بسا که دال بر انحطاط باشد و انحراف. مقصود اصلی آن که سعدی گاه احساس و ادراک باریک و ظریف خویش را با پسندهای مربوط به عامه یکی می‌داند و بسیاری از عوالم مربوط به درک موضوع را رنگ مردمی می‌بخشد (ص ۲۶۷). بدیهی است در غزل سعدی تعبیر و مضامین عارفانه‌ای که نماینده عشق وارسته انسانی است و گویای عوالم برتر کم نیست (ص ۲۶۸).

۱-۵. تنظیم چکیده مطالب در ۷ بند با عنوان " آنچه مایه توفیق سعدی در این زمینه‌هاست " (صص ۲۶۷-۲۶۹).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، کتاب‌فروشی اشراقی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۴۵ بار، بوستان ۴۳ بار، غزلیات ۳۰ بار، قصاید ۶ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بررسی نظرات اجتماعی سعدی از عمومی‌ترین پژوهش‌های سعدی‌شناسی است. مقاله حاضر نیز به همین موضوع پرداخته و استناد مکرر به آثار سعدی برای شاهد گفتار به ارزش مقاله افزوده است چنانچه نویسنده مقاله توجه بیشتری به رعایت ایجاز داشت برخی از عبارتهای مقاله کاسته و پیراسته می‌شد.

۴-۲. ذکر نشانی دقیق مثال‌ها به ارزش تحقیقی مقاله افزوده است.

۴-۳. این مقاله نیز از اشتباهات چاپی و غیرچاپی بر کنار نمانده است. از جمله: ص ۲۵۷، س ۲۱: اگر تو خشم کنی ای پسر و گر خشنود (اگر تو خشمگنی ای پسر ...) و ص ۲۶۰، س ۱۵: سایه (سایر) و ص ۲۶۲، س ۱۱: میندار (میندای) و ...

۴-۴. ارتباط برخی از مثال‌ها نیز با عنوان موضوع سست است، از جمله: ص ۲۵۸، س ۳: عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود ... ارتباطی با عنوان موضوع (در آرای تربیتی سعدی نیز توجه به اساطیر و روایات و اعتقادات کهن مطرح است، ص ۲۵۷) ندارد، زیرا این یک مثال عمومی و همیشگی است و از قبیل اساطیر یا روایات یا اعتقادات کهن نیست.

**سعدی و فلسفه زندگی، حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۶۲-۱۲۲.**

**چاپ‌های دیگر: ۱- کتاب " سعدی و فلسفه زندگی "، دکتر حیدر رقابی، نشر حیران، ۱۳۶۲، صص ۱۰۴-۲۹ (با گسترش بیشتر)**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. " یک‌صدوپنجاه سال پیش فلسفه‌ای در تاریخ شکل گرفت با نام فلسفه زندگی، این فلسفه، زندگی را پایه و مایه برداشت‌های فلسفی می‌شناخت و درونگرایی، آزادی و خودآگاهی را درخشنده‌ترین اصول جهان‌بینی زندگی می‌دانست (ص ۱۲۳). از چهره‌های درخشنده‌ای که در پیدایش و کاربرد این فلسفه جهانی می‌تواند و باید به نام یک چهره اصیل و آفریننده شناخته شود، سعدی شیرازی است. اندیشمند شیراز از حدود هشتاد سال پیش با شعر و زندگی و جهان‌بینی ویژه خویش این فلسفه یک‌صدوپنجاه ساله را پی‌ریزی کرده است. " (ص ۱۳۴).

۱-۲. " سعدی سخنگوی زندگی است، صحنه‌ها را برآیند نقاشی می‌کند. یک ویژگی بزرگ زبان سعدی مردمی بودن آن است. سعدی اشتباه زیست‌شناسان نژادپرست امروز را از هشت سده پیش به آنها گوشزد کرده بود: " بنی آدم اعضای یک پیکرند " و این سخن حکمت و زندگی بود (صص ۱۲۸-۱۳۵).

۱-۳. " فلسفه هنری سعدی بر پایه اصل خود بودن و خود ماندن است و همچنین اصل خود یافتن و از خود فرا رفتن. " (ص ۱۴۴).

۱-۴. " سعدی رنگ از خود بیگانگی را در چهره رهنمان فرنگ دیده و به دست آنان اسیر شده است و این هنگامی است که رهنمان فرنگ شمشیرزان از راه رسیده و به کانون فرهنگ شرق تاخته بودند. پاره‌ای از داستان‌های گلستان نمایان‌گر نموده‌هایی از این خود بیگانگی و خود با زیابی است. از جمله داستان " وقتی از صحبت یاران دمشقم ... " نتیجه هر دو ماجرا نمایان‌گر پیکار "خود" با "دیگری" و نتیجه هر دو، آزادی و خود رهایی است. سعدی در ماجرای بردگی فرنگیان، می‌داند که (برده) فرنگیان نیست و همچنین در اسارت زن بدخو و سیزه‌رو، همین آگاهی خود بودن و برده نبودن، پایه و مایه خودآگاهی است. " (صص ۱۴۵-۱۴۴). " ماجرای "از خود فرا رفتن و از خود باز یافتن" عارفانه از همان آغاز در اشعار سعدی تجلی داشته است. " (ص ۱۴۶).

۱-۵. " هویت عارفانه سعدی، هویت پیکارگری است که در راه زندگی پیکار می‌کند. " (ص ۱۴۷).

" هنر سعدی گاهواره فلسفه زندگی است. خود آگاهی او یک خودآگاهی کوشا و تلاشگر است و این تلاش‌ها نشانگر پویس‌هایی است در راه آزادی. " (ص ۱۴۸).

۱-۶. " اگر چه بارها به ستمگران اعتراض می‌کند، اما گاهی نیز دلش نرم می‌شود و رنگ مات "مدح" جای رنگ زنده ارغوانی سخنش را می‌گیرد، خود را مشعل ناچیزی در برابر " آفتاب " عقل و طبع درخشنده دژخیم مغول به شمار می‌آورد! دیگر این سعدی آن سعدی



حماسه‌آفرین پرخاشگری نیست که از زبان يك درویش آزاده بر سر حجاج یوسف بانگ برمی‌دارد و مرگش را آرزو می‌کند. به عکس، این سعدي براي حجاج ديگرى به نام انكبانو عمر دراز مي‌خواهد. يك جا از براي مستعصم، آخرين خليفه دژخيمان عباسي سوگوار مي‌شود و يك جا قصيده‌اي در مدح هلاكو يعني براندازنده مستعصم مي‌سرايد. " (ص ۱۵۱-۱۴۹).

۱-۷. توضیح درباره "حبر یا اختیار"، و انتقاد از نظر کسانی چون دکتر مهدی حمیدی - که، سنگینی اندیشه سعدي را بر جبر مطلق مي‌داند - و دکتر مهدی محقق - که، سعدي را معتقد به جبر مطلق مي‌داند. در این باره مي‌نويسد: " اگر پلنگان بتوانند خوي پلنگي را رها کنند و گل ناچيز ممکن باشد که بوي گل بگیرد و صاحب‌دل به مدرسه باز گردد و بخواهد و بتواند که غریقي را نجات دهد، معلوم مي‌شود که حرکت آزاد در هر جا ممکن است. همین که سعدي از حاکمی مي‌خواهد که راه راست را برگزیند، از براي او اختیار گزینش راه راست را قائل است. در آثار سعدي دو مطلب در حال تعارض است: جبر و اختیار تعارضی که در انجام و آغاز حرکت آن، آزادی هنری است و در اینجاست که فقط " اختیار" غلبه می‌کند. شعر سعدي باز گوینده زندگی سعدي است. در میان سعدي و شعر سعدي يك پیوند اساسي است و در واقع در همین پیوند است که شعر به گونه سرود زندگی بیانگر فلسفه زندگی می‌شود " (صص ۱۵۹-۱۵۱).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي، تصحيح محمد علي فروغي. ۲-۲. سعدي‌نامه با مقدمه محمد محيط طباطبائي. ۲-۳. مقالاتي درباره زندگی و شعر سعدي، دکتر منصور رستگار. ۲-۴. کلیات سعدي، انتشارات مشترك کتابخانه مركزي، خيام، علمي. ۲-۵. قلمرو سعدي، علي دشتي.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۱۷ بار، گلستان ۱۶ بار، بوستان ۱۵ بار، قصايد ۵ بار.

**۴ - اشاره:** ۴-۱. تأکید اصلي این نوشته بر باز نمود پیوند محکم سعدي با زندگی است. دکتر رقابي با بررسی خلق‌وخو و رفتار سعدي در آینه آثار او، شخصیت اجتماعی‌اش را کاویده و باز نموده است. بخش‌های پایانی مقاله که در آن برخی از تناقضات سخن سعدي نموده شده و با ذکر مثال‌هایی از آثار سعدي درباره جبر و اختیار، نظر دو تن از محققین نقد گردیده از بخش‌های ارزشمند این مقاله است. اما بخش نخست مقاله بیشتر يك انشاپردازی است، نمونه: " داستان شعر سعدي داستان رنگین کمان دور دست زندگی است که سرانجام، تابش رنگ‌های از همه سوگسترده آن، بازگشت به اصل خود است، به خویشتن خویش است، این رنگ‌ها در بازگشت نهایی دوباره به رنگ باغ‌های سبز در سبز شیراز می‌شوند ... " (ص ۱۴۰).

۴-۲. نشانی ابیات مشخص شده است، اما ذکر مأخذ يك دست نیست (مثلاً پاورقی شماره ۴ و شماره ۲۱ که مربوط به يك مأخذ هستند به دو گونه متفاوت نوشته شده‌اند و همچنین است پاورقی ۳۹ و ۶ و شماره‌های ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۲۵ که به شماره ۲۱ ارجاع داده شده‌اند، نادرست است (صص ۱۶۱-۱۶۰). و برخی از نقل‌قول‌ها هم از منابع معتبري برگرفته نشده‌اند، در صورتی که به گواهی همین مقاله نویسنده به منابع معتبرتری دست داشته است. از جمله اینکه برای سال‌های سفر سعدي از مقدمه کلیاتی استفاده کرده است که نویسنده آن نامعلوم است (پاورقی شماره ۱۴، ص ۱۶۰).

**سعدي و قضا و قدر، مهدی محقق، مقالاتي درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۸۴-۳۶۱.**

**چاپ‌های ديگر:** ۱. کتاب بیست گفتار، دکتر مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، صص ۶۲-۴۵.

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. بیان ابیاتی از سعدي که به قضا و قدر اشاره دارند و نتیجه‌گیری اینکه: " شکی نیست که او هم مانند هزاران فقیه و محدث و راوی و ... که در مدارس و معاهد علمی حوزه‌های تمدن اسلامي تربیت شده بودند، پیرو مکتب کلامی اشعری بوده است و یکی از اصول مهم این مکتب عقیده به قضای محتوم و قدر ازلی و سعادت و شقاوت ذاتی است. " (صص ۳۶۳-۳۶۱).

۱-۲. بحث مفصلی درباره قضا و قدر که ارتباطی با سعدي ندارد. (صص ۳۸۱-۳۶۴).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي البته براي بحث قضا و قدر که اصل مقاله است از سي و سه مأخذ معتبر و اساسي بهره برده شده است که در پایان همان مقاله شرح آن ذکر شده (صص ۳۸۴-۳۸۱).

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۷ بار، قصايد ۳ بار، گلستان ۱ بار، رباعیات ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در واقع اصل این مقاله درباره مسئله قضا و قدر در قرآن و سیر آن در بین فرقه‌های مختلف اسلامي است که اگر چه بحث ارزشمند، مستدل و مفصلی است، اما مستقیماً به سعدي مربوط نیست، از این مقاله بیست صفحه‌ای سه صفحه نخست درباره سعدي و هفده صفحه بعد به طور مس‌تقل مربوط به قضا و قدر است. گویی سه صفحه نخست را ناچار به آغاز آن مقاله افزوده‌اند. نویسنده با جمله زیر مطلب خود را به پایان رسانده و به سعدي پیوند داده‌است: " این بود مختصری از کیفیت طرح شدن مسأله قضا و قدر و جبر و اختیار در میان دانشمندان اسلامي، البته با توجه به مطالب یاد شده موقعیت مکتب کلامی اشعری در اسلام و همچنین تأثر سعدي از آن مکتب به طور اجمال آشکار می‌گردد " (ص ۳۸۱).

۴-۲. نویسنده تنها به مواردی از سخن سعدي استناد جسته است که مبتنی بر مضمون جبر است در حالی که مثال‌های بسیاری نیز می‌توان از سعدي بیان کرد که تأکید و تأیید اختیار است. حتی اگر از همه آثار ديگر سعدي بگذریم، تنها در چکامه‌های مشهوری که سعدي در آنها ممدوح خود را همواره به کردار نیک فرا می‌خواند و او را در گزینش عمل مختار می‌داند، نمونه‌های فراوانی را می‌توان شاهد گرفت، برای رعایت کوتاهی سخن از آن همه، تنها به چند مورد، بسنده می‌شود:

راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیري

(کلیات سعدي، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۵۵)

دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی ...

(همان، ص ۷۱۱)

به نوبتند ملوک اندر این سپنج‌سرای کنون که نوبت توست ای ملک به عدل‌گرای

دیار مشرق و مغرب مگیر و جنگ مجوی دلی به دست کن و زنگ خاطری بزداي

(همان، ص ۷۵۵)

گنج خواهی در طلب رنجی بیر خرمنی می‌بایدت تخمی بکار

(همان، ص ۷۲۴)

گردون سنان قهر به باطل نمی‌زند الا کسی که خود بزند سینه بر سنان ...

(همان، ص ۷۳۶)

برن که قوت بازوی سلطنت‌داری که دست همت مردانت می‌دهد یاری